کیهان ۵۸۶
KAYHAN.LONDON
بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح‌زاده
جمعه ۸ تا پنجشنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۵ خورشیدی
سال چهل و سوم ـ شماره ۲۰۵۲

# ابزارهایی برای بقاء؟!

## خرید کتاب سقوط بهشت

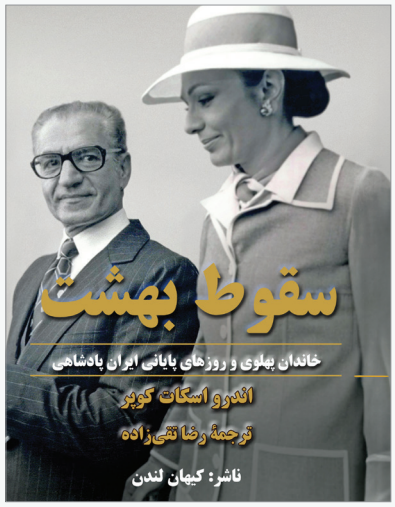


قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲
قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت کیهان لندن مراجعه فرمایید

## خرید سالنامه مهسا

قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶
قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت کیهان لندن مراجعه فرمایید

## آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london

KAYHAN LONDON
NEWS AND VIEWS FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی
KAYHAN LIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

## کیهان لندن منتشر کرد:

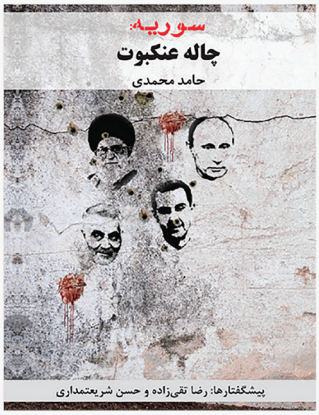


**کتاب «سوریه: چاله عنکبوت به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)**

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد.
علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیما از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing Email: satrap@btconnect.com wwww.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

## نامه ها و عاشقانه ها

حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی
نوشته: داریوش پیرنیا
به کوشش منصوره پیرنیا

لطفا جهت تهیه کتاب " نامه ها و عاشقانه ها " با انتشارات مهرایران
شماره تلفن: 3012796778 و یا 2406027273 در شرق آمریکا تماس حاصل نمائید.
Web: www.pirnia.com E.mail:pirnia@pirnia.com

کیهان

بنیانگذار:
دکتر مصطفی مصباح‌زاده

*****

KAYHAN LIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
@KayhanLife
@kayhanlife
@KayhanLife
https://kayhanlife.com/newsletters-subscription

کیهانِ شما ، کیهانِ لندن
@KayhanLondon
@kayhanlondon
@kayhanlondon
https://t.me/kayhan_london

*****

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

*****

سال چهل و سوم
کیهان شماره ۲۰۵۲ (۵۸۶)
۸ تا ۱۴ آبان ۱۴۰۵
۳۰ اکتبر تا ۵ نوامبر ۲۰۲۶

# کیهان

## فهرست مطالب

سرمقاله - تداوم سرکوب با توهم تأخیر در سقوط / روشنک آسترکی ..... ۴
تیتر هفته - ابزارهایی برای بقاء!؟... / ..... ۵-۴

پیام مهم شاهزاده رضا پهلوی به همه ایرانیان: به کارزار همکاری ملی برای نجات ایران بپیوندید تا... /..... ۶
شاهزاده رضا پهلوی: روز کوروش بزرگ خجسته باد!... /..... ۶
رویترز: جمهوری اسلامی طرح پیشنهادی قطر برای جلوگیری از جنگ را نمی‌پذیرد... /..... ۷
بنیامین نتانیاهو اختلاف با ایال زمیر را رد کرد؛ «مزخرف می‌گویند»... /..... ۸
ائتلاف نتانیاهو پیشتاز انتخابات اسرائیل؛ تلاش رئیس جمهور برای جلوگیری از انتخابات مجدد... /..... ۹-۸
جزئیات جدید از «جنگ ۱۲ روزه» از زبان رئیس پیشین موساد: تعداد زیادی از عوامل ما هنوز در ایران... /..... ۹
پایان ناوگان سایه؛ محاصره اقتصادی آمریکا ذخیره نفت جمهوری اسلامی به مقصد چین را خشکاند... /..... ۱۰
بازنشر لزوم داشتن حافظه‌ی تاریخی... / خیر اندیش (احمد احرار) ..... ۱۱
بازنشر گذار از طوفان - خاطرات مرتضی زربخت در گفتگو با حمید احمدی / بخش (۱۷) ... /..... ۱۳-۱۲
بازنشر دوقلوهای پهلوی؛ تمدن بزرگ در برابر سیاه‌چاله‌ی ارتجاع... / الاهه بقراط ..... ۱۵-۱۴
وال استریت ژورنال: آمریکا برای یک حمله کوتاه اما شدید به ایران آماده می‌شود... /..... ۱۷-۱۶
وال استریت ژورنال: میزان صادرات نفت از «تنگه هرمز» از پیش از جنگ هم فراتر رفته است... /..... ۱۷
در آستانه تصمیم ترامپ؛ تجهیز تسلیحاتی و عملیاتی ناو «جرج واشنگتن»... /..... ۱۸
آریامهر، معمار توسعه ایران ... / پائولا متکی ..... ۲۱-۱۹
پشت پرده نوبل؛ رد پول و پرونده‌های فساد... / فرید خلیفی ..... ۲۱
استاندارد دوگانه همیشگی!... / بهنام محمدی ..... ۲۱
تشدید انزوای زمینی جمهوری اسلامی در کنار محاصره دریایی و تحریم هوایی... /..... ۲۲
هشدار اطلاعاتی آمریکا درباره افزایش تهدیدات تروریستی جمهوری اسلامی... /..... ۲۳
نیویورک تایمز: جمهوری اسلامی در مراحل پیشرفته برنامه‌ریزی برای حمله به آمریکایی‌ها قرار دارد... /..... ۲۵-۲۴
تلاش کشورهای عضو «پیمان مکه» برای گفتگو با جمهوری اسلامی با هدف «کاهش تنش‌ها»... /..... ۲۵
بازگشت ماچادو به ونزوئلا؛ رویبو: نتیجه حمایت‌های آمریکا بود... /..... ۲۶
تلاش تروریست‌های حزب‌الله لبنان برای بازسازی توان نظامی... /..... ۲۷-۲۶
انتقال اطلاعات ماهواره‌ای روسیه از طریق جمهوری اسلامی به نیروهای نیابتی... /..... ۲۹-۲۸
ترامپ تماس ونس با محسن رضایی برای «مذاکره» را تکذیب کرد؛ مذاکرات صلحی در کار نیست!... /..... ۲۹
فراخوان گزارشگر ویژه سازمان ملل برای مستندسازی سرکوب‌های فرامرزی و فشار بر خانواده معترضان... /..... ۳۰
صدور کیفرخواست برای ۱۸ دستگاه دولتی و خصوصی متهم در حادثه انفجار بندر «رجایی» بندرعباس... /..... ۳۱
نان باز هم گرانتر شد؛ هشدار درباره بروز اعتراضات سراسری... /..... ۳۳-۳۲
هشدار ۱۰ تشکل اقتصادی به بانک مرکزی؛ امنیت غذایی کشور در خطر است!... /..... ۳۳
انقلاب ملی: بدیل استعمار... / پژمان گلچین ..... ۳۶-۳۴
فاجعه در بازار کار ایران؛ بیش از یک میلیون و ۷۰۰ هزار کارگر بیکار شدند... /..... ۳۷-۳۶
قیمت رسمی شیر خام افزایش یافت؛ کاهش سهم لبنیات در سبد خرید خانوارهای ایران... /..... ۳۸
قطع همزمان برق و گاز در ایران طی زمستان امسال «حتمی» است... /..... ۳۹
۹۹ درصد جمعیت ایران در گیر خشکسالی هستند... /..... ۴۱-۴۰
افزایش بیش از ۳۰ درصدی قیمت مرغ در ایران؛ مرغداران می‌گویند همچنان زیان می‌کنند... /..... ۴۲-۴۱
۷۷ ساعت؛ روایت سینمایی شب‌های خونین ۱۸ و ۱۹ دی ماه... /..... ۴۲
کمبود انرژی بلای جان صنایع بی‌رمق ایران... /..... ۴۳-۴۲
گفتگو با عباس فیض درباره خیام و به چالش کشیدن مفهومی به نام پروردگار و جهان آخرت... /..... ۴۴
برگزاری مراسم زادروز شهبانو فرح پهلوی در لندن... /..... ۴۴
بنی سبطی: برنده انتخابات اسرائیل هر که باشد، مواضع اسرائیل در قبال جمهوری اسلامی... /..... ۴۵
گفتگو با شاپور باستان‌سیر؛ روایت یک آهنگساز از تبعید، سیاست و رؤیای آزادی ایران... /..... ۴۵
گفتگو با بهداد بهزادی درباره «مهندسی هنری» در جمهوری اسلامی... /..... ۴۵
نقش دولت در بحران گرانی و کمبود دارو؛ داروخانه‌ها دیگر توان خرید دارو ندارند!... /..... ۴۶
اینترنت بی‌کیفیت در ایران گران‌تر شد؛ افشای نامه نهادهای مسئول درباره قطع سراسری اینترنت... /..... ۴۷
اجرای تراژدی «مکبث» در پاریس؛ «بدترین شرارت‌ها از انسان سرچشمه می‌گیرد»... / کتایون حلاجان ..... ۴۸
هشدار معاون وزیر کار درباره بیکار شدن یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر تا پایان سال... /..... ۴۹
دیدگاه‌های رسانه‌ای جهان عرب درباره انتخابات اسرائیل... / موسی شریفی ..... ۵۱-۵۰
تصور سقط جنین زایش پادشاهی خواهی در دل جمهوری اسلامی... / سیروس کنگرلو ..... ۵۴-۵۲
حمایت اعضای مجلس اعیان بریتانیا از اصلاح قوانین نهادهای خیریه برای مقابله با نفوذ جمهوری اسلامی... /..... ۵۷-۵۵
صدور حکم اعدام علیه ۱۸ شهروند بازداشت‌شده در اعتراضات دی ۱۴۰۴ در «کرد آباد» اصفهان... /..... ۵۷
تورم ۷/۸۸ درصدی در مهرماه؛ حداقل هزینه ماهانه یک خانوار سه نفره ۱۰۰ میلیون تومان شد!... /..... ۵۸
دو مظنون توطئه پایگاه «فیرفورد» به «ارتکاب جرائم علیه امنیت ملی» متهم شدند... /..... ۵۹
«صورتی»‌ها برای فلسطین؛ به کام سپاه!... / فرید خلیفی ..... ۵۹
صدور حکم اعدام علیه سه متهم به جاسوسی برای جمهوری اسلامی در کویت... /..... ۶۰
گاردین: میلیاردر ایرانی تبار حامی حزب «اصلاح بریتانیا» با «آستان قدس» همکاری تجاری داشته است... /..... ۶۱
خبرهای کوتاه... /..... ۶۳-۶۲
پشت جلد - عکس هفته / در گرامیداشت هفته شاهان ..... ۶۴

سرمقاله

# تداوم سرکوب با توهمِ تأخیر در سقوط

تورم اقتصاد ایران برای بیستمین ماه پی در پی با افزایش سریع روبرو بوده و فاصله اندکی تا سه رقمی شدن دارد. گرانی فزاینده سبب شده اقلام اساسی و حیاتی از جمله دارو و مواد غذایی ضروری از سبد خرید بسیاری از شهروندان حذف شود.

کشوری که رتبه دوم در ذخایر گاز طبیعی و رتبه سوم در ذخایر نفت جهان را دارد، با جمهوری اسلامی به چنان فلاکتی دچار شده که توان تأمین گاز و برق در زمستان پیشِ رو را ندارد و مقامات ضمن اعتراف به احتمال قطع گاز در ۱۱ استان، از توزیع نفت سفید برای جلوگیری از یخ زدن شهروندان خبر می‌دهند.

جنگ و تحریم نیز همچنان ادامه دارد و مذاکره با ایالات متحده مانند همیشه به بن‌بست رسیده. در چنین شرایطی اما ماشین سرکوب نظام، علیه زندگی و جان شهروندان یک لحظه از کار نایستاده است.

جمهوری اسلامی با ناتوانی مزمن در حل مشکلات انباشته و آگاهی از نزدیک شدن به فروپاشی، دنبال آنست که با «سرکوب»، فاصله‌ای میان بحران‌های همه‌جانبه و سقوط نظام بیاندازد.

حکومتی که با ساختار معیوب، اقتصاد فروپاشیده و فساد رخنه کرده در تار و پودش، چهار دهه گذشته و حال کشور را به باد داده و قاعدتا توان ساختن آینده را نیز ندارد، تلاش می کند با توسل بر بقایای زنجیره قدرت و ته‌مانده توان امنیتی و نظامی و انتظامی، بقای خود را حفظ کند.

جمهوری اسلامی با سوء استفاده از شرایط جنگی، که خود مسبب آن است، و محدودیت‌هایی که جنگ تحمیلی توسط خودش، برای بخش پویای شهروندان ایجاد می‌کند، سرکوب را گسترش داده تا از بروز اعتراضات مردمی جلوگیری کند و در این راه، با ادعاهایی چون «مقابله با جنگ ترکیبی» و «نفوذ دشمن با سازماندهی جاسوسان»، برقراری شرایط شبه حکومت نظامی بر کشور را توجیه می‌کند.

با اینهمه محرکه‌ها و انگیزه‌های پرقدرت برای سقوط جمهوری اسلامی همچنان فعال هستند؛ از بحران معیشتی و اقتصادی که می‌تواند به اعتصابات گسترده و در نهایت از پا افتادن اقتصاد نیمه‌جانِ در خدمت حکومت منتهی شود تا خشم برآمده از سرکوب و اعدام و فقر و فلاکت که منتظر جرقه‌ایست تا با اعتراضات سراسری ضربه نهایی را بر پیکر فرسوده نظام وارد آورد.

در آنسو، بخشی از وابستگانِ جریان اصلاح‌طلب حکومت همچنان در درون و بیرون کشور تلاش دارند تا روند «تغییر» و سقوط حکومت را به «تبدیل» و گذار از این جناح به آن جناح تغییر دهند! تحقق چنین هدفی اما شاید با داشتن بستری باثبات، خارج از شرایط جنگی و بدون جوّ امنیتی حاکم، آنهم فقط برای مدتی، ممکن می‌بود تا بخشی از سهامداران حکومت، هزینه کمتری برای عبور از این مرحله‌ی بحرانی و «تبدیل» و «پوست‌اندازی نظام» بپردازند! اما چنین معادله‌ای، در شرایطی که بدنه کل جمهوری اسلامی با ریزش پایگاه اجتماعی به اقلیتی ناچیز تبدیل شده، و در حالی که همین جناحِ نظام به دنبال «توافق» با آمریکا، و درواقع تسلیم، است تا بستر «پوست‌اندازی» را مهیا کند، چیزی جز خطای محاسباتی نیست؛ چراکه جناح دیگر با تکیه بر امکانات نظامی سپاه پاسداران و اصرار بر تداوم جنگ و جنگ‌افروزی، به دنبال گرفتن فتوای ساخت بمب اتم از رهبر ناپیدای حکومت است!

از سوی دیگر، رسیدن این اختلافات به شکافی چنان عمیق که یک جناح بتواند برای تبدیل نظام از آن بهره‌برداری کند نیز با تردیدهای جدی روبروست؛ زیرا به گفته‌ی «خودی»های هر دو جناح، همگی سرنشینان کشتیِ شکسته‌ی نظام‌اند و همچنان مشترک‌المنافع به شمار می‌روند.

نیروی تعیین‌کننده در این شرایط اما مردمی هستند که زیر بار فشار سرکوب و بحران‌های فزاینده معیشتی و پیامدهای جنگ و تحریم، هر روز و هر لحظه بر نارضایتی و انگیزه‌های اعتراضی‌شان افزوده می‌شود. سابقه سازماندهی ضدحکومتی مردم دست‌کم از یک دهه پیش، از جمله در هفتم آبان ۱۳۹۵ و تجمع بی‌نظیر و بی‌سابقه‌ی شهروندان در پاسارگاد، و گذاشتن نقطه پایان بر سناریوی اصلاح‌طلبی به ویژه در اعتراضات دی‌ماه ۹۶، و همه اعتراضات سال‌های بعد نشان می‌دهد که سرنوشت ملت و میهن در دست معترضان میلیونی است که تا رسیدن به هدف‌شان برای براندازی جمهوری اسلامی و استقرار آزادی و دموکراسی ایستادگی و مبارزه خواهند کرد.

تیتر هفته

# ابزارهایی برای بقاء؟!

**اسرائیل و آمریکا آماده اقدام غافلگیرانه هستند که بخشی از آن شامل حذف مقامات باقیمانده نظام می‌شود. اینکه زنده‌ها تا کی بتوانند با بندبازی بین مذاکره و جنگ جان سالم به در ببرند، مشخص نیست ولی در چنین وضعیتی، پرسش اصلی نیز نه درباره «بقاء» بلکه درباره «زمان» است!**

براساس گزاش منابع وابسته به جمهوری اسلامی، نیروهای مسلح نظام خود را برای حمله مجدد آمریکا و اسرائیل آماده می‌کنند. همزمان با شدت گرفتن محاصره اقتصادی، منابع غربی می‌گویند، آمریکا و اسرائیل برای دوره تازه‌ای از حملات «کوتاه اما شدید» به مراکز هسته‌ای، نظامی و زیرساخت‌های کلیدی جمهوری اسلامی آماده هستند.

طی هفته‌ای که گذشت هیأت‌های دیپلماتیک و مقامات نظامی و امنیتی پاکستان، عربستان، ترکیه، به عنوان اعضای «پیمان دفاعی مکه»، و قطر، به عنوان میانجی، به تهران رفتند. آنها حامل پیشنهاداتی برای «جلوگیری از آغاز دوباره جنگ» و توافق موقت میان جمهوری اسلامی و آمریکا بودند.

آنطور که منابع حکومتی اعلام کرده‌اند، پیشنهادات هیچکدام مورد قبول جمهوری اسلامی قرار نگفت. یکی از اصلی‌ترین پیشنهادات، خروج ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصدی از ایران و انتقال آن به روسیه با ضمانت چهار کشور پاکستان، قطر، عربستان و ترکیه بود که جمهوری اسلامی نپذیرفت.

محسن رضایی دبیر شورای‌عالی «امنیت ملی» جمهوری اسلامی در دیدار با عاصم منیر فرمانده ارتش پاکستان که مدام در مسیر تهران- اسلام‌اباد در رفت و آمد است، گفت: «حتی یک گرم اورانیوم از ایران خارج نخواهد شد.»

اغلب مقامات ارشد بقایای جمهوری اسلامی که بعد از کشته شدن علی خامنه‌ای، حکومت به دست آنها افتاده به این نتیجه رسیده‌اند که نباید در مقابل فشارهای همه‌جانبه آمریکا عقب‌نشینی کرد. همزمان اما با چراغ سبز همین مقامات، به وزارت خارجه جمهوری اسلامی مأموریت داده شده تا کانال‌هایی را برای مذاکرات پنهان با آمریکا بازنگه دارند.

از یکسو محسن رضایی به عنوان عالی‌ترین مقام رسمی امنیتی در رژیم تهدید می‌کند: «دیتاسنترها، فیبرهای نوری و مراکز هوش مصنوعی در جنگ احتمالی بعدی در تیررس ایران هستند» و از سوی دیگر عباس عراقچی وزیر خارجه می‌گوید: «نیروهای مسلح آماده‌اند، اما به دیپلماسی وارتباط نزدیک و مستمر خود با واسطه‌ها ادامه خواهیم داد.»

به اعتقاد اغلب ناظران، اینکه حکومت ترجیح می‌دهد درهای مذاکره مستقیم و غیرمستقیم کاملاً بسته نباشد، قابل درک است؛ اما اساساً بعد از کشته شدن علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی و ده‌ها وزیر و فرمانده و مقام سیاسی و امنیتی، بعید است جمهوری اسلامی و آمریکا بتوانند به «توافق» برسند. آتش انتقامجویی علیه آمریکا و به ویژه دونالد ترامپ رئیس جمهور کنونی ایالات متحده در مقامات نظام و حامیان آن چنان زیاد است که با مذاکره، توافق و قرارداد خاموش نمی‌شود.

### مقامات جمهوری اسلامی بیم جان دارند

فرای اینها مقامات ارشد جمهوری اسلامی به این باور رسیده‌اند که پشت و پس از هر مذاکره، جنگ و مرگ در انتظار آنهاست. آنها بیم جان دارند و منابع غیررسمی می‌گویند در هر رفت و آمد خود در کشور حداکثر احتیاط را به کار می‌برند و در جابجایی‌های بین‌المللی نیز یا با واسطه تضمین و امان‌نامه می‌گیرند و یا اصلا قید آن را می‌زنند.

در همین ارتباط محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی به دلیل «شرایط پیش‌بینی‌نشده» از حضور در دوازدهمین مجمع پارلمانی «بریکس» که ۵ و ۶ ←

آبان‌ماه در دهلی‌نو پایتخت هندوستان برگزار شد خودداری کرد.

قالیباف به همراه عراقچی از جمله مقاماتی است که

طرفداران نظام در تبلیغات شبانه موسوم به تجمعات «جانفدا» آنها را متهم به سازش، تسلیم و خیانت می‌کنند زیرا در اظهارات خود ظاهرا روی «دیپلماسی» اصرار دارند. هرچند که قالیباف که پس از جنگ ۴۰ روزه به یکی از مهره‌های اصلی مذاکرات با آمریکا تبدیل شده، در مصاحبه با «فیگارو» گفت: «آمریکا و اسرائیل بعد از انقلاب بطور مرتب در پی براندازی جمهوری اسلامی بودند.»

در این میان، ترامپ ۲۸ مهرماه در یک سخنرانی گفت که مقامات باقیمانده جمهوری اسلامی خواستار توقف حملات شده و از او تضمین خواسته‌اند که کشته نشوند. او افزود: «آنها از من می‌خواستند تضمین کنم که آنها را مثل بقیه‌ای که کشتیم، نمی‌کشیم.» این در حالیست که مقامات نظام مدام هشدار می‌دهند: «آمران ترور رهبری در انتظار مجازات سخت باشند!»

جمهوری اسلامی خود را در یک جنگ سنگین ترکیبی می‌بیند. براساس بررسی دیدگاه‌ها و نظرهای مقامات و تحلیلگران حکومتی این تهدیدات شامل چند مورد اصلی است:

۱)از سر گرفته شدن حملات هوایی و بمباران مراکز نظامی و تأسیسات هسته‌ای و استراتژیک؛

۲)پیامدهای ناشی از تحریم‌ها و محاصره اقتصادی شامل اعتراضات خیابانی و اعتصابات؛

۳)افزایش درگیری‌های مسلحانه در نقاط مختلف کشور از جمله استان سیستان و بلوچستان که تلفات زیادی در میان نیروهای امنیتی و نظامی برجای گذاشته است؛

۴)بسته شدن مرزها و اختلال بیشتر در تأمین کالاهای اساسی مردم همراه با گرانی و کمبود کالاهای اساسی و احتمال شکل‌گیری اعتراضات اجتماعی؛

۵)انسداد شبکه مالی، صرافی‌ها و شبکه‌های رمزارز وابسته که تامین مالی نیروهای مسلح را مختل می‌کند. روشن است که عدم پرداخت حقوق و دستمزد پرسنل نظامی، احتمال ریزش و یا نافرمانی آنها از دستورات را بیشتر می‌کند. نگرانی عمده‌ی نظام از ریزش در صف یگان‌های سرکوبگر است.

**انتخابات اسرائیل و آمریکا**

تحت تأثیر جریان‌های تبلیغاتی چپ و اعراب ضداسرائیل، حکومت پیش‌بینی می‌کرد که بنیامین نتانیاهو از قدرت کنار برود و احتمال حمله نظامی مجدد کاهش پیدا کند. هرچند ائتلاف نتانیاهو در مقایسه با انتخابات قبلی چند کرسی را از دست داد اما همچنان شانس اول نخست وزیری اسرائیل به شمار می‌رود. این در حالیست که اغلب سیاستمداران و تحلیلگران این کشور معتقدند تغییر دولت در اسرائیل هیچ تغییری در سیاست‌های آن علیه جمهوری اسلامی و نیابتی‌هایش نخواهد داد. در هر حال، نتایج انتخابات اسرائیل نشان داد محاسبات حکومت در مورد سیاست داخلی اسرائیل دقیق نیست. مشابه همین پیش‌بینی در مورد انتخابات میاندوره‌ای کنگره آمریکا وجود دارد. در تهران مقامات امیدوارند، جمهوریخواهان با از دست دادن اکثریت کنگره، فشار بر ایران را کاهش دهند.

اینکه رژیم ایران روی نتایج انتخابات آمریکا و اسرائیل حساب باز کرده، به گوش ترامپ نیز رسیده است. او در همین ارتباط گفت: «ایران می‌خواست توافق کند، شاید منتظر انتخابات هستند [اما] انتخابات کمکی به آنها نخواهد کرد.» او پیشتر نیز به کنایه گفته بود، او در انتخابات میاندوره‌ای «نامزد» نیست و پس از سوم نوامبر نیز همچنان در کاخ سفید خواهد بود!

رئیس جمهوری آمریکا با اشاره به تأثیر جنگ بر توان نظامی و وضعیت اقتصادی جمهوری اسلامی بارها عنوان کرده است: «ما توان نظامی‌شان را در هم کوبیده‌ایم و منابع مالی‌شان را به شدت تضعیف کرده‌ایم. آنها پولی ندارند.»

اکنون جمهوری اسلامی با ابزار محدودی که در اختیار دارد و بخشی از آن گسترش تروریسم داخلی و خارجی است، موجودیت خود را بیش از همیشه در خطر می‌بیند. شاید علاوه بر سرنوشت مبهم ذخیره اورانیوم ۶۰ درصدی و کارت در عمل سوخته‌ی «تنگه هرمز»، گروگان نگه داشتن «ملت ایران» تنها ابزار آن برای باج‌خواهی و بقاء باشد. ملتی که رژیم چهل و هفت سال است، سلاح سرکوب خود را روی شقیقه‌ی آن نگه داشته تا خود را حفظ کند.

در این میان، مقامات آگاه گزارش داده‌اند که آمریکا به چند کشور عربی حوزه خلیج فارس اطلاع داده تا خود را برای یک عملیات نظامی کوتاه اما شدید پس از انتخابات میاندوره‌ای آمریکا آماده کنند. اسرائیل و آمریکا مدت‌هاست طرح‌های مختلف عملیاتی را تمرین می‌کنند و براساس آنچه گزارش می‌شود آماده اقدام غافلگیرانه هستند که بخشی از آن شامل حذف مقامات باقیمانده نظام می‌شود. اینکه زنده‌ها تا کی بتوانند با بندبازی بین مذاکره و جنگ جان سالم به در ببرند، مشخص نیست ولی در چنین وضعیتی، پرسش اصلی نیز نه درباره «بقاء» بلکه درباره «زمان» است!

## پیام مهم شاهزاده رضا پهلوی به همه ایرانیان:

# به کارزار همکاری ملی برای نجات ایران بپیوندید تا بر جمهوری اسلامی پیروز شویم و آینده‌ای تازه برای ایران، منطقه و جهان رقم بزنیم!

شاهزاده رضا پهلوی رهبر انقلاب ملی شیروخورشید ایران در پیام ویدئویی که سه‌شنبه ۵ آبان برابر با ۲۷ اکتبر ۲۰۲۶ منتشر شد، همه ایرانیان را که از جمهوری اسلامی به ستوه آمده‌اند، به همکاری ملی برای نجات ایران فرا خواند.
متن کامل این پیام به شرح زیر است:

"ملت شریف و شجاع ایران،
جمهوری اسلامی امروز دیگر آن رژیمی نیست که یک سال پیش بر ایران حکومت می‌کرد. این رژیم اکنون ضعیف‌تر از هر زمان دیگری است و رهبرِ مفقود و دیگر سرکردگان آن، بیش از هر چیز از قدرت ملت ایران هراس دارند؛ از یک خیزش سراسری و مؤثر که به عمر این رژیم شیطانی پایان دهد.
این فرقه جنایتکار و سپاه پاسدارانِ تروریستِ آن، میهن عزیز ما را به جنگ کشانده و موجودیت ایران را به خطر انداخته‌اند. سلطه سپاه بر ارکان کشور و چپاول منابع ملی، عامل اصلی وخامت روزافزون وضعیت اقتصادی و امنیتی ایران است.
این تبهکاران، نه نانی برای مردم باقی گذاشته‌اند، نه امنیتی و نه امیدی به آینده. آنها برای حفظ قدرت خود، حاضرند ایران و ایرانی را قربانی کنند.
اما میهن زخم‌خورده و رنجور ما، دیگر تابِ تحملِ خسارت‌های بیشتر را ندارد. ما باید دست در دست هم بگذاریم و از هر فرصتی برای نجات ایران بهره ببریم.

## شاهزاده رضا پهلوی:

# روز کوروش بزرگ خجسته باد!

شاهزاده رضا پهلوی رهبر انقلاب ملی شیروخورشید ایران در پیام شادباشی که هفتم آبان به مناسبت روز کوروش بزرگ منتشر شد، نام و کارنامه کوروش را «صخره‌ای استوار و سکوی پرشی» دانست «برای دستیابی به آینده‌ای بهتر» که ایرانیان شایسته‌ی آنند.
متن کامل این پیام را در ادامه می‌خوانید.
«هفتم آبان، روز بزرگداشت کوروش بزرگ، روز پاسداشت شکوه ایران و ارزش‌های دیرپای آزادی، رواداری و دادگری است که ملت ما در گذر سده‌ها آنها را زنده داشته است.
نام و کارنامه کوروش برای ما تنها یادآور شکوه گذشته نیست بلکه صخره‌ای استوار و سکوی پرشی است برای دستیابی به آینده‌ای بهتر، آینده‌ای که به گواهی تاریخ پرشکوه‌مان سزاوار آنیم.
بر اساس همین بیداری ملی و بازشناسی هویت تاریخی بود که ده‌ها هزار ایرانی میهن‌پرست، ده سال پیش در روز کوروش در پاسارگاد گرد هم آمدند و نقطه عطفی را در مبارزه برای بازپس‌گیری ایران رقم زدند، و پایه‌های انقلاب ملی شیروخورشید را با خواست رهایی ایران از چنگال ضحاک زمانه بنا نهادند.
ملت ایران، وارث کوروش بزرگ، در برابر استبداد سر فرود نخواهد آورد و میهن خود را آزاد، آباد و سربلند از نو خواهد ساخت.
روز کوروش بزرگ خجسته باد.
پاینده ایران»

# رویترز:
# جمهوری اسلامی طرح پیشنهادی قطر برای جلوگیری از جنگ را نمی‌پذیرد

نشست کشورهای عضو پیمان مکه در تهران، با حضور هیئت‌هایی از عربستان سعودی، پاکستان و ترکیه/ ۲۶ اکتبر ۲۰۲۶

**خبرگزاری رویترز ششم آبان ۱۴۰۵ به نقل از یک مقام ارشد جمهوری اسلامی گزارش داد که تهران با مفاد طرح پیشنهادی قطر موافقت نکرده است.**

**این مقام تأکید کرد که جمهوری اسلامی ایران در موضوع هسته‌ای هیچ انعطافی نشان نخواهد داد.**

**به گفته یک منبع مطلع از مذاکرات، در پیشنهاد ارائه‌شده از سوی قطر یک جدول زمانی هفت‌روزه برای رسیدگی به نگرانی‌های تهران و واشنگتن تعیین شده است. این طرح شامل اقدامات روزانه برای اعتمادسازی است که هر یک از طرفین باید انجام دهند و چند کشور نیز به عنوان تضمین‌کنندگان توافق در آن نقش دارند.**

جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد قطر برای پایان دادن به درگیری‌ها را رد کرده و گزینه پیشنهادی آنها را «غیرقابل‌قبول» خوانده است. جمهوری اسلامی همچنین هرگونه دادن امتیاز در برنامه هسته‌ای خود را منتفی دانسته است.خبرگزاری رویترز ششم آبان ۱۴۰۵ به نقل از یک مقام ارشد جمهوری اسلامی گزارش داد که تهران با مفاد طرح پیشنهادی قطر موافقت نکرده است. این مقام تأکید کرد: «ایران در موضوع هسته‌ای هیچ انعطافی نشان نخواهد داد.»

به گفته یک منبع مطلع از مذاکرات، در طرح ارائه‌شده از سوی قطر یک جدول زمانی هفت‌روزه برای رسیدگی به نگرانی‌های تهران و واشنگتن تعیین شده است. این طرح شامل اقدامات روزانه برای اعتمادسازی است که هر یک از طرفین باید انجام دهند و چند کشور نیز به عنوان تضمین‌کنندگان توافق در آن نقش دارند.

رد پیشنهاد قطر در حالی صورت می‌گیرد که تلاش‌های دیپلماتیک برای پایان دادن به درگیری ادامه دارد و نگرانی‌ها درباره احتمال از سر گرفتن عملیات نظامی آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی افزایش یافته است.پیش از این مقامات آمریکایی گفته بودند که حکومت ایران برای پایان دادن به جنگ باید فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم را کاهش دهد.

با این حال، مقامات جمهوری اسلامی بارها تأکید کرده‌اند که برنامه هسته‌ای ایران صرفاً با اهداف صلح‌آمیز و غیرنظامی دنبال می‌شود.

به گزارش رویترز، اختلاف بر سر غنی‌سازی اورانیوم همچنان مذاکرات را با پیچیدگی مواجه کرده است؛ واشنگتن خواستار اعمال محدودیت‌هایی در این زمینه است، در حالی که تهران بر موضع خود درباره برنامه هسته‌ای پافشاری می‌کند.در همین حال، تحولات در اسرائیل بُعد دیگری به وضعیت امنیتی منطقه افزوده است.

بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل، در شرایطی که برای حفظ قدرت پس از انتخابات پارلمانی این کشور تلاش می‌کند، احتمال انجام حملات نظامی بیشتر علیه رژیم ایران را مطرح کرده است.

به نوشته رویترز، با شمارش ۷۷ درصد آرا، بلوک سیاسی نتانیاهو بزرگترین بلوک در پارلمان خواهد بود؛ با این حال، روند تشکیل دولت جدید همچنان به نتیجه نرسیده است.

نتانیاهو اعلام کرد که قصد دارد با دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا برای از بین بردن آنچه او «تهدید وجودی» ناشی از رژیم ایران توصیف کرد، همکاری کند.

البته احتمال اقدام نظامی بیشتر توسط اسرائیل تنها به اردوگاه سیاسی نتانیاهو محدود نمی‌شود.

گادی آیزنکوت رقیب اصلی انتخاباتی او نیز از حملات نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران در کنار اعمال فشار اقتصادی حمایت کرده است.

مواضع چهره‌های اصلی سیاسی اسرائیل نشان می‌دهد که صرف نظر از ترکیب نهایی دولت آینده این کشور، احتمال ادامه فشار بر تهران وجود دارد.

در حال حاضر، ناکامی تلاش میانجیگری قطر بار دیگر اختلافات مداوم میان واشنگتن و تهران را برجسته کرده است؛ اختلافاتی که به ویژه بر سر آینده برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران متمرکز است.

جزئیات طرح قطر هنوز مشخص نیست اما گفته شد یکی از محورهای اصلی آن، بازگشایی تنگه هرمز از سوی جمهوری اسلامی در مقابل رفع محاصره دریایی بنادر ایران از سوی آمریکاست.

این طرح، البته روی کاغذ، می‌تواند از اوایل هفته‌ی آینده آغاز شود. یک مقام مطلع از مذاکرات که «ایرانی» نیست، گفت پیش‌نویس روز یکشنبه (۲۵ اکتبر) ارائه شده و جمهوری اسلامی در حال بررسی است و انتظار می‌رود پاسخ رسمی آن تا پایان هفته اعلام شود.

اینهمه در حالیست که واشنگتن می‌خواهد برنامه هسته‌ای رژیم ایران از ابتدا بخش مهم مذاکرات برای پایان جنگ باشد، در حالی که جمهوری اسلامی می‌گوید ابتدا باید شرایط آن از جمله پایان محاصره دریایی بنادر و لغو تحریم‌های صادرات نفت برآورده شود.

در ماه سپتامبر، خود جمهوری اسلامی یک طرح «هفت‌روزه» ارائه کرده بود که بر اساس آن، تنگه هرمز می‌توانست در صورت برآورده شدن شرایط آن از جمله آتش‌بس در لبنان بازگشایی شود. آنهم در حالی که به گفته‌ی مقامات آمریکایی انتقال نفت منطقه خلیج فارس بیش از پیش جریان دارد و انسداد تنگه هرمز با حمله به کشتی‌ها نتوانسته آن را برای مدتی طولانی متوقف کند.

گزارش‌های تکمیلی از منابع دیگر نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ممکن است به دنبال کوتاه کردن دوره‌ی اجرای این طرح از هفت روز به چهار روز باشد.

در این میان، میانجی‌ها در حال تلاش برای برگزاری نشستی در ترکیه پیش از ۴ نوامبر هستند تا از درگیری نظامی تازه جلوگیری کنند. همزمان قطر تلاش می‌کند رژیم ایران را متقاعد سازد که به بازرسان سازمان ملل اجازه‌ی بازدید از سایت‌های هسته‌ای بمباران‌شده را در ازای تسهیل بعضی از تحریم‌ها بدهد.

تلاش قطر برای جلوگیری از آغاز حملات آمریکا و اسرائیل به جمهوری اسلامی، در حالیست که انتخابات میاندوره‌ای آمریکا در ۳ نوامبر نزدیک است و ترامپ تهدید کرده که پس از آن ممکن است عملیات تازه‌ای علیه رژیم ایران انجام دهد.

در مجموع، با نزدیک شدن به مهلت پاسخ رسمی رژیم ایران و انتخابات میاندوره‌ای آمریکا، چند روز آینده می‌تواند مشخص کند که آیا میانجیگری قطر- با توجه به اینکه جمهوری اسلامی امتیازهای تفاهم‌نامه‌ی اسلام‌آباد را نیز رد کرد- به نتیجه می‌رسد یا همانطور که دونالد ترامپ تاکید کرده این دور از مذاکرات نیز «اتلاف وقت» بوده و فشار نظامی ادامه خواهد یافت.

# بنیامین نتانیاهو اختلاف با ایال زمیر را رد کرد؛ «مزخرف می‌گویند»

**بنیامین نتانیاهو گزارش «شبکه ۱۲» اسرائیل درباره «اختلاف بی‌سابقه» میان او و ایال زامیر، رئیس ستاد کل ارتش اسرائیل، را رد کرد. این شبکه روز یکشنبه، سوم آبان ۱۴۰۵ به نقل از منابع ناشناس گزارش داد که ایال زامیر در برابر اجرای دستور نخست‌وزیر برای یک اقدام نظامی نامشخص مقاومت کرده و خواستار بررسی‌های بیشتر و ارائه اسنادی با امضای نتانیاهو درباره مجوز قانونی آن شده است.**

**نتانیاهو در مصاحبه با «شبکه ۱۴» اسرائیل که از دولت حمایت می‌کند، در پاسخ به پرسشی درباره این گزارش گفت: «اینجا کسی تلاش می‌کند دعوا راه بیندازد تا این واقعیت را پنهان کند که خود رئیس ستاد ارتش، رئیس اطلاعات نظامی ارتش و رئیس موساد گفته‌اند که ایران در تلاش است به انتخابات آسیب بزند.»**

**نتانیاهو افزود: «ما در حال آماده شدن برای مقابله با آن هستیم...هیچ اختلافی میان ما وجود نداشت. همه اینها مزخرف است.»**

**او همچنین گفت که کشورهای عربی در انتظار پیوستن به «پیمان ابراهیم» هستند؛ مشروط بر اینکه اسرائیل مأموریت خود علیه جمهوری اسلامی ایران را به پایان برساند.**

بنیامین نتانیاهو گزارش «شبکه ۱۲» اسرائیل درباره «اختلاف بی‌سابقه» میان او و ایال زامیر، رئیس ستاد کل ارتش اسرائیل، را رد کرد. این شبکه روز یکشنبه، سوم آبان ۱۴۰۵ به نقل از منابع ناشناس گزارش داد که ایال زامیر در برابر اجرای دستور نخست‌وزیر برای یک اقدام نظامی نامشخص مقاومت کرده و خواستار بررسی‌های بیشتر و ارائه اسنادی با امضای نتانیاهو درباره مجوز قانونی آن شده است.

به گزارش «تایمز اسرائیل»، نتانیاهو در مصاحبه با «شبکه ۱۴» اسرائیل که از دولت حمایت می‌کند، در پاسخ به پرسشی درباره این گزارش گفت: «اینجا کسی تلاش می‌کند دعوا راه بیندازد تا این واقعیت را پنهان کند که خود رئیس ستاد ارتش، رئیس اطلاعات نظامی ارتش و رئیس موساد گفته‌اند که [رژیم] ایران در تلاش است به انتخابات آسیب بزند.»

نتانیاهو افزود: «ما در حال آماده شدن برای مقابله با آن هستیم.» او تأکید کرد: «هیچ اختلافی میان ما وجود نداشت. همه اینها مزخرف است.»

بر اساس گزارش شبکه ۱۲ اسرائیل، ایال زامیر با اجرای اقدام نظامی نامشخص موردنظر مخالفت می‌کند و گفته می‌شود از نتانیاهو خواسته است مجوز قانونی این اقدام را به صورت مکتوب و با امضای او ارائه کند.

نتانیاهو پیشتر در همین مصاحبه با شبکه ۱۴ گفته بود: «من به ارتش اسرائیل و موساد دستور دادم که رژیم [ایران] را سرنگون کنند.»

او همچنین افزود که کشورهای عربی در انتظار پیوستن به «پیمان ابراهیم» هستند؛ مشروط بر اینکه اسرائیل مأموریت خود علیه جمهوری اسلامی ایران را به پایان برساند.

بنیامین نتانیاهو، ایال زمیر و یسراییل کاتز

# ائتلاف نتانیاهو پیشتاز انتخابات اسرائیل؛ تلاش رئیس جمهور برای جلوگیری از انتخابات مجدد

**بیش از ۹۰ درصد آرا در انتخابات اسرائیل تا عصر چهارشنبه ششم آبان ۱۴۰۵ شمارش شد اما هیچکدام از جناح‌ها اکثریت لازم کرسی‌های پارلمان را به دست نیاورده‌اند.**

**با وجود کاهش کرسی‌های ائتلاف حامی نتانیاهو، حزب لیکود همچنان در موقعیتی قرار دارد که ممکن است نتانیاهو مامور تشکیل دولت آینده شود. این ماموریت را رئیس جمهوری اسرائیل به فرد منتخب محول می‌کند.**

**برخی ناظران می‌گویند نتانیاهو می‌تواند برای دستیابی به اکثریت ۶۱ کرسی، تلاش کند برخی احزاب نزدیک به آیزنکوت را به همکاری با خود متقاعد کند. هرچند این احزاب تا کنون عمدتا احتمال حضور در دولت تحت رهبری نتانیاهو را رد کرده‌اند.**

**گزینه دیگر، تشکیل دولت وحدت ملی با مشارکت آیزنکوت است. همچنین نتانیاهو ممکن است برای تشکیل دولت به همکاری با یکی از احزاب عرب روی آورد. دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا پیش از انتخابات گفته بود از تشکیل دولت ملی در اسرائیل حمایت می‌کند.**

**اسحاق هرتزوگ رییس‌جمهوری اسرائیل در واکنش به نتایج اولیه انتخابات، از احزاب خواست برای تشکیل ائتلاف و جلوگیری از برگزاری دوباره انتخابات تلاش کنند. او گفت هفته آینده، پس از دریافت نتایج رسمی، رایزنی‌ها برای تشکیل دولت را آغاز می‌کند.**

بیش از ۹۰ درصد آرا در انتخابات اسرائیل تا عصر چهارشنبه ششم آبان ۱۴۰۵ شمارش شد اما هیچکدام از جناح‌ها اکثریت لازم کرسی‌های پارلمان را به دست نیاورده‌اند.

ائتلاف بنیامین نتانیاهو (لیکود) که کماکان بیشترین آرا را دارد، بر اساس آخرین گزارش‌ها، ۵۳ تا ۵۴ کرسی پارلمان را به دست آورده است. کرسی‌هایی که ائتلاف گادی آیزنکوت (یاشار) به دست آورد، نیز به ۴۸ تا ۴۹ رسیده است، احزاب موسوم به «فهرست عربی» تعداد کرسی‌های خود را به ۱۹ رسانده‌اند.

هر حزب و یا ائتلاف پیروز برای تشکیل دولت حداقل به ۶۱ کرسی در کنست نیاز دارد.

برخی منابع گزارش دادند که اگر آراء سربازان و ماموران امنیتی که دور از محل‌های رأی‌گیری هستند شمارش شود احتمالاً آرا ائتلاف نتانیاهو افزایش پیدا می‌کند.

بامداد چهارشنبه به وقت تهران، رسانه‌های حکومتی با استناد به نتایج نظرسنجی‌هایی که منابع مخالف نتانیاهو از جمله هاآرتص و کانال ۱۲ منتشر می‌کردند، امیدوار بودند نتانیاهو شکست بخورد و از قدرت کنار برود. این رسانه‌ها لحظه به لحظه اخبار انتخابات اسرائیل را پیگیری کرده و کارشناسان مدام از پیامدهای انتخاب یا شکست

احتمالی ائتلاف نتانیاهو صحبت می‌کردند.
با وجود کاهش کرسی‌های ائتلاف حامی نتانیاهو، حزب لیکود همچنان در موقعیتی قرار دارد که ممکن است نتانیاهو مامور تشکیل دولت آینده شود. این ماموریت را رئیس جمهوری اسرائیل به فرد منتخب محول می‌کند.
نتانیاهو می‌تواند برای دستیابی به اکثریت ۶۱ کرسی تلاش

بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل / رویترز

کند تا برخی احزاب نزدیک به آیزنکوت را به همکاری با خود متقاعد نماید. هرچند این احزاب تا کنون عمدتا احتمال حضور در دولت تحت رهبری نتانیاهو را رد کرده‌اند.
گزینه دیگر، تشکیل دولت وحدت ملی با مشارکت آیزنکوت است. همچنین نتانیاهو ممکن است برای تشکیل دولت به همکاری با یکی از احزاب عرب روی آورد. دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا پیش از انتخابات گفته بود از تشکیل دولت ملی در اسرائیل حمایت می‌کند.
اسحاق هرتزوگ رییس‌جمهوری اسرائیل در واکنش به نتایج اولیه انتخابات، از احزاب خواست برای تشکیل ائتلاف و جلوگیری از برگزاری دوباره انتخابات تلاش کنند. او گفت هفته آینده، پس از دریافت نتایج رسمی، رایزنی‌ها برای تشکیل دولت را آغاز می‌کند.
برخی منابع گزارش دادند، اسرائیل بعد از انتخابات خود را آماده حمله به جمهوری اسلامی ایران می‌کند. روزنامه «واشنگتن‌پست» گزارش داد، مایکل لوب یکی از مسئولان حزب لیکود معتقد است در صورت از سر گرفته شدن جنگ اسرائیل و آمریکا علیه رژیم ایران، بنیامین نتانیاهو می‌تواند گادی آیزنکوت رقیب انتخاباتی خود را به پیوستن به دولت وحدت ملی ترغیب کند.لوب گفت، اگر اسرائیل بار دیگر وارد جنگ شود و امنیت ملی این کشور در خطر قرار گیرد، آیزنکوت احتمالا ناچار خواهد شد پیشنهاد نتانیاهو برای تشکیل دولت وحدت ملی را بپذیرد.
در اسرائیل تلاش می‌شود با توجه به شرایط منطقه احزاب در همین مرحله توافق کنند و دولت جدید را تشکیل دهند. اینهمه در حالیست که اغلب سیاستمداران و تحلیلگران کشور اسرائیل پیش و پس از این انتخابات معتقدند، با عوض شدن دولت اما سیاست امنیتی و مقابله آن با جمهوری اسلامی به عنوان یک تهدید وجودی عوض نخواهد شد و چه بسا تشدید نیز بشود.

## جزئیات جدید از «جنگ ۱۲» روزه از زبان رئیس پیشین موساد:

# تعداد زیادی از عوامل ما هنوز در ایران زندگی می‌کنند

**دیوید بارنئا رئیس سابق موساد در «نشست پرایوریتی» جزئیات تازه‌ای درباره عملیات اسرائیل در داخل ایران بیان کرد. او گفت، در جریان آماده‌سازی عملیات «شیران غران» (جنگ ۱۲ روزه) از هفته‌ها قبل تعداد زیادی از عوامل این کشور را در داخل ایران مستقر کرده بود.**

**به گفته او، حتی خلبانان اسرائیلی که قرار بود حمله هوایی را انجام دهند تا زمان بسیار نزدیک به عملیات نمی‌دانستند قرار است به نقاطی در ایران حمله کنند، اما ده‌ها عامل موساد در داخل ایران از هفته‌ها قبل می‌دانستند قرار است عملیات بزرگی انجام شود.**

دیوید بارنئا رئیس سابق موساد در «نشست پرایوریتی» جزئیات تازه‌ای درباره عملیات اسرائیل در داخل ایران بیان کرد. او گفت، در جریان آماده‌سازی عملیات «شیران غران» (جنگ ۱۲ روزه) از هفته‌ها قبل تعداد زیادی از عوامل این کشور را در داخل ایران مستقر کرده بود.
به گفته او، حتی خلبانان اسرائیلی که قرار بود حمله هوایی را انجام دهند تا زمان بسیار نزدیک به عملیات نمی‌دانستند قرار است به نقاطی در ایران حمله کنند، اما ده‌ها عامل موساد در داخل این کشور از هفته‌ها قبل می‌دانستند قرار است عملیات بزرگی انجام شود.
به گزارش «وای‌نت» بارنئا گفت: «یکی از دلایلی که همان صبح عملیات طلوع شیران ویدیویی رسمی با نشان موساد منتشر کردیم، حفاظت از عواملی بود که آنجا بودند... تصور کنید وقتی ۲۱ هزار نفر را بازداشت می‌کنید، حتی اگر یک یا دو عامل را هم گرفته باشید، در نهایت مجبورید آزادشان کنید، چون روایت همه یکسان است: در خیابان راه می‌رفتم، رانندگی می‌کردم، بازداشتم کردند. و در نهایت همه را آزاد کردند.»سعید منتظرالمهدی، سخنگوی نیروی انتظامی، یک ماه پس از این جنگ اعلام کرده بود که ۲۱ هزار «مظنون» در جریان کل این درگیری بازداشت شدند. این در حالیست که قوه قضائیه جمهوری اسلامی پیشتر شمار بازداشت‌شدگان را دو هزار نفر اعلام کرده بود.
به گفته بارنئا، برخی از کسانی که در ایران به اتهام همکاری با دستگاه اطلاعاتی اسرائیل بازداشت یا اعدام شده‌اند، هرگز ارتباطی با موساد نداشته‌اند.
او توضیح داد: «درباره برخی که در ایران به اتهام فعالیت به عنوان عامل موساد اعدام می‌شوند، مجبورم بپرسم اینها چه کسانی هستند؟ به من می‌گویند: ما هم نمی‌دانیم.»
بارنئا افزود: «آنها فقط افراد شوربختی هستند که [مقامات ایران] تصمیم گرفته‌اند بگویند عوامل ما بوده‌اند! در حالی که هرگز برای موساد و احتمالا برای هیچ سازمان اطلاعاتی دیگری هم کار نکرده‌اند.»
او همچنین گفت که هویت ۹۹/۹ درصد از عوامل موساد هرگز فاش نشده است. بارنئا درباره عوامل شرکت‌کننده در عملیات گفت: «نمی‌توانم به شما بگویم اینجا کنار ما هستند، اما آنجا در تهران‌اند و همچنان زندگی خوبی دارند. در دلشان می‌دانند که در راه هدفی ارزشمند، نه برای کشور اسرائیل، بلکه برای خودشان خدمت کرده‌اند.»
بارنئا در بخش دیگری از صحبت‌های خود گفت، تدارکات عملیات «طلوع شیران» چنان محرمانه بود که حتی

دیوید بارنئا

خلبانان جنگنده‌ها هنگام فراخوانده شدن به یگان‌هایشان نمی‌دانستند قرار است به نقاطی در ایران حمله کنند. با این حال، به گفته او، ده‌ها عامل موساد هفته‌ها پیش از آغاز عملیات در داخل ایران مستقر شده بودند و از ماموریت خود و حمله نظامی پیش رو آگاهی کامل داشتند.
او گفت، شخصا حضور تک‌تک عوامل تعیین‌شده برای این ماموریت را تایید کرده و مسئولیت قابل اعتماد بودن آنها و توانایی‌شان در حفاظت از مسائل محرمانه را پذیرفته است.
بارنئا گفت: «تک‌تک آن عوامل باید تایید نهایی را شخصا از من می‌گرفتند. آنها را می‌دیدم، با آنها حرف می‌زدم، در آغوش‌شان می‌گرفتم، تشویق‌شان می‌کردم و باید به آنها اعتماد می‌کردم.»
او همچنین افزود که موضوع فراتر از «موفقیت عملیاتی» بود: «در چنین مواردی شما باید تأیید کنید که این راز فاش نخواهد شد. وقتی می‌گویم تک‌تک آنها را تأیید می‌کنم، یعنی سرم را برای این موضوع می‌دهم.»
رئیس پیشین موساد در ادامه صحبت‌های خود افزود، توان موشکی جمهوری اسلامی ایران پیش از دو جنگ برای اسرائیل بازدارندگی ایجاد کرده بود. در جریان این حملات که مرحله تازه‌ای از رویارویی بود، رژیم ایران شمار زیادی موشک به سوی اسرائیل پرتاب کرد.بارنئا این حملات را «دو اشتباه استراتژیک تاریخی» تهران خواند و گفت که جمهوری اسلامی با ارتکاب این موشک‌پرانی‌ها توانایی‌هایی را آشکار کرد که اسرائیل پیشتر شناخت دقیقی از آنها نداشت.
او توضیح داد که مقامات اسرائیلی تصویر روشنی از میزان کارآمدی موشک‌های دقیق دوربرد جمهوری اسلامی نداشتند و نمی‌دانستند که آیا سامانه‌های دفاع هوایی اسرائیل و آمریکا می‌توانند در برابر حمله‌ای گسترده مقاومت کنند یا نه.
به گفته او، آن حملات به رفع بخشی از این ابهام‌ها کمک کرد و ارزیابی اسرائیل را از تهدیدات رژیم ایران تغییر داد.

کیهان

# پایان ناوگان سایه؛ محاصره اقتصادی آمریکا ذخیره نفت جمهوری اسلامی به مقصد چین را خشکاند

**بر اساس گزارش «نیویورک‌پست»، تحلیلگران می‌گویند رژیم ایران در طول جنگ و تحریم‌های آمریکا، تا حدی با تکیه بر ذخیره‌ی فراساحلی که ۱۳۵ میلیون بشکه نفت خام تخمین زده می‌شود، توانسته بود اقتصاد در حال فروپاشی خود را سرپا نگه دارد.**

**فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) که محاصره‌ی دریایی را اجرا می‌کند، تخمین زده رژیم ایران حداقل ۲۵ میلیارد دلار درآمد نفتی را به دلیل این عملیات از دست داده است.**

**کارشناسان مدت‌ها مطرح می‌کرده‌اند که افت شدید فروش نفت می‌تواند نقطه‌ی شکست این رژیم باشد و طبقه‌ی متصل به ساختار حکومت و وابسته به رانت نفتی را وادار کند تا برای نخستین بار سختی‌های اقتصادی را که شهروندان عادی در اثر جنگ تحمل می‌کنند، بچشند.**

پایانه نفتی جزیره خارگ

بر اساس گزارش‌های منتشرشده، ذخیره‌ی مخفی نفت جمهوری اسلامی زیر فشار محاصره‌ی دریایی آمریکا کاملاً خشک شده است.

ذخیره‌ی مخفی نفت جمهوری اسلامی که از طریق «ناوگان سایه» به مقصد چین ارسال می‌شد، با فشار محاصره‌ی بنادر ایران توسط ایالات متحده آمریکا کاملاً خشک شده است.

بر اساس گزارش «نیویورک‌پست»، تحلیلگران می‌گویند رژیم ایران در طول جنگ و تحریم‌های آمریکا، تا حدی با تکیه بر ذخیره‌ی فراساحلی که ۱۳۵ میلیون بشکه نفت خام تخمین زده می‌شود، توانسته بود اقتصاد در حال فروپاشی خود را سرپا نگه دارد. اما محاصره‌ی نیروی دریایی آمریکا مانع از تجدید این ذخایر شده و طبق داده‌های شرکت تحلیل دریایی «کپلر»، حجم این ذخایر تا ۵ اکتبر به کمتر از یک میلیون بشکه کاهش یافته و اکنون عملاً به پایان رسیده است.در همین ارتباط، همایون فلک‌شاهی، رئیس تحلیل نفت خام در مؤسسه «کپلر»، می‌گوید: «دیگر نفتی برای تخلیه به چین وجود ندارد». این ذخیره‌ی فراساحلی به رژیم ایران اجازه داده بود در طول جنگ میلیاردها دلار از فروش نفت خام به چین کسب درآمد نماید تا تورم رکوردشکن و کاهش شدید ارزش ریال را جبران کند.

فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) که محاصره‌ی دریایی را اجرا می‌کند، تخمین زده رژیم ایران حداقل ۲۵ میلیارد دلار درآمد نفتی را به دلیل این عملیات از دست داده است. دریاسالار برد کوپر، رئیس سنتکام، اعلام کرد: «بجز کمک‌های بشردوستانه‌ای که اجازه‌ی ورود داده‌ایم، رژیم ایران هیچ صادرات و وارداتی از راه دریا ندارد.» او افزود که مجموع این اقدامات هزینه‌های ویرانگری بر دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی و به ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تحمیل کرده است.

فروش نفت حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد از درآمد دولت جمهوری اسلامی و بزرگترین منبع ارز خارجی آن را تشکیل می‌دهد. همچنین حدود ۶۰ درصد از پول مورد استفاده برای پرداخت حقوق کارکنان دولتی، از جمله نیروهای نظامی، از صادرات نفت تأمین می‌شود.

کارشناسان مدت‌ها مطرح می‌کرده‌اند که افت شدید فروش نفت می‌تواند نقطه‌ی شکست این رژیم باشد و طبقه‌ی متصل به ساختار حکومت و وابسته به رانت نفتی را وادار کند تا برای نخستین بار سختی‌های اقتصادی را که شهروندان عادی در اثر جنگ تحمل می‌کنند، بچشند.

با این حال، از آنجا که پرداخت‌های چین ممکن است ماه‌ها طول بکشد تا به ایران برسد، تحلیلگران می‌گویند رژیم ایران هنوز چند ماه فرصت دارد تا پیش از قطع کامل درآمد، مجبور به تصمیم‌های دشوار شود.

جریان نفت از تنگه هرمز و خلیج عمان این هفته به ۸۲ درصد سطح پیش از جنگ رسیده و روزانه ۱۴ میلیون بشکه از این آب‌ها عبور می‌کند. صادرات کل نفت از خلیج فارس نیز به میانگین بیش از ۲۴ میلیون بشکه در روز رسیده که از سطح پیش از جنگ فراتر رفته است.

مقامات جمهوری اسلامی با این حال در یک روند تبلیغاتی همچنان بر ادعای کنترل تنگه هرمز تأکید دارند و اصرار می‌کنند آنها می‌توانند هر فشاری را تحمل کنند تا آمریکا را وادار به عقب‌نشینی در جنگ کنند.

آخرین گزارش‌ها بر پایه‌ی داده‌های مؤسسه «کپلر» و اظهارات فرماندهی مرکزی آمریکا، بیانگر موفقیت نسبی محاصره‌ی دریایی آمریکا در قطع کامل یکی از مهم‌ترین شریان‌های اقتصادی رژیم ایران است.

ذخیره‌ی فراساحلی ناوگان سایه‌ی جمهوری اسلامی که عمدتاً در آب‌های نزدیک مالزی و سنگاپور نگهداری می‌شد و از طریق انتقال کشتی به کشتی به پالایشگاه‌های چینی (به ویژه پالایشگاه‌های کوچک موسوم به «قوری») می‌رسید، به عنوان ضربه‌گیر مالی عمل می‌کرد.

با بسته شدن کامل این مسیر، هر بشکه‌ی جدیدی که رژیم ایران بخواهد صادر کند، باید از مسیرهای پرخطر تحت نظارت محاصره عبور کند. گزارش‌های مشابه در منابع متعدد از جمله «وال‌استریت ژورنال» تأیید می‌کنند که ذخیره‌ی شناور در اواسط اکتبر کاملاً تخلیه شده و این نخستین بار در تاریخ معاصر ایران است که با چنین چالشی مواجه شده است.

از نظر اقتصادی، این وضعیت فشار بر ریال را تشدید کرده که از ماه ژوئیه‌ی گذشته حدود یک‌سوم ارزش خود را از دست داده و با تورم بالا و کمبود کالا همراه بوده است. تحلیلگران شرکت تحلیل و اطلاعات بازار انرژی «ورتکسا» اشاره کرده‌اند که پالایشگاه‌های چینی در حال روی آوردن به تأمین‌کنندگان جایگزین مانند برزیل و کشورهای غرب آفریقا هستند.پیش از این، چین حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد صادرات نفت ایران را جذب می‌کرد که در سال ۲۰۲۵ بطور میانگین ۱.۴ میلیون بشکه در روز بود، اما پس از جنگ و محاصره، این میزان به شدت کاهش یافته است.

وزیر خزانه‌داری آمریکا، اسکات بسنت، پیش‌بینی کرده بود ذخایر باقیمانده‌ی رژیم ایران ظرف چند هفته تمام خواهد شد و دیگر «چیزی برای معامله نخواهد داشت».

رئیس‌جمهور آمریکا، دونالد ترامپ، نیز در روزهای اخیر دوباره بر مواضع خود درباره‌ی فشار اقتصادی بر رژیم ایران و انسداد فروش نفت تأکید کرده است. او طی پیامی در شبکه «تروث سوشال» گفت که رژیم ایران تمام تلاش خود را برای افزایش قیمت نفت پیش از انتخابات میاندوره‌ای آمریکا (۳ نوامبر) به کار گرفته است: «آنها حتی حملات جعلی، مین‌گذاری و هر چیز دیگری را جعل می‌کنند، چون نفت بیشتری، حتی بیشتر از شروع جنگ، از تنگه هرمز عبور می‌کند».

دونالد ترامپ جمهوری اسلامی را یک رژیم «شیطانی» خواند و به کشته شدن ۷۵ هزار معترض در کمتر از هفت ماه اشاره کرد و بار دیگر تأکید نمود رژیم ایران هرگز به سلاح هسته‌ای نخواهد رسید.

رئیس‌جمهور ایالات متحده همچنین اعلام کرده که مذاکره‌ای در جریان نیست و آمریکا «به هر طریقی» چه از راه توافق یا راه دیگر به نتیجه خواهد رسید. او همچنین اظهار داشته که چین و روسیه به رژیم ایران کمک نمی‌کنند، زیرا «منافع زیادی از دست خواهند داد» و آمریکا به سرعت از هر کمکی مطلع خواهد شد.تمام شدن ذخایر نفت جمهوری اسلامی برای فروش به چین، نقطه عطفی در فشار اقتصادی آمریکا به شما می‌رود؛ اما به دلیل تأخیر در وصول پول فروش‌های قبلی و ادعای تبلیغات مقاومت رژیم ایران، تأثیرگذاری کامل و عینی آن ممکن است چند ماه طول بکشد.

بازنشر

# لزوم داشتن حافظه‌ی تاریخی

**خیراندیش** (احمداحرار)

**(کیهان لندن شماره ۱۲۴۹ - فروردین ماه ۱۳۸۸)**

سخنان عالی‌جناب، جک استراو، وزیر سابق امور خارجه و وزیر لاحق دادگستری در کابینهٔ انگلستان، که افتخار گشایش نمایشگاه «ایران در دورهٔ شاه‌عباس» در موزهٔ لندن از طرف سازمان میراث فرهنگی به وی تفویض شده بود، در رسانه‌های تحریری و تصویری ایران انعکاس وسیع یافت.

جک استراو، در خطابهٔ خود، به‌لحنی پوزش‌خواهانه، از دو قرن خطاهای انگلستان در روابطش با ایران سخن گفت و اظهار نمود: «... برخلاف دوران هند، که روابط ایران و انگلستان از توازن برخوردار بوده است، در قرن نوزدهم انحصار تنباکو بسیار مضحک و نامعقول بود، به‌نحوی که همهٔ ایران آن را تحریم کردند، و نیز قرارداد نفتی آغاز قرن بیستم موسوم به قرارداد دارسی براستی یک اخاذی صریح بود.

چشم بستن بر روی حکومت رضاشاه که تقلیدی بی‌مایه از آتاتورک بود و جامعهٔ آن (ایران) حساسیتی بیشتر از ترکیه داشت، اشغال ایران توسط انگلیس و آمریکا و شوروی در خلال دوران پنج‌سالهٔ جنگ جهانی دوم و مداخلهٔ مستقیم به همراه آمریکا در برکناری دولت منتخب و دموکراتیک مصدق در سال ۱۹۵۳ که با حمایت مدافعانه از شاه، علی‌رغم برخورداری از حمایت مردم ادامه یافت... اکنون زمان آن رسیده است که خاطرات را به‌یاد آوریم. یک ملت بدون تاریخ همچون یک انسان بدون حافظه است. ایران، همانطور که این نمایشگاه به ما یادآور می‌شود، برای مدت طولانی مهمترین کشور در منطقه بوده است و امروز نیز از اهمیت عظیم راهبردی برای حل مناقشات در افغانستان، فلسطین و مسائل لبنان و ثبات عراق برخوردار است».

در محافل و مجامع وابسته به «اصولگرایان» و پاره‌ای «اصلاح‌طلبان»، این سخنان، جلوه‌ای تازه از دستاوردهای مثبت سیاست مقاومت در برابر استکبار جهانی ارزیابی شد که اکنون انگلستان را هم به دنباله‌روی از آمریکا واداشته و ناگزیر ساخته است در برابر ملت ایران زانو بزند و استغفار کند و نقش ایران را به‌عنوان قدرت بزرگ منطقه پذیرا شود.

در مقابل، گروهی که به حرف مفت زدن معتاد شده‌اند، چشمکی زدند و گوشهٔ لبشان را پائین کشیدند و مدعی شدند که پیش‌نویس این نطق را در تهران «مقام معظم رهبری» تقریر فرموده و دکتر علی‌اکبر ولایتی مشاور ایشان در امور مربوط به سیاست خارجی به زبان انگلیسی ترجمه کرده و متن ترجمه از طریق وزارت امور خارجه به سفارت جمهوری اسلامی در لندن انتقال یافته و پس از دستکاری مختصری در عبارات و کلمات توسط «مشاوران ویژه»، در اختیار جک‌استراو قرار گرفته و در مراسم گشایش نمایشگاه عباسی ایراد شده است.

چنین حرف‌هایی اگر بر سبیل هزل ادا شود البته قابل اعتنا نیست. اما هرآینه کسانی به‌طور جدی تسلیم چنین اوهام شوند محققاً باید آن را ناشی از بی‌اطلاعی و نایختگی محض دانست. کشوری مثل انگلستان، با آن اقتدار دیرینه و آن تجربهٔ دیرپای دیپلوماسی، بازیچه نیست که سیاست‌هایش تحت تأثیر این و آن اعوجاج پیدا کند.

از طرفی، عالی‌جناب جک استراو گرچه در حال حاضر وزیر دادگستری است و با پرونده‌های جزائی و قضائی سر و کار دارد، قبلا چندین سال در مقام وزیر امور خارجه خدمت کرده و با چم و خم راهکارهای این وزارتخانه آشناست. نطق جک استراو، برخلاف تصور ساده‌اندیشان، بر مبنای دستورالعمل بر جای مانده از دوران سلطنت ملکه ویکتوریا تهیه شده است. طبق این دستورالعمل وزیران و مدیران سیاسی، در هر زمان که لازم آید دربارهٔ روابط انگلستان و ایران (یا هر کشور ثانوی) نطقی ایراد کنند، ضمن در نظر گرفتن مقتضیات روز و انطباق آن با منافع دائمی دولت فخیمه بریتانیای کبیر، یکی از چند نمونهٔ موجود در آرشیو محرمانهٔ «فارین آفیس» را الگو قرار می‌دهند.

محض مزید استحضار، نگاهی بیفکنید به شباهت‌های نطق جک استراو با نطق لرد کرزن وزیر امور خارجهٔ انگلستان در میهمانی رسمی به‌افتخار وزیر امور خارجهٔ ایران ـ شاهزاده فیروز میرزا نصرت‌الدوله ـ به‌تاریخ ۱۸ سپتامبر ۱۹۱۹، زمانی که انگلستان دست‌اندرکار گذراندن قرارداد ۱۹۱۹ معروف به قرارداد وثوق‌الدوله بود:

«ما امشب به میهمان عالیمقام خود، حضرت والا نصرت‌الدوله از چندین جهت خیر مقدم و تبریک ورود عرض می‌کنیم. نخست از لحاظ شخصیت والای خودشان... در درجه دوم به‌عنوان پیشاهنگ موکب شهریار متبوعشان، اعلیحضرت سلطان احمدشاه قاجار که بزودی به‌عنوان میهمان معزز دولت انگلیس وارد لندن خواهند شد. در درجه سوم به ایشان خیر مقدم می‌گوئیم به‌عنوان نمایندهٔ بسیار لایق ملتی که همواره از گرمترین احساسات و عواطف ملت ما برخوردار بوده است و مردم این کشور با پیوندهای محکم دوستی در گذشته با آنها مربوط بوده‌اند و امیدوارند در آتیه نیز با پیوندهای محکمتری این دوستی را کماکان ادامه دهند.

حضرت والا ما همیشه خواهان استقلال کشور شما بوده‌ایم و جدّاً بر این باوریم که یک ایران قوی و مستقل در جوار مرزهای هند، از هر حیث که تصور شود وجودش به‌نفع و صلاح ماست. ما نمی‌خواهیم ایران فقط حایلی میان ما (در هند) و امپراتوری‌های دیگر باشد، خواست ما ایرانی است مقتدر و نیرومند که قادر به ایفای نقش خود در راه تحکیم صلح جهانی باشد...

من همیشه از دوستان مخلص و پابرجای ملت ایران بوده‌ام و برای ملیت ایرانی احترامی عمیق قائلم. من این کشور را به چشم سرزمینی می‌نگرم که تاریخی معظم و گذشته‌ای افسانه‌آمیز دارد و یکی از معدود کشورهای جهان اسلام است که استقلال خود را تاکنون حفظ کرده، به‌همین دلیل معتقدم که نگاهداشتنش به همین شکل زنده و مستقل نه‌تنها برای ما، بلکه برای تمام آسیا، اهمیت دارد. این را بی‌جهت نمی‌گویم زیرا کشور ایران و ملت ایران را از نزدیک می‌شناسم و می‌دانم که آحاد این ملت به داشتن شخصیت انفرادی و روحیهٔ ممتاز ملی مشهور و به حفظ هویت تاریخی خود پایبندند. نیروی ناشی از این خصیصه‌ها آنچنان قوی است که شکست دادن چنین کشور و سرکوب کردن چنین ملتی غیر ممکن است...»

برای اطمینان از صداقت کلام لرد کرزن مراجعه کنید به کتاب او: «ایران و مسألهٔ ایران».

# با لو رفتن سازمان نظامی حزب توده، فشار بر زندانیان خارك شدت گرفت

## وقتی خبر دستگیری گروهی از افسران را برای «آرسن» نقل کردم رنگش پرید و گفت ای داد، سازمان نظامی لو رفت!

بازنشر

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آبان‌ماه ۱۳۸۲تا اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ -از شماره‌های ۹۸۰ تا ۱۰۰۲)

**«گذار از طوفان» تازه‌ترین کار ناخدا دکتر حمید احمدی در ضبط خاطرات چهره‌های سرشناس نظامی و سیاسی جنبش چپ در ایران عصر پهلوی است.**

**این کتاب، خاطرات مرتضی زربخت سروان خلبان نیروی هوایی را در دهه ۲۰ به شیوه گفت و شنود منعکس می‌کند.**

**مرتضی زربخت از افسرانی است که در جوانی به سازمان نظامی حزب توده پیوست و بدین سان قدم در راه یك زندگی پر تلاطم گذاشت.**

**متولد سال ۱۳۰۰ در تهران، زربخت در سال ۱۳۱۹ (آخرین سال سلطنت رضاشاه) در رشته هوایی دانشکده افسری ثبت نام کرد. در مهرماه ۱۳۲۱ (زمان اشغال ایران به‌وسیله قوای متفقین) با درجه ستوان دومی به‌عنوان افسر دیده‌بان فارغ‌التحصیل شد و به هنگ هوایی اصفهان انتقال یافت. سال بعد، برای گذراندن دوره خلبانی به تهران بازگشت. در سال ۱۳۲۳ به عضویت سازمان نظامی حزب توده درآمد. در سال ۱۳۲۵ به اتفاق ستوان یکم علی جودی، با دو هواپیمای جنگی راهی تبریز شدند و به فرقه دموکرات آذربایجان پیوستند.**

**پس از سقوط فرقه دموکرات و فرار رهبران فرقه به آن سوی مرز، زربخش و ۹ افسر فراری دیگر رهسپار کردستان عراق شدند و با ملامصطفی بارزانی پیوند همکاری بستند. در جنگی که بین بارزانیها و ارتش مجهز ایران رخ داد، شرکت کردند و شکست خوردند. پس ازآن به خاك عراق پناه بردند و به مدت سه سال در عراق زندانی بودند و در فروردین ۱۳۲۹ به ایران تحویل داده شدند.**

**در دادگاه بدوی نظامی، هر شش تن به اعدام محکوم شدند. در دادگاه تجدیدنظر حکم اعدام درباره یکی از آنها ــ ابوالحسین تفرشیان ــ ابرام شد و چهار نفر ــ ازجمله مرتضی زربخت ــ مجازاتشان به حبس ابد تقلیل یافت. زربخت در بهمن ماه سال ۱۳۳۷ آزادی خود را بازیافت و اکنون، در هشتاد و سه سالگی از خاطرات خود سخن می‌گوید.**

**گزیده‌ای از خاطرات مرتضی زربخت را در صفحه خاطرات و تاریخ می‌خوانید...**

**گذار از طوفان**

**خاطرات مرتضی زربخت در گفتگو با حمید احمدی(۱۷)**

**انجمن مطالعات و تحقیقات تاریخ شفاهی ایران ــ برلین**

**احمدی: این زندانیان سیاسی جدید چه زمانی به جزیره خارك وارد شدند؟**

**زربخت:** اواخر تیر ۱۳۳۳ بود که خبردار شدیم عده‌ای از توده‌یها را از تهران به خارك تبعید کردند و در اسکله پیاده شدند. تعدادی از جوانان داوطلب شدند که برای حمل وسایلشان به اسکله بروند. فرمانده واحد محافظین زندانیان سیاسی که مأموریت آوردن آنان به جزیره خارك را عهده‌دار بود به‌نام سرهنگ دوم پیاده اکبر زند بود. من با اکبر زند در دبیرستان نظام همکلاس بودم و در دانشکده افسری همدوره و علاوه بر آن، در محله چهارراه حسن‌آباد تهران، بچه محل بودیم. آن روز، من کار دیگری داشتم و به اسکله نرفته بودم. در آن روز بین رفیقمان ارتشیار و سرهنگ زند بگومگوی لفظی پیش آمد و سرهنگ ناراحت شده و به داخل پادگان رفته بود. در حقیقت در حضور درجه‌داران و سربازان، پشم سرهنگ ریخته بود. عصر همان روز، مراسم جشن داشتیم. فکر می‌کنم به‌مناسبت سالگرد ۳۰ تیر بود که از قبل نمایشی ترتیب داده شده بود و قرار بزن و بکوب داشتیم. رفقا به من تکلیف کردندکه با آشنایی قبلی که با سرهنگ زند دارم به پادگان بروم و سرش را گرم کنم تا خیالشان راحت باشد مبادا این دیوانه به سرش بزند و جشن را به هم بریزد و به خشونت بکشاند. من رفتم پادگان و به پاسدار آنجا گفتم به جناب سرهنگ بگو که فلانی آمده. اجازه ورود داد. با دیدن من خوشحال شد و از جایش بلند شد و مرا بوسید. نشستیم به گپ زدن. اتفاقاً آن روز آهویی در جزیره شکار کرده بود و دستور داد برایمان کباب بیاورند و شام را مهمان او بودم.

بد نیست این مطلب را هم بگویم که در این جزیره حدود ۱۰۰ رأس آهو چرا می‌کردند و گاهی فرمانده پادگان یکی از آنها را صید می‌کرد و به حساب جیره گوشت سربازان می‌گذاشت و به‌خورد آنان می‌داد. گاهی هم سربازان لر، آهوها را جرگه می‌کردند یعنی آنها را به کنار دریا می‌راندند و با چوبدستی، یکی دو تا از آنها را صید می‌کردند. یك بار هم، یك بچه آهو گرفتند و به ما دادندکه نتوانستیم تغذیه او را تأمین کنیم و بعد از مدتی تلف شد.

در هر حال، وقتی با او مشغول صحبت بودم، صدای خنده و کف زدن رفقایمان به‌گوش می‌رسید. پرسید، آنجا چه خبره؟ گفتم، هیچی، دوستانمان به‌مناسبت ورود مهمانان تازه وارد جشن گرفتند و شادی می‌کنند. از او پرسیدم، چطور شد درجه گرفتی؟ جواب داد، روز ۲۸ مرداد، تا ظهر در خیابان می‌گشتم و بعد از ظهر آن روز دیدم که کفه این طرف دارد می‌چرخد پیش خود گفتم که ای دل غافل، داری عقب می‌مانی. خودم را داخل هواداران سرلشکر زاهدی جا زدم و بعد هم، جزو آن طرفداران، یك درجه و مدال گرفتم. البته، به‌نظرم دروغ می گفت. بعد در بین صحبتها، ادامه داد، وقتی مأمور انتقال رفقای شما به جزیره خارك شدم، سرلشکر باتمانقلیچ (رئیس ستاد ارتش وقت) مرا احضار کرد و گفت، از این به‌بعد سرنوشت اینان دست توست. تو فرماندار نظامی و مسؤول تبعیدشدگان در خارك هستی.

مطلب دیگری که این جناب سرهنگ گفت، این بود که اگر هر یك از زندانیان نسبت به شاه و سلطنت ابراز وفاداری کنند، اختیار دارم که‌آنان را به تهران بفرستم تا آزادشان کنند. او می‌گفت، روزنامه مردم نوشته که حکومت ۶۰نفر توده‌ای را به عامل کودتا سپرده است که به جزیره خارك ببرد و در بین راه به بهانه فرار، آنها را به گلوله ببندد. اما، دیدی که رفقایتان را صحیح و سالم تحویلتان دادم. در واقع، خودم هم حال و حوصله گرمای کشنده و شرجی جزیره خارك و درد سر و درگیری با شما را ندارم و برمی‌گردم به تهران. روز بعد هم با سربازان خود سوار کشتی شد و از طریق بوشهر به تهران برگشت. اگر واقعاً در مورد مسؤولیتی که باتمانقلیچ به او داده بود، راست گفته باشد، معلوم می‌شود خیلی مورد توجه بوده است که حتی در قبول یا رد این سمت جدید، دستش به این شکل باز بوده است.

### تازه واردین به جزیره خارك

این گروه از توده‌ایهای تازه وارد به خارك، ۶۱ نفر بودند و اکثریت آنان را کادرهای روشنفکر و فعال حزبی و سندیکایی تشکیل می دادند. تعدادی از این عده هم غیر حزبی بودند مثل شیخ مصطفی رهنما و عده‌ای هم هوادار حزب مانند کریم کشاورز، تقی باقری، انجوی شیرازی، منوچهر کیمرام و سه نفر هم از اعضای سازمان نظامی حزبی بودند به نامهای حسین مرزوان، خسرو پوریا و محمد هنریار. از پزشکان عضو حزب توده که در این گروه تازه‌واردین بودند، این عده را می‌توانم نام ببرم: دکتر شهیدی، دکتر کریم پویا، دکتر صادق پیروز، دکتر سروش و دکتر بهروز رضاخانلو. از کمیته مرکزی سازمان جوانان که مخالف خط مشی شرمینی و به همین دلیل از کمیته مرکزی سازمان برکنار شده بودند عبارت بودند از: خسرو اسدی، بهروز رضاخانلو، ناظم رسولی و مهندس رضا ضیایی. تعدادی از این گروه از ارامنه بودند به اسامی: ارسن هوانسیان، ادوارد ترکاراپتیان، سیمیك، شماون، وارطان، روبن، خانلر، خورن و گورك. البته اعضای سرشناس و تحصیلکرده دیگری هم بودند که اسامی کامل آنان در کتاب «۱۴ ماه در خارك» نوشته کریم کشاورز آورده شده است.

عده‌ای از کارمندان و کارگران راه‌آهن هم در میان آن تبعیدشدگان به خارك بودند و تا آنجا که به خاطرم مانده، این اسامی را می‌توانم نام ببرم: مهندس بحری، مهدی آقائی، هوشنگ انتظامی، عبدالله نوروزی، ابوالفتح ستاری، علی حیدرپور و فاضل. تعدادی از فعالین حزبی کرمانشاه را به خارك تبعید کرده بودند به‌نامهای: جعفر اقربی (جاویدفر)، جهانشاه هوشیار، میرزادگان، احمدی، خوشکار، امری پور، چند نفری هم از اصفهان بودند به نامهای: محمدرضا کریمی، انگوری، طالبیان، روحانی، مجلسی و رحیمی. خلاصه به سرعت تعداد ما تبعیدشدگان سه برابر شد و به ۱۲۰ نفر رسید. بدون داشتن امکانات زندگی و خورد و خوراك لازم.

**آقای زربخت! شما حافظه خیلی قوی دارید. خیلی جالبه. اینهمه اسامی و حتی چه کسی از کدام شهر بوده را بعد از گذشت حدود ۴۴ سال به خاطر دارید.**

ــ دلیلش این است، بعد از آزادی از تبعید و زندان، ارتباط دوستانه‌مان همچنان برقرار بود.

### تأمین آذوقه در جزیره خارك

با ورود گروه جدید تبعیدشدگان، وضعیتمان عوض شد. برای تأمین مواد غذایی و محل زندگی ۱۲۰ نفر، باید فکری می‌شد چون در جزیره خارك، دکان بقالی که بتواند آذوقه مصرفی این عده را تأمین کند، وجود نداشت. اولین کاری که کردیم این بود که با موافقت فرمانده پادگان با رسولی کدخدای خارك که آدم خوبی بود، قرار گذاشتیم تا هر دو هفته یك بار، به او صورت نیازمندیهایمان را بدهیم

و او از طریق لنجهایی که به گناوه و یا بندر ریگ می‌روند، خواربار مورد نیازمان را خریداری کند و در جزیره خارك تحویلمان بدهد. برای تأمین گوشت مورد نیاز، قرار شد که ۲۰ رأس بز برایمان خریداری کند تا برحسب نیاز از گوشت و شیر آنها استفاده کنیم. البته از این خریدها، فرمانده پادگان هم سهمی می‌برد و ما هم به روی مبارکمان نمی‌آوردیم.

**حکومت وقت که این ۱۲۰ نفر را بعد از کودتای ۲۸ مرداد به این جزیره تبعید کرده بود، پیش بینی و برنامه تأمین مواد غذایی روزانه آنان را به عهده نگرفته بود؟**

ــ روزانه دو تومان به ما می‌دادند و خودمان می‌بایستی با این مبلغ، خورد و خوراك، لباس، نظافت و حمام و... سامان بدهیم. ما هم راضی بودیم که اختیار تأمین خورد و خوراك در دست خودمان باشد و به دست پادگان نظامی نیفتد تا نصف آن را بالا بکشد و همین اندك غذایی هم که خودمان تهیه می‌کردیم، به ما داده نشود.

در هر حال وقتی اولین لنج آمد، ۲۰ رأس بز با خودش برایمان آورد. بدین ترتیب، صاحب گله‌ای شدیم ولی احتیاج به چوپان و علف‌چر پیدا کردیم. فرمانده پادگان اجازه داد تا روزانه دو نفر به‌عنوان چوپان که برای ما به‌منزله پیك‌نیك و هوا خوری بود، این کار را انجام بدهند.

هفته‌ای یك رأس بز و از آنهایی که جزو پیرترها و یا نازا بودند، می‌کشتیم و با گوشت و احشای آن، دو سه بار غذای گوشت‌دار تهیه می‌کردیم. از شیر آنها هم استفاده می‌کردیم. در این زمینه، دهقانان فدایی آذربایجان که جزو تبعیدشدگان بودند، راهنما و صاحب نظر بودند. علاوه بر ۲۰ رأس بز، چند عدد مرغ و خروس هم از آبادی جزیره خارك خریداری کردیم و جوجه‌کشی راه انداختیم و تا حدودی می‌توانستیم هر چند وقتی از گوشت مرغ و تخم مرغ هم استفاده کنیم.

خوب، این سازماندهی بود برای تأمین مواد غذایی برای ۱۲۰ نفر که از این طریق به‌اجرا گذاشته شد و به‌نحوی ادامه زندگی را ممکن ساخت. اما، کارهایی که جنبه تندروی داشت هم می‌کردیم که البته با شرایط آن روز همخوانی نداشت. به‌عنوان مثال عصرها در محوطه کمپ اجتماع می‌کردیم و سرود حزب را می‌خواندیم. این رسم از زندان قصر تا کودتای ۲۸ مرداد انجام می‌شد. البته بعد از کودتا، در زندان قصر غلاف کردیم چون شرایط مساعد برای چنین کاری نبود. وقتی به جزیره خارك تبعید شدیم، با وجود فرمانده پادگان ــ ستوان یکم کوثر و جانشین او ستوان یکم وحدت ــ سرودخوانی ادامه داشت. البته، موقع مراسم سرودخوانی، عده‌ای از زندانیان مثل کریم کشاورز، انجوی شیرازی، باقری، کیمرام و مصطفی رهنما که حزبی نبود، شرکت نمی‌کردند و حق هم داشتند. اما، کریم کشاورز به‌هنگام مراسم سرودخوانی، در محوطه قدم می‌زد تا به اولیای پادگان نشان دهد که من جزو حضرات نیستم که البته در آن شرایط، یك نوع بی احترامی به آن مراسم تلقی می‌شد. این مراسم سرودخوانی ادامه داشت تا این که پادگان دست به یك عملیات فشار و کودتایی زد و از آن پس، اجرای آن مراسم هم به‌هم خورد.

**فشار به زندانیان در خارك**

**این وضع، پس از لو رفتن سازمان نظامی حزب توده ایران بود؟**

ــ بله. بعد از ستوان کوثر، ستوان یکم وحدت فرمانده پادگان شد. او مدتی با ما مدارا می‌کرد و رابطه‌مان ظاهراً حسنه بود تا این که از طریق رادیو خبردار شدیم که سروان عباسی، سرهنگ مبشری و عده‌ای دیگر از نظامیان عضو سازمان نظامی حزب را دستگیر کرده‌اند.

**در شهریور ۱۳۳۳؟**

ــ بله. در شهریور ۱۳۳۳ در خارك توانسته بودیم یك دستگاه رادیو با باطری خشك تهیه کنیم. در بین تبعیدیان توده‌ای یك باطری ساز ارمنی به‌نام روبن بود که توانست با وسایل ابتدایی مثل چند استکان محتوی اسید و سیمهایی که این پیلها را به هم وصل می‌کرد، باطری تهیه کند. در آن زمان، رادیو در اختیار من بود که دور از چشم پادگان، مخفیانه خبرها را می‌گرفتم و خلاصه آن را برای رفقا نقل می‌کردم. وقتی خبر بازداشت گروهی از افسران سازمان نظامی را برای آرسن نقل کردم، رنگ از رخش پرید و گفت، ای داد بیداد، سازمان افسری لو رفت؟

بعدها، فهمیدم که آرسن با سازمان نظامی حزب ارتباط داشت.

در این ایام، اگرچه تاریخ دقیق آن را به‌خاطر ندارم و احتمالا اواسط مهر ۱۳۳۳ بود که یك عمل کودتایی علیه ما در این پادگان راه انداخته شد. جریان به این ترتیب شروع شد. سر شب بود، شام خورده بودیم و عده‌ای برای قضای حاجت به کنار دریا رفته بودند. عده‌ای قدم می‌زدند و بعضیها هم داشتند دندانهایشان را مسواك می‌زدند. ناگهان صدای گلوله‌ای در کنار دریا شنیده شد. چنین کاری سابقه نداشت. سربازان و گروهبانان ریختند به داخل محوطه و گروهبان جلال که سردسته آنان بود، شروع کرد به همه ما فحاشی و توهین کردن. دوستانمان استنباط کردند که توطئه‌ای در کار است و اینان قصد دارند به‌بهانه‌ای کشتاری راه بیندازند. لازم بود خونسردی خودمان را حفظ کنیم و به‌سرعت در داخل ساختمانها که حکم خوابگاه را داشت، جمع شدیم. گروهبان جلال فرمان داد که همه بخوابند و چراغ زنبوری را خاموش کنند. یك ریز فحش می‌داد و بد و بیراه می‌گفت و تهدید می‌کرد. چراغها را خاموش کردیم و روی رختخوابهایمان دراز کشیدیم. به‌سراغ تیوای آمدند که او نماینده و رابط زندانیان با فرمانده پادگان بود. ظاهراً از او دل پری داشتند و می‌خواستند زهر چشم بگیرند. در آن تاریکی شب، صلاح نبود که تیوای خود را تسلیم کند. به هر ترتیبی بود شب را به صبح رسانیدیم. محوطه ما در محاصره سربازان بود و حق نداشتیم بدون اجازه از محوطه خارج شویم. صبح، متوجه شدیم که ۱۶ نفر از زندانیان را به‌اسارت گرفته و برده‌اند. از طرف رفقا از من خواسته شد به جای تیوای نمایندگی زندانیان را قبول کنم و به دیدن فرمانده پادگان بروم. از نگهبانان خواستم که مرا نزد فرمانده پادگان یعنی ستوان یکم وحدت ببرند. به دیدارش رفتم و اولین سؤالم این بود که این بگیر و ببند دیشب چی بود؟ در جواب گفت ــ از بوشهر یا تهران، یادم نیست ــ دستور داشتم که نظم را در اینجا به‌هر قیمتی شده برقرار کنم. منتها سعی کردم که این کار بدون خونریزی انجام گیرد. خوشبختانه به‌خیر گذشت. من با لحنی از او گله کردم که بهتر بود قبلا به ما تذکر می‌دادید تا این خواست شما بدون اهانت و ضرب و شتم انجام گیرد. خُب، با جوّ خفقان و کشتاری که در تهران وسایر نقاط ایران به‌وجود آمده بود، ستوان یکم وحدت هم می خواست در خارك میخ خودش را بکوبد و آن آزادی مختصر ما را محدود کند. اولین مشکل که در این روزها برایمان پیش آمد، مسأله علوفه گلّه بزها بود که روزانه دو نفر به‌عنوان چوپان همراه یك سرباز آنها را برای چرا می‌بردند.

محدودیت و بخصوص اهانت و فحش گروهبان جلال هر شب تکرار می‌شد و دستور می‌داد ساعت ۸ شب چراغ را خاموش کنیم. البته این رفتار گروهبان جلال نمی‌توانست بدون اطلاع فرمانده پادگان باشد. قبل از آن، امکان برای پرسه زدن در آبادی و یا شنا در دریا را داشتیم. عصرها، سرودمان را می‌خواندیم و جشنهای خودمان را برگذار می‌کردیم. روزانه، چند نفری برای خرید مایحتاج جزئی به ده می‌رفتند. بعضی روزها، ۸ـ۷ نفر برای پیك‌نیك به چشمه نوتاش که در حقیقت قناتی بود که در دل سنگها حفر شده بود، می‌رفتند. آب باریك و شیرین در آن جاری بود. برنج می‌بردیم و با خس و خاشاك کته‌ای می‌پختیم و به‌قول معروف، عشق دیشلمه (چای تلخ) می‌کردیم. در واقع، جزیره خارك ــ تا قبل از موج ندامت که خود داستان شنیدنی و خفت‌بار دارد ــ برای ما زندانیان درازمدت با همه گرمای طاقت فرسا و کمبود غذا، خیلی بهتر از زندان محصور قصر تهران بود و من شخصاً احساس زندانی بودن را نداشتم.

**دنباله دارد**

**گروهی از تبعیدیان خارك ــ سال ۱۳۳۳**
**از چپ به‌راست ایستاده: شکوری، خطیب‌شهیدی، هوشنگ انتظامی، تالوردی، پوروجدی، مهندس شهراسبی، یرواند**
**نشسته: عبدالله نوروزی، عباس شباویز، فتح‌الله ستاری، ضیاء طبری، علی حیدرپور**

کیهان

بازنشر

# بازنشر از ۴ آبان ۱۳۹۸؛ دوقلوهای پهلوی؛ تمدن بزرگ در برابر سیاه‌چاله‌ی ارتجاع

**هر چه بیشتر زمان گذشت، خودآگاهی ملی جامعه‌ی جوان ایران آنها را بیشتر نسبت به راهی متقاعد ساخت که با انقلاب مشروطه و تلاش پهلوی‌ها برای آزادی و آبادی میهن هموار شده بود اما با دست‌انداز جمهوری اسلامی نه به بن‌بست بلکه در یک عقبگرد تاریخی به قهقرای همه‌جانبه انجامید. از همین رو مرور تاریخ معاصر ایران و نقش ایده و انقلاب مشروطه و دستاوردهای دوران پهلوی به عنوان میراث و داشته‌هایی که جامعه در شرایط کنونی با اعتماد به شاهزاده رضا پهلوی به عنوان رهبر انقلاب شیروخورشید ایران می‌تواند بر آنها دوباره بنا کند، اهمیت ویژه پیدا می‌کند.**

**چهارم آبان زادروز مردیست که تاج پادشاهی بر سر زنان ایران نهاد و در ادامه‌ی خدمات پدرش، تلاش کرد با «انقلاب سپید» راه کشورش را به سوی تمدن بزرگ بگشاید و زادروز زنی که در تلاش برای حقوق زنان همواره از سوی فرهنگ مردسالار و مذهبیون سنتی مورد حمله‌های رکیک قرار گرفت.**

**شاهدخت اشرف به عنوان خواهر شاه و شهبانو فرح به عنوان همسر و نایب‌السلطنه‌ای که می‌توانست بر مردان مرتجع مانند خمینی نیز حکومت کند، همواره خار چشم ارتجاعیون ایدئولوژیک و مشروعه‌خواهان بودند.**

**در مسیر تمدن بزرگ، جمهوری اسلامی سیاه‌چاله‌ای است که زنان از همان نخستین روز در برابرش ایستادگی کرده‌اند.**

**در جهان دوقطبی که در آن غرب به نماد پیشرفت و آزادی تبدیل شده بود، ارتجاع سرخ نیز خود را به واپسگرایان و آزادی‌ستیزان نزدیکتر می‌دید... تجربه عینی نیز نشان داد هر جا که ارتجاع سرخ و سیاه به قدرت رسیدند، دیگران را سرکوب و قلع و قمع کردند. مبارزه آنها با پهلوی‌ها تا به امروز نیز به خاطر ترقی و پیشرفت و آزادی نیست! وگرنه چه کسی جمهوری اسلامی را به دوران پهلوی ترجیح می‌دهد جز این دو ارتجاع؟!**

**یکی از بزرگترین سرمایه‌گذاری‌های جمهوری اسلامی روی تبلیغات و تحریف تاریخ و بازنویسی آن صورت گرفت. نتیجه؟! نور به قبرش ببارد!، خدا بیامرزدش!، رضاشاه روحت شاد!، کشور که شاه نداره، حساب کتاب نداره!، ای شاه ایران، برگرد به ایران! و...**

**شاید دست سرنوشت بود که یک خواهر و برادر، یک زن و مرد، مُهر تلاش‌های خود را چنان بر مسیر تاریخ ایران به سوی آینده بکوبند که هیچ تحریف و مغزشویی و سرکوبی نه تنها قادر به محو آن نباشد بلکه استراتژی رسیدن به «تمدن بزرگ» در مقابله با سیاه‌چاله‌ی جمهوری اسلامی، بار دیگر در دستور کار ایرانیان قرار گیرد.**

**الاهه بقراط** – این گزارش روز ۴ آبان ۹۸ به مناسبت صدمین سال تولد محمدرضاشاه پهلوی و شاهدخت اشرف پهلوی منتشر شد و هربار به مناسبت تداوم تلاش نسل‌های تازه‌ای از زنان و مردان «ایران نوین» برای برخاستن از خاکستر میهن خود که آتش مصیبت‌بار جمهوری اسلامی نیز نتوانست آن را از زندگی باز دارد، بازنشر می‌شود؛ آنهم در شرایطی که پس از آبان۹۸ که صدها جوان در اعتراض به جمهوری اسلامی به خاک و خون کشیده شده و مجروح و دستگیر شدند و به زندان افتادند، ایران در سال‌های بعد نیز آرام و قرار نداشت؛ حکومت همچنان تحریم‌های همه‌جانبه بین‌المللی را بر کشور تحمیل کرد، سرکوب و فشار بی‌امان را علیه شهروندان پیش برد و در ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه ۴۰۴ هزاران تن را که برای آزادی و حقوق یک ملت به خیابان آمده بودند، به خاک و خون کشید. این در حالیست که پس از دو جنگ ۱۲ روزه و چهل روزه که طی آن رهبر و زمامداران رژیم و ده‌ها تن از فرماندهان و عوامل آن از میان برداشته شدند، جامعه در انتظار یک «اتفاق» دیگر است. اتفاقی که می‌بایست تکلیف این نظام ضدایرانی و ضدبشری را با پشتیبانی سیاست جهانی و به دست ملت ایران یکسره سازد.

امروز خودآگاهی ملی جامعه‌ی جوان ایران آنها را بیشتر نسبت به راهی متقاعد ساخت که با انقلاب مشروطه و تلاش پهلوی‌ها برای آزادی و آبادی میهن هموار شده بود اما با دست‌انداز جمهوری اسلامی نه به بن‌بست بلکه در یک عقبگرد تاریخی به قهقرای همه‌جانبه انجامید. از همین رو مرور تاریخ معاصر ایران و نقش ایده و انقلاب مشروطه و دستاوردهای دوران پهلوی به عنوان میراث و داشته‌هایی که جامعه می‌تواند بر آنها دوباره بنا کند، اهمیت ویژه پیدا می‌کند.

*****

چهارم آبان ۱۳۹۸ صد سال از تولد دوقلوهای پهلوی، محمدرضاشاه و شاهدخت اشرف می‌گذرد.

اطلاعات شناسنامه‌ای و تاریخ و شرح رویدادها را در منابع مختلف می‌توان یافت. جمهوری اسلامی اما کم این تاریخ را تحریف نکرده و کم نسل‌های بی‌خبر جوان را از کودکی مغزشویی نکرده است.

آنچه اما چشم آنهایی را که از آن دوران هیچ خاطره‌ای ندارند و یا از بخت بد در چهل سال گذشته به دنیا آمده‌اند، به روی حقیقت گشود، نه کتاب و روایات و درس و مدرسه بلکه تجربه‌ی مستقیم آنها بود:

هرچه جمهوری اسلامی بر بمباران تبلیغاتی افزود، مردم آن را با زندگی واقعی خود مقایسه کرده و نتیجه‌ی دیگری گرفتند!

هرچه مشروعه‌خواهان تحریف کردند و دروغ گفتند و آموزش و پرورش را به زهر آموزه‌های ضدعلمی و بی‌خرد خود آلوده کردند، مردم آن را با واقعیات مقایسه کرده و نتیجه‌ی دیگری گرفتند!

عاقبت چنین معروف شد که ایرانیان تنها مردمانی هستند که آینده‌شان همان گذشته‌شان است!

اما چرا؟ چرا در دوران پهلوی کسی حسرت دوران قاجار را نمی‌خورد؟! چرا در آینده، حتی اگر به فرض، شرایط ایران بدتر از جمهوری اسلامی شود، باز هم کسی حسرت این سیاه‌چاله را نخواهد خورد و همچنان دوران پهلوی چون آرزویی دست‌یافتنی جلوه خواهد کرد؟

پاسخ روشن است: تنها زمانی که حکومتی قادر شود آزادی و امنیت و رفاه بیشتری از پهلوی‌ها به مردم ارائه کند، پهلوی‌ها با آرامش کامل در آغوش تاریخ آرام خواهند گرفت.

تا آن زمان اما دوران پهلوی بر تارک تاریخ معاصر ایران خواهد درخشید! این، همان آیینه‌ی دِقِ ارتجاع سرخ و سیاه است!

**چهارم آبان**

«چهارم آبان» برای دو سه نسل پیش از انقلاب فقط یک روز از ماه آبان نبود بلکه به یک مفهوم تبدیل شده ←

بود: چهارم‌آبان!

این روز برای آنهایی که پنجاه شصت ساله و بیشتر هستند، یادآور جشن‌های سراسری شامل موسیقی و رقص و پایکوبی از جمله در مدارس و ورزشگاه‌ها و همچنین چراغانی و «طاق نصرت»های رنگارنگ در شهرهاست.

این روز با اینکه تولد شاه و شاهدخت هر دو بود، اما طبیعتا خواهر دوقلو هم در سایه‌ی برادر شاهنشاه‌اش و هم در سایه‌ی ملکه‌ی کشور قرار داشت. «چهارم آبان» جشن تولد شاه بود نه خواهر دوقلویش! تولد شهبانو نیز هرگز بطور عمومی جشن گرفته نمی‌شد حتی پس از آنکه نایب‌السلطنه شد. اما هم خواهر، چنانکه خود همواره می‌گفت، عاشق برادرش بود و هم همسر، چنانکه هیچ نشانه‌ای جز عشق و مهر از او در جایی ثبت نشده، عاشق همسرش بود (کتاب‌ها و خاطرات دروغین و اختراعی تاریخ‌نویسان امنیتی رژیم ایران فقط به درد استفاده‌ی پیروان ارتجاع سرخ و سیاه می‌خورد تا در خیال خود با شمشیرهای چوبین همچنان با پهلوی‌ها مبارزه کنند!)

**خار چشم ارتجاع سرخ و سیاه**

در سال‌های اخیر به اصطلاح روشنفکران و برخی مذهبیون وابسته به جمهوری اسلامی تا آنجا در بیان حقیقت جلو آمده‌اند که به دستاوردها و خدمات دوران رضاشاه اعتراف می‌کنند. موفقیت‌های وی پس از انقلاب مشروطه در تثبیت نهادهای مدرن کشوری و لشکری چیزی نیست که قابل انکار باشد. اینهمه در زمانی بود که اروپای مدرن و متمدن زیر چکمه‌ی فاشیسم و نازیسم و استالینیسم له می‌شد. در چنین شرایطی و در کشاکش جنگ جهانی دوم ولیعهد جوان به پادشاهی کشوری با موقعیت استراتژیک رسید تا آن را به سلامت از دوران متلاطم عبور دهد.

در این میان، یکی از مهمترین رویدادها و دستاوردهای دوران رضاشاه اعلام کشف حجاب در ۱۷ دی ۱۳۱۴ است که پاسخی شایسته و بجا به جنبش نوپای زنان و تقاضای روشنفکران آن دوران بود. کشف حجاب راه پیشرفت را به روی نیمه‌ی دیگر جامعه گشود.

در اصلاحات بنیادین دوران شاه نیز که خود آن را «انقلاب سپید» نامید، حقوق زنان نقش کلیدی بازی می‌کرد. اگر رضاشاه با کشف حجاب توانست زنان را از پستوها و اندرونی‌های قجری بیرون بکشد، اصلاحات پسرش از جمله با حق رأی زنان آتش به جان ارتجاع سرخ و سیاه زد!

هر یک از این دو ارتجاع اما از زوایای متفاوت و گاه متضاد با پهلوی‌ها و اصلاحات آنها مخالف بودند:

ارتجاع سیاه و مذهبیون اساسا با هر نوع آزادی و دانش و پیشرفت مخالف‌اند چه برسد به اینکه به زنان مربوط شود! آنها امروز در قرن بیست و یکم نیز اگر می‌توانستند زنان را در اندرونی‌ها حبس کنند، لحظه‌ای درنگ نمی‌کردند. اما هم پیشینه‌ی پنجاه سال پهلوی و هم تکنولوژی ارتباطات این فرصت را برای همیشه از آنها ربود.

ارتجاع سرخ اما دانسته یا نادانسته می‌دیدید که هر آن اهدافی که در زمینه‌ی عدالت اجتماعی ادعایش را دارد، با اصلاحات حکومتی و «انقلاب شاه و مردم» در حال انجام است: اصلاحات ارضی و سهیم شدن کارگران در سود کارخانجات نه تنها دو طبقه‌ی مورد ادعای آنها را از چنگشان به درمی‌آورد بلکه حقوق اقلیت‌های مذهبی و حق رأی زنان، بخش مهم دیگری از نیروهای اجتماعی مورد ادعای آنها را از آنان جدا می‌کرد!

در کنار همه اینها، به راه افتادن سپاهیان دانش و بهداشت و انصاف برای گسترش آموزش همگانی، عرصه‌ی تحمیق مردم را بر هر دو ارتجاع تنگ می‌کرد.

این، همان بستر آینده‌ای بود که شاه فقید آن را «تمدن بزرگ» می‌نامید. او معتقد نبود که ایران به این تمدن رسیده

است بلکه هم در اوج قدرت و هم پس از سقوط ، مرتب از آینده‌ای می‌گفت که ایرانیان باید به آن برسند. از همین رو استراتژی دولت‌های قبل از انقلاب مشخص بود: توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی با گسترش آموزش و پرورش همگانی و تدارک زمینه‌های توسعه‌ی سیاسی. و در پیشبرد این امر، جامعه‌ی زنان و افرادی چون شاهدخت اشرف و شهبانو فرح، نقش مؤثر بازی می‌کردند. هر آنچه جمهوری اسلامی در رابطه با میراث فرهنگی و هنری و اجتماعی هنوز نتوانسته از بین برد، یادگار تلاش‌های آنهاست.

عیب و ایرادهای حکومت شاه قطعا در این تلاش‌ها نبود بلکه اتفاقا به آن نیروهای اجتماعی بر می‌گردد که به اشکال مختلف مانع موفقیت این تلاش‌ها بودند!

ارتجاع مذهبی که خود را همواره یکی از ستون‌های قدرت سیاسی می‌دانست، می‌دید که در حال ساقط شدن است.

در جهان دوقطبی که در آن غرب به نماد پیشرفت و آزادی تبدیل شده بود، ارتجاع سرخ نیز خود را به واپسگرایان و آزادی‌ستیزان نزدیکتر می‌دید.

آنها علاوه بر غرب‌ستیزی، در یک نکته‌ی مهم اشتراک داشتند: هیچکدام ادعای دموکراسی و آزادی بیان و حقوق بشر نداشتند و اگر به حکومت شاه تحت چنین عناوینی ایراد می‌گرفتند، منظورشان چیزی جز «آزادی سرکوبگرِ» خودشان نبود.

تجربه عینی نیز نشان داد هر جا که ارتجاع سرخ و سیاه به قدرت رسیدند، دیگران را سرکوب و قلع و قمع کردند. مبارزه آنها با پهلوی‌ها تا به امروز نیز به خاطر ترقی و پیشرفت و آزادی نیست! وگرنه چه کسی جمهوری اسلامی را به دوران پهلوی ترجیح می‌دهد جز این دو ارتجاع؟!

مردی که تاج سلطنت بر سر زنان ایران نهاد و در ادامه خدمات پدرش، تلاش کرد با «انقلاب سپید» راه کشورش را به سوی تمدن بزرگ بگشاید و زنی که در تلاش برای حقوق زنان همواره از سوی فرهنگ مردسالار و مذهبیون سنتی مورد حمله‌های رکیک قرار می‌گرفت، همان زمان هم قابل بخشایش نبودند چه برسد به اینکه ارتجاع سرخ و سیاه در اتحادی شوم به قدرت نیز رسیده باشند!

در چهل سال گذشته یکی از بزرگترین سرمایه‌گذاری‌های جمهوری اسلامی روی تبلیغات و تحریف تاریخ و بازنویسی آن صورت گرفت. نتیجه؟! نور به قبرش بباره!، خدا بیامرزدش!، رضاشاه روحت شاد!، کشور که شاه نداره، حساب کتاب نداره!، ای شاه ایران، برگرد به ایران! و...

این روزها، در صدسالگی دوقلوهای پهلوی، مردم ایران با شعارهای خود بیش از پیش نشان می‌دهند که هرگز جمهوری اسلامی را هضم نکرده‌اند و از هر فرصتی برای دفع آن تلاش می‌کنند.

شاید دست سرنوشت بود که یک خواهر و برادر، یک زن و مرد، مُهر تلاش‌های خود را چنان بر مسیر تاریخ ایران به سوی آینده بکوبند که هیچ تحریف و مغزشویی و سرکوبی نه تنها قادر به محو آن نباشد بلکه استراتژی رسیدن به «تمدن بزرگ» در مقابله با سیاه‌چاله‌ی جمهوری اسلامی، بار دیگر در دستور کار ایرانیان قرار گیرد.

*این مطلب نخستین بار در کیهان لندن دوره جدید (آنلاین) شماره ۲۳۴؛ ۴ آبان ۱۳۹۸ منتشر شد.

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی
NEWS & VIEWS
FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

# وال استریت ژورنال: آمریکا برای یک حمله کوتاه اما شدید به ایران آماده می‌شود

**روزنامه «وال استریت ژورنال» گزارش داد، آمریکا به چند کشور منطقه گفته است که پس از انتخابات میاندوره‌ای آمریکا (۳ نوامبر) برای یک کارزار نظامی کوتاه‌مدت و شدید علیه جمهوری اسلامی آماده باشند.**

**در بخشی از این گزارش آمده که اسرائیل نیز طرح‌ها و اهدافی را برای حمله‌ای تازه آماده کرده است. بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل، همچنان برای از سر گرفتن حملات تلاش می‌کند، با این هدف که توان جمهوری اسلامی ایران را بیش از پیش تضعیف کند و در نهایت به سرنگونی رژیم منجر شود.**

**برخی از مقامات آمریکایی گفتند که نیروهای ایالات متحده در منطقه ذخایر مهمات خود را دوباره تأمین کرده‌اند و بمب‌افکن‌ها و جنگنده‌ها برای انجام حملات آماده می‌شوند.**

**افراد آگاه از دیدگاه دونالد ترامپ گفتند که رئیس‌جمهوری آمریکا هنوز تصمیمی برای اجرای حمله نگرفته، اما به انجام حمله‌ای گسترده پس از انتخابات تمایل دارد که می‌تواند زیرساخت‌ها و تاسیسات هسته‌ای در ایران را هدف قرار دهد.**

ملوانان آمریکایی در حال انجام عملیات پرواز بر روی ناو هواپیمابر «یو اس‌اس جرج اچ. دبلیو. بوش / عکس از سنتکام

منابع دیپلماتیک گزارش دادند، نشانه‌های تازه‌ای وجود دارد که ارتش‌های آمریکا و اسرائیل در حال آماده ساختن موج احتمالی جدیدی از حملات علیه جمهوری اسلامی در ایران هستند. روزنامه «وال استریت ژورنال» سه‌شنبه پنجم آبان‌ماه ۱۴۰۵ گزارش داد آمریکا به چند کشور منطقه گفته است که پس از انتخابات میاندوره‌ای آمریکا (۳ نوامبر) برای یک کارزار نظامی کوتاه‌مدت و شدید علیه جمهوری اسلامی آماده باشند.

در بخشی از این گزارش آمده که اسرائیل نیز طرح‌ها و اهدافی را برای حمله‌ای تازه آماده کرده است. بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل، همچنان برای از سر گرفتن حملات تلاش می‌کند، با این هدف که توان جمهوری اسلامی ایران را تضعیف کند و در نهایت به سرنگونی رژیم منجر شود.

پیام‌ها درباره اینکه آمریکا و اسرائیل برای آغاز دور تازه‌ای از عملیات نظامی سنگین آمادگی دارند، از طریق کانال‌های دیپلماتیک و نظامی منتقل شده است. به گفته مقاماتی که از این اقدامات اطلاع دارند، ارتش آمریکا برای تقویت سامانه‌های دفاع موشکی خود، یک سامانه پاتریوت را از تگزاس منتقل می‌کند و در آستانه تشدید درگیری‌ها، نیروهایش را از پایگاه‌هایی که در برابر حملات آسیب‌پذیر بودند، خارج کرده است.

برخی از این مقامات گفتند که نیروهای آمریکایی در منطقه ذخایر مهمات خود را دوباره تأمین کرده‌اند و بمب‌افکن‌ها و جنگنده‌ها برای انجام حملات آماده می‌شوند.

همچنین قرار است یک گروه رزمی ناو هواپیمابر دیگر و یک یگان اعزامی تفنگداران دریایی، ماه آینده به ناوگانی متشکل از حدود ۲۰ شناور جنگی دیگر که در خاورمیانه فعالیت می‌کنند، بپیوندند؛ هرچند ممکن است برخی از این شناورها جای خود را به شناورهای دیگری بدهند.

افراد آگاه از دیدگاه دونالد ترامپ گفتند که رئیس‌جمهوری آمریکا هنوز تصمیمی برای اجرای حمله نگرفته، اما به انجام حمله‌ای گسترده پس از انتخابات تمایل دارد که می‌تواند زیرساخت‌ها و تاسیسات هسته‌ای در ایران را هدف قرار دهد.گزینه دیگر، تلاش برای دستیابی به توافق است. تلاش‌های دیپلماتیک میانجی‌های منطقه‌ای ادامه دارد اما نتیجه‌بخش نبوده است.

دونالد ترامپ پیشتر در پست‌هایی در شبکه‌ی اجتماعی «تروث سوشیال» و بیانیه‌ها تأکید کرده بود که پیش از سوم نوامبر به رژیم ایران حمله نخواهد کرد و گفتگوهای «سازنده» با تهران در جریان است، در حالی که در جریان یکی از سخنرانی انتخاباتی در ایالت می‌سی‌سی‌پی در روز دوشنبه ۲۶ اکتبر گفت: «ما یک آتش‌بس کوچک داشتیم که من اصلاً خیلی از آن خوشم نمی‌آمد. آن را نوعی اتلاف وقت می‌دانستم، اما خب، آدم دوست دارد به حرف متخصص‌ها گوش کند. ما یک آتش‌بس کوچک کردیم و اجازه دادیم بعضی کشتی‌ها رد شوند. می‌خواستیم مهربان باشیم، اما از نظر من فقط اتلاف وقت بود.»

ترامپ همچنین عنوان کرد: «ممکن است یک خشم حماسی کوچک دیگر انجام دهیم». او با این عبارت به کارزار بمباران سنگین آمریکا و اسرائیل در بهار اشاره داشت و افزود: «یا اینکه آنها توافق خواهند کرد.»

کاخ سفید اعلام کرد که درباره «طرح‌های نظامی حساسی که ممکن است وجود داشته باشند یا نداشته باشند» اظهار نظر نمی‌کند.

کاخ سفید گفت: «رئیس‌جمهور ترامپ همه گزینه‌ها را روی میز نگه‌می‌دارد تا اطمینان حاصل شود که جمهوری اسلامی ایران هرگز نمی‌تواند به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند.»

رئیس جمهور ایالات متحده با تعویق حملات تا پس از انتخابات سوم نوامبر، از شوک انرژی پیش از رأی‌گیری جلوگیری کرده، اما گزینه‌های پس از آن را باز نگه داشته است. برخی مقامات معتقدند یک دور فشرده حملات می‌تواند رژیم ایران را به نقطه‌ی شکست برساند و سبب کسب امتیازات دیپلماتیک شود.

افراد آگاه از برنامه‌ریزی‌ها گفتند که این اقدامات و برنامه‌ریزی‌های مرتبط با آن با هدف فراهم کردن گزینه‌هایی برای ترامپ انجام می‌شوند تا در صورت تصمیم به حمله، بتواند از آنها استفاده کند. وزارت دفاع آمریکا اعلام کرده است که وظیفه‌اش فراهم کردن چنین گزینه‌هایی است.

وال استریت ژورنال در بخش دیگری از این گزارش می‌نویسد، بازگشت به حملات هوایی به معنای تغییر مسیر از کارزار فشار اقتصادی دولت ترامپ نخواهد بود. تحریم‌های شدیدتر، همراه با محاصره دریایی، فروش نفت ایران را برای ماه‌ها متوقف کرده، بخش عمده‌ای از ارتباطات هوایی این کشور را از کار انداخته و به تجارت زمینی آن آسیب زده است؛ اقداماتی که فشار بر اقتصاد ایران را که پیشتر نیز با بحران فزاینده‌ای روبرو بود، تشدید کرده‌اند.

در روزهای اخیر فرمانده «سنتکام»، دریادار برد کوپر، یک بازدید عملیاتی مهم از تنگه هرمز به عمل آورد. این بازدید همزمان با اعلام صادرات بیش از ۱.۵ میلیارد بشکه نفت خام از تابستان امسال تا کنون به عنوان یک دستاورد بزرگ در کمک به شرکای خلیج فارس توسط نیروهای آمریکایی صورت گرفت.

سنتکام اعلام کرد که نیروهای آمریکایی از تابستان تا کنون به متحدان آمریکا در خلیج فارس کمک کرده‌اند تا بیش از ۳۰۰۰ کشتی تجاری در شش ماه گذشته با حمایت نیروهای دریایی ایالات متحده با موفقیت از تنگه هرمز عبور کنند. بازدید دریادار کوپر از تنگه هرمز، که با پرواز بر فراز کشتی‌های تجاری همراه بود، این پیام روشن را به جمهوری اسلامی و متحدان ایالات متحده در خلیج فارس ارسال کرد که آمریکا کنترل عملیاتی تنگه هرمز را در دست دارد و آماده‌ی تداوم پشتیبانی از آزادی کشتیرانی است.

# وال‌استریت ژورنال: میزان صادرات نفت از «تنگه هرمز» از پیش از جنگ هم فراتر رفته است

**● مقامات جمهوری اسلامی مدعی‌اند که کنترل تنگه هرمز را در اختیار دارد اما آمار نشان می‌دهد صادرات نفت منطقه خلیج فارس با وجود تشدید حملات به کشتی‌ها از سطح پیش از جنگ فراتر رفته است. به گزارش «وال‌استریت ژورنال»، شبکه موقت حمل و نقل نفت با پشتیبانی نظامی آمریکا و استفاده از مسیرهای جایگزین، به نفتکش‌ها امکان داده است در یکی از شدیدترین دوره‌های حملات جمهوری اسلامی ایران به عبور از منطقه ادامه دهند.**

**● بر اساس داده‌های شرکت «کپلر»، جریان صادرات نفت خاورمیانه شامل محموله‌های عبوری از تنگه هرمز و مسیرهای جایگزین در هفته منتهی به ۱۸ اکتبر (۲۶ مهرماه) بطور میانگین از ۲۴ میلیون بشکه در روز فراتر رفت، در حالی که این رقم پیش از جنگ ۲۳ میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه بود.**

**● آمار اولیه نشان می‌دهد که روزانه حدود ۱۴ میلیون بشکه نفت، معادل ۸۲ درصد سطح پیش از جنگ، از تنگه هرمز عبور کرده یا در آب‌های نزدیک عمان جابجا شده است.**

عبور و مرور کشتی‌ها از تنگه هرمز

مقامات جمهوری اسلامی مدعی‌اند کنترل تنگه هرمز را در اختیار دارند اما آمار نشان می‌دهد صادرات نفت در منطقه خلیج فارس با وجود تشدید حملات به کشتی‌ها از سطح پیش از جنگ نیز فراتر رفته است. به گزارش «وال‌استریت ژورنال»، شبکه موقت حمل و نقل نفت با پشتیبانی نظامی آمریکا و استفاده از مسیرهای جایگزین، به نفتکش‌ها امکان داده است در یکی از شدیدترین دوره‌های حملات جمهوری اسلامی، به فعالیت خود ادامه دهند.

### هشدار جمهوری اسلامی

بر اساس این گزارش، جمهوری اسلامی ایران از طریق کانال‌های علنی و محرمانه هشدار داده است که در صورت هرگونه حمله، با حملات شدیدی به اهداف اقتصادی و غیرنظامی در سراسر منطقه پاسخ خواهد داد. تهران پیش از جنگ نیز تهدیدات مشابهی مطرح کرده بود و سپس پایگاه‌ها و تاسیسات دیپلماتیک آمریکا، همچنین تاسیسات انرژی و فرودگاه‌هایی را در سراسر منطقه خلیج فارس هدف قرار داد.با وجود خساراتی که آمریکا و اسرائیل به جمهوری اسلامی وارد کرده‌اند، ایران همچنان صدها تا هزاران موشک در اختیار دارد و از وقفه در درگیری‌ها برای تقویت دفاع خود و آماده ساختن طرح‌های تازه برای تلافی‌جویی استفاده کرده است.

به گزارش وال‌استریت ژورنال، جمهوری اسلامی در حال مونتاژ موشک‌های بالستیک جدید با استفاده از قطعات ذخیره‌شده است. مقامات اسرائیلی از سرعتی که رژیم ایران با آن توانمندی‌های خود را بازسازی می‌کند، ابراز نگرانی کرده‌اند.

در پایان این گزارش آمده، میانجی‌های خاورمیانه با شتاب تلاش می‌کنند مذاکرات با جمهوری اسلامی ایران را از سر بگیرند تا مانع آغاز موج تازه‌ای از درگیری‌های نظامی شوند. این تلاش‌ها تا کنون موفقیت چندانی نداشته است؛ آمریکا بر گفتگو درباره برنامه هسته‌ای رژیم ایران اصرار دارد و تهران نیز برای از سر گرفتن مذاکرات، خواسته‌های سختگیرانه‌ای مطرح کرده که تا کنون رد شده‌اند.

بر اساس داده‌های شرکت «کپلر»، جریان صادرات نفت خاورمیانه شامل محموله‌های عبوری از تنگه هرمز و مسیرهای جایگزین در هفته منتهی به ۱۸ اکتبر (۲۶ مهرماه) بطور میانگین از ۲۴ میلیون بشکه در روز فراتر رفته، در حالی که این رقم پیش از جنگ ۲۳ میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه بود.

آمار اولیه نشان می‌دهد که روزانه حدود ۱۴ میلیون بشکه نفت، معادل ۸۲ درصد سطح پیش از جنگ، از تنگه هرمز عبور کرده یا در آب‌های نزدیک عمان جابجا شده است.

همزمان عربستان سعودی و امارات نفت را از مسیرهای دیگری منتقل می‌کنند. برآورد «کپلر» نشان می‌دهد در ماه سپتامبر (شهریور و مهر)، حدود ۴۰ درصد نفت خام غیرایرانی صادرشده از خلیج فارس بدون عبور از تنگه هرمز منتقل شد، رقمی که پیش از جنگ ۱۷ درصد بود. در واقع محاصره دریایی آمریکا صادرات نفت ایران را به شدت محدود کرده است.

با این حال، عبور نفتکش‌ها همچنان پرریسک و پرهزینه است. طبق گزارش مراکز امنیت دریایی، در ماه اکتبر (مهر و آبان) حدود ۳۰ حمله به کشتی‌ها ثبت شده است.

میشل ویز باکمن، تحلیلگر شرکت ویندوارد، می‌گوید که این حملات ۲۰ درصد کل کشتی‌های هدف‌گرفته‌شده در طول جنگ را شامل می‌شود. به گفته کریستوفر لانگ، افسر سابق نیروی دریایی بریتانیا، جمهوری اسلامی ایران می‌کوشد محاصره تنگه را دوباره برقرار کند.اینهمه در حالیست که با وجود خطرات، سود بالای تجارت نفت، انگیزه عبور و مرور نفتکش‌ها را در این منطقه حفظ کرده است.

همایون فلکشاهی مدیر تحلیل نفت خام «کپلر»، برآورد می‌کند، سود فروش مجدد هر بشکه نفت عراق نسبت به پیش از جنگ ۲۰ دلار، یعنی حدود ۴۰ میلیون دلار برای محموله یک نفتکش غول‌پیکر، بیشتر است. سه سفر از این نوع می‌تواند هزینه خرید یک نفتکش دست‌دوم به ارزش ۱۰۰ میلیون دلار را جبران کند. به برخی دریانوردان نیز پاداشی دو تا سه برابر حقوق ماهانه پیشنهاد شده و یک شرکت تأمین خدمه در چین برای یک سفر رفت و برگشت ۲۵ هزار دلار پیشنهاد داده است.

بسیاری از نفتکش‌ها با پوشش هوایی آمریکا از گذرگاهی نزدیک ساحل عمان استفاده می‌کنند. آنها نفت را در خلیج فارس بارگیری می‌کنند، گاهی دستگاه‌های موقعیت‌یاب را خاموش نگه می‌دارند و پس از عبور از تنگه هرمز، محموله را نزدیک عمان به کشتی‌های عازم بازارهای دوردست منتقل می‌کنند و سپس برای بارگیری دوباره بازمی‌گردند. در همین حال، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز با پهپاد، موشک، قایق‌های کوچک و نیروهای مستقر در دریا به مقابله با عبور کشتی‌ها می‌پردازد.

نفتکش «لویالتی» با پرچم تانزانیا که پیشتر نفت ونزوئلا را به چین منتقل می‌کرد، از سپتامبر دو بار برای بارگیری نفت عراق وارد خلیج فارس شده است. یکی از خدمه این کشتی می‌گوید که سفرها به نیروی دریایی آمریکا اطلاع داده شده و خدمه برای سفر دوم جلیقه ضدگلوله و کلاه ایمنی دریافت کردند. این نفتکش ۱۶ اکتبر هنگام حمل دو میلیون بشکه نفت عراق هدف نارنجک راکتی شلیک‌شده از قایقی کوچک قرار گرفت و مخزن آب شیرین آن آسیب دید.

ناتاشا کانوا، مدیر راهبرد جهانی کالا در جی‌پی‌مورگان، گفت: «در آوریل مشکل کمبود نفت خام بود؛ در اکتبر، هزینه انتقال آن است.»

با وجود تهدیدهای تهران مبنی بر اینکه اگر نتواند نفت ایران را صادر کند، به کشورهای همسایه نیز اجازه صدور نفت نخواهد داد، جریان انتقال نفت همچنان ادامه دارد.

حمد حسین، تحلیلگر مؤسسه «کپیتال اکونومیکس»، گفت: «جمهوری اسلامی ایران برای آنکه بتواند بار دیگر به همان میزان کنترلی که پیشتر بر جریان صادرات نفت از منطقه داشت دست پیدا کند، ناچار است اقدام‌های تهاجمی‌تری انجام دهد.»

# در آستانه تصمیم ترامپ؛ تجهیز تسلیحاتی و عملیاتی ناو«جرج واشنگتن»

**● «وال‌استریت ژورنال» در گزارشی از بازدید نادر خبرنگاران این روزنامه از ناو هواپیمابر هسته‌ای «یواس‌اس جرج واشنگتن» و یک ناوشکن موشک‌انداز هدایت‌شونده در دریای عرب خبر داده است. در این گزارش آمده که کشتی‌های جنگی آمریکایی در خاورمیانه در حال آماده شدن برای زمانی هستند که رئیس جمهور ایالات متحده دستور دور جدیدی از حملات علیه رژیم ایران را در هفته‌های آینده صادر کند.**

**● کاپیتان نیکولاس دلئو، فرمانده‌ی «ناو جرج واشنگتن»، این استقرار را «بسیار بزرگ، پیچیده و حتی تاریخی» توصیف کرد و تأکید نمود: «صادقانه بگویم، این دقیقاً همان چیزی است که تیم ما برای آن آموزش دیده است. ما همیشه هوشیاریم، روی محیط اطراف تمرکز داریم و آماده‌ی واکنش سریع یا پیش‌دستانه هستیم.»**

**● یک مقام آمریکایی در مورد تجهیز مهمات تازه در ناو هواپیمابر «جرج واشنگتن» می‌گوید: «کاش یک گوی جادویی داشتم که به من بگوید چه اتفاقی خواهد افتاد. در غیاب آن، گزارش‌هایی داریم که نشان می‌دهند فرماندهان در سراسر نیروی مشترک در حال آماده شدن برای حملات هستند.»**

انتقال بمب‌های سنگرشکن به ناو هواپیمابر «جرج واشنگتن»

بر اساس گزارش‌های منتشرشده در رسانه‌های بین‌المللی، نیروهای دریایی آمریکا در حال آماده شدن برای دور تازه‌ای از جنگ علیه جمهوری اسلامی هستند.

در کشاکش جنگ آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی که از ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ با عملیات «خشم حماسی» آغاز شد و با کشته شدن علی خامنه‌ای و فرماندهانش در نخستین بمباران‌ها به تشدید درگیری‌ها در تنگه هرمز منجر گردید، گزارش می‌شود که نیروهای دریایی آمریکا در حال آماده شدن برای دور تازه‌ای از حملات نظامی هستند.

«وال‌استریت ژورنال» در گزارشی از بازدید نادر خبرنگاران این روزنامه از ناو هواپیمابر هسته‌ای «یواس‌اس جرج واشنگتن» و یک ناوشکن موشک‌انداز هدایت‌شونده در دریای عرب خبر داده است. در این گزارش آمده که کشتی‌های جنگی آمریکایی در خاورمیانه در حال آماده شدن برای زمانی هستند که رئیس جمهور ایالات متحده دستور دور جدیدی از حملات علیه رژیم ایران را در هفته‌های آینده صادر کند.مقامات آمریکایی آشنا با برنامه‌ریزی نظامی تأکید کرده‌اند که هنوز هیچ تصمیم نهایی اتخاذ نشده و نقش پنتاگون صرفاً ارائه‌ی گزینه‌های نظامی به رئیس جمهور است. با این حال، بارگذاری گسترده‌ی مهمات و تجهیزات مشاهده‌شده توسط خبرنگاران، سیگنال آمادگی بالا را ارسال می‌کند.

در جریان عملیات شبانه، «ناو جرج واشنگتن» محموله‌ی بزرگی از مهمات دریافت کرد که شامل موشک‌های «استندآف لند اتک» (موشک‌های حمله‌ی زمینی با برد طولانی که امکان شلیک از خارج محدوده‌ی دفاع هوایی دشمن را فراهم می‌کند) و بمب‌های سنگرشکن مدل GBU-31 Victor 4 بود.

این بمب‌ها که برای نفوذ به تأسیسات زیرزمینی و سازه‌های نظامی مستحکم طراحی شده‌اند، وزنی حدود ۴۸۰۰ پوند (تقریباً ۲۱۷۷ کیلوگرم) دارند. فرمانده برایان گارسیا، مسئول تسلیحات کشتی (معروف به Gun Boss)، در توصیف این بازسازی گفت: «برخی اقلام در حال رسیدن هستند که وزنی حدود ۴۸۰۰ پوند دارند». وی افزود که مهمات روی چرخ‌ها چیده شده و آماده ارسال به عرشه پرواز در لحظه‌ی اجرای مأموریت است. این مهمات در اتاق‌های ذخیره‌سازی متعدد کشتی انبار شده و از طریق آسانسورهای غول‌پیکر به عرشه منتقل می‌شوند.

کاپیتان نیکولاس دلئو، فرمانده‌ی «ناو جرج واشنگتن»، این استقرار را «بسیار بزرگ، پیچیده و حتی تاریخی» توصیف کرد و تأکید نمود: «صادقانه بگویم، این دقیقاً همان چیزی است که تیم ما برای آن آموزش دیده است. ما همیشه هوشیاریم، روی محیط اطراف تمرکز داریم و آماده‌ی واکنش سریع یا پیش‌دستانه هستیم.» او جزئیات مأموریت خاصی را فاش نکرد، اما بر آمادگی مداوم خدمه تأکید نمود.

ناو هواپیمابر «جرج واشنگتن» و ناوگروه همراه که در ماه اوت از ژاپن به منطقه اعزام شده‌اند تا جایگزین «یواس‌اس آبراهام لینکلن» شود (که رکورد ۲۸۶ روز بدون بندرگاه را ثبت کرده)، تنها چند روز پس از ورود در حملات به مواضع جمهوری اسلامی نزدیک تنگه هرمز و محاصره‌ی دریایی مشارکت داشته است. این اقدامات در پاسخ به شلیک موشک‌های بالستیک رژیم ایران به ناو هواپیمابر و سایر کشتی‌ها صورت گرفت.

گروه ضربت ناو «جرج واشنگتن» که حدود ۵۰۰۰ نفر خدمه دارد (۳۰۰۰ نفر برای عملیات کشتی و ۲۰۰۰ نفر برای بال هوایی)، همراه با بیش از ۱۰۰۰ ملوان دیگر روی ناوشکن‌هایی مانند «یواس‌اس شاپ» فعالیت می‌کند.

این ناو به دلیل انجام تمام عملیات‌های پروازی در شب، توسط خدمه «ناو خون‌آشام» نامیده می‌شود، در حالی که ناو دوم در منطقه عملیات روزانه انجام می‌دهد و جت‌های جنگنده در حال حاضر بر محاصره بنادر ایران و حفاظت از کشتیرانی بین‌المللی در تنگه هرمز تمرکز دارند.

راهروهای این ناو هواپیمابر با نور قرمز روشن شده تا خدمه به شیفت شب عادت کنند. همه باید کلاه ایمنی، عینک و جلیقه نجات بپوشند. محیط عرشه‌ی پرواز بسیار گرم و پرسر و صدا، اما سازمانیافته است.یک مقام آمریکایی در مورد تجهیز مهمات تازه در ناو هواپیمابر «جرج واشنگتن» می‌گوید: «کاش یک گوی جادویی داشتم که به من بگوید چه اتفاقی خواهد افتاد. در غیاب آن، گزارش‌هایی داریم که نشان می‌دهند فرماندهان در سراسر نیروی مشترک در حال آماده شدن برای حملات هستند. این به معنای وقوع آن نیست، اما آماده‌سازی در جریان است».

جمهوری اسلامی در ماه اکتبر حملات خود به کشتی‌های تجاری در تنگه هرمز را تشدید کرده؛ طبق گزارش شرکت بیمه‌های ریسک‌پذیر«لویدز»، ۲۸ حادثه شامل حملات موشکی، پهپادی و مین‌های دریایی ثبت شده است.

محاصره‌ی دریایی آمریکا که از اواسط سال ۲۰۲۶ اعمال شده، صادرات نفت رژیم ایران را به شدت محدود کرده و سنتکام اعلام کرده که حداقل ۲۵ میلیارد دلار صادرات مسدود شده است.دونالد ترامپ پیشتر اعلام کرده بود که قبل از انتخابات میاندوره‌ای ۳ نوامبر به جمهوری اسلامی حمله نخواهد کرد، هرچند گزارش‌ها حاکی از بررسی حملاتی چندروزه پس از این انتخابات است.

دریاسالار جفری هیمز، فرمانده‌ی گروه ضربت ناو «جرج واشنگتن»، درباره‌ی ادامه‌ی ماموریت به خدمه گفت: «وقتی اطلاع دریافت کنم به شما خواهم گفت. فعلاً روی کارهای روزمره تمرکز می‌کنیم تا مطمئن شویم برای هر چه پیش می‌آید، آموزش دیده‌ایم.»

همچنین آخرین گزارش‌ها از اعزام گروه ضربت سوم شامل «یواس‌اس تئودور روزولت» و واحد اعزامی دریایی به منطقه خبر می‌دهند که بیش از ۱۰ هزار ملوان و تفنگدار دریایی را به این مجموعه اضافه خواهد کرد.

با اینهمه، در حالی که مذاکرات دیپلماتیک از طریق میانجیگری پاکستان در بن‌بست قرار گرفته و تنگه هرمز همچنان محل تنش باقی مانده، بارگذاری مهمات در ناو هواپیمابر «جرج واشنگتن» در دریای عرب، یکی از واضح‌ترین نشانه‌های آمادگی آمریکا برای دور جدیدی از حملات به بقایای جمهوری اسلامی است.

# آریامهر، معمار توسعه ایران

**در تاریخ معاصر ایران، دوران محمدرضا شاه پهلوی را باید در متن یکی از گسترده‌ترین کوشش‌های تاریخ کشور برای عبور از ساختارهای سنتی، گسترش ظرفیت‌های ملی و استقرار بنیان‌های اقتصادی و اجتماعی یک جامعه‌ی مدرن بررسی کرد.**

**بر پایه‌ی بررسی‌های منتشرشده از سوی صندوق بین‌المللی پول، اقتصاد ایران در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۶ به‌طور متوسط سالانه حدود ۹٫۸ درصد رشد واقعی داشت و درآمد واقعی سرانه نیز با آهنگی چشمگیر افزایش یافت.**

**گسترش زیرساخت‌ها در دوران محمدرضا شاه پهلوی، بخشی از تلاش گسترده برای پیوند مناطق کشور با شبکه‌ی رو به توسعه‌ی اقتصاد ملی بود.**

**انقلاب سفید که در سال ۱۳۴۱ اعلام شد، تلاشی برای ایجاد تغییرات گسترده در ساختار اقتصادی و اجتماعی ایران بود. اصلاحات ارضی، برنامه‌های سوادآموزی و بهداشت روستایی و گسترش حقوق رسمی زنان، از مهمترین اجزای این مجموعه بودند.**

**در دوران پهلوی دوم، گسترش آموزش، رشد طبقه‌ی متوسط و افزایش فرصت‌های اجتماعی، زمینه‌های تازه‌ای برای ارتقای آگاهی عمومی و تقویت مطالبات شهروندی فراهم کرد.**

**گسترش حقوق رسمی و فرصت‌های آموزشی و حرفه‌ای زنان در دوران محمدرضا شاه پهلوی، یکی از ابعاد مهم توسعه‌ی اجتماعی ایران بود.**

**افزایش درآمدهای نفتی، گسترش توان نظامی، خرید تجهیزات پیشرفته و همکاری نزدیک با ایالات متحده، جایگاه راهبردی کشور را در معادلات منطقه‌ای ارتقا داد. پس از خروج نیروهای بریتانیا از شرق سوئز در سال ۱۹۷۱، نقش ایران در ترتیبات امنیتی خلیج فارس اهمیت بیشتری یافت.**

**محمدرضا شاه پهلوی را باید در متن تلاشی تاریخی به یاد آورد که می‌خواست ظرفیت‌های پراکنده‌ی ایران را به توان ملی سازمان‌یافته‌تری تبدیل کند؛ تلاشی برای صنعتی‌کردن اقتصاد، گسترش زیرساخت‌ها، تربیت نیروی انسانی، تغییر مناسبات سنتی و ارتقای جایگاه کشور در منطقه و جهان.**

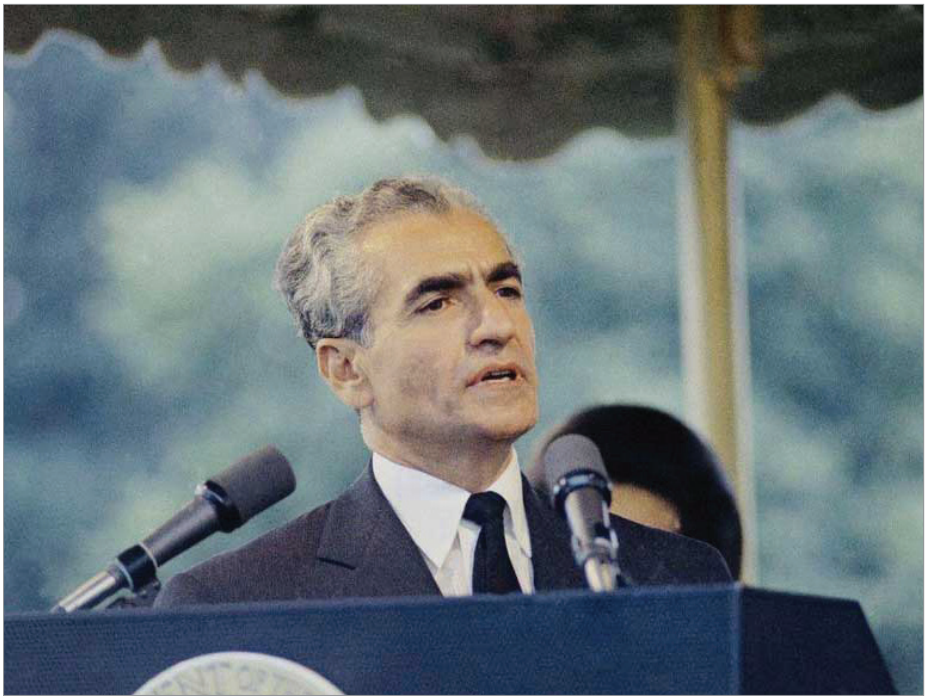

**پائولا متکی** *- تاریخ ملت‌ها را تنها با فراز و فرود پادشاهان و دولت‌ها نمی‌سنجند؛ معیار ماندگارتر تاریخ، دگرگونی‌هایی است که ساختار یک سرزمین را تغییر می‌دهند، توان یک ملت را افزایش می‌دهند و افق‌های تازه‌ای پیش روی نسل‌های آینده می‌گشایند. در تاریخ معاصر ایران، دوران محمدرضا شاه پهلوی را باید در متن یکی از گسترده‌ترین کوشش‌های تاریخ کشور برای عبور از ساختارهای سنتی، گسترش ظرفیت‌های ملی و استقرار بنیان‌های اقتصادی و اجتماعی یک جامعه‌ی مدرن بررسی کرد.

محمدرضا شاه پهلوی، توسعه را از سطح آبادانی و اجرای طرح‌های عمرانی فراتر برد و آن را به یکی از مأموریت‌های بنیادین دولت و یکی از محورهای اصلی دگرگونی ایران تبدیل کرد. در این چشم‌انداز، کارخانه و دانشگاه، راه‌آهن و بزرگراه، سد و نیروگاه، مدرسه و مرکز درمانی، اجزای پراکنده‌ی یک برنامه نبودند؛ حلقه‌های به‌هم‌پیوسته‌ی طرحی ملی بودند که می‌خواست ایران را از اقتصادی متکی بر کشاورزی سنتی و صادرات مواد خام، به کشوری برخوردار از صنعت، دانش، زیرساخت‌های گسترده‌تر، نیروی انسانی متخصص و قدرت اثرگذاری در منطقه و جهان تبدیل کند.

معنای عنوان «معمار توسعه ایران» را باید در همین پیوند جستجو کرد: در توانایی دیدن توسعه به‌مثابه مجموعه‌ای از ظرفیت‌های به‌هم‌پیوسته؛ در پیوند میان سرمایه، صنعت، آموزش، فناوری و قدرت ملی؛ و در تلاشی که می‌خواست منابع سرزمینی را به امکان‌های تازه برای تولید، پیشرفت و زندگی بهتر تبدیل کند.

### دولت توسعه‌گرا؛ هنگامی که پیشرفت به یک مأموریت ملی بدل شد

در دهه‌های میانی قرن بیستم، ایران در برابر پرسشی تاریخی قرار داشت: چگونه می‌توان در جهانی که با شتاب صنعتی می‌شد، از محدودیت‌های اقتصاد سنتی عبور کرد و جایگاهی متناسب با پیشینه‌ی تمدنی، منابع و ظرفیت‌های جغرافیایی کشور به دست آورد؟

پاسخ دولت پهلوی دوم، گسترش برنامه‌ریزی اقتصادی، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، توسعه‌ی صنایع و تربیت نیروی انسانی بود. برنامه‌های عمرانی، به‌تدریج از تأمین نیازهای اولیه و گسترش راه‌ها و تأسیسات عمومی فراتر رفتند و به سمت ایجاد ظرفیت‌های تولیدی، توسعه‌ی صنایع جدید و افزایش توان فنی و مهندسی کشور حرکت کردند.

ابعاد رشد اقتصادی این دوره در آمارهای تاریخی نیز آشکار است. بر پایه‌ی بررسی‌های منتشرشده از سوی صندوق بین‌المللی پول، اقتصاد ایران در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۶ به‌طور متوسط سالانه حدود ۹٫۸ درصد رشد واقعی داشت و درآمد واقعی سرانه نیز با آهنگی چشمگیر افزایش یافت. این رشد، با اتکا به درآمدهای نفتی، گسترش سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی عمرانی، به توسعه‌ی صنایع، نوسازی زیرساخت‌ها و افزایش توان تولیدی کشور شتاب بخشید و زمینه‌ی ارتقای جایگاه اقتصادی ایران در منطقه را فراهم کرد.

اهمیت تاریخی این دوره، افزون بر سرعت رشد اقتصادی، در تغییر نگرش به نقش دولت و آینده‌ی کشور بود. برنامه‌ریزی عمرانی به ابزاری برای هدایت منابع به سوی اهداف بلندمدت تبدیل شد و توسعه، جایگاهی محوری در سیاست‌گذاری ملی یافت. این رویکرد، زمینه‌ساز طرح‌های گسترده‌ای شد که اقتصاد، صنعت و ساختار اجتماعی ایران را در مسیری تازه قرار دادند.

### صنعتی‌شدن؛ گذار از اقتصاد سنتی به توان تولید ملی

هیچ کشوری تنها با فروش منابع طبیعی به قدرتی پایدار و برخوردار از استقلال اقتصادی تبدیل نمی‌شود. منابع هنگامی به سرمایه‌ی ملی ماندگار بدل می‌شوند که در خدمت تولید، دانش، فناوری، زیرساخت و تربیت نیروی انسانی قرار گیرند.

در دوران محمدرضا شاه پهلوی، صنعتی‌شدن به یکی از محورهای اصلی سیاست اقتصادی کشور تبدیل شد. گسترش صنایع فولاد، پتروشیمی، ماشین‌سازی، خودروسازی، تولید تجهیزات و صنایع وابسته به انرژی، بخشی از تلاش برای تغییر ساختار اقتصاد ایران بود؛ تلاشی برای آنکه کشور، افزون بر صدور نفت و دیگر مواد خام، توان بیشتری برای فرآوری، تولید صنعتی و حضور در زنجیره‌های پیچیده‌تر اقتصادی پیدا کند. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که در برنامه‌های عمرانی این دوره، جهت‌گیری سرمایه‌گذاری دولتی به‌طور محسوسی تغییر کرد. سهم صنعت و انرژی از سرمایه‌گذاری دولت از حدود ۱۶ درصد در برنامه‌ی دوم عمرانی، به حدود ۴۱ درصد در برنامه‌ی پنجم رسید. در همین مسیر، توجه به صنایع سنگین و فعالیت‌های صنعتی بزرگ افزایش یافت؛ تغییری که از جابه‌جایی اولویت‌های توسعه‌ای کشور حکایت داشت. در کنار سرمایه‌گذاری دولت، بخش خصوصی نیز در گسترش تولید کارخانه‌ای نقش داشت. توسعه‌ی بازار داخلی، افزایش تقاضا، شکل‌گیری بنگاه‌های بزرگ‌تر و گسترش اشتغال صنعتی، بخشی از جامعه را وارد مناسبات تازه‌ی اقتصادی کرد. کارگر

صنعتی، مهندس، مدیر فنی، کارشناس و نیروی متخصص، به‌تدریج جایگاه پررنگ‌تری در ساختار اجتماعی ایران یافتند.این روند، زمینه‌ی انتقال تدریجی اقتصاد ایران به سوی تولید صنعتی، افزایش ارزش افزوده‌ی داخلی و گسترش دانش فنی را فراهم کرد. صنعتی‌شدن، افزون بر ایجاد فرصت‌های شغلی تازه، به شکل‌گیری نیروی انسانی متخصص و تقویت ظرفیت مهندسی کشور انجامید و افق‌های گسترده‌تری برای رشد اقتصادی گشود.

صنعت، در این چشم‌انداز، نماد گذار به مرحله‌ای تازه از توان تولیدی و مهندسی کشور بود.

**زیرساخت؛ ستون‌های مادی اقتدار و پیشرفت**

توسعه بدون زیرساخت، رؤیایی است که در مرز آرزو باقی می‌ماند. کارخانه بدون انرژی، شهر بدون آب، صنعت بدون حمل‌ونقل، دانشگاه بدون امکانات علمی و اقتصاد بدون شبکه‌ی ارتباطی، نمی‌توانند ظرفیت‌های خود را به‌تمامی آشکار کنند.

ازاین‌رو، گسترش شبکه‌های جاده‌ای و ریلی، توسعه‌ی بنادر، احداث سدها و تأسیسات آبی، افزایش ظرفیت تولید برق و گسترش ارتباطات، جایگاهی اساسی در مسیر توسعه‌ی ایران داشت. این طرح‌ها، افزون بر پاسخگویی به نیازهای روزافزون کشور، امکان جابه‌جایی سریع‌تر کالا و نیروی انسانی، اتصال بازارها، گسترش فعالیت‌های صنعتی و شکل‌گیری مراکز جدید اقتصادی را فراهم می‌کردند.

زیرساخت، در معنای عمیق خود، معماری امکان‌هاست. راهی که دو منطقه را به یکدیگر پیوند می‌دهد، تنها مسیر عبور خودرو نیست؛ امکان دسترسی به بازار، مدرسه، درمان، اشتغال و ارتباطات تازه را نیز گسترش می‌دهد. نیروگاهی که ظرفیت تولید را افزایش می‌دهد، تنها تأسیساتی فنی نیست؛ پشتوانه‌ی توسعه‌ی صنعت، خدمات و زندگی شهری است.

گسترش زیرساخت‌ها در دوران محمدرضا شاه پهلوی، بخشی از تلاش گسترده برای پیوند مناطق کشور با شبکه‌ی رو به توسعه‌ی اقتصاد ملی بود. سرمایه‌گذاری در راه‌ها، شبکه‌های حمل‌ونقل، انرژی و تأسیسات آبی، زمینه‌ی دسترسی گسترده‌تر به خدمات، رونق فعالیت‌های اقتصادی و شکل‌گیری فرصت‌های تازه در شهرها و مناطق مختلف ایران را فراهم کرد. این شبکه‌ها، پایه‌ی مادی گسترش صنعت و شهرنشینی و بخشی ماندگار از ظرفیت توسعه‌ای ایران شدند.

**انقلاب سفید؛ دگرگونی در مناسبات سنتی جامعه**

توسعه‌ی ملی تنها با تغییر سیمای اقتصاد تحقق نمی‌یابد؛ گاه مستلزم تغییر در مناسبات اجتماعی‌ای است که فرصت‌های زندگی را برای نسل‌ها محدود کرده‌اند.

انقلاب سفید که در سال ۱۳۴۱ اعلام شد، تلاشی برای ایجاد تغییرات گسترده در ساختار اقتصادی و اجتماعی ایران بود. اصلاحات ارضی، برنامه‌های سوادآموزی و بهداشت روستایی و گسترش حقوق رسمی زنان، از مهم‌ترین اجزای این مجموعه بودند.

اصلاحات ارضی، مناسبات دیرپای مالکیت زمین و رابطه میان مالکان بزرگ و کشاورزان را دگرگون کرد. این تحول، از نظر اجتماعی اهمیت فراوان داشت؛ زیرا ساختار روستا و جایگاه گروه‌هایی را تغییر می‌داد که بخش بزرگی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دادند. این اصلاحات، در کنار برنامه‌های آموزشی و خدمات عمومی، بخشی از کوشش گسترده‌تر برای گسترش فرصت‌های اجتماعی و فراهم‌کردن زمینه‌های تازه‌ی پیشرفت در جامعه‌ی روستایی بود.

اهمیت این اصلاحات را باید در تلاشی وسیع‌تر برای بازسازی مناسبات جامعه دید: تلاشی برای گسترش دسترسی به آموزش، خدمات عمومی و فرصت‌های تازه‌ی اقتصادی.

توسعه‌ی اجتماعی در این معنا، صرفا توزیع امکانات نبود؛ تغییر در امکان انتخاب انسان‌ها بود. جامعه‌ای که در آن، آموزش و تخصص بتوانند بیش از گذشته مسیر زندگی را تعیین کنند، زمینه‌ی تحرک اجتماعی بیشتری می‌یابد.

**سپاه دانش؛ رساندن آموزش به دورترین نقاط کشور**

در کشوری با گستره‌ی جغرافیایی ایران، توسعه‌ی آموزش عمومی به معنای ساختن آینده‌ای بود که نباید تنها به شهرهای بزرگ محدود می‌ماند. مدرسه و سوادآموزی، ابزارهایی برای افزایش توان فردی و اجتماعی و از پایه‌های اصلی توسعه‌ی پایدار بشمار می‌رفتند.

سپاه دانش با این هدف شکل گرفت که آموزش را به روستاها و مناطق محروم‌تر برساند و بخشی از فاصله‌ی میان شهر و روستا را کاهش دهد. این برنامه، آموزش را از محدوده‌ی نهادهای شهری فراتر برد و آن را به بخشی از مأموریت توسعه‌ای دولت تبدیل کرد.

بر اساس اطلاعات منتشرشده، تا سال ۱۹۷۹، نزدیک به ۱۶۷ هزار مرد و بیش از ۳۳ هزار زن در سپاه دانش خدمت کرده بودند. این نیروها به بیش از ۲,۲ میلیون کودک آموزش دادند و حدود یک میلیون بزرگسال را نیز در برنامه‌های سوادآموزی پوشش دادند.

این ارقام از گستره‌ی یک تلاش آموزشی حکایت دارند؛ تلاشی که آموزش را به مسئله‌ای فراگیرتر در سیاست عمومی تبدیل کرد و امکان یادگیری را برای شمار بیشتری از کودکان و بزرگسالان در نقاط مختلف کشور گسترش داد.

ارزش چنین برنامه‌ای تنها در شمار کلاس‌ها و دانش‌آموزان خلاصه نمی‌شود. سواد، امکان دسترسی به اطلاعات را افزایش می‌دهد، قدرت تصمیم‌گیری فردی را تقویت می‌کند و راه ورود به مشاغل و موقعیت‌های تازه را می‌گشاید. آموزش عمومی، از این منظر، سرمایه‌گذاری بر مهمترین منبع توسعه است: توانایی انسان.

**از رعیت تا شهروند؛ بُعد انسانی توسعه**

یکی از دگرگونی‌های مهم جامعه‌ی ایران در دوران پهلوی دوم، گسترش تدریجی امکان‌هایی بود که جایگاه اجتماعی افراد را از انحصار سنت، زمین و روابط موروثی دورتر می‌کرد. این فرایند، بویژه با توسعه‌ی آموزش، گسترش شهرنشینی، ایجاد مشاغل تخصصی و افزایش حضور گروه‌های تازه در عرصه‌ی اقتصادی و اداری، شتاب گرفت.

در اینجا، مفهوم شهروندسازی معنایی فراتر از تابعیت حقوقی پیدا می‌کند. شهروند، انسانی است که امکان بیشتری برای آموختن، کارکردن، انتخاب‌کردن، مشارکت در زندگی عمومی و ساختن آینده‌ی خویش دارد؛ انسانی که فرصت‌های زندگی‌اش نباید صرفا به محل تولد، طبقه‌ی اجتماعی یا ساختارهای موروثی وابسته بماند.

گسترش دانشگاه‌ها، افزایش شمار متخصصان، رشد طبقه‌ی متوسط شهری و پیدایش مشاغل جدید، به تغییر انتظارات اجتماعی انجامید. بخش بزرگتری از جامعه می‌توانست آینده را نه فقط در امتداد موقعیت خانوادگی، بلکه از مسیر آموزش، مهارت و اشتغال دنبال کند. این تغییر، یکی از مهم‌ترین پیامدهای اجتماعی توسعه‌ی اقتصادی بود.

شهروندی، در پیوند با رشد اقتصادی و گسترش آموزش، با افزایش آگاهی از حقوق، فرصت مشارکت در زندگی عمومی و نقش‌آفرینی در جامعه معنا می‌یابد. در دوران پهلوی دوم، گسترش آموزش، رشد طبقه‌ی متوسط و افزایش فرصت‌های اجتماعی، زمینه‌های تازه‌ای برای ارتقای آگاهی عمومی و تقویت مطالبات شهروندی فراهم کرد. بدین‌ترتیب، توسعه در کنار تغییر ساختار اقتصاد، به تحول نگرش افراد به جایگاه و نقش خود در جامعه نیز یاری رساند.

شهروندسازی، در این معنا، بُعد انسانی توسعه بود؛ فرایندی که در آن، گسترش فرصت‌های فردی و اجتماعی به بخشی از دگرگونی گسترده‌تر ایران تبدیل شد.

**زنان؛ گسترش افق مشارکت ملی**

هیچ پروژه‌ی توسعه‌ای نمی‌تواند همه‌ی ظرفیت‌های یک جامعه را به کار گیرد، اگر نیمی از جمعیت آن از فرصت‌های برابر برای آموزش، مشارکت و حضور در زندگی عمومی برخوردار نباشند.در دوران محمدرضا شاه پهلوی، جایگاه حقوقی و اجتماعی زنان دستخوش تغییراتی مهم شد. زنان در سال ۱۳۴۲ حق رأی به دست آوردند و قانون حمایت خانواده در سال ۱۳۴۶، با اصلاحات بعدی در سال ۱۳۵۳، تغییراتی در برخی زمینه‌های حقوق خانواده ایجاد کرد. گسترش آموزش زنان و افزایش حضور آنان در دانشگاه‌ها، مشاغل تخصصی، دستگاه اداری و عرصه‌های سیاسی و اجتماعی نیز از تحولات مهم این دوره بود.

این دگرگونی‌ها بخشی از فرایند گسترده‌تر ورود زنان به عرصه‌ی عمومی محسوب می‌شدند. آموزش زنان تنها یک دستاورد فردی نیست؛ بر سلامت خانواده، تربیت نسل آینده، بهره‌وری اقتصادی و ظرفیت علمی و اجتماعی کشور نیز اثر می‌گذارد. مشارکت زنان، از این منظر، بخشی از توان توسعه‌ای یک ملت است.

گسترش حقوق رسمی و فرصت‌های آموزشی و حرفه‌ای زنان در دوران محمدرضا شاه پهلوی، یکی از ابعاد مهم توسعه‌ی اجتماعی ایران بود. دسترسی بیشتر زنان به آموزش، اشتغال و حضور در عرصه‌های علمی و عمومی، نه‌تنها افق‌های تازه‌ای برای پیشرفت فردی آنان گشود، بلکه ظرفیت نیروی انسانی کشور را نیز گسترش داد و به مشارکت بیشتر زنان در فرایند رشد اقتصادی و تحول اجتماعی انجامید. از این منظر، ارتقای جایگاه زنان، هم دستاوردی اجتماعی و هم بخشی اثرگذار از مسیر توسعه‌ی ایران بود.

**ایران در منطقه؛ توسعه به‌مثابه پشتوانه‌ی قدرت ملی**

جایگاه یک کشور در جهان، تنها به وسعت سرزمین یا برخورداری از منابع طبیعی وابسته نیست. قدرت پایدار، از ترکیب توان اقتصادی، ظرفیت صنعتی، نیروی انسانی، زیرساخت، موقعیت جغرافیایی و توانایی اثرگذاری بر محیط منطقه‌ای شکل می‌گیرد.

در دوران محمدرضا شاه پهلوی، ایران به یکی از بازیگران مهم منطقه‌ی خلیج فارس تبدیل شد. افزایش درآمدهای نفتی، گسترش توان نظامی، خرید تجهیزات پیشرفته و همکاری نزدیک با ایالات متحده، جایگاه راهبردی کشور را در معادلات منطقه‌ای ارتقا داد. پس از خروج نیروهای بریتانیا از شرق سوئز در سال ۱۹۷۱، نقش ایران در ترتیبات امنیتی خلیج فارس اهمیت بیشتری یافت.

جایگاه منطقه‌ای ایران، حاصل پیوند منابع طبیعی، موقعیت جغرافیایی، توسعه‌ی اقتصادی، گسترش توان صنعتی و سیاست خارجی فعال کشور بود. افزایش ظرفیت مالی و فنی و گسترش توان دفاعی، ابزارهای بیشتری برای حضور مؤثر ایران در معادلات منطقه‌ای فراهم کرد و نقش کشور را در تحولات خلیج فارس برجسته‌تر ساخت.

توسعه‌ی اقتصادی و افزایش توان صنعتی، برای ایران امکان‌هایی فراهم کرد که از ظرفیت یک کشور صرفا صادرکننده‌ی مواد خام فراتر می‌رفت. این پیشرفت‌ها، پشتوانه‌ای برای افزایش توانایی کشور در دفاع از منافع

ملی و ایفای نقشی مؤثرتر در محیط پیرامونی بود.

**دستاوردهای یک پروژه‌ی تاریخی؛ از رشد اقتصادی تا تحول اجتماعی**

اهمیت یک دوره‌ی تاریخی را باید در مقیاس تغییراتی دید که پدید آورد، ظرفیت‌هایی که ایجاد کرد و مسیری که برای آینده‌ی کشور گشود.

دوران پهلوی دوم با رشد اقتصادی سریع، گسترش صنعت، توسعه‌ی آموزش و دگرگونی مناسبات اجتماعی همراه بود. این تحولات، ساختار اقتصادی و اجتماعی ایران را تغییر دادند، بر شمار متخصصان و نیروهای آموزش‌دیده افزودند و افق‌های تازه‌ای برای اشتغال، تحرک اجتماعی و حضور در عرصه‌ی عمومی گشودند.

افزایش درآمد سرانه، گسترش تولید کارخانه‌ای، توسعه‌ی شبکه‌های حمل‌ونقل و انرژی، رشد دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی، افزایش فرصت‌های شغلی تخصصی و گسترش حضور اجتماعی زنان، در کنار یکدیگر تصویری از دگرگونی گسترده‌ی ایران در این دوره به دست می‌دهند. این تحولات، زمینه‌های تازه‌ای برای پیشرفت نسل‌های بعد فراهم کردند.

در این چارچوب، سهم محمدرضا شاه پهلوی را می‌توان در تبدیل توسعه به اولویتی محوری در سیاست‌گذاری ملی، گسترش برنامه‌ریزی عمرانی، جهت‌دهی سرمایه‌گذاری به سوی صنعت و زیرساخت و پیوندزدن رشد اقتصادی با دگرگونی اجتماعی بررسی کرد.

**آریامهر؛ معمار توسعه ایران**

محمدرضا شاه پهلوی را باید در متن تلاشی تاریخی به یاد آورد که می‌خواست ظرفیت‌های پراکنده‌ی ایران را به توان ملی سازمان‌یافته‌تری تبدیل کند؛ تلاشی برای صنعتی‌کردن اقتصاد، گسترش زیرساخت‌ها، تربیت نیروی انسانی، تغییر مناسبات سنتی و ارتقای جایگاه کشور در منطقه و جهان.

معنای عنوان «معمار توسعه ایران» در پیوند میان اجزای این پروژه‌ی تاریخی نهفته است: نگاهی که اقتصاد، صنعت، آموزش و تحول اجتماعی را بخش‌هایی مرتبط از مسیر پیشرفت کشور می‌دید. اهمیت این رویکرد، تنها در طرح‌ها و تأسیسات ساخته‌شده نبود، بلکه در تلاش برای افزایش توان تولیدی، فنی و انسانی ایران و گشودن افق‌های تازه برای نسل‌های آینده نیز جلوه می‌کرد.

از این منظر، توسعه در دوران محمدرضا شاه پهلوی را می‌توان تلاشی برای تغییر مقیاس توان ملی ایران دانست؛ تلاشی که آبادانی را با صنعتی‌شدن، پیشرفت را با گسترش دانش و رشد اقتصادی را با تحول اجتماعی پیوند می‌داد.

زادروز آریامهر، فرصتی است برای بازاندیشی در آن پروژه‌ی تاریخی؛ در آرمان ایرانی که باید صنعتی، آباد، برخوردار از دانش و توان مهندسی، صاحب جایگاهی شایسته در جهان و گشوده به فرصت‌های زندگی برای مردمانش باشد.

ایران را تنها با آنچه در گذشته ساخته شده نمی‌سنجند؛ با ظرفیت‌هایی نیز می‌سنجند که برای ساختن آینده در اختیار نسل‌های بعد قرار گرفته است. میراث توسعه، در ژرفترین معنای خود، نه فقط بناها و تأسیسات، بلکه توان یک ملت برای ادامه‌دادن راه پیشرفت است.

آریامهر، معمار توسعه ایران؛ یادآور دورانی که ساختن آینده، به یکی از بلندپروازی‌های بزرگ دولت و جامعه‌ی ایران تبدیل شد.

پاینده ایران

جاوید شاه

*پائولا متکی، کارشناس توسعه‌ی پایدار

# پشت پرده نوبل؛ رد پول و پرونده‌های فساد

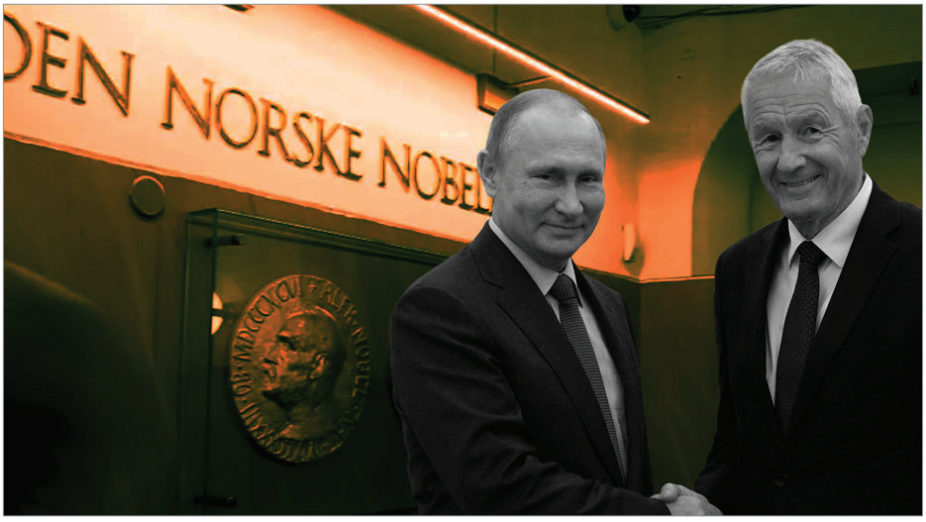


**فرید خلیفی** - رد پای جفری اپستین، تحقیقات پلیس درباره فساد مالی، صدها هزار دلار کمک این سرمایه‌دار بدنام به یک مؤسسه بین‌المللی صلح، پرداخت‌های خارجی به اطرافیان کمیته نوبل و شرطبندی مشکوک میلیون‌دلاری روی نام برنده جایزه صلح نوبل، اعتبار این جایزه را با پرسش‌های جدی روبرو کرده است .اینها مواردی هستند که با جستجو در منابع، می‌توان به مستندات قابل اتکا درباره آنها دست یافت. بررسی اسناد رسمی و تحقیقات رسانه‌ای از شبکه‌ای پیچیده از روابط سیاسی و مالی پرده برمی‌دارد که خود کمیته نوبل نیز به ناکافی‌بودن نظارت بر آن اذعان کرده است.

# استاندارد دوگانه همیشگی!

**گرتا تونبرگ در جمع دانشجویان اعتراضات و شورش‌های این روزهای فرانسه حاضر شد و به حمایت از آنها پرداخت و به دولت فرانسه اعتراض کرد. او پیشتر هم بارها با پرچم فلسطین و چفیه، تمام قد به حمایت از گروه‌های فلسطینی پرداخته بود. گرتا تونبرگ و حامیان پشت پرده‌اش اما با چشم بستن بر جنایات گسترده و کشتار سازمان‌یافته مردم ایران به رژیم جمهوری اسلامی هیچ اعتراض و واکنشی نشان نداده‌اند.**

**این استاندارد دوگانه همیشه یکی از ویژگی‌های ثابت او و حامیان‌اش بوده و هست.**

© کیهان لندن/ کارتون‌های بهنام محمدی

کیهان

# تشدید انزوای زمینی جمهوری اسلامی در کنار محاصره دریایی و تحریم هوایی

**به گزارش روزنامه «وال‌استریت ژورنال»، انزوای فزاینده‌ی زمینی در حالی رخ می‌دهد که رئیس‌جمهور ایالات متحده فشار نظامی را نیز افزایش داده تا رژیم ایران را به امتیاز دادن در برنامه‌ی هسته‌ای خود وادار کند.**

**با تشدید فشارها، رژیم ایران تلاش‌هایی برای افزایش ترانزیت از طریق ترکمنستان، ترکیه، پاکستان و افغانستان انجام داد و حتی تجارت با برخی همسایگان در نیمه‌ی اول سال افزایش یافت، اما زیرساخت‌های محدود، موانع اداری داخلی و ظرفیت ناکافی، این جایگزین‌ها را ناکارآمد کرد.**

ورودی پایانه مرزی «پرویزخان» در استان کرمانشاه/ قصرشیرین

عراق و پاکستان در شرایطی برخی از گذرگاه‌های مرزی کلیدی خود را به روی ایران بسته‌اند که پیشتر فشار اقتصادی ناشی از محاصره‌ی دریایی و تحریم خطوط هوایی، جمهوری اسلامی را در تنگنای اقتصادی بی‌سابقه قرار داده است.

در تازه‌ترین تحول از زنجیره فشارهای اقتصادی و نظامی ایالات متحده، رژیم ایران اکنون در حال از دست دادن مسیرهای تجاری زمینی است. عراق و پاکستان برخی از گذرگاه‌های مرزی کلیدی را بسته‌اند و این اقدام، فشار اقتصادی ناشی از محاصره‌ی دریایی نیروی دریایی آمریکا و تحریم‌های سختگیرانه خطوط هوایی را که پیشتر، بیشتر مسیرهای دریایی و هوایی را قطع کرده بود، افزایش می‌دهد.

به گزارش روزنامه «وال‌استریت ژورنال»، این انزوای فزاینده در حالی رخ می‌دهد که رئیس‌جمهور ایالات متحده فشار نظامی را نیز افزایش داده تا رژیم ایران را به امتیاز دادن در برنامه‌ی هسته‌ای خود وادار کند.

در این میان میانجی‌های خاورمیانه‌ای تلاش می‌کنند دوباره گفتگوها را احیاء کنند، اما تلاش‌های دیپلماتیک آنها ماه‌هاست در بن‌بست قرار دارد و جمهوری اسلامی از مذاکره درباره‌ی مسئله‌ی هسته‌ای امتناع می‌ورزد.

**زمینه محاصره و تغییر مسیر تجارت**

پیش از تشدید درگیری‌ها و محاصره‌ی تنگه هرمز، بیش از ۷۵ تا ۸۰ درصد از حجم تجارت خارجی رژیم ایران از طریق بنادر جنوبی و مسیر دریایی انجام می‌شد. محاصره‌ی دریایی آمریکا که صادرات نفت جمهوری اسلامی را در این مسیر عملاً به صفر رساند و میلیون‌ها بشکه نفت را در غرب تنگه هرمز گرفتار کرد، این رژیم را مجبور ساخت تجارت را به مسیرهای زمینی، ریلی و دریای کاسپین منتقل کند.

با تشدید فشارها، رژیم ایران تلاش‌هایی برای افزایش ترانزیت از طریق ترکمنستان، ترکیه، پاکستان و افغانستان انجام داد و حتی تجارت با برخی همسایگان در نیمه‌ی اول سال افزایش یافت، اما زیرساخت‌های محدود، موانع اداری داخلی و ظرفیت ناکافی، این جایگزین‌ها را ناکارآمد کرد.

هزینه حمل یک کانتینر از مسیر زمینی گاهی تا چهار برابر مسیر دریایی گزارش شده و صف‌های طولانی کامیون‌ها در مرزها باعث فساد کالاهای فاسدشدنی و افزایش تورم شده است.

در چنین شرایطی، بستن گذرگاه‌های زمینی توسط همسایگان، ضربه‌ی تازه‌ای به راه‌های تنفس اقتصادی بقایای جمهوری اسلامی وارد می‌کند. گزارش‌ها حاکی از آن است که این اقدامات تحت تأثیر فشارهای مستقیم یا غیرمستقیم واشنگتن صورت گرفته، هرچند کشورهای مربوطه دلایل امنیتی و مبارزه با قاچاق را عنوان می‌کنند.

**اقدامات پاکستان در مرزهای شرقی ایران**

پاکستان از ۱۷ اکتبر ۲۰۲۶ (۲۵ مهرماه ۴۰۵) تجارت تجاری را از طریق دو گذرگاه مهم ریمدان و تفتان در استان سیستان و بلوچستان تعلیق کرد. مقامات پاکستانی این اقدام را موقت و برای بهبود مدیریت مرزی، مقابله با قاچاق و حمایت از تلاش‌های ضدتروریستی قلمداد کرده‌اند.

در مقابل، سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی آن را ناشی از مسائل فنی دانست. صدها تا حدود دو هزار کامیون در دو سوی مرز متوقف شد و واردات گاز مایع (LPG) که پاکستان روزانه هزاران تن از طریق ایران وارد می‌کرد، مختل شده است.این موضوع منجر به افزایش قیمت سیلندرهای گاز در بازار پاکستان شد و نگرانی‌هایی درباره‌ی کمبود انرژی ایجاد کرد. تجارت دوجانبه که در سال مالی قبل حدود ۲.۸ میلیارد دلار بود، تحت تأثیر قرار گرفت، هرچند بعدها عبور برخی کالاهای فاسدشدنی از سر گرفته شد، اما محدودیت‌ها همچنان فشار وارد می‌کند.

پاکستان که همزمان نقش میانجی بین واشنگتن و رژیم ایران را ایفا می‌کند، بر پایبندی به رژیم‌های تحریمی بین‌المللی تأکید دارد و این موضع، سؤالاتی درباره تأثیر فشار آمریکا ایجاد کرده است.

**بستن گذرگاه‌های مرزی توسط دولت عراق**

در غرب ایران نیز عراق گذرگاه چذابه را از ۲۱ اکتبر (۲۹ مهرماه) تا اطلاع ثانوی به روی مسافران، ماشین‌ها و کامیون‌های تجاری بست. این تصمیم به دستور نخست‌وزیر علی الزیدی و با استناد به نیاز به بازبینی امنیتی و نصب تجهیزات تشخیص قاچاق مواد ممنوعه اتخاذ شد.

گزارش‌ها از فشار وزارت خزانه‌داری آمریکا بر بغداد برای کاهش تعداد گذرگاه‌های عملیاتی با ایران حکایت دارد و برخی منابع می‌گویند که آمریکا خواستار بستن بیشتر گذرگاه‌ها و باقی ماندن تنها چند مورد محدود شده است.

عراق که تجارت غیرنفتی قابل توجهی با رژیم ایران دارد (بیشتر بیش از ۱۰ میلیارد دلار)، این اقدامات را در چارچوب مقابله با قاچاق مواد مخدر، ارز تقلبی و نگرانی‌های امنیتی پس از حملات پهپادی به تأسیسات عربستان سعودی توجیه می‌کند. اعتراض رانندگان و کارگران محلی در استان میسان به دلیل تهدید معیشت، نشان‌دهنده‌ی تأثیر فوری این تعطیلی‌هاست اگرچه پیش از این نیز گذرگاه شلمچه بطور موقت بسته شده بود.

**تأثیرات اقتصادی و پیامدهای گسترده‌تر**

این محدودیت‌های زمینی، علاوه بر محاصره‌ی دریایی و تحریم‌های هوایی که پروازهای شرکت‌هایی مانند «ماهان ایر» را مختل کرده، حلقه‌ی فشار بر اقتصاد رژیم ایران را تنگ‌تر می‌کند. صادرات غیرنفتی و واردات کالاهای اساسی کاهش یافته، تورم بالا رفته و دسترسی به ارز خارجی محدودتر شده است.

مسیرهای جایگزین مانند دریای کاسپین (با افزایش ترانزیت گزارش‌شده) و خطوط ریلی به چین و آسیای مرکزی، هرچند پس از فشار تحریم‌ها بیشتر فعال شده‌اند، اما ظرفیت و هزینه‌ی آنها به هیچ وجه جایگزین تجارت دریایی عظیم سابق نیست. تحریم‌های اخیر آمریکا بر بخش ریلی و اتومبیل‌سازی رژیم ایران نیز این تلاش‌ها را پیچیده‌تر کرده است.از منظر دیپلماتیک، تنگ‌ترشدن حلقه‌ی محاصره‌ی اقتصادی در حالی رخ می‌دهد که گفتگوهای هسته‌ای ماه‌هاست متوقف مانده و جمهوری اسلامی حاضر به مذاکره مستقیم بر سر برنامه‌ی هسته‌ای، تحت هیچ شرایطی نبوده است.

برای رژیم ایران، از دست دادن مسیرهای زمینی نه تنها درآمد ارزی و واردات ضروری را تهدید می‌کند، بلکه وابستگی به همسایگان را نیز افزایش می‌دهد؛ همسایگانی که خود تحت فشار واشنگتن یا نگرانی‌های امنیتی قرار دارند.

در مجموع، استراتژی آمریکا برای انزوای جمهوری اسلامی از دریا و هوا، اکنون به زمین نیز گسترش یافته است. این فشار سه‌بعدی، اقتصاد از پیش ورشکسته‌ی رژیم ایران را بیشتر تحت فشار قرار می‌دهد و گزینه‌های تجارت خارجی آن را محدودتر می‌کند. در حالی که چشم‌انداز دیپلماتیک همچنان مبهم باقی مانده، ادامه‌ی این وضعیت به افزایش هزینه‌های معیشتی برای مردم ایران و پیچیده‌تر شدن معادلات منطقه‌ای منجر شود.

# هشدار اطلاعاتی آمریکا درباره افزایش تهدیدات تروریستی جمهوری اسلامی

بسیجی‌ها با دوش‌پرتاب‌های چینی در تهران

**● جِی کلیتون مدیر اطلاعات ملی آمریکا: «از طریق کانال‌های مختلف، اطلاعاتی دریافت کرده‌ایم که جمهوری اسلامی تلاش‌های خود را برای هدف قرار دادن پرسنل آمریکایی بطور قابل توجهی افزایش داده است. تلاش‌های برنامه‌ریزی‌شده‌ی تروریستی رژیم ایران علیه شهروندان آمریکایی به مراحل پیشرفته در خاورمیانه و برخی کشورهای دیگر رسیده است».**

**● این هشدار بلافاصله پس از تصمیم واشنگتن برای کاهش نیروی انسانی در مأموریت دیپلماتیک خود در عربستان سعودی داده شد.**

**● وزارت خارجه آمریکا علاوه بر عربستان، نیروی انسانی را در سفارت‌های خود در اردن، لبنان، قطر و امارات متحده عربی نیز کاهش داده است. این پست‌های دیپلماتیک از آغاز جنگ در وضعیت «عملیات محدود» قرار داشته‌اند.**

تلاش‌های جمهوری اسلامی برای هدف قرار دادن پرسنل آمریکایی در حالی افزایش قابل توجه پیدا کرده که ایالات متحده نسبت به آن هشدار داده است.

جمهوری اسلامی تلاش‌های خود را برای هدف قرار دادن پرسنل آمریکایی در کشورهای مختلف بطور قابل توجهی افزایش داده و توطئه‌های تروریستی آن علیه شهروندان آمریکایی به «مراحل پیشرفته» رسیده است. جِی کلیتون، مدیر اطلاعات ملی آمریکا (DNI)، این تهدید را در یادداشتی غیرمحرمانه خطاب به مارکو روبیو، وزیر امور خارجه و مشاور امنیت ملی دولت ترامپ، اعلام کرده و رونوشتی از آن نیز برای جان رتکلیف، مدیر سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA)، ارسال شده است.

بر اساس گزارش خبرگزاری «رویترز»، جِی کلیتون در این یادداشت نوشته است: «از طریق کانال‌های مختلف، اطلاعاتی دریافت کرده‌ایم که جمهوری اسلامی تلاش‌های خود را برای هدف قرار دادن پرسنل آمریکایی بطور قابل توجهی افزایش داده است. تلاش‌های برنامه‌ریزی‌شده‌ی تروریستی رژیم ایران علیه شهروندان آمریکایی به مراحل پیشرفته در خاورمیانه و برخی کشورهای دیگر رسیده است».

مدیر اطلاعات داخلی آمریکا همچنین تأکید کرده که اطلاعات و تحلیل‌های مربوط به تلاش‌های رژیم ایران برای هدف قرار دادن مقامات دولتی آمریکا در خاورمیانه و مناطق دیگر، برای افراد بیشتری نسبت به کسانی که در حال حاضر مجوز دسترسی دارند، مرتبط است و جامعه‌ی اطلاعاتی تلاش خواهد کرد تا حد ممکن طبقه‌بندی این اطلاعات را کاهش دهد تا روبیو بتواند آن را با پرسنل وزارت خارجه به اشتراک بگذارد.

این هشدار بلافاصله پس از تصمیم واشنگتن برای کاهش نیروی انسانی در مأموریت دیپلماتیک خود در عربستان سعودی داده شد. هفته‌ی گذشته، وزارت خارجه آمریکا دستور خروج کارکنان غیرضروری و اعضای خانواده‌هایشان از سفارت و کنسولگری‌های آمریکا در عربستان را صادر کرد. این اقدام در پاسخ به تشدید حملات نیروهای حوثی وابسته به رژیم ایران در یمن علیه عربستان صورت گرفته است.

بر اساس گزارش‌ها، از ابتدای اکتبر دست‌کم ۲۱ نفر در حملات حوثی‌ها به فرودگاه‌های سعودی کشته شده‌اند. یکی از مرگبارترین این حملات در دهم اکتبر، فرودگاه بین‌المللی ریاض را هدف قرار داد و منجر به کشته شدن ۱۳ نفر و مجروح شدن ۳۰۸ نفر شد که پرتلفات‌ترین حمله به عربستان در بیش از یک دهه‌ی گذشته است.

وزارت خارجه آمریکا علاوه بر عربستان، نیروی انسانی را در سفارت‌های خود در اردن، لبنان، قطر و امارات متحده عربی نیز کاهش داده است. این پست‌های دیپلماتیک از آغاز جنگ در وضعیت «عملیات محدود» قرار داشته‌اند.

مقامات آمریکایی تأکید کرده‌اند که تهدیدات ناشی از توطئه‌های تروریستی جمهوری اسلامی و حملات حوثی‌ها، تصمیمات مربوط به تنظیم نیروی انسانی را تحت تأثیر قرار داده است. یک مقام آمریکایی به رویترز گفته است: «وقتی موضوع نیروی انسانی در سفارت‌ها مطرح می‌شود، ما دائماً اطلاعات جدید درباره محیط امنیتی را ارزیابی می‌کنیم. تهدید حملات حوثی‌ها و توطئه‌های تروریستی رژیم ایران علیه مقامات آمریکایی، تصمیمات ما را در مورد تنظیم نیروی انسانی برای سفارت‌های در وضعیت عملیات محدود در منطقه شکل می‌دهد».

دولت ترامپ در حال ارزیابی از سر گرفتن حملات پس از انتخابات میاندوره‌ای سوم نوامبر است. بر اساس گزارش‌ها، تهدید علیه شهروندان آمریکایی در خاورمیانه و چند کشور دیگر در بالاترین سطح از آغاز جنگ چهل روزه در فوریه ۲۰۲۶ قرار دارد.

اطلاعات حاکی از احتمال وجود عوامل رژیم ایران در خود آمریکا و شناسایی اهداف بالقوه در اروپا است، هرچند برخی مقامات تأکید کرده‌اند که توانایی رژیم ایران برای اجرای همه خرابکاری‌هایش محدود است.

یادداشت جی کلیتون هیچ هدف خاصی، روش حمله یا جدول زمانی را مشخص نکرده و نشان نمی‌دهد که حمله‌ای نزدیک است. با این حال، جامعه‌ی اطلاعاتی آمریکا در سه هفته‌ی گذشته به بررسی دقیق تهدیدات علیه مقامات، از جمله سفیران، پرداخته و ترامپ و دستیارانش بطور منظم درباره‌ی این موضوع مطلع شده‌اند.

وزارت خارجه آمریکا همچنین روز شنبه ۲۴ اکتبر هشدارهای سفر را برای سیزده کشور منطقه به‌روزرسانی کرد تا تهدید افزایش‌یافته‌ی حملات منطقه‌ای حوثی‌های مورد حمایت رژیم ایران را منعکس کند.

هشدارهای امنیتی در حالی صادر می‌شود که افزایش تنش‌ها در چند محور- از حملات مستقیم رژیم ایران و توطئه‌های تروریستی گرفته تا فعالیت حوثی‌ها- نشان‌دهنده‌ی گسترش دامنه‌ی درگیری منطقه‌ای است که از فوریه ۲۰۲۶ آغاز شده و اقتصاد جهانی، امنیت انرژی و ثبات خاورمیانه را تحت تأثیر قرار داده است.

با این حال، هشدار اطلاعاتی جِی کلیتون تصویری از افزایش جدی تهدیدات تروریستی جمهوری اسلامی علیه شهروندان و پرسنل آمریکایی ارائه می‌دهد که همزمان با تداوم فعالیت‌های مزدوران نیابتی، با توجه به احتمال از سر گرفتن عملیات نظامی علیه رژیم ایران، نیاز به اقدامات احتیاطی گسترده‌ی دیپلماتیک و امنیتی را در مرکز توجه قرار داده است.

# نیویورک‌تایمز: جمهوری اسلامی در مراحل پیشرفته برنامه‌ریزی برای حمله به آمریکایی‌ها قرار دارد

**به گفته مقامات آمریکایی، دولت ایالات متحده به دلیل دریافت اطلاعاتی مبنی بر اینکه جمهوری اسلامی در مراحل پیشرفته برنامه‌ریزی برای حمله به آمریکایی‌ها قرار دارد، سطح هشدار امنیتی کارکنان خود را در سراسر خاورمیانه افزایش داده و اقداماتی را برای کاهش شمار کارکنان سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌هایش آغاز کرده است.**

**در این یادداشت که از سوی جی کلیتون مدیر اطلاعات ملی آمریکا، تهیه شده، آمده است که نهادهای امنیتی «اطلاعاتی دریافت کرده‌اند که نشان می‌دهد [حکومت] ایران تلاش‌های خود را برای هدف قرار دادن کارکنان آمریکایی بطور چشمگیری افزایش داده است. تلاش‌های مرگبار ایران برای طراحی حمله علیه شهروندان آمریکایی، هم در خاورمیانه و هم در برخی کشورهای دیگر، به مراحل پیشرفته رسیده است.»**

**مقامات آمریکایی گفته‌اند، برنامه‌های ایران همچنین اهداف بالقوه‌ای را در اروپا در بر می‌گیرد.**

**با این حال، یک مقام دیگر هشدار داد که توانایی رژیم ایران برای اجرای حملات در خاک آمریکا و دیگر مناطق خارج از کشور محدود است و جاه‌طلبی تهران برای انجام حمله، فراتر از توانایی واقعی آن برای اجرای چنین عملیاتی است.**

سفارت آمریکا در ریاض

روزنامه «نیویورک‌تایمز» دوم آبان ۱۴۰۵ به نقل از مقام‌های آمریکایی گزارش داد، جمهوری اسلامی ایران در «مراحل پیشرفته» برنامه‌ریزی برای حمله به آمریکایی‌ها قرار دارد؛ بر اساس همین گزارش دولت آمریکا به دیپلمات‌ها و دیگر کارکنان خود دستور داده است عربستان سعودی را ترک کنند. واشنگتن همچنین در حال کاهش شمار کارکنان نمایندگی‌های دیپلماتیک خود در دیگر کشورهای منطقه است.

به گفته مقامات آمریکایی، دولت ایالات متحده به دلیل دریافت اطلاعاتی مبنی بر اینکه جمهوری اسلامی در مراحل پیشرفته برنامه‌ریزی برای حمله به آمریکایی‌ها قرار دارد، سطح هشدار امنیتی کارکنان خود را در سراسر خاورمیانه افزایش داده و اقداماتی را برای کاهش شمار کارکنان سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌هایش آغاز کرده است.

مقام‌های اطلاعاتی آمریکا در یادداشتی درباره خطرات متوجه کارکنان وزارت خارجه آمریکا در خاورمیانه و دیگر مناطق جهان، به مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا، هشدار داده‌اند.

در این یادداشت که از سوی جی کلیتون مدیر اطلاعات ملی آمریکا، تهیه شده، آمده است که نهادهای امنیتی «اطلاعاتی دریافت کرده‌اند که نشان می‌دهد [حکومت] ایران تلاش‌های خود را برای هدف قرار دادن کارکنان آمریکایی بطور چشمگیری افزایش داده است. تلاش‌های مرگبار [رژیم] ایران برای طراحی حمله علیه شهروندان آمریکایی، هم در خاورمیانه و هم در برخی کشورهای دیگر، به مراحل پیشرفته رسیده است.»

دولت ترامپ شامگاه جمعه از طریق یک مقام آمریکایی وجود این یادداشت را تأیید کرد. مقامات گفتند این اقدام نشان‌دهنده جدیت دولت آمریکا در برخورد با این تهدید است. وبسایت خبری آکسیوس پیشتر این یادداشت را گزارش کرده بود.

به گفته مقامات آمریکایی، نهادهای این کشور ارزیابی می‌کنند که تهدید علیه آمریکایی‌ها در خاورمیانه و چند کشور دیگر، از زمان آغاز جنگ در اسفندماه ۱۴۰۴ به بالاترین سطح خود رسیده است.

یکی از مقامات گفت، دونالد ترامپ و مشاوران ارشد او بطور منظم درباره افزایش تهدیدها، که فراتر از خاورمیانه نیز گسترش یافته‌اند، گزارش‌های اطلاعاتی دریافت کرده‌اند.

تحلیلگران طی سه هفته گذشته اطلاعات مربوط به تهدیدهای متوجه مقامات آمریکایی، از جمله سفیران این کشور، را بررسی کرده‌اند. به گفته این مقام، بخشی از اطلاعات نشان می‌دهد که رژیم ایران ممکن است در داخل خاک آمریکا نیز عوامل عملیاتی داشته باشد. مقام‌های آمریکایی گفته‌اند برنامه‌های جمهوری اسلامی همچنین اهداف بالقوه‌ای را در اروپا در بر می‌گیرد.

با این حال، یک مقام دیگر هشدار داد که توانایی رژیم ایران برای اجرای حملات در خاک آمریکا و دیگر مناطق خارج از کشور محدود است و جاه‌طلبی تهران برای انجام حمله، فراتر از توانایی واقعی آن برای اجرای چنین عملیاتی است.

کاخ سفید به درخواست برای اظهار نظر در این زمینه پاسخ نداد. دفتر جی کلیتون و سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) نیز از اظهار نظر خودداری کردند.

وزارت خارجه آمریکا از طریق یک مقام این وزارتخانه اعلام کرد: «در مورد سطح نیروی انسانی سفارتخانه‌هایمان، ما بطور مستمر اطلاعات جدید مربوط به وضعیت امنیتی را ارزیابی می‌کنیم.»

این مقام گفت، تهدید حملات نیروهای حوثی در یمن و همچنین «طرح‌های تروریستی [حکومت] ایران با هدف قرار دادن مقام‌های آمریکایی»، در تصمیم‌های وزارت خارجه برای تعدیل شمار کارکنان سفارتخانه‌ها مؤثر بوده است.

به گفته این مقام، شمار کارکنان این نمایندگی‌ها پیش از این نیز تحت وضعیتی که وزارت خارجه آمریکا آن را «وضعیت فعالیت محدودشده» می‌نامد، کاهش یافته بود؛ وضعیتی که معمولاً در مناطق درگیر جنگ اعمال می‌شود.

نیویورک تایمز می‌نویسد، هشدارها درباره تهدیدهای جدید پس از هشت ماه جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران مطرح شده است؛ جنگی که موجب افزایش شدید قیمت انرژی، بی‌ثباتی اقتصاد سراسر جهان و کاهش محبوبیت ترامپ در داخل آمریکا شده است.

روزنامه نیویورک‌تایمز پیشتر گزارش داده بود که ایالات متحده و اسرائیل طرح‌هایی برای موج جدیدی از حملات علیه جمهوری اسلامی ایران پس از انتخابات میاندوره‌ای آمریکا تهیه کرده‌اند؛ هرچند ترامپ هنوز تصمیم نهایی برای اجرای این حملات نگرفته است.

ترامپ طی ماه‌های اخیر از صدور دستور حملات گسترده علیه رژیم ایران خودداری کرده است، اما ارتش آمریکا محاصره بنادر ایران را با هدف جلوگیری از فروش نفت و دیگر محصولات انرژی این کشور در بازار جهانی اجرا کرده است.

مقام‌های آمریکایی گفته‌اند، مقامات ایران در تلاش بوده‌اند راه‌های مختلفی برای پاسخگویی به آمریکا و متحدانش پیدا کنند.

ارتش آمریکا در اوایل اکتبر (اواسط مهرماه)، اقدام کم‌سابقه‌ای انجام داد و هر ۱۲ بمب‌افکن بی۱- نیروی هوایی خود را از پایگاهی در جنوب انگلستان خارج کرد. فرماندهان نظامی اطلاعاتی دریافت کرده بودند

که از تهدیدهای ایران علیه این تأسیسات حکایت داشت. این پایگاه، پایگاه نیروی هوایی سلطنتی بریتانیا در «فیرفورد» است.

جی کلیتون روز جمعه در یادداشت خود به مارکو روبیو نوشت که در تلاش است سطح طبقه‌بندی محرمانه بودن برخی اطلاعات را کاهش دهد تا شمار بیشتری از کارکنان دولت آمریکا بتوانند از محتوای این یادداشت مطلع شوند. موضوع این یادداشت، بنا بر عنوان آن، «طرح‌ریزی حملات مرگبار علیه آمریکایی‌ها در خاورمیانه و برخی کشورهای دیگر» بود.

تامی پیگوت سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرد که این وزارتخانه دستور خروج کارکنان غیرضروری و اعضای خانواده‌های آنان را از عربستان سعودی صادر کرده است.

این وزارتخانه همچنین بی‌سر و صدا در حال جابجایی کارکنان به داخل و خارج از بسیاری از نمایندگی‌های دیپلماتیک خود در منطقه است.

وزارت خارجه آمریکا تقریباً تمامی نمایندگی‌های این کشور در خاورمیانه را در وضعیت «فعالیت محدودشده» قرار داده است. این وضعیت به وزارتخانه اجازه می‌دهد بدون صدور اطلاعیه‌های عمومی، شمار کارکنان خود را با انعطاف بیشتری تغییر دهد.

به گفته مقام‌های آمریکایی، کاهش شمار دیپلمات‌ها و دیگر کارکنان دولت آمریکا در این نمایندگی‌ها، مستقیماً نتیجه اطلاعات اطلاعاتی اخیر درباره طرح‌های حمله ایران است.

پس از آنکه آمریکا و اسرائیل در ۲۸ فوریه به نقاطی در ایران حمله کردند، ارتش جمهوری اسلامی با شلیک پهپادها و موشک‌هایی به کشورهای عربی در سراسر خاورمیانه و همچنین اسرائیل پاسخ داد.

وزارت خارجه آمریکا در دوم مارس دستور خروج اجباری کارکنان غیرضروری خود را از نمایندگی‌های این کشور در عراق، اردن و بحرین صادر کرد.

تقریباً در همان زمان، این وزارتخانه به کارکنان غیرضروری و اعضای خانواده‌های آنان در نمایندگی‌های آمریکا در عربستان سعودی نیز دستور داد این کشور را ترک کنند؛ زیرا ایران به سفارت آمریکا در ریاض و مناطق اطراف آن حمله کرده بود.

در آستانه آغاز جنگ، تنها دو سفارتخانه به کارکنان خود اجازه داده بودند از گزینه موسوم به «خروج مجاز» استفاده کنند؛ به این معنا که کارکنان غیرضروری و اعضای خانواده‌هایشان می‌توانستند در صورت تمایل کشور را ترک کنند.

این دو سفارتخانه، یکی سفارت آمریکا در بیروت بود که چهار روز پیش از آغاز جنگ چنین اطلاعیه‌ای صادر کرد و دیگری سفارت این کشور در اورشلیم که یک روز پیش از شروع جنگ این اقدام را انجام داد.

در دوره‌هایی از تابستان که شدت خشونت‌ها کاهش یافت، وزارت خارجه آمریکا به برخی دیپلمات‌ها اطلاع داد که می‌توانند به محل مأموریت خود بازگردند.

وزارت خارجه آمریکا با انتقادهای شدیدی روبرو شده است؛ زیرا پیش از آغاز جنگ، از هزاران شهروند آمریکایی حاضر در منطقه نخواسته بود آنجا را ترک کنند و پس از آغاز حملات موشکی نیز کمک‌های محدودی برای تخلیه آنان ارائه کرده بود.

دولت ترامپ و اسرائیل هفته‌ها پیش از آغاز حملات، به صورت محرمانه در حال برنامه‌ریزی برای این عملیات بودند.

# تلاش کشورهای عضو «پیمان مکه» برای گفتگو با جمهوری اسلامی با هدف «کاهش تنش‌ها»

**نشست مقامات ارشد نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران، پاکستان، عربستان سعودی و ترکیه با حضور مسعود پزشکیان دوشنبه چهارم آبان ۱۴۰۵ در تهران برگزار شد.**

**در این نشست چهارجانبه خالد بن سلمان وزیر دفاع عربستان، عاصم منیر فرمانده کل ارتش پاکستان و ابراهیم کالین رئیس سازمان اطلاعات ترکیه، حضور داشتند و از طرف جمهوری اسلامی نیز علاوه بر پزشکیان، محسن رضایی دبیر شورای عالی «امنیت ملی» و عباس عراقچی وزیر خارجه در آن شرکت کردند.**

**محسن رضایی در یک مصاحبه مدعی شد که حضور مقامات ارشد سه کشور کلیدی منطقه در تهران، «به برکت اقتدار نیروهای مسلح بود!» او گفت: «هر سه کشور اعتقاد داشتند که اگر ما چهار کشور با هم باشیم بسیاری از مشکلات منطقه قابل حل خواهد بود.» با اینهمه رضایی تاکید کرد: «ترجیح دادیم در پایان جلسه هیچ بیانیه مشترکی صادر نشود» تا وقتی که «در عمل و واقعیت تحولات را ببینیم.»**

**منابع پاکستانی نوشتند، این نشست به پاکستان امکان می‌دهد ضمن حفظ مشارکت دفاعی با عربستان، کانال ارتباطی با جمهوری اسلامی ایران را باز نگه دارد و به تسهیل ارتباط میان واشنگتن و تهران کمک کند.**

باقری کنی، رضایی، پزشکیان و عراقچی در نشست چهارجانبه با مقام‌های ارشد امنیتی و نظامی پاکستان، ترکه و عربستان در تهران

نشست مقامات ارشد نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران، پاکستان، عربستان سعودی و ترکیه با حضور مسعود پزشکیان دوشنبه چهارم آبان ۱۴۰۵ در تهران برگزار شد.

در این نشست چهارجانبه، خالد بن سلمان وزیر دفاع عربستان، عاصم منیر فرمانده کل ارتش پاکستان و ابراهیم کالین رئیس سازمان اطلاعات ترکیه، حضور داشتند و از طرف جمهوری اسلامی نیز علاوه بر پزشکیان، محسن رضایی دبیر شورای عالی «امنیت ملی» و عباس عراقچی وزیر خارجه در آن شرکت کردند.

محسن رضایی در یک مصاحبه مدعی شد، حضور مقام‌های ارشد سه کشور کلیدی منطقه در تهران، «به برکت اقتدار نیروهای مسلح بود!» او گفت: «هر سه کشور اعتقاد داشتند که اگر ما چهار کشور با هم باشیم بسیاری از مشکلات منطقه قابل حل خواهد بود.» با اینهمه رضایی تأکید کرد: «ترجیح دادیم در پایان جلسه هیچ بیانیه مشترکی صادر نشود» تا وقتی که «در عمل و واقعیت تحولات را ببینیم.»

مسعود پزشکیان در این جلسه تکرار کرد که جمهوری اسلامی به دنبال سلاح هسته‌ای نیست و «حق بهره‌مندی از فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز را برای خود محفوظ می‌داند».

پزشکیان از آنچه «استفاده از موضوع هسته‌ای به عنوان بهانه‌ای برای اعمال فشار، تهدید و حمله به تأسیسات هسته‌ای» ایران خواند، انتقاد کرد.

این در حالیست که طرفداران حکومت و برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی و امامان جمعه از مجتبی خامنه‌ای خواسته‌اند دستور ساخت سلاح اتمی را صادر کند.

پیشتر یک مقام جمهوری اسلامی در ارتباط با این نشست به خبرگزاری رویترز گفته بود که در نشست روز دوشنبه، برنامه هسته‌ای ایران مورد بحث قرار نخواهد گرفت و تهران تا زمان برآورده شدن خواسته‌هایش برای پایان دادن به جنگ، حاضر به ورود به این موضوع نخواهد شد. این خواسته‌ها شامل پایان دادن به محاصره بنادر ایران از سوی آمریکا و لغو تحریم‌های صادرات نفت ایران است.

محسن رضایی همچنین مدعی شد که با سه کشور عضو «پیمان مکه» توافق شده که «امنیت باید درون‌زا» باشد. این ادعا در شرایطی مطرح شده که پاکستان برای هدف قرار دادن شبه‌نظامیان حوثی مورد حمایت جمهوری اسلامی با عربستان سعودی همکاری مستقیم دارد.

مقامات کشورهای عضو «پیمان مکه» می‌گویند این نشست با هدف کاهش تنش‌ها در منطقه برگزار شد.

برخی منابع مدعی شدند که سفر مقام‌های ارشد این سه کشور مسلمان به ایران، اتمام حجت با جمهوری اسلامی بود و آنها حامل آخرین پیام‌های آمریکا بودند اما هواداران حکومت حضور آنها را ناشی از اقتدار و قدرت نظام جمهوری اسلامی قلمداد می‌کنند.

منابع پاکستانی در ارتباط با دیدار دوشنبه نوشتند که این نشست به پاکستان امکان می‌دهد ضمن حفظ مشارکت دفاعی با عربستان، کانال ارتباطی با جمهوری اسلامی ایران را باز نگه دارد و به تسهیل ارتباط میان واشنگتن و تهران کمک کند.

این دیدار نخستین سفر مشترک مقامات ارشد عربستان، ترکیه و پاکستان به تهران پس از امضای توافق دفاعی سه‌جانبه موسوم به «پیمان مکه» است. بر اساس مفاد اعلام‌شده در این توافق، حمله مسلحانه به یکی از اعضا می‌تواند حمله به همه اعضا تلقی شود و طرفین متعهد شده‌اند برای مقابله با تهدیداتی علیه حاکمیت و تمامیت ارضی یکدیگر از ابزارهای لازم استفاده کنند.

# بازگشت ماچادو به ونزوئلا؛ روبیو: نتیجه حمایت‌های آمریکا بود

استقبال از ماچادو در ونزوئلا / عکس: رویترز

**● ماریا کورینا ماچادو رهبر مخالفان دولت ونزوئلا و برنده جایزه صلح نوبل، روز یکشنبه سوم آبان پس از نزدیک به یک سال دوری از کشور به ونزوئلا بازگشته است.**

**● بازگشت ماچادو به ونزوئلا به جشن و پایکوبی هزاران نفر از مخالفان مادورو مواجه شد.**

**● روبیو وزیر خارجه آمریکا در شبکه ایکس نوشت: «شرایطی که امکان بازگشت امن خانم ماچادو به ونزوئلا را فراهم کرده، نتیجه مستقیم مذاکرات آشتی مورد حمایت ایالات متحده است؛ مذاکراتی که تاکنون به آزادی صدها زندانی سیاسی و بازگشت صدها تن از چهره‌های مخالف سیاسی از تبعید منجر شده است.»**

**● شاهزاده رضا پهلوی نیز در پیامی بازگشت ماچادو به ونزوئلا را شادباش گفت و آن را «الهام بخش» خواند. در این پیام آمده «خانم ماریا کورینا ماچادو، پایان تبعید و بازگشت‌تان به ونزوئلا را از صمیم قلب شادباش می‌گویم. بازگشت به سرزمین مادری بی‌تردید برای شما سرشار از شادی است و در عین حال، مایه امید ملت ونزوئلا و الهام‌بخش همه کسانی است که در سراسر جهان برای آزادی و دموکراسی مبارزه می‌کنند».**

ماریا کورینا ماچادو رهبر مخالفان دولت ونزوئلا و برنده جایزه صلح نوبل، روز یکشنبه سوم آبان پس از نزدیک به یک سال دوری از کشور به ونزوئلا بازگشته است.

ماچادو پیش از برکناری نیکلاس مادورو رئیس‌جمهور پیشین ونزوئلا که توسط ارتش آمریکا بازداشت شد، تلاش کرده بود روابط خود را با دولت ترامپ تقویت کند، اما ترامپ مدام از دلسی رودریگز، رئیس‌جمهور موقت ونزوئلا و معاون پیشین مادورو حمایت می‌کرد با این حال وزیر خارجه آمریکا اکنون می‌گوید ماچادو با حمایت آمریکا به کشورش بازگشته است.بازگشت ماچادو به ونزوئلا به جشن و پایکوبی هزاران نفر از مخالفان مادورو مواجه شد.

روبیو در شبکه ایکس نوشت: «شرایطی که امکان بازگشت امن خانم ماچادو به ونزوئلا را فراهم کرده، نتیجه مستقیم مذاکرات آشتی مورد حمایت ایالات متحده است؛ مذاکراتی که تا کنون به آزادی صدها زندانی سیاسی و بازگشت صدها تن از چهره‌های مخالف سیاسی از تبعید منجر شده است.»

او افزود: «انتظار داریم همه بازیگران سیاسی از این مذاکرات حمایت کنند؛ مذاکراتی که بهترین فرصتی است که ونزوئلا در ۳۰ سال گذشته برای دستیابی مسالمت‌آمیز، نه‌فقط به انتخاباتی آزاد و عادلانه، بلکه به دموکراسی پایدار داشته است.»

شاهزاده رضا پهلوی نیز در پیامی بازگشت ماچادو به ونزوئلا را شادباش گفت و آن را «الهام بخش» خواند. در این پیام آمده: «خانم ماریا کورینا ماچادو، پایان تبعید و بازگشت‌تان به ونزوئلا را از صمیم قلب شادباش می‌گویم. بازگشت به سرزمین مادری بی‌تردید برای شما سرشار از شادی است و در عین حال، مایه امید ملت ونزوئلا و الهام‌بخش همه کسانی است که در سراسر جهان برای آزادی و دموکراسی مبارزه می‌کنند. مردم ایران در کنار مردم ونزوئلا ایستاده‌اند. باور دارم با آزادی ایران و ونزوئلا، فصل تازه‌ای از دوستی و همکاری پایدار میان ملت‌های ما آغاز خواهد شد.»

بازگشت ماچادو به کشورش البته در واشنگتن مخالفانی نیز داشت. آنها معتقد بودند که اگر او به ونزوئلا بازگردد اوضاع این کشور بهم می‌ریزد حتی تلاش‌های برای جلوگیری از بازگشت او انجام شده بود اما در نهایت خواست او و مردم ونزوئلا محقق شد.ترامپ یکشنبه در کاخ سفید گفت، از بازگشت ماچادو به ونزوئلا اطلاعی ندارد. برخی تحلیلگران می‌گویند ترامپ ترجیح می‌دهد همچنان از دولت رودریگز معاون مادورو حمایت کند.

ماچادو ۱۷ مهر در مصاحبه با «فایننشال‌تایمز» خواستار برگزاری انتخابات در ونزوئلا تا ژوئیه ۲۰۲۷ (تیر ۱۴۰۶) شد و گفت برای فراهم کردن زمینه برگزاری انتخابات تا آن زمان، فرصت کافی وجود دارد.

# تلاش تروریست‌های حزب‌الله لبنان برای بازسازی توان نظامی

**● به گزارش خبرگزاری «رویترز»، نیروهای ارتش اسرائیل هم‌اکنون در مناطق روستایی در جنوب رودخانه‌ی لیتانی لبنان حضور دارند و در بیروت فشار سیاسی برای خلع سلاح این گروه افزایش یافته است. با این حال، حزب‌الله از آرامش نسبی درگیری‌ها از ژوئن ۲۰۲۶ بهره برده تا به بازسازی توان نظامی خود بپردازد.**

**● یکی از منابع و منبع دیگری نزدیک به حزب‌الله اعلام کردند که از نظر مالی، این گروه ده‌ها میلیون دلار از جمهوری اسلامی برای تقویت توان نظامی دریافت کرده است. این مبلغ علاوه بر حدود ۲۰۰ میلیون دلاری است که پیشتر از رژیم ایران با عنوان کمک به خانواده‌های آواره در مناطق شیعه‌نشین دریافت شده بود و رویترز در اوایل اکتبر ۲۰۲۶ درباره آن گزارش داده بود.**

**● حزب‌الله لبنان با حمایت‌های جمهوری اسلامی در حال آماده‌شدن برای آغاز حملات احتمالی آمریکا به رژیم ایران است که می‌تواند جبهه‌ی لبنان را با حملات تروریستی علیه اسرائیل، دوباره شعله‌ور کند. این سازمان تروریستی به صراحت اعلام نکرده که در صورت بالا گرفتن درگیری‌های تازه در آن شرکت خواهد کرد، اما به نقل از رویترز، دفتر رسانه‌ای آن گفته است با توجه به نگرانی از آوارگی دوباره‌ی هوادارانش اینبار محتاط‌تر خواهد بود.**

**● گزارش‌های اطلاعاتی اسرائیل در ماه‌های اخیر حاکی از تلاش جمهوری اسلامی برای هماهنگی بهتر میان حزب‌الله، حماس، حوثی‌ها و شبه‌نظامیان عراقی برای حملات همزمان بوده تا از ضعف هماهنگی در حملات هفتم اکتبر جلوگیری کند.**

حزب‌الله لبنان در حالی طی سه ماه گذشته خود را برای احتمال درگیری‌های تازه با اسرائیل آماده کرده که منابع امنیتی لبنان اعلام کرده‌اند این آمادگی‌ها پس از دریافت کمک مالی از رژیم ایران آغاز شده است.

منابع امنیتی لبنانی مطلع از فعالیت‌های شبه‌نظامیان تروریست حزب‌الله لبنان اعلام کردند که این گروه طی سه ماه گذشته خود را برای احتمال از سر گرفته شدن درگیری‌های تمام‌عیار با اسرائیل آماده کرده است. این آمادگی‌ها پس از تزریق مالی به این گروه توسط رژیم ایران صورت گرفته و نشان‌دهنده‌ی ادامه‌ی تهدیدات حزب‌الله علیه اسرائیل حتی پس از ضربات سنگین وارده در دو جنگ از سال ۲۰۲۴ به اینسو است.

به گزارش خبرگزاری «رویترز»، نیروهای ارتش اسرائیل هم‌اکنون در مناطق روستایی در جنوب رودخانه‌ی لیتانی لبنان حضور دارند و در بیروت فشار سیاسی برای خلع سلاح این گروه افزایش یافته است. با این حال، حزب‌الله از آرامش نسبی درگیری‌ها از ژوئن ۲۰۲۶ بهره برده تا

به بازسازی توان نظامی خود بپردازد.

دو منبع امنیتی لبنانی به رویترز گفتند، اقدامات حزب‌الله لبنان تلاش برای بازگرداندن قابلیت‌های رزمی با تمرکز اصلی بر تأمین مواد منفجره و تولید پهپادهایی است که بتوانند به داخل اسرائیل نفوذ و حمله کنند.

یکی از منابع و منبع دیگری نزدیک به حزب‌الله اعلام کردند که از نظر مالی، این گروه ده‌ها میلیون دلار از جمهوری اسلامی برای تقویت توان نظامی دریافت کرده است. این مبلغ علاوه بر حدود ۲۰۰ میلیون دلاری است که پیشتر از رژیم ایران با عنوان کمک به خانواده‌های آواره در مناطق شیعه‌نشین دریافت شده بود و رویترز در اوایل اکتبر ۲۰۲۶ درباره آن گزارش داده بود.

حمایت‌های مالی رژیم ایران به حزب‌الله لبنان، با وجود فشارهای اقتصادی آمریکا و دشواری‌های انتقال پول، با کارمزد ۲۰ درصدی واسطه‌ها همراه بوده و قرار بود برای حدود ۵۰ هزار خانواده از اعضای تروریستی این سازمان، با پرداخت اولیه‌ی حدود ۳۰۰۰ دلار صورت گیرد.

حزب‌الله بعداً طرح توزیع کمک‌های مسکن تا ۱۴ هزار دلار برای برخی خانواده‌ها را اعلام کرد، هرچند وزارت خارجه آمریکا این ادعاها را رد کرد و آن را تلاش برای حفظ وجهه و تبلیغات این گروه دانست.

منابع همچنین گفتند که حزب‌الله لبنان در حال بازسازی ساختارهای فرماندهی و کنترل است که در نبردهای کلیدی فرو پاشیده بود. یکی از منابع و سه مقام امنیتی دیگر تأیید کردند که پس از خسارات در جبهه‌هایی مانند شهر مرزی بنت‌جبیل و تپه‌های استراتژیک علی‌الطاهر، واحدهایی به دلیل تاکتیک عملیات در تیم‌های کوچک و صرفه‌جویی در استفاده از موشک‌های ضدتانک، پنهان شده و در مقابله با سیستم‌های از راه دور ارتش اسرائیل، از جمله پهپادهای مسلح و وسایل نقلیه کنترل از راه دور، با تلفات روبرو شده‌اند.

ارتش اسرائیل به رویترز اعلام کرد از این سیستم‌ها برای نظارت بر جنوب لبنان و کاهش تهدید برای نیروهای ارتش استفاده می‌کند. تروریست‌های حزب‌الله لبنان هنوز بطور کامل ذخایر و نیروی رزمی خود را آماده نکرده‌اند، اما در این ماه اعتراف کردند مواد منفجره‌ی ضبط‌شده توسط مقامات لبنانی متعلق به آنها بوده و برای استفاده علیه اسرائیل، به ویژه پهپادهای انفجاری، در نظر گرفته شده بود.

در پاسخ به پرسش‌های رویترز، دفتر رسانه‌ای حزب‌الله گفته است با حضور ارتش اسرائیل در جنوب لبنان هرگونه مقاومت را حق مشروع می‌داند و ادعای فروپاشی سیستم فرماندهی و کنترل را رد کرد!

در همین رابطه، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا تأکید کرد واشنگتن با تحریم‌ها و اقدامات دیگر به خفه‌کردن مالی حزب‌الله ادامه خواهد داد. سخنگوی خزانه‌داری آمریکا نیز گفت که رژیم ایران در حال اتمام پول و راه‌های انتقال آن است.

سازمان تروریستی حزب‌الله لبنان که در سال ۱۹۸۲ توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تأسیس شد، در حملات دفاعی ارتش اسرائیل، هزاران تروریست و بسیاری از رهبران خود را از دست داده و بخش عمده‌ای از زرادخانه نظامی‌اش نابود شده است.

با آغاز عملیات آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی، حزب‌الله لبنان در ۲ مارس ۲۰۲۶ در حمایت از رژیم ایران به سوی اسرائیل آتش گشود که با دفاع اسرائیل مواجه شد و طی آن بیش از ۴۰۰۰ نفر اعضاء و هواداران این سازمان کشته شدند.

درگیری‌ها در تابستان گذشته با توافق موقت رژیم ایران و آمریکا که شامل آتش‌بس در لبنان بود و میانجیگری واشنگتن بین لبنان و اسرائیل، تا حدی آرام شد. با این حال، با وجود فروپاشی توافق آمریکا و جمهوری اسلامی، درگیری‌های تمام‌عیار در لبنان از سر گرفته نشده، هرچند اسرائیل در صورت نیاز همچنان حملات دفاعی را انجام می‌دهد.

حزب‌الله لبنان با حمایت‌های جمهوری اسلامی در حال آماده‌شدن برای آغاز حملات احتمالی آمریکا به رژیم ایران است که می‌تواند جبهه‌ی لبنان را با حملات تروریستی علیه اسرائیل، دوباره شعله‌ور کند. این سازمان تروریستی به صراحت اعلام نکرده که در صورت بالا گرفتن درگیری‌های تازه در آن شرکت خواهد کرد، اما به نقل از رویترز، دفتر رسانه‌ای آن گفته است با توجه به نگرانی از آوارگی دوباره‌ی هواداران اینبار محتاط‌تر خواهد بود.

گزارش بازسازی توان نظامی و آماده‌باش حزب‌الله لبنان در حالیست که فشارها برای خلع سلاح این شبه‌نظامیان شیعی مورد حمایت رژیم ایران در بیروت افزایش یافته و اسرائیل مناطق جنوبی را تحت کنترل خود دارد. منابع امنیتی تأکید دارند که این گروه هنوز در حال بازسازی ذخایر بوده و آمادگی نظامی قبل را ندارد.

بازسازی توان نظامی حزب‌الله- حتی به شکل محدود با تمرکز بر مواد منفجره و پهپاد- به عنوان بخشی از استراتژی «محور مقاومت» است که هدف آن ایجاد فشار فرسایشی چندجبهه‌ای بر اسرائیل است.

گزارش‌های اطلاعاتی اسرائیل در ماه‌های اخیر حاکی از تلاش جمهوری اسلامی برای هماهنگی بهتر میان حزب‌الله، حماس، حوثی‌ها و شبه‌نظامیان عراقی برای حملات همزمان بوده تا از ضعف هماهنگی در حملات هفتم اکتبر جلوگیری کند.

**هواداران حزب‌الله لبنان در دومین سال کشته‌شدن حسن نصرالله در بیروت**

این استراتژی به دنبال آن است تا اسرائیل را از نظر نظامی و سیاسی خسته کند، هزینه‌های درگیری در جنوب لبنان را بالا ببرد و اراده‌ی عمومی اسرائیلی‌ها را برای ادامه‌ی سیاست‌های دفاعی کاهش دهد.

در این چارچوب، تأمین ده‌ها میلیون دلار برای قابلیت‌های نظامی حزب‌الله از سوی جمهوری اسلامی، علاوه بر کمک‌های مالی به خانواده‌های اعضای این سازمان، ابزاری برای حفظ اهرم فشار مستقیم بر مرز شمالی اسرائیل است. حتی اگر حزب‌الله هنوز به آمادگی کامل نرسیده باشد، وجود تهدید مداوم می‌تواند منابع نظامی اسرائیل را درگیر نگه دارد و بر مباحث سیاسی داخلی این کشور تأثیر بگذارد.

با این حال، بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل، جنگ فرسایشی را به عنوان تهدیدی وجودی می‌بیند و وعده‌ی سرنگونی جمهوری اسلامی را پاسخی به آن می‌داند؛ در مقابل، رژیم ایران با سرمایه‌گذاری در حمایت و بازسازی مزدوران نیابتی خود تلاش می‌کند با تأکید بر اینکه یک «تهدید پایدار» است، آن را به عنوان اهرم باج‌خواهی در روابط دیپلماتیک به کار ببندد.

# انتقال اطلاعات ماهواره‌ای روسیه از طریق جمهوری اسلامی به نیروهای نیابتی

حمله تروریست‌های حوثی به تأسیسات نفتی در یک منطقه صنعتی در جنوب ریاض پایتخت عربستان سعودی

**شرکت اطلاعات مکانی آرورا (AURORAH Geo-signal Intelligence) مستقر در ژنو گزارش داد که از ماه ژوئیه، ۱۱ ماهواره از سری «کاسموس ۲۶۰۰» روسیه بر سه بخش این خط لوله متمرکز شده بودند. تعداد عبور ماهواره‌ها در هفته‌های منتهی به حمله و ساعات اطراف آن به شدت افزایش یافت که نشان‌دهنده جمع‌آوری اطلاعات پیش و پس از عملیات است.**

**شرکت آرورا با استفاده از اطلاعات منابع باز و منابع دیگر، ۷۲ ماهواره‌ی شناسایی روسی را از میان بیش از ۱۱ هزار فضاپیما در مدار زمین شناسایی کرد و مسیرها و مانورهای آنها را با فعالیت‌های نظامی زمینی مقایسه نمود.**

**الگوی به دست آمده از بررسی‌ها، نه تنها در حملات به عربستان، بلکه در ارتباط با حملات جمهوری اسلامی به پایگاه‌های آمریکایی در خاورمیانه طی جنگ اخیر که از فوریه آغاز شد نیز مشاهده شده است.**

**در مجموع، جنگ اطلاعاتی فضایی، اکنون به عنصر کلیدی در درگیری‌های خاورمیانه تبدیل شده و جمهوری اسلامی با دریافت اطلاعات از روسیه و چین، آن را در اختیار نیروهای نیابتی خود قرار می‌دهد.**

الگویی که از بررسی ۴۰ حمله موشکی و پهپادی بین ۱ ژوئیه تا ۱۹ اکتبر ۲۰۲۶ علیه عربستان به دست آمده، بیانگر انتقال اطلاعات مهم به حوثی‌های یمن و شبه‌نظامیان عراقی است.

یک شبکه‌ی گسترده از ماهواره‌های جاسوسی روسیه در روزهای پیش از حملات دقیق تروریست‌های تحت حمایت رژیم ایران به عربستان سعودی، بر فراز اهداف کلیدی گرد آمده بودند. این الگو در تمام ۴۰ حمله موشکی و پهپادی بررسی‌شده بین ۱ ژوئیه تا ۱۹ اکتبر ۲۰۲۶ مشاهده شده و نشان‌دهنده‌ی انتقال اطلاعات حیاتی به حوثی‌های یمن و شبه‌نظامیان عراقی است.

بر اساس گزارش منتشرشده در خبرگزاری «آسوشیتدپرس»، در ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۶، چندین پهپاد که از خاک عراق پرتاب شده بودند، سه ایستگاه پمپاژ حیاتی در طول خط لوله شرق- غرب عربستان سعودی را هدف قرار دادند.

این خط لوله ۱۲۰۰ کیلومتری (حدود ۷۴۶ مایل) که از شرق عربستان از میان فلات نجد عبور کرده و به سواحل غربی در دریای سرخ می‌رسد، نقش حیاتی در صادرات نفت عربستان ایفا می‌کند، به ویژه در شرایطی که رژیم ایران حمله به کشتیرانی در تنگه هرمز را تشدید کرده و مسیرهای عادی و رایج صادرات را مختل ساخته است. ایستگاه‌های پمپاژ برای عبور نفت از ارتفاعات بیش از ۱۱۰۰ متر ضروری هستند و حمله به آنها جریان نفت را بلافاصله قطع کرد.

بر اساس همین گزارش، شرکت اطلاعات مکانی آرورا (AURORAH Geosignal Intelligence) مستقر در ژنو گزارش داد که از ماه ژوئیه، ۱۱ ماهواره از سری «کاسموس ۲۶۰۰» روسیه بر سه بخش این خط لوله متمرکز شده بودند. تعداد عبور ماهواره‌ها در هفته‌های منتهی به حمله و ساعات اطراف آن به شدت افزایش یافت که نشان‌دهنده جمع‌آوری اطلاعات پیش و پس از عملیات است.

یک هفته بعد، پایگاه هوایی «ملک فهد» در طائف هدف چندین پرتابه از سوی حوثی‌های تحت حمایت رژیم ایران قرار گرفت. در این حمله، علاوه بر آسیب به آشیانه‌ها، یک جت جنگنده‌ی «یوروفایتر تایفون» نیروی هوایی ایتالیا نیز آسیب دید. وزارت دفاع ایتالیا این خسارت را تأیید کرد.

نکته‌ی قابل توجه این است که حمله نه فقط هواپیماهای سعودی مستقر در همان پایگاه، بلکه با دقت هواپیمای ایتالیایی را نیز هدف قرار داد. نواف عبید، بنیانگذار آرورا و پژوهشگر ارشد در کالج کینگز لندن، این دقت را نشانه‌ی «پشتیبانی اطلاعاتی بسیار تخصصی» دانست که حوثی‌ها و رژیم ایران به تنهایی از آن برخوردار نیستند.

در هر دو مورد این حملات ، تعداد ماهواره‌های روسی بر فراز اهداف در بازه ۷۲ ساعته‌ی پیش و پس از حملات، ۵۰ درصد نسبت به ماه ژوئیه افزایش یافته بود.

شرکت آرورا با استفاده از اطلاعات منابع باز و منابع دیگر، ۷۲ ماهواره‌ی شناسایی روسی را از میان بیش از ۱۱ هزار فضاپیما در مدار زمین شناسایی کرد و مسیرها و مانورهای آنها را با فعالیت‌های نظامی زمینی مقایسه نمود.

نواف عبید تأکید کرد که این شرکت انتقال واقعی اطلاعات به رژیم ایران یا متحدانش را رهگیری نکرده، اما موقعیت ماهواره‌ها و فعالیت شناسایی متمرکز بر اهداف استراتژیک پیش از حملات را ثبت کرده است. او گفت: «آنچه یافتیم، تطابق ۱۰۰ درصدی است.» این الگو نه تنها در حملات به عربستان، بلکه در ارتباط با حملات جمهوری اسلامی به پایگاه‌های آمریکایی در خاورمیانه طی جنگ اخیر که از فوریه آغاز شد نیز مشاهده شده است. عبید افزود که این تحول اساسی در توازن نظامی منطقه‌ای به شمار می‌رود: «سیستم اطلاعاتی پشت سلاح، به اندازه‌ی خود سلاح اهمیت پیدا کرده است».

سه مقام، از جمله یک مقام سعودی و یک رهبر ارشد تروریست‌های حوثی، و همچنین یک تحلیلگر اطلاعاتی خصوصی به آسوشیتدپرس گفتند که حوثی‌ها و دیگر متحدان رژیم ایران از اطلاعات روسی و همچنین قابلیت‌های چینی بهره‌مند شده‌اند و مشاوران وابسته به رژیم ایران در میدان، این اطلاعات را تحلیل و به متحدانشان منتقل می‌کنند.

رید کریملی، معاون وزیر امور خارجه عربستان در دیپلماسی عمومی، هفته‌ی گذشته به خبرنگاران

گفت که جمهوری اسلامی و حوثی‌ها اطلاعات را از «عواملی در در روسیه و چین، حتی گاهی عاملان تجاری» دریافت می‌کنند. او افزود که عربستان این موضوعات را بطور منظم با چین و روسیه مطرح می‌کند و ادامه خواهد داد. مقامات روسی در پاسخ به این اظهارات، از جمله یافته‌های شرکت آرورا، واکنش فوری نشان ندادند.

همچنین یک مقام مطلع از تحقیقات سعودی درباره‌ی حملات اخیر، که به شرط ناشناس ماندن صحبت کرد، تأیید کرد که ماهواره‌های روسی به حوثی‌ها و شبه‌نظامیان عراقی در حمله به اهداف حساس، از جمله ایستگاه‌های پمپاژ خط لوله شرق- غرب، کمک کرده‌اند.

این تحقیقات همچنین نشان داد که ماهواره‌ها در حملات ماه مارس جمهوری اسلامی به پایگاه هوایی شاهزاده سلطان عربستان (جایی که یک هواپیمای نظارتی آمریکایی به شدت آسیب دید) در ریاض نقش داشته‌اند. موشک‌ها و پهپادهای مورد استفاده حوثی‌ها حاوی اجزای ساخت روسیه و چین بوده‌اند. ماهواره‌های روسی همچنین به پیشرفت‌های چشمگیر حوثی‌ها در جنگ داخلی یمن علیه مخالفان تحت حمایت عربستان کمک کرده‌اند. شرکت آرورا، پیکربندی ماهواره‌ها را در ارتباط با حمله‌ی ۱۵ اکتبر حوثی‌ها به کاخ ریاست جمهوری در بندر عدن و مرکز فرماندهی نزدیک ائتلاف تحت رهبری عربستان، و همچنین حمله به مرکز جذب نیروی دولتی در استان شبوه که ۷۵ نفر از تازه‌سربازان را کشت، شناسایی کرد.

یک رهبر ارشد تروریست‌های حوثی به آسوشیتدپرس گفت که مشاوران رژیم ایران در یمن، داده‌های مبتنی بر اطلاعات ماهواره‌ای روسی را برای هدف‌گیری در اختیار آنها قرار می‌دهند. این رهبر حوثی همچنین افزود که جمهوری اسلامی تجهیزات پیشرفته‌تری از جمله سیستم‌های هدایت پهپاد و فرار موشک‌ها از دفاع هوایی را در اختیار تروریست‌های حوثی گذاشته که یا توسط رژیم ایران توسعه یافته، یا به صورت تجاری خریداری شده، یا توسط روسیه و چین تأمین شده است.

آدام مارش، معاون راهکارهای فناوری در شرکت لئولبز (LeoLabs) کالیفرنیا که در زمینه‌ی اطلاعات مداری فعالیت می‌کند، گفت که تجمع ماهواره‌ها دقیقاً همان چیزی است که برای جمع‌آوری اطلاعات انتظار می‌رود. او افزود که روس‌ها می‌توانند این کار را انکار کنند، اما هیچ نهاد نظارتی برای توقف این اقدامات وجود ندارد.

اینهمه بخشی از همکاری نظامی روسیه و جمهوری اسلامی است که شامل انتقال فناوری پهپاد نیز می‌شود. در حالی که روسیه مستقیماً در جنگ‌های منطقه‌ای دخالت نکرده، مقامات آمریکایی و اروپایی گفته‌اند روسیه اطلاعات را با رژیم ایران به اشتراک گذاشته است.

خط لوله‌ی شرق- غرب عربستان به عنوان مسیر جایگزین حیاتی در برابر اختلالات تنگه هرمز عمل می‌کند و هدف‌گیری دقیق آن نمایانگر سطح بالای اطلاعات در دسترس مهاجمان است.

در مجموع، جنگ اطلاعاتی فضایی، اکنون به عنصر کلیدی در درگیری‌های خاورمیانه تبدیل شده و جمهوری اسلامی با دریافت اطلاعات از روسیه و چین، آن را در اختیار نیروهای نیابتی خود قرار می‌دهد.

عربستان سعودی که خود را هدف حملات مکرر می‌بیند، این موضوع را با قدرت‌های بزرگ مطرح کرده، اما این روند همچنان ادامه دارد. کارشناسان معتقدند بدون رهگیری مستقیم انتقال داده‌ها، اثبات قطعی آن دشوار است، اما تطابق ۱۰۰ درصدی در ۴۰ مورد، شواهدی قوی از هماهنگی و انتقال اطلاعات را ثابت می‌کند.

# ترامپ تماس ونس با محسن رضایی برای «مذاکره» را تکذیب کرد؛ مذاکرات صلحی در کار نیست!

دونالد ترامپ و جی.دی ونس

**● ترامپ بامداد پنجشنبه ششم آبان ۱۴۰۵ (به وقت ایران) به خبرنگاران گفت که تماس ونس با مقامات جمهوری اسلامی درباره تأمین تجهیزات پزشکی بوده است. او افزود، ایران برای تامین تجهیزات پزشکی به کمک نیاز دارد و این تماس با هدف رساندن تجهیزات به افرادی انجام شده که حال مساعدی ندارند.**

**● روزنامه «وال‌استریت ژورنال» پیشتر به نقل از مقامات آمریکایی و «افراد آگاه» از موضوع گزارش داده بود، ونس به دستور ترامپ در تلاش برای احیای مذاکرات صلح، نامه‌ای به محسن رضایی دبیر شورای عالی «امنیت ملی» جمهوری اسلامی ارسال کرده است.**

**● این روزنامه به نقل از مقامات آمریکایی و «منابع مطلع» نوشته بود که ونس به دستور ترامپ در حال بررسی امکان دستیابی به زمینه‌های مشترک میان تهران و واشنگتن است؛ زمینه‌هایی که بتوانند ترامپ را از صدور دستور نهایی برای حمله‌ای کوتاه و شدید به تهران در هفته‌های آینده منصرف کنند.**

دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا گزارش‌ها درباره دستور او به جی‌دی ونس معاون اول خود برای آغاز مذاکرات صلح با جمهوری اسلامی را تکذیب کرد.

ترامپ بامداد پنجشنبه ششم آبان ۱۴۰۵ (به وقت ایران) به خبرنگاران گفت تماس ونس با مقامات جمهوری اسلامی درباره تأمین تجهیزات پزشکی بوده است. او افزود ایران برای تامین تجهیزات پزشکی به کمک نیاز دارد و این تماس با هدف رساندن تجهیزات به افرادی انجام شده است که حال مساعدی ندارند.

روزنامه «وال‌استریت ژورنال» پیشتر به نقل از مقامات آمریکایی و «افراد آگاه» از موضوع گزارش داده بود ونس به دستور ترامپ، در تلاش برای احیای مذاکرات صلح، نامه‌ای به محسن رضایی دبیر شورای عالی «امنیت ملی» جمهوری اسلامی ارسال کرده است.

این روزنامه به نقل از مقام‌های آمریکایی و «منابع مطلع» نوشته بود، ونس به دستور ترامپ در حال بررسی امکان دستیابی به زمینه‌های مشترک میان تهران و واشنگتن است؛ زمینه‌هایی که بتوانند ترامپ را از صدور دستور نهایی برای حمله‌ای کوتاه و شدید به تهران در هفته‌های آینده منصرف کنند.

ترامپ اما ساعاتی بعد به خبرنگاران گفت: «مذاکرات صلحی با [رژیم] ایران در کار نیست... نامه ونس به رضایی برای اقلام و تجهیزات پزشکی برای مردم ایران بوده است.»

همزمان پایگاه خبری «آکسیوس» گزارش داد، میانجی‌های منطقه‌ای به رهبری قطر، پیشنهادهایی را برای دستیابی به توافق با آمریکا به مقامات جمهوری اسلامی ارائه کرده‌اند و تهران قرار است طی چند روز آینده نظر مجتبی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، را درباره این پیشنهادها جویا شود.

پیشتر ترامپ به آکسیوس گفته بود: «ما باید کار را تمام کنیم؛ یا از طریق توافق یا به شیوه‌ای دیگر. خواهیم دید که آیا مذاکرات می‌تواند موفق شود یا نه.»

در همین حال عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی نیز در «ایکس» نوشت که تهران در تماس مداوم با میانجی‌ها است تا ایده‌های اجرای طرح هفت‌روزه خود را بررسی کند. طرحی که از سوی آمریکا قبلا رد شده است.

او افزود در حالی که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی برای دفاع آماده‌اند، تهران همچنان به دیپلماسی فرصت موفقیت می‌دهد.

# فراخوان گزارشگر ویژه سازمان ملل برای مستندسازی سرکوب‌های فرامرزی و فشار بر خانواده معترضان توسط جمهوری اسلامی

**مای ساتو، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران، از کلیه قربانیان سرکوب‌های جمهوری اسلامی، خانواده آنها، دولت‌ها و نهادهای مدنی و حقوق‌بشری خواسته مستندات خود درباره سرکوب فرامرزی جمهوری اسلامی و فشار بر خانواده‌های قربانیان را حداکثر تا ۱۵ نوامبر ۲۰۲۶ (۲۴ آبان ۱۴۰۵) برای او ارسال کنند.**

**بخش دیگری از این فراخوان با پیامدهای نقض حقوق بشر برای خانواده مخالفان و معترضانی مرتبط است که توسط جمهوری اسلامی بازداشت، ناپدید، کشته یا اعدام شده‌اند.**

گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران از کلیه قربانیان سرکوب‌های جمهوری اسلامی، خانواده آنها، دولت‌ها و نهادهای مدنی و حقوق‌بشری خواسته مستندات خود درباره سرکوب فرامرزی جمهوری اسلامی و فشار بر خانواده‌های قربانیان را برای او ارسال کنند.

مای ساتو، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران، با انتشار فراخوانی از دولت‌ها، نهادهای مدنی، قربانیان نقض حقوق بشر، خانواده‌های آنان و مدافعان حقوق بشر خواست اطلاعات و مستندات خود را درباره سرکوب فرامرزی جمهوری اسلامی و فشار بر خانواده و اطرافیان قربانیان سرکوب‌های جمهوری اسلامی را برای تهیه گزارش به او ارسال کنند.

این فراخوان برای تهیه گزارش بعدی ساتو به شصت و چهارمین نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل اعلام شده و یکی از محورهای اصلی آن، اقدامات جمهوری اسلامی علیه مخالفان و منتقدان در خارج کشور خواهد بود.

در این فراخوان که در وبسایت دفتر حقوق بشر سازمان ملل منتشر شده از افراد و نهادهای مطلع خواسته شده، مواردی از جمله تهدید، هراس‌آفرینی، رصد و تعقیب و آزار مخالفان جمهوری اسلامی در خارج از ایران و اعمال فشار بر اعضای خانواده آنها در داخل کشور را مستند کنند.محدودیت‌های سفر، مصادره اموال و استفاده از خدمات کنسولی برای اعمال فشار نیز از دیگر موضوعاتی است که گزارشگر ویژه سازمان مللخواستار دریافت اطلاعات درباره آنها شده است.

بخش دیگری از این فراخوان همچنین با پیامدهای نقض حقوق بشر علیه خانواده مخالفان و معترضانی مرتبط است که توسط جمهوری اسلامی بازداشت، ناپدید، کشته یا اعدام شده‌اند. گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران خواستار دریافت اطلاعات درباره پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و روانی این اقدامات شده است.

مای ساتو از افراد و نهادهای مرتبط خواسته است اطلاعات و مستندات خود را حداکثر تا ۱۵ نوامبر ۲۰۲۶ (۲۴ آبان ۱۴۰۵) برای او ارسال کنند تا در تنظیم گزارش نقض حقوق بشر در ایران از آنها استفاده کند.

مای ساتو همچنین روز گذشته با انتشار متنی در شبکه «ایکس» یافته‌های سه گزارش تازه سازمان ملل در ارتباط با حقوق بشر در ایران را بازتاب داد. او تأکید کرد که جنگ، سرکوب داخلی را کاهش نداده و به تشدید آن انجامیده است. ساتو توقف اعدام‌ها، آزادی افرادی را که به‌دلیل اعمال حقوق خود بازداشت شده‌اند و تحقیق مستقل درباره تمامی مرگ‌ها ضروری دانست.

گزارش نخست، متعلق به هیئت مستقل بین‌المللی حقیقت‌یاب است. گزارش دوم را دبیرکل سازمان ملل تهیه کرده و گزارش سوم، سند گزارشگر ویژه حقوق بشر ایران است. گزارش خود ساتو با شماره A/81/371 در صفحه رسمی دفتر حقوق بشر سازمان ملل معرفی شده است. تاریخ درج‌شده برای انتشار آن، ۱۴ سپتامبر ۲۰۲۶ است و دوره فوریه تا اوت همان سال را بررسی می‌کند. موضوع محوری این سند، تأثیر هم‌زمان دو منشأ آسیب بر مردم است: پیامدهای سرکوب اعتراضات و مخاصمه مسلحانه بین‌المللی.

مای ساتو نوشته، یافته‌های گزارش هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل، سرکوب اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ را مصداق جنایت علیه بشریت معرفی می‌کند. قتل، حبس، شکنجه و سایر اعمال غیرانسانی، از مواردی هستند که در این گزارش برجسته شدند.مای ساتو افزوده: «این گزارش همچنین اعلام می‌کند که دلایل معقولی برای این باور وجود دارد که ایالات متحده آمریکا، با حمله بدون تمایز (میان نظامیان و غیرنظامیان) به دبستان در میناب و استفاده از مهمات خوشه‌ای در محدوده یک مرکز ورزشی و خانه‌های مسکونی در لامرد مرتکب جنایت جنگی شده است.»

مای ساتو در ادامه به گزارش دبیرکل سازمان ملل اشاره کرده که نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی در بازه زمانی امرداد ۱۴۰۴ تا اردیبهشت ۱۴۰۵ را پوشش می‌دهد: «این گزارش نشان می‌دهد که مقام‌های جمهوری اسلامی، چطور با توسل به امنیت ملی و علیرغم وجود ملاحظات جدی در مورد دادرسی عادلانه، اعدام‌ها را گسترش دادند، بازداشت‌های گسترده انجام دادند و اینترنت را قطع کردند. تحریم‌ها، مخاصمات و قطع اینترنت تنگنای اجتماعی اقتصادی موجود از پیش را عمیق‌تر کرد و حقوق اجتماعی اقتصادی را تحت‌تأثیر قرار داد. توصیه‌های این گزارش شامل تغییرات ساختاری است: اصلاحات در سطوح قانونگذاری و قانون اساسی و تعلیق مجازات اعدام. این گزارش از دولت‌های عضو درخواست می‌کند که به مخاصمات پایان دهند، و حقوق بشر را در مراودات دیپلماتیک و اقتصادی با ایران بگنجانند.»

گزارش سوم مورد اشاره مای ساتو گزارشی است که او درباره آثار و پیامدهای سرکوب‌های جمهوری اسلامی منتشر کرده است: «کشته‌شده‌ها و اعدام‌شده‌ها، بازداشت‌شده‌ها و ناپدیدشدگان، مدافعان، مستندکنندگان و سازمان‌دهندگان، معیشت مردم، و محیط زیست. در هرکدام از این موارد، منبع آسیب از خارج و داخل به هم می‌رسند. هشدارهای مربوط به حملات قریب‌الوقوع در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شدند؛ شبکه‌هایی که به‌دلیل قطعی اینترنت اعمال‌شده از سوی مقام‌ها جمهوری اسلامی، دیگر در دسترس نبودند. همچنین گزارش‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه هنگام حملات، زندانیان در سلول‌های خود محبوس نگه داشته شدند. جنگ نه‌تنها از شدت سرکوب نکاست، بلکه آن را تشدید کرد: معترضان به عنوان عوامل کشورهای متخاصم معرفی شدند و اعدام‌ها در سراسر این دوره ادامه یافت. سنگین‌ترین بار این وضعیت بر دوش کسانی افتاد که پیش از این نیز در حاشیه جامعه قرار داشتند. از همین رو، توصیه‌های من همه طرف‌ها را مخاطب قرار می‌دهد: ایران، ایالات متحده و اسرائیل، و همچنین تمامی دولت‌ها.»

مای ساتو تأکید کرده: «چیزی که در بین این گزارش‌ها مشترک است، مصونیت از مجازات است». وی افزوده: «در جریان هیچگونه تحقیق و تفحصی از سوی مقام‌های ایرانی درباره کشتارهایی که نیروهای آنان مرتکب شده‌اند، نیستم؛ ایالات متحده و اسرائیل نیز هیچ یافته‌ای درباره حملات خود منتشر نکرده‌اند. وقتی مسئولان حاضر نیستند درباره اقدامات خود تحقیق کنند، مستندسازی مستقل تنها چیزی است که میان قربانیان و محو شدن حقیقت و خاطره آنان از تاریخ قرار می‌گیرد. این گزارش‌ها که بر پایه تلاش‌های بازماندگان، خانواده‌ها و جامعه مدنی تهیه شده‌اند، همان سابقه مستند و ماندگاری هستند که پاسخگویی در آینده به آن وابسته خواهد بود.»

# صدور کیفرخواست برای ۱۸ دستگاه دولتی و خصوصی متهم در حادثه انفجار بندر «رجایی» بندرعباس

**دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان هرمزگان از صدور کیفرخواست برای ۱۸ دستگاه دولتی و بخش خصوصیِ متهم در وقوع حادثه بندر «رجایی» بندرعباس خبر داد و گفت که قرار جلب به دادرسی متهمین پرونده صادر شده است.**

**انفجار در بندر «رجایی» نیمروز شنبه ششم اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴ رخ داد؛ این حادثه با انفجار مواد شیمیایی در یک کانتینر آغاز شد و به سرعت به هزاران کانتینر سرایت کرد.**

**در گزارش کارشناسی این حادثه آمده بود که عوامل متعددی از جمله نگهداری نامناسب مواد خطرناک برای مدت طولانی، فقدان کنترل‌های محیطی کافی، ضعف در هماهنگی بین سازمانی و غلبه ملاحظات اقتصادی بر الزامات ایمنی، در وقوع آن نقش داشته‌اند.**

دادستان مرکز استان هرمزگان از صدور کیفرخواست برای ۱۸ دستگاه دولتی و بخش خصوصیِ متهم در وقوع حادثه بندر «رجایی» بندرعباس خبر داد. انفجار در بندر «رجایی» اردیبهشت ۱۴۰۴ با انفجار مواد شیمیایی در یک کانتینر آغاز شد و به سرعت به هزاران کانتینر سرایت کرد. در این حادثه صدها تن جان باختند یا مجروح شدند.

عارف اکبری، دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان هرمزگان، روز سه‌شنبه پنجم آبان ۱۴۰۵ از صدور کیفرخواست رای ۱۸ دستگاه دولتی و بخش خصوصیِ متهم در وقوع حادثه بندر «رجایی» بندرعباس خبر داد و گفت که قرار جلب به دادرسی متهمین پرونده صادر شده است.

او درباره روند بررسی این پرونده گفته، شیوه استقرار و مجاورت کالاها و شرایط نگهداری آنها مورد تحقیق قرار گرفته و بررسی فرآیندهای حاکم بر ورود و اظهار کالا، نحوه تخلیه و استقرار، شیوه شناسایی و تعیین موقعیت کالاها، وظایف دستگاه‌های مختلف در مراحل مذکور و نیز نحوه اعمال الزامات ایمنی در محدوده بندری نیز در دستور کار قرار گرفت تا مشخص گردد هر یک از دستگاه‌ها، سازمان‌ها و مجموعه‌های فعال یا متولی در حدود وظایف و اختیارات خود چه تکالیفی در زمینه پیشگیری از وقوع یا گسترش حادثه داشته‌اند و تا چه میزان این تکالیف انجام یا ترک گردیده است.

دادستان عمومی و انقلاب استان هرمزگان گفته: «آنچه از مجموع تحقیقات و بررسی‌های انجام شده حاصل می‌شود، آن است که حادثه موضوع پرونده واجد ماهیتی چندعاملی بوده و وقوع و توسعه آنرا نمی‌توان صرفًا به یک فعل یا ترک فعل منفرد و منتسب به یک مجموعه خاص محدود نمود، بلکه مجموعه‌ای از عوامل در مراحل مختلف و به صورت متداخل در شکل‌گیری شرایط خطر، استمرار وضعیت نامناسب، عدم شناسایی یا مدیریت به موقع مخاطرات، عدم رعایت الزامات مربوط به نگهداری و مجاورت کالاهای خاص و شیمیایی، ضعف در فرآیندهای نظارتی و کنترلی، نارسایی در شناسایی و تعیین تکلیف کالاها و در نهایت عدم پیشگیری مؤثر از وقوع و توسعه حادثه دخالت داشته‌اند.»

این مقام قضایی گفته: «با لحاظ مجموع محتویات پرونده، اسناد و مدارک، گزارش‌های ضابطین، بررسی‌های میدانی، مکاتبات دستگاه‌های ذیربط، دفاعیات و اعتراضات و نظریه کارشناسی تکمیلی، این امر نسبت به اشخاص حقوقی شامل ۱۸ دستگاه در بخش دولتی و خصوصی برای اتخاذ تصمیم قضایی احراز گردید که میزان قصور هر یک از این دستگاه‌ها نیز مشخص شده است.»

دادستان مرکز استان هرمزگان افزوده: «عمل منتسب به اشخاص حقوقی مذکور تحت عنوان تسبیب در وقوع و گسترش حادثه انفجار و آتش سوزی اسکله «رجایی» از طریق قصور، بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی و ترک تکالیف و الزامات قانونی و سازمانی مؤثر در پیشگیری از وقوع و گسترش حادثه که منتهی به قتل غیر عمدی ۵۸ نفر و همچنین تسبیب در ایراد صدمات بدنی غیر عمدی به ۶۲۸ نفر با میزان تقصیرهای اعلامی فوق، واجد وصف کیفری تشخیص و برای متهمین کیفرخواست صادر شده است.»

انفجار در بندر «رجایی» نیمروز شنبه ششم اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴ رخ داد؛ این حادثه با انفجار مواد شیمیایی در یک کانتینر آغاز شد و به سرعت به هزاران کانتینر سرایت کرد.

برخلاف آمار ادعا شده از سوی دادستان تهران، گزارش‌ها نشان می‌دهد در این حادثه بیش از ۱۰۰ تن جان باختند؛ شماری ناپدید و دست‌کم ۱۳۷۵ تن مجروح شدند. خسارت اقتصادی ناشی از این انفجار دست‌کم چهار میلیارد دلار برآورد شده است.چند روز پس از این حادثه، مهرداد حسن‌زاده، مدیرکل مدیریت بحران استان هرمزگان اعلام کرد: «منشاء حادثه انفجار مواد شیمیایی نگهداری شده در کانتینرهای دپو شده در بندر شهید رجایی بوده است.»

در نخستین ساعات پس از این انفجار، «نیویورک تایمز» به نقل از یک منبع نزدیک به سپاه پاسداران و شرکت امنیتی «آمبری» اعلام کرد که علت اصلی انفجار در «بندر رجایی» انبار کردن محموله سوخت جامد موشک بوده است.

شرکت امنیت دریایی بریتانیایی «آمبری» نیز اعلام کرد که این انفجار ناشی از مدیریت نادرست یک محموله مواد شیمیایی شامل پرکلرات آمونیوم و مورد استفاده در تولید سوخت موشک بوده که چند هفته پیش توسط دو کشتی از چین با ایران ارسال و در این بندر تخلیه شده بود.

گزارش کارشناسی درباره علل وقوع حادثه شهریورماه گذشته منتشر شد. در این گزارش آمده بود، عوامل متعددی از جمله نگهداری نامناسب مواد خطرناک برای مدت طولانی، فقدان کنترل‌های محیطی کافی، ضعف در هماهنگی بین سازمانی و غلبه ملاحظات اقتصادی بر الزامات ایمنی، در وقوع آن نقش داشته‌اند.

بر اساس نظریه کارشناسی، در ۹۲ شاخص، ۲۱ نهاد مسئول مقصر شناخته شدند. «اداره کل بنادر و دریانوردی استان هرمزگان، بانک مرکزی، وزارت بهداشت و درمان، وزارت راه و شهرسازی، وزارت صمت، سازمان حفاظت از محیط زیست، سازمان بنادر و دریانوردی، شرکت‌های کشتیرانی، وزارت اقتصاد و امور دارایی، اداره محیط زیست هرمزگان، سازمان استاندارد کل کشور، سازمان پدافند غیر عامل کل کشور، بنیاد مستضعفان، و ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز از جمله نهادهایی هستند که در این گزارش مقصر شناخته شدند.»

در این گزارش محورهایی چون «عدم رعایت استانداردهای همجواری و واکنش کالاهای شیمیایی نسبت به یکدیگر، عدم نظارت و اجرای ساز و کار مناسب و کار مناسب جهت تشخیص و هدایت کالاهای مختلف صادراتی و وارداتی، نگهداری حجم انبوهی از مواد شیمیایی مختلف در شرایط ناایمن و نظارت غیر مؤثر، عدم نظارت و عدم ایجاد ساز و کار جهت تشخیص و هدایت کالاهای مختلف صادراتی و وارداتی، ضعف در اجرای الزامات بهداشت و ایمنی در محل کار(HSE)، بالاخص برای مواد شیمیایی» مورد اشاره قرار گرفته بود.

«ضعف در عملکرد سامانه‌های الزامی قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، عدم وجود برنامه زمان‌بندی برای ترخیص اولویت‌دار کالاهای حساس و مواد شیمیایی، ضعف در تدوین دستورالعمل نظارت و اجرای برچسب‌گذاری مواد شیمیایی، ضعف نظارتی در حوزه نظارت ایمنی بر بنادر و اپراتورها، تعلل در ترخیص کالا بعد از مهلت قانونی، عدم رعایت طبقه‌بندی و استانداردهای بین‌المللی نگهداری مواد شیمیایی» از دیگر موارد مطرح شده در این گزارش بودند.

# نان باز هم گرانتر شد؛ هشدار درباره بروز اعتراضات سراسری

**رئیس کارگروه آرد و نان اتاق اصناف ایران، از ارسال نرخ‌نامه جدید به فروشندگان نان‌های صنعتی با ۵۵ درصد افزایش قیمت خبر داد. دولت در طرح دیگری فروش نان سنتی را از دانه‌ای به کیلویی تغییر داده است.**

**افزایش قیمت نان بطور مستقیم معیشت و سفره خانوارهای بی‌درآمد و کم‌درآمدی را نشانه می‌گیرد که نان در دسترس‌ترین ماده غذایی برای آنها به شمار می‌رود و شاید بسیاری از وعده‌های غذایی آنها نان خالی باشد.**

**در روزهای گذشته قیمت مرغ با افزایش بیش از ۳۰ درصدی به حدود ۳۸۰ هزار تومان در هر کیلو رسید و بهای هر عدد مرغ را به یک میلیون تومان افزایش داد. قیمت شیرخام نیز با افزایش ۱۵ درصدی روبرو شده که سبب افزایش قیمت انواع لبنیات و شیرخشک در کشور خواهد شد.**

**رحمان سعادت، اقتصاددان، با اشاره به احتمال بروز اعتراضاتی شبیه اعتراضات دی۴۰۴ هشدار داده: «امروز مسئله اصلی کشور سفره مردم است. اگر سفره مردم کوچک‌تر و کم‌رنگ‌تر شود، احتمال افزایش التهابات اجتماعی نیز بیشتر خواهد شد.»**

موج جدید افزایش قیمت مواد غذایی اساسی در روزهای گذشته آغاز شده و افزایش رسمی قیمت‌ها پس از مرغ و شیر به نان رسید. کارشناسان هشدار می‌دهند افزایش قیمت‌ها در کنار ناتوانی دولت در اجرای کارآمد طرح‌های حمایتی می‌تواند سبب بروز اعتراضاتی شبیه اعتراضات دی۴۰۴ شود.

جواد کرمی، رئیس کارگروه آرد و نان اتاق اصناف ایران، از ارسال نرخ‌نامه جدید به فروشندگان نان‌های صنعتی با ۵۵ درصد افزایش قیمت خبر داد.

جواد کرمی دلیل افزایش قیمت‌ها را تصویب نرخ آرد نان صنعتی به قیمت ۶۰ هزار تومان در ستاد تنظیم بازار اعلام کرد که پیش از این ۲۳ هزار و ۸۰۰ تومان بود و به گفته او رشد ۲/۵ برابری داشته است. یارانه‌ی آرد نان صنعتی نیز که درواقع نیمه یارانه‌ای بود، توسط دولت به دلیل رشد قیمت گندم حذف شد؛ این در حالیست که سالانه حدود ۵۰۰ هزار تن آرد در بخش نان صنعتی مصرف می‌شود.

بر اساس ابلاغیه افزایش قیمت‌ها، بهای هر عدد مینی‌هات‌داگ ۲۰ هزار تومان، هر عدد نان همبرگر ۴۵ هزار تومان، هر عدد نیم‌باگت فرانسوی ساده ۴۵ هزار تومان، هر عدد نان باگت معمولی ۷۰ هزار تومان، هر عدد نان باگت فرانسوی ۹۰ هزار تومان، هر عدد نان شیرمال ۱۸۰ هزار تومان، هر عدد نان فطیر ۱۷۰ هزار تومان، هر عدد نان تست بزرگ ۲۲۰ هزار تومان، و هر عدد نان تست کوچک ۱۸۰ هزار تومان اعلام شده است.

دولت در طرح دیگری فروش نان سنتی را از دانه‌ای به کیلویی تغییر داده و نانوایان باید از این پس هزینه نان را بر اساس وزن نان خریداری شده دریافت کنند. اگرچه علت این اقدام جلوگیری از کم‌فروشی نانوایان با کوچک کردن چانه نان اعلام شده اما به نظر می‌رسد یکی از مهمترین اهداف اجرای این طرح، از بین بردن شوک روانی افزایش قیمت نان با اعلام قیمت هر عدد نان بوده است.

از سوی دیگر، این طرح نیز مانند دیگر طرح‌های مشابه با ابهام در ضوابط اجرایی آغاز شده است. بر اساس گزارش‌ها، نانوایان نیز درباره پیامدهای فروش وزنی نگرانی‌هایی دارند و می‌گویند وزن نان پس از خروج از تنور و با تبخیر رطوبت کاهش پیدا می‌کند. آنها معتقدند اگر ضوابط اجرایی دقیق نباشد، اختلاف بر سر وزن نان برشته‌تر یا تازه‌تر می‌تواند به درگیری میان مشتری و نانوا منجر شود. حتی این نگرانی وجود دارد که برخی نانوایان برای حفظ وزن، زمان پخت را تغییر دهند و کیفیت نان را قربانی کنند.

افزایش قیمت نان به دلیل افزایش هزینه‌های نانوایان غیرقابل اجتناب است اما فعالان صنف نانوایی اختلال در عرضه سهمیه آرد با نرخ دولتی را از مهمترین دلایل مؤثر بر قیمت‌ها می‌دانند.

در همین رابطه جواد کرمی پیشتر گفته بود که واحدهای نانوایی در صورت عدم دسترسی به مواد اولیه مجبور به تعطیلی می‌شوند. او هشدار داده بود: «در صورت تداوم این روند و اختلال در تأمین آرد ضمن تعطیلی برخی واحدهای نانوایی با افزایش قیمت نان در این واحدها روبرو خواهیم شد.»

کرمی با اشاره به گزارش‌های دریافتی از استان‌های مختلف از جمله شیراز، اصفهان و اهواز، گفته بود: «این اختلال در تامین آرد علاوه بر تهدید سلامت کسب و کارها، معیشت کارگران نانوایی را نیز با مشکل جدی روبرو خواهد کرد.»

به گفته رئیس کارگروه آرد و نان اتاق اصناف ایران، «با قطع سهمیه دولتی تولیدکننده ناچار به خرید آرد با قیمت آزاد است که هزینه های تأمین مواد اولیه را تا ۳ برابر افزایش می دهد؛ بطور مثال اگر پیش از این واحدی برای خرید ۱۰۰ کیسه آرد نیاز به ۱۲۰ میلیون تومان نقدینگی بود اکنون به ۳۶۰ میلیون تومان سرمایه نیاز دارد که در عمل از توان مالی اکثر واحدهای نانوایی خارج است.»

افزایش قیمت نان بطور مستقیم معیشت و سفره خانوارهای بی‌درآمد و کم‌درآمدی را نشانه می‌گیرد که نان در دسترس‌ترین ماده غذایی برای آنها به شمار می‌رود و شاید بسیاری از وعده‌های غذایی آنها نان خالی باشد.

در همین رابطه وبسایت «رویداد۲۴» در واکنش به افزایش قیمت نان نوشته است که «محتاج نان شب شدن» در ادبیات فارسی استعاره‌ای برای نشان دادن اوج فقر بود اما حالا تورم و مشکلات معیشتی مردم با چنان شیبی تندی رو به افزایش است که به نظر می‌رسد رسما در آستانه محتاج شدن به نان شب هستیم؛ شاهد اینکه نان

به عنوان یکی از ارزان و در دسترس‌ترین اقلا سفره مردم به حساب می‌آید، در روزهای اخیر افزایش قیمتی چشمگیری داشته و فضای مجازی پر از ویدیوهای وایرال شده در اعتراض به این تغییر قیمت‌ها است.

افزایش رسمی قیمت نان چند روز پس از افزایش رسمی قیمت مرغ و شیرخام صورت گرفته است. قیمت مرغ با افزایش بیش از ۳۰ درصدی به حدود ۳۸۰ هزار تومان در هر کیلو رسید و بهای هر عدد مرغ را به یک میلیون تومان افزایش داد. قیمت شیرخام نیز با افزایش ۱۵ درصدی روبرو شده که سبب افزایش قیمت انواع لبنیات و شیرخشک در کشور خواهد شد.

اینهمه بیانگر موج تازه‌ای از افزایش قیمت مواد غذایی در کشور است. یکی از مهمترین دلایل افزایش قیمت کالاهای اساسی، افزایش نرخ ارز و اختلال در تأمین مواداولیه و نهاده‌های تولید- به‌علت محاصره دریایی و تشدید تحریم‌ها- اعلام شده است.

ایالات متحده در حالی دامنه تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی را با هدف تشدید فشار حداکثری اقتصادی افزایش داده که در آنسو مدیریت ناکارآمد مقامات جمهوری اسلامی از جمله بانک مرکزی و تیم اقتصادی دولت پزشکیان بر سرعت افزایش بحران‌ها افزوده‌اند. پیشتر کارشناسان اقتصادی هشدار داده بودند که پیامدهای جنگ و تحریم و بحران‌های انباشته اقتصادی، در نیمه دوم سال بطور مشخص‌تری نمایان خواهند شد.

در این میان اما عدم توانایی دولت در اجرای طرح‌های حمایتی سبب شده فشار ناشی از تشدید مشکلات اقتصادی مستقیما به معیشت خانوارها، به ویژه اقشار کم‌درآمد- تحمیل شود. مهمترین طرح حمایتی دولت پزشکیان طرح کالابرگ الکترونیک یا همان کوپن است که با اعتبار یک و نیم میلیون برای بخشی از جمعیت کم‌درآمدتر و نیازمند، و یک ملیلیون تومان برای دیگر شهروندان تا دهک هفتم درآمدی است. این طرح اما با قیمت مرغ دانه‌ای یک میلیون و تخم مرغ شانه‌ای ۷۰۰ هزار تومان و گوشت کیلویی بیش از دو میلیون تومان، در عمل شکست خورده است.

رحمان سعادت، استاد دانشگاه و کارشناس اقتصادی، در اینباره در گفتگو با وبسایت «اقتصاد۲۴» با انتقاد از نحوه اجرای طرح کالابرگ و میزان افزایش اعتبار آن، گفته است: «مسئولان و دولتمردان یا شناخت دقیقی از نیازهای مردم، تورم موجود و شرایط اقتصادی کشور ندارند یا درک درستی از وضعیت فعلی جامعه ارائه نمی‌کنند.»

این کارشناس اقتصادی افزوده، تخصیص رقمی بسیار ناچیز برای کالابرگ به جامعه القا می‌کند که دولت منابع لازم برای اجرای چنین طرحی را در اختیار ندارد: «این مسئله نیز ناامیدکننده است؛ زیرا این سیگنال را به جامعه می‌دهد که دولت حتی در شرایط عادی هم وضعیت مناسبی ندارد و ممکن است در تأمین سایر کالاهای عمومی نیز با مشکلاتی مواجه شود.»

رحمان سعادت با اشاره به احتمال بروز اعتراضاتی شبیه اعتراضات دی۴۰۴ هشدار داده: «امروز مسئله اصلی کشور سفره مردم است. اگر سفره مردم کوچک‌تر و کم‌رنگ‌تر شود، احتمال افزایش التهابات اجتماعی نیز بیشتر خواهد شد. کسانی که در این زمینه تعلل می‌کنند، کم‌کاری دارند یا می‌خواهند کالا و حمایت‌های معیشتی را به صورت قطره‌چکانی در اختیار مردم قرار دهند، چه به صورت عمدی و چه از روی سهوی، در حال ایجاد مشکل هستند. این رویکرد می‌تواند پیامدهای نامطلوبی برای جامعه داشته باشد و بر نارضایتی عمومی بیفزاید.»

# هشدار ۱۰ تشکل اقتصادی به بانک مرکزی؛ امنیت غذایی کشور در خطر است!

**● ۱۰ تشکل بزرگ واردکننده کالاهای اساسی و صنایع غذایی در نامه‌ای به رئیس کل بانک مرکزی، با انتقاد از عدم تسویه حساب ارزی بانک مرکزی با واردکنندگان هشدار دادند ادامه این وضعیت می‌تواند تأمین کالاهای اساسی و امنیت غذایی کشور را با مشکلات جدی مواجه کند.**

**● بر اساس گزارش‌ها، مجموع مطالبات ارزی معوق واردکنندگان کالاهای اساسی حدود ۴/۰۷ میلیارد یورو برآورد شده است.**

**● محسن حاجی‌میرزایی، رئیس دفتر مسعود پزشکیان، دو روز پیش اعلام کرد در پی محاصره بنادر جنوبی، واردات کشور ۲۵ درصد کاهش یافته است.**

۱۰ تشکل بزرگ واردکننده کالاهای اساسی و صنایع غذایی در نامه‌ای به رئیس کل بانک مرکزی، با انتقاد از اجرا نشدن دستور رئیس‌جمهور برای پرداخت ۵۰ درصد مطالبات ارزی، هشدار دادند ادامه این وضعیت می‌تواند تأمین کالاهای اساسی و امنیت غذایی کشور را با مشکلات جدی مواجه کند.

در نامه مشترک تشکل‌های اقتصادی که روز یکشنبه سوم آبان‌ماه ۱۴۰۵ خطاب به عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی، صادر شده نسبت به تأخیر در پرداخت مطالبات ارزی و اجرا نشدن دستور ۲۲ تیرماه رئیس‌جمهور اعتراض شده است.

امضاکنندگان این نامه اعلام کردند، با وجود دستور مسعود پزشکیان برای پرداخت ۵۰ درصد مطالبات ارزی واردکنندگان، توقف دریافت سود و جرایم بانکی، تعیین تکلیف تسهیلات ارزی و جلوگیری از ثبت نام شرکت‌ها در فهرست بدهکاران بدحساب، این اقدامات همچنان اجرایی نشده است.

امضاکنندگان نامه هشدار داده‌اند، ادامه بلاتکلیفی مطالبات ارزی موجب نارضایتی فعالان بخش خصوصی شده و نگرانی‌های جدی درباره تأمین کالاهای اساسی و امنیت غذایی مردم ایجاد کرده است.

در این نامه همچنین تأکید شده که ساز و کار بررسی و پرداخت مطالبات واردکنندگان پیش‌تر در آیین‌نامه تضمین امنیت غذایی و بهبود معیشت مردم، مصوب دی‌ماه ۱۴۰۴، پیش‌بینی شده بود.

تشکل‌های امضاکننده با اشاره به گذشت ۱۰ ماه از اجرای اصلاحات اقتصادی و سپری شدن ۲۰ ماه از سررسید مطالبات، خواستار «تسریع در تعیین تکلیف بدهی‌های ارزی دولت و شبکه بانکی به واردکنندگان» شدند.

امضاکنندگان نوشتند که «شرایط اقتصادی کشور» را درک می‌کنند و همزمان تأکید کردند انتظار تسویه یک‌باره تمامی مطالبات را ندارند، اما ادامه تأخیر در پرداخت بدهی‌ها می‌تواند برنامه‌ریزی برای واردات کالاهای ضروری در ماه‌های آینده را با مشکل مواجه کند.

بر اساس گزارش‌ها، مجموع مطالبات ارزی معوق واردکنندگان کالاهای اساسی حدود ۴/۰۷ میلیارد یورو برآورد شده و بررسی شیوه بازپرداخت این مطالبات در دستور کار شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا قرار گرفته است. همچنین واردات برخی کالاهای اساسی و نهاده‌های دامی در سال ۱۴۰۵ حدود ۲ میلیون تن یا ۱۱ درصد کاهش پیدا کرده است.

هشدار درباره امنیت غذایی به علت ناتوانی مدیریتی بانک مرکزی و دولت در پرداخت مطالبات واردکنندگان در شرایطی مطرح شده که همزمان در روز یکشنبه سوم آبان عبدالناصر همتی ادعا کرد از نظر منابع ارزی و ریالی محدودیتی وجود ندارد.

همتی همچنین هفته گذشته در حاشیه اجلاس سالانه صندوق بین المللی پول و بانک جهانی با خبرنگار شبکه بلومبرگ گفتگو و ادعا کرد: «ذخایر ما وضعیت خوبی دارد و مطمئن باشید می توانیم واردات کشور تا پایان دوره ریاست جمهوری ترامپ و حتی بیشتر از آن را تأمین کنیم!»

بانک مرکزی پیشتر اعلام کرده بود که از ابتدای سال ۱۴۰۵ تا نیمه مهرماه حدود ۲۴/۹ میلیارد دلار ارز برای واردات تأمین شده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته حدود ۱۲ درصد (یا ۱۶/۵ درصد در گزارش‌های ۷ ماهه) کاهش داشته است. میزان واردات ایران در سال ۱۴۰۵ به دلیل تشدید تحریم‌ها، محدودیت‌ها در بنادر جنوبی و کاهش تخصیص ارز با افت قابل توجهی مواجه شده است.

بر اساس گزارش‌های منتشرشده، ارزش کل واردات کشور در ۵ ماه نخست سال ۱۴۰۵ به حدود ۱۷ میلیارد دلار رسید که نشان‌دهنده کاهش ۲۶/۱ درصدی نسبت به دوره مشابه است. محسن حاجی‌میرزایی، رئیس دفتر مسعود پزشکیان، دو روز پیش اعلام کرد در پی محاصره بنادر جنوبی، واردات کشور ۲۵ درصد کاهش یافته است.

اینهمه در حالیست که اقتصاد ایران به واردات وابسته است. نیاز کشور به بخشی از کالاهای اساسی با واردات تأمین می‌شود و تولید در کشور نیز نیاز به واردات مواد اولیه، تجهیزات و تکنولوژی دارد. در یکی از آخرین نمونه‌ها که اختلال در واردات، در کنار دیگر مشکلات داخلی مانند افزایش هزینه برق، امنیت غذایی کشور را با تهدید روبرو کرده در صنعت دام و طیور است. افزایش قیمت نهاده‌های دامی که کالاهایی وارداتی هستند سبب افزایش هزینه تولید شده و طی روزهای گذشته قیمت مرغ و شیرخام با افزایش روبرو شده است.

# انقلاب ملی: بدیل استعمار

**برای ساخت آینده‌ی ایران، ابتدا باید بدانیم زمین اکنون ما کجاست و ما در چه زمینی مبارزه می‌کنیم. تا زمانی که موقعیت تاریخی و سیاسی خود را به‌درستی نشناسیم، تصویر دقیقی از راه پیشِ رویمان در اختیار نخواهیم داشت و راوی روایتی برآمده از حقیقت نخواهیم بود.**

**«استعمار» فقط مربوط به یک قدرت خارجی یا یک دوره‌ی تاریخی نیست؛ یا چیزی که نیرویی بالادست با تحکم با نیروی پایین‌دست انجام می‌دهد، بلکه یک سازوکار نگاهبان منافع است که برای حفظ منافع استعمارگر، حتی توانایی این را دارد که به لباس دشمن مقابل خویش دربیاید و در ردای دوست مستعمره‌نشینان، با ایشان نَردِ دوستی ببازد.**

**پیش از آنکه درباره‌ی آینده‌ی ایران سخن بگوییم، پیش از آنکه بخواهیم نقشه‌ای برای آینده ترسیم کنیم، باید موقعیت اکنون و دیروز را به‌خوبی گشوده کرده و آنچه نادیدنی است را دیدنی کنیم و آنچه نامکشوف مانده را پیدا کرده و بعد در وضعیت اکنون، تدبیر آینده را چیدمان کنیم.**

**در نگاه من، انقلاب سیاسی باید مراتب مشخصی داشته باشد: نخست استقلال، سپس آزادی، و پس از آن عدالت. وقتی سرزمین و استقلال سیاسی وجود نداشته باشد، آزادی‌خواهی در هوا معلق می‌ماند؛ و وقتی آزادی وجود نداشته باشد، عدالت‌خواهی نیز به شعاری بی‌پشتوانه تبدیل می‌گردد.**

**جامعه‌ای که پس از استقلال به‌جای آزادی‌خواهی مستقیما به سوی سوسیالیسم دولتی حرکت می‌کند، در همان ابتدا و بر اساس پایه‌های نظری ایده‌ی انقلابی خویش نمی‌تواند بدون جهانی کردن ایده‌ی خود، در مسیری که به آن باور دارد، گام بردارد.**

**ما با ساختار حاکم بر ایران در حال جنگیم؛ ساختاری که به نظر من حکومت ملی نیست و در ذهن مردمان ایران، نسبت واقعی خود را با ایران و منافع ملی آن از دست داده است و قاعدتا از ماهیت یک حکومت بد به حکومتی اشغالگر و ذیل اراده‌ی استعمار تبدیل شده است.**

**پژمان گلچین** – یکی از مفاهیم مهمی که امروزه در علوم سیاسی خاورمیانه‌ای جایش غایب است و معمولا نیروهای سیاسی لیبرال در زمین ایران، به دلایلی نمی‌خواهند نزدیکش شوند، همین مفهوم «استعمار» است. اتفاقا می‌خواهم در همین نوشتار کوتاه، این سد بزرگ را نادیده بگیرم و مستقیما مخاطب را با دعوت به بازنگری در مواجهه با چنین ابژه‌ای؛ یعنی «استعمار»، وارد جهان زیستی خاورمیانه‌ای بکنم تا او بتواند، با بازنگری در خوانش از همین موضوع، راهی نو برای خروج از شرایط موجود بیابد، شرایطی که به غایت، هم پیچیده است و هم کم‌اندیشیده‌شده (واژه‌ی «نیاندیشیده» اینجا کاربرد چندانی ندارد). این نکته را هم بایستی اضافه کنم که این نوشته تنها و تنها برای کسی نوشته شده است که با آگاهی از این رنج، ذیل اراده‌ی عوامل بحران‌زای حاکم بر زیست خود، همین رنج را چونان هوای غبارآلود روزمره تنفس می‌کند. برای من پر واضح است که اگر ترجمه‌ی این متن، به دست کسی بیفتد که خارج از این گستره‌ی رنج، جهان و امر روزمره را درک می‌کند، محتوای کار، از آن جهت که سوی نگاه من است، به کارش نخواهد آمد.

همان‌طور که در پاراگراف اول نوشتم، دلایل متعددی وجود دارد که نیروی سیاسی لیبرال چندان علاقه‌ای به تأمل یا تمرکز بر روی مفهوم «استعمار» در خاورمیانه ندارد. یکی از این دلایل مهمی که متفکر لیبرال از ورود به این مبحث پرهیز می‌کند، توجه برجسته‌ی پسااستعماری‌ها، مارکسیست‌ها، نئواستعماری‌نگرهای انتقادی و جریان‌های دیگر از این دست است که عموما ایشان را می‌توان در طبقه‌بندی نیروهای فکری چپ طبقه‌بندی کرد و قاعدتا این نگرانی وجود دارد که به نوعی سطحی‌نگری شناختی و فلسفی دچار شده باشد. یکی از دلایل دیگر، نگرانی از قضاوت شدن ذیل ادعایی است که او را دچار توهم توطئه بداند و در ادامه‌ی سناریوی دایی‌جان ناپلئونی، او نزد عامه تبدیل به فردی ابله و کوته‌اندیش گردد که مدام خواهد گفت: کار، کار انگلیسی‌هاست، و مردم چونان یک کمدین که روی صحنه نقش ایفا می‌کند او را نادیده بگیرند. دسته‌ی دیگر که عقلانی‌تر به موضوع می‌نگرند، خود مسئله‌ی استعمار را موضوعی حاشیه‌ای، ناموجود و ناضروری می‌دانند و مطرح می‌کنند، کسانی که قصد برجسته‌سازی این مسئله یعنی «استعمار» را دارند، می‌خواهند از پذیرفتن مسئولیت شکست‌های تاریخی خود و جامعه‌ی خویش شانه خالی کنند، ایشان اعتقاد دارند، اساسا ورود چنین بحثی به جوامع سیاسی خاورمیانه‌ای، اتفاقا واجد عوامل عقب‌افتاده‌ای بوده است که همان عوامل، باعث شده قدرت‌های برتر خارجی بتوانند چنین تعاملی با حاکمان سابق سرزمین‌هایشان انجام دهند و استعمار حاصل نوعی عدم وجود دانایی و تدبیر بوده است، و اساسا چیزی به نام «استعمار» وجود خارجی ندارد. به قول عرفای قدیم، تاریکی وجودیت بیرونی ندارد بلکه عدم‌النور است. و یکی دیگر از ادعاهای مربوط به ناضروری بودن پرداختن به مسئله‌ی استعمار، نزد جریان‌های لیبرال را می‌توان برآمده از ریشه‌های نظری باور به بازار آزاد دانست، این نگاه، ضمن حمایت از مکانیزم‌های ساختاری و اقتصادی نولیبرال، تصورشان بر این است که موضع انتقادی گرفتن در نسبت به چنین مفهومی، چونان است که ایشان در رسته‌ی جریان‌های ضدسرمایه‌داری طبقه‌بندی خواهند شد، و توجه عملی به توسعه که ارتباط تنگاتنگ با بازار آزاد را دارد، به مخاطره خواهد افکند.

البته که می‌توان در یک نگاهی بی‌طرف، با همه‌ی این نظرها از بعدی همراهی کرد و از بعدی نه، اما با انتخاب یا عدم انتخاب ما از این مدل‌های نظری، تضمینی بر این وجود ندارد که به خود بگوییم، گویی به واسطه‌ی این انتخاب، بحران پیش رویمان، که عامل تولید رنج دوچندان روزمره‌ی ماست، را توانسته‌ایم رفع کنیم یا لااقل کمی کاهش بدهیم. ما بعنوان نیروی فکری لیبرال واقع‌نگر، نمی‌توانیم چونان انسان ایدئولوژیک، ابتدا ایده را در دست داشته باشیم و حدود ثغور حقیقت را در تنگنای آنچه از ذهن داریم بر امر موجود بیرونی حقنه کنیم. در همین راستا ابتدا باید مسیر تحولات و انتشار رویدادها را کمی با قضاوتی بی‌طرفانه‌تر بررسی کنیم و به پیش برویم تا برسیم به همان امر لازم‌الاجرایی که نهایتا از آن روشی برای زیست سیاسی خود خلق کنیم، آن‌هم برای کاستن رنج.

برای ساخت آینده‌ی ایران، ابتدا باید بدانیم زمین اکنون ما کجاست و ما در چه زمینی مبارزه می‌کنیم. تا زمانی که موقعیت تاریخی و سیاسی خود را به‌درستی نشناسیم، تصویر دقیقی از راه پیشِ رویمان در اختیار نخواهیم داشت و راوی روایتی برآمده از حقیقت نخواهیم بود. از این منظر پر واضح است، روایت‌های تاریخی‌ای که صرفا فصلی و مقطعی‌اند، برای توضیح وضعیت آنچه بر ما گذشته است کافی نیستند. از این رو، برای توصیف چنین وضع مهمی، ضرورت دارد که رویدادهای تاریخی را با روشی پدیدارشناسانه مورد بررسی قرار دهیم و هر ادعایی که سابق بر این، در قبال چیستی رویدادها نزد خود داشتیم را، به تعلیق در بیاوریم. در ادامه‌ی همین فرایند، ضرورت دارد که کمی بیشتر مستندات را بررسی کرده و تا حد ممکن، آنچه سند تاریخی بوده است را از آنچه از ذهن جهت‌مندِ تفسیرگر، به سند، تحمیل شده است، در سمتی دیگر قرار دهیم. در این زمینه، آن چیزی که امروز برای ما ایرانیان، در این بستر اجتماعی-سیاسی، وجود دارد، یک تاریخ کم‌کاویده‌شده‌ی معاصر است. تاریخی پر از خطوط

پاک‌شده و جاافتاده و بخش‌هایی دور از دسترس، تاریخی محذوف از خاطره و خاطراتی مخدوش از گذشته. اما با این احوال و با اتکا به آنچه هست و باقی مانده است، اگر فقط به یک‌سری رویدادهای ابتدایی و دم‌دستی تاریخ معاصر بنگریم و به‌جای یافتن علت رویدادها، از معلول‌های باقی‌مانده، نقبی به همان علت‌های عامل این رویدادها بزنیم، شاهد خواهیم بود که رویدادهای تاریخی؛ حداقل در این دویست و اندی سال پیش، صرفا اموری متصل به جهل سیاستمداران و حاکمان گذشته نبوده‌اند. از حادثه‌ی قتل امیرکبیر تا کشتار بهائیان به دست همان امیر، از حادثه‌ی تأسیس مجلس اول مشروطه تا به توپ بسته شدن همان مجلس به دست لیاخوف روسی و صدور دستور قتل‌عام مجلسیان، از اشغال علنی ایران در دوران قحطی بزرگ و نزاع انگلیس و روسیه تا پیگیری‌های جدی کمپانی نفت انگلیس و کمپانی نفت روسیه در این جغرافیا و پیچیده بودن قراردادهای مرتبط با همان پیمان‌ها و....

از منظر آنچه به این زمین می‌نگرم، و از مسیر آنچه از حضور معلول پی به علت رویداد می‌برم، قائل به این مهم هستم که یکی از مفاهیمی که جای آن در بسیاری از روایت‌های لیبرال از تفسیر تاریخمان خالی است، همان معنای «استعمار» است. «استعمار» فقط مربوط به یک قدرت خارجی یا یک دوره‌ی تاریخی نیست؛ یا چیزی که نیرویی بالادست با تحکم با نیروی پایین‌دست انجام می‌دهد، بلکه یک سازوکار نگاهبان منافع است که برای حفظ منافع استعمارگر، حتی توانایی این را دارد که به لباس دشمن مقابل خویش دربیاید و در ردای دوست مستعمره‌نشینان، با ایشان نَردِ دوستی ببازد. در ایران، نمونه‌های سمبلیک بسیار برای این ادعا وجود دارد؛ مستر جیکاک را می‌توان یک نمونه‌ی لوث‌شده از این ادعا دانست، و در سطوحی بسیار چندلایه، می‌توان نقشی برای بازیگران این صحنه در نظر گرفت که خالقان روایتی بسیار پیچیده‌اند. مثلا در داستان دایی‌جان ناپلئون، شخصیت دایی‌جان ناپلئون فردی متوهم است که پیوسته هر اتفاقی را به انگلیسی‌ها نسبت می‌دهد. طراحان سریال، او را چنان تصویر می‌کنند که جامعه عادت کند، حتی کسانی را که مروج این ایده‌ی استعمارانگاری هستند را به‌سادگی، دیوانه و متوهم بخواند. نتیجه این است که خودِ مواجهه با ایده‌ی باور به وجود «استعمار»، در جامعه‌ی مستعمره، به مضحکه، ساده‌انگاری و سطحی‌نگری تبدیل شود. اما چگونه ممکن است کشوری با ۹ درصد منابع معدنی و نفتی و گازی جهان حضور داشته باشد، کشورهای سلطه‌گر و تمامیت‌خواهی چون چین و روسیه و دولت‌های اقتصادی و فرصت‌طلب اروپایی و انگلیسی باشند، و این جغرافیای سیاسی امن بماند؟ متن و محتوای قراردادهای نفتی از قرارداد گس گلشائیان و دارسی تا کنسرسیوم ۱۹۵۴ چیزی جز همان ساختار منفعت‌طلبی اقتصادی یک‌طرفه در این ماجرای دادوستد سیاسی و اقتصادی قدرت‌های بزرگ با حکومت‌های وقت ایران نبوده‌اند و نیستند. حتی شکایت رضا شاه و مصدق و محمدرضا شاه به صاحبان کمپانی‌ها و دولت‌ها، ره به جایی نمی‌برد و آرام‌آرام و با فشار دیپلماتیک و نرم محمدرضا شاه به ایشان، او می‌تواند نقش ایران را در بنیان این پیمان‌ها پررنگ‌تر کند.

مرز باور من به استعمار با باور کسی که استعمار را یک مکانیزم مخوف خیلی پلید می‌داند اینجاست، که تأکید من بر لحاظ استعمار بعنوان یک فاکتور حقیقی در زمین اقتصاد سیاسی ایران، نه برای پرداختن به این روایت انقلابی-مارکسیستی است که چون ماهیت سرمایه‌داری چپاولگر چنین است، حال ما مردمان حاضر در مستعمره، باید در قبال این نیروی مخوف متحد شویم، و استعمار را از پای بیندازیم، یا تلاش کنیم با نگاهی ضداستعماری یا پسااستعماری دست به تفسیری از هر آنچه زیست اقتصادی-فرهنگی می‌کنیم بزنیم، تا مناسبات جدید در روابط فرهنگی و اجتماعی جاری در جامعه‌ی ایران امروز را به چالش بکشیم، یا با روایت اسلامیزه‌ی حاکم بر حکومت جمهوری اسلامی همراهی کرده و بگوییم این فرهنگ غربی حاصل استعمار، باعث این شده است که ما خودِ بومی و محلی خویش را فراموش کنیم و حال باید تلاش کنیم به شبکه‌ی جهان اسلام متصل شویم و بر علیه استعمار غرب متحد گردیم، دقیقا منظور من، توجه به هیچ‌کدام از این روایت‌های ایدئولوژیک ساده‌انگاری‌شده نیست. به واقع تلاش من در این روایت‌سازی از استعمار، تلاشی برای مواجهه با دشواری‌های زمین سیاست و مبارزه است. تلاشی برای در نظر گرفتن این نکته است که بدون درک درست از زمین پیش روی سیاست، امکان تدوین روشی کارآمد، برای مبارزه تضعیف می‌گردد. به دریافتم استعمار بعنوان یک نیروی طبیعیِ اقتصادی و اجتماعی، برآمده از یک مکانیزم سیاسی بیرون از جامعه‌ی ما، و برای حفظ منافع خودش، همواره اینجا فعال بوده، نیروهای خودش را روی صحنه چیده است، و در راستای حفظ منافع پایه‌ای که دارد، تدبیری به خرج داده است که جز این نمی‌توانسته انجام دهد. این مکانیزم طبیعی ساختار بازار و سرمایه است و در نگاهی کلان‌تر، همان قاعده‌ی طبیعی حیات است که انسانی در قبال دیگری در شرایط طبیعی بقا و رقابت انجام می‌دهد.

اما بایستی پرسید، در چنین مواجهه‌ای ما در کجای این صحنه‌ی رقابت یک‌طرفه حضور داشته‌ایم؟ بخصوص در همین روزهای خون و گلوله که حکومتی به غایت اشغالگر و جنایتکار، همراه با منافع دولت‌های شرقی و غربی، در حال کشتار مردم ایران با سلاح‌هایی از کشورهای روس و چین است و در حال شکنجه با ابزارآلاتی از سوئد و هلند و در حال کنترل و شناسایی مردم با دوربین‌های ترافیکی‌ای از آلمان. حکومتی که پانزده شهرک عظیم موشکی زیرزمینی با تجهیزات وارداتی از آلمان و فرانسه و اسپانیا، ساخته است و آنجا را با پرتابه‌های جنگی چینی و کره‌ی شمالی پر کرده و در میانه‌ی این همه تحریم مالی، به‌راحتی می‌تواند با پول‌های کثیفش در بانک‌های قطری و ترکیه‌ای نیروی محرکه‌ای برای این ماشین عظیم تأمین کند. آیا مگر بدون هماهنگی با چرخه‌های قدرت جهانی خلق چنین فاجعه‌ای ممکن است؟

حالا در چنین وضعیتی مبارز سیاسی باید دست‌به‌کار شود و اول ببیند زمین بازی برایش چگونه چیده شده است؟ وقتی او زمین مبارزه را درست نشناسد، به نوعی مبارزه‌اش در هوا معلق می‌ماند و نمی‌داند کجا باید ضربه‌ی کاری خود را وارد کند. به همین دلیل، پیش از آنکه درباره‌ی آینده‌ی ایران سخن بگوییم، پیش از آنکه بخواهیم نقشه‌ای برای آینده ترسیم کنیم، باید موقعیت اکنون و دیروز را به‌خوبی گشوده کرده و آنچه نادیدنی است را دیدنی کنیم و آنچه نامکشوف مانده را پیدا کرده و بعد در وضعیت اکنون، تدبیر آینده را چیدمان کنیم. در همین رابطه و در نسبت با وضعیت استعمار نیز، باید در نسبت با موقعیت استعماری، نیروهای مؤثر بر آن و نسبت خودمان با این نیروها را بفهمیم.

در تاریخ دویست و اندی ساله‌ی معاصر، انقلاب آمریکا، تجربه‌ای مهم است. این انقلاب را گاهی چپ‌ها نادیده می‌گیرند چون دستگاه ایدئولوژیک خاصی ندارد و گاهی راست‌ها صرفا بعنوان انقلابی برای آزادی تفسیر می‌کنند؛ اما با ارجاع به عنوان اصلی سند بنیادین آن که «اعلامیه‌ی استقلال» نام گرفته است، نه اعلامیه‌ی آزادی، پر واضح است که شاهد دریافت یک پیام از عمق تاریخ هستیم؛ مسئله‌ی استقلال. مسئله‌ی محوری آمریکا، استقلال سیزده ایالت از سلطه‌ی پادشاهی بریتانیای کبیر و ساختن یک کشور منسجم است که در آغاز اصلا موضوعشان ساخت یک نظام با مشخصات غیرپادشاهی نبود، موضوع اصلی استقلال بود. در آنجا دوگانه‌ی جمهوری‌خواهی و پادشاهی‌خواهی، به معنایی که در زمین فرانسه شکل گرفت، مسئله‌ی اصلی نبود؛ مسئله‌ی اصلی استقلال و سازمان‌یافتن یک سرزمین بود، و در طول تاریخ سیصدساله‌ی گذشته، این مواجهه با استعمار را فقط در یک سرزمین می‌بینیم که به‌درستی و هوشمندی پی گرفته شد و ختم به پیروزی یگانه انقلاب واقعی و نیک‌سرشت جهان مدرن گردید.

انقلاب فرانسه تقریبا دو دهه پس از انقلاب آمریکا رخ داد و زمین سیاسی متفاوتی داشت. در فرانسه، مناقشه‌ی جمهوری‌خواهی و پادشاهی‌خواهی به محور مهمی از نزاع تبدیل شد. این دو زمین را نباید با یکدیگر خلط کرد. هر جامعه بر اساس مسئله‌ی بنیادی خود مبارزه می‌کند. در نگاه من، انقلاب سیاسی باید مراتب مشخصی داشته باشد: نخست استقلال، سپس آزادی، و پس از آن عدالت. وقتی سرزمین و استقلال سیاسی وجود نداشته باشد، آزادی‌خواهی در هوا معلق می‌ماند؛ و وقتی آزادی وجود نداشته باشد، عدالت‌خواهی نیز به شعاری بی‌پشتوانه تبدیل می‌گردد.

با ارجاع به خود تاریخ انقلاب‌ها، بسیاری از انقلاب‌هایی که مسیر انقلابی خود را از ایده‌ی عدالت‌خواهی آغاز کردند، بدون آنکه استقلال و آزادی را تثبیت کرده باشند، به ساختارهای بسته و سرکوبگری تبدیل شدند؛ نمونه‌هایی مانند انقلاب اکتبر روسیه، کره‌ی شمالی، چین و کوبا، نمونه‌های واقعی این ادعا هستند. جامعه‌ی آزاد می‌تواند به‌تدریج بخش‌های عادلانه‌تری را وارد قانون اساسی کند و برابری شهروندان در برابر قانون، حقوق مدنی و حقوق سیاسی را گسترش دهد، اما مطالبه‌ی عدالت به معنای کمونیستی کلمه، اگر پیش از شکل‌گیری استقلال و آزادی، به محیط اجتماعی تحمیل شود، می‌تواند برای جامعه‌ای مانند آمریکا یا هر جامعه‌ی دیگری تهدیدی بنیادین ایجاد کند. استقلال که با معنای مالکیت در هم تنیده است، حتی بر مطالبه‌ی آزادی‌خواهی اولویت دارد و درک از استقلال، بدون داشتن افقی آزادی‌خواهانه ناممکن است. اما استقلال از چه و طی چه فرایندی؟

استعمار در بسیاری از موارد، جوامع استقلال‌طلب را به سوی بدیل‌هایی سوق می‌دهد که استقلال آنها را از درون تهی می‌کنند. در عصر جدید و به دریافتم، آنچه می‌تواند بدیل استعمار باشد، انقلاب‌های ملی است، انقلاب‌هایی به سوی مطالبه‌ی امری انتزاعی اما واقعی و بر روی زمین، انقلابی برای معنای دقیق مالکیت، مالکیتی به نام مالکیت سرزمینی، که به شباهت مالکیت مشاع است. آنچه به لحاظ ایده‌ای، در مقابل ایده‌ی تقویت مالکیت خصوصی و تقویت مالکیت سرزمینی در جوامع ایستاده است و همواره در حال تلاش برای از بین بردن معنای مالکیت در ذهن مردمان یک سرزمین است، ایده‌های کمونیستی یا اسلامیستی است. تجربه‌های تاریخی انقلاب‌های معاصر نشان داده است که، در زمانه‌ی انقلاب، عموما اگر انقلاب‌ها، از مطالبه‌ی ملی فراتر بروند، در آن میانه دو بستر آیدئیک کلی، بیش از باقی امور، نقش خود را برجسته‌تر می‌کنند، یکی ایده‌ی انقلابی کمونیستی است و جنبش انقلابی را ختم به تأسیس یک دولت ایدئولوژیک مبتنی بر ایده‌ی عدالت اجتماعی می‌کند، دیگری ایده‌ی اسلامیستی است. هر دو ایدئولوژی، در برخی صورت‌های خود، می‌توانند مفهوم وطن و مالکیت سیاسی را در یک هویت فراملی حل کنند. انسانِ سوسیالیستِ انترناسیونالیست و انسانِ مسلمانِ

امت‌محور، ممکن است خود را پیش از آنکه شهروند یک سرزمین بداند، عضو یک جامعه‌ی جهانی تعریف کند. تفاوت تاریخی و درونی این دو سنت مهم است، اما از منظر سیاسی می‌توانند در شرایط خاص، به ابزارهایی برای بی‌ثبات‌کردن مفهوم حاکمیت ملی تبدیل شوند، و بهترین ابزار فروپاشنده‌ی وضعیت ملی خواهند بود. هر دو مرز زدایی را برای فتح جهان نیاز دارند.

اینجا باید این نکته را در پرانتز بگویم که ادعای من، این نیست که عدالت اجتماعی به ذات خود بی‌اهمیت است؛ بلکه بحث بر سر ترتیب تاریخی و سیاسی مطالبات پس از استقلال‌خواهی است. جامعه‌ای که پس از استقلال به‌جای آزادی‌خواهی مستقیما به سوی سوسیالیسم دولتی حرکت می‌کند، در همان ابتدا و بر اساس پایه‌های نظری ایده‌ی انقلابی خویش نمی‌تواند بدون جهانی کردن ایده‌ی خود، در مسیری که به آن باور دارد، گام بردارد. این موقعیت اجتماعی، چه به مدل کمونیسم تبدیل شود و حتی چه به شکل ملی‌گرایی سوسیالیستی، بایستی به گسترش خود و افزایش قلمرو سرزمینی خویش دست بیازد تا فرونپاشد. مکانیزم بقایش، تبدیل به سیستمی می‌گردد برای مرز زدایی از دیگران یا ملیت‌زدایی از خود. سوسیالیست‌ها در بهترین حالت دچار ملیت‌زدایی و بی‌هویتی ملی و قاعدتا آسیب‌پذیری اجتماعی می‌شوند که به‌راحتی بعد از استقلال، خود را در ذیل اراده‌ی یک حکومت استعمارگر دیگر قرار می‌دهند، و در بدترین حالت که در تاریخ حکومت نازی‌ها خود را بروز داد، این مجموعه‌ی فکری، با مرز زدایی از دیگران، دست به گسترش قلمرو خود و خَلق نوعی استعمارگری خویش-فرمایی درونی گردید.

جامعه‌ی ایران، با وجود استعدادهای فراوان، در نظریه‌پردازی سیاسی درباره‌ی استقلال، سرزمین و وطن، هنوز به بلوغ کافی نرسیده است. بخشی از جریان ملی‌گرا به این مفاهیم نزدیک شده، اما هنوز آنها را بصورت منسجم نظریه‌پردازی نکرده است. اگر ندانیم استعمار چیست، از چه کسی باید استقلال پیدا کنیم؟ و اگر ندانیم ساختار استعماری چگونه بر حاکمیت مسلط شده است، چگونه می‌توانیم مبارزه‌ی استقلال‌طلبانه را سازمان دهیم؟ و اگر ندانیم برای عبور از استعمار چگونه مطالبه‌ی ملی را بازمعنا یا معنا کنیم، چگونه راه رسیدن به افقی روشن در آینده را هموار خواهیم کرد؟

صرفا تکرار یک مفهوم نظری، بدون فهم ضرورت کاربرد آن در زندگی روزمره‌ی خویش، کاری عبث خواهد بود. در این چارچوب، مناقشه‌ی جمهوری‌خواهی و پادشاهی‌خواهی نباید جای مسئله‌ی بنیادی استقلال را بگیرد. همچنین نباید پیش از حل مسئله‌ی استقلال و آزادی، نزاع سوسیالیسم و لیبرالیسم را به اولویت اصلی تبدیل کنیم. ممکن است کسی سوسیالیست باشد، اما بداند که برای رسیدن به هر شکل معقولی از عدالت اجتماعی، ابتدا به سرزمینی مستقل و آزاد نیاز دارد. اگر این مراتب رعایت نشود، نتیجه می‌تواند نوعی سرمایه‌داری کمونیستی و اقتدارگرایانه باشد؛ نمونه‌هایی از آن را در چین، جمهوری‌های شوروی سابق، کوبا و کره‌ی شمالی دیده‌ایم. یا فاجعه‌ای چون انقلاب جمهوری اسلامی ایران، که نوعی انقلاب اسلامو-کمونیستی بود.

ما با ساختار حاکم بر ایران در حال جنگیم؛ ساختاری که به نظر من حکومت ملی نیست و در ذهن مردمان ایران، نسبت واقعی خود را با ایران و منافع ملی آن از دست داده است و قاعدتا از ماهیت یک حکومت بد به حکومتی اشغالگر و ذیل اراده‌ی استعمار تبدیل شده است. با این حال، جامعه‌ی ایران باید مسئولیت تاریخی خود را نیز در قبال تقویت این چرخه‌ی استعماری بپذیرد. نمی‌توان در قبال خلق این تاریکی، همه از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند و بگویند «من که نبودم» یا همه‌ی مسئولیت را بر دوش دیگری بگذارند. ما، بعنوان بخشی از یک جامعه، در برابر خطاهای تاریخی آن مسئولیم. پذیرفتن مسئولیت به معنای سرزنش یکسان همه‌ی افراد نیست؛ به معنای آن است که از همین نقطه بتوانیم گام‌های مثبت و واقعی برای آزادی ایران برداریم و البته با شناخت زمین اکنون با خطاهایی کمتر از سابق.

در این میان خیلی‌ها بیشتر نگران طولانی‌تر شدن عمر حکومت هستند، تا نگران این باشند که چطور می‌توانند این حکومت را سرنگون کنند، پر واضح است که ایران به‌تنهایی و صرفا با یک موج خیابانی و انقلابی، مبارزه‌ی مسلحانه یا فروپاشی ناگهانی حکومت، آزاد نخواهد شد. کسانی که تصور می‌کنند تنها با حضور خیابانی می‌توان همه‌ی مسائل را حل کرد، دچار خوش‌بینی ساده‌انگارانه‌اند. اما کسانی هم که سازماندهی را کاملا نفی می‌کنند و می‌گویند مردم باید خودبه‌خود سازمان یابند، به همان اندازه دچار خطا هستند.

در این زمین، نیروی داخلی و نیروی خارجی، در شرایطی مشخص، باید بتوانند بر یکدیگر اثر بگذارند و گامی واقعی به جلو بردارند. سقوط جمهوری اسلامی، اگر رخ دهد، فقط آغاز مسئله است؛ کیفیت گذار و ساختن نظم بعدی اهمیت اساسی دارد. اما همه‌ی اینها در نسبت با توانایی جامعه در خوانش بازی‌های موجود سیاسی در این زمین سخت سیاست است. از این رو، روشنگری اهمیت دارد: روشنگری‌ای که نه فقط از سوی چهره‌های مشهور، بلکه از سوی هر فرد برای اطرافیان خود انجام می‌شود. در جهان امروز، نزاع‌های بزرگ در چندین سطح جریان دارند: میان استقلال و سلطه، میان دولت ملی و ساختارهای فراملی، و میان پروژه‌هایی که می‌کوشند مفهوم مالکیت، شهروندی و ملت را تضعیف کنند. درباره‌ی نقش بریتانیا، اسرائیل، آمریکا و دیگر بازیگران باید با شواهد دقیق سخن گفت، نه صرفا با فرضیه‌های کلی یا روایت‌های توطئه‌محور. همین احتیاط درباره‌ی حقوق اقلیت‌ها، فمینیسم و حقوق بشر نیز لازم است. دفاع از حقوق زنان، مردان، اقلیت‌ها و شهروندان با یکدیگر تعارض ذاتی ندارد. مسئله، استفاده‌ی ابزاری از این مفاهیم برای تضعیف شهروندی یا حاکمیت ملی است، نه اصل این حقوق. فمینیسم را نباید با هر پروژه‌ی سیاسی که خود را فمینیستی می‌نامد یکی دانست؛ همان‌طور که عدالت اجتماعی را نیز نباید با هر نظام سرکوبگر به نام عدالت یکی گرفت.

برای فهم استعمار و میزان سلطه‌ی این ساختار بر زندگی روزمره‌ی ایرانیان، همه‌ی این نکاتی که ذکر شد را بایستی ذیل یک ساختار شبکه‌ای واحد فهم کرد. بایستی با در نظر گرفتن همه‌ی این مفاهیم و این دوگانه‌ها و چندگانه‌های ناضروری که از سمت نیروهایی بیرون از اراده‌ی ملی، به سمت مردم تحمیل می‌گردد، تمرکز را بر تقویت قوای ملی گمارد و همه‌ی ایده‌ها و اندیشه‌های فضیلت‌مندانه‌ای که در سر داریم را در مسیر تقویت یک افق ملی به تعویق انداخت. ابتدا و از اساس بایستی مطالبه را حول مطالبه‌ی ملی و انقلابی ملی پیش برد و بعد با ساختن افقی جهت آزادی، مطالباتِ حتی سوسیالیستی را فعال کرد. به دریافتم، اهمیت در نظر داشتن ترتیب این محتواها و نسبتشان با هم، راهگشای خروج ما از چرخه‌ی استعماری خواهد بود که سال‌هاست در درونش گیر کرده‌ایم، همان استعماری که البته در راستای منافع خود در حال پیشبرد سیاست‌هایی برای بقای خویش است. ما باید از خود بپرسیم، در این گردونه‌ی قدرت، ما در کجای این زمین ایستاده‌ایم؟

پژمان گلچین - پژوهشگر فلسفه

# فاجعه در بازار کار ایران؛ بیش از یک میلیون و ۷۰۰ هزار کارگر بیکار شدند

**علی بابایی کارنامی، رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی، اعلام کرد که از آغاز جنگ ۱۲روزه تا کنون، و طی حدود ۱۵ ماه، بیش از یک میلیون و ۷۰۰ هزار کارگر در ایران بیکار شده‌اند.**

**فعالان بازار کار شمار افراد اخراج و بیکار شده طی ماه‌های گذشته را حدود چهار میلیون نفر عنوان می‌کنند که شامل کارگران، کارمندان، فریلنسرها و متخصصان بخش‌های مختلف فنی، پژوهشی، صنعتی، کشاورزی و خدماتی می‌شود.**

**افزایش تورم در کنار تشدید رکود در شرایط جنگ و قطع ماه‌ها اینترنت سبب تعطیل و نیمه‌تعطیل شدن شمار زیادی از کسب و کارها شد. بخشی از کسب و کارها نیز برای تداوم فعالیت در شرایط بحرانی ماه‌های گذشته ناچار به کاهش هزینه‌ها شدند که اخراج نیروی کار به عنوان یکی از اصلی‌ترین اقدامات برای کاهش هزینه است.**

**به علت مشکلات ساختاری اقتصاد، ناکارآمدی مدیریتی دولت، و تشدید فشارهای اقتصادی ایالات متحده بر جمهوری اسلامی، رکود تورمی در اقتصاد ایران عمیق‌تر شده است. کارشناسان اقتصادی هشدار می‌دهند در صورت تداوم این شرایط جمعیت بیکاران و فقرا در ایران افزایش پیدا می‌کند.**

موج بیکاری نیروی کار که از سال گذشته آغاز شده، همچنان ادامه دارد. به گفته یک نماینده مجلس شورای اسلامی، بیش از یک میلیون و ۷۰۰ هزار کارگر طی ماه‌های گذشته اخراج و بیکار شدند. جمعیت کل افرادی که در ماه‌های گذشته، به علت فشارهای ناشی از قطع اینترنت و جنگ و تحریم، در بخش‌های مختلف تولیدی، صنعتی، کشاورزی و خدماتی شغل خود را از دست داده‌اند حدود چهار میلیون نفر برآورد می‌شود. کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند به علت مشکلات انباشته اقتصادی و تداوم بحران‌ها در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، روند اخراج نیروی کار و افزایش جمعیت بیکار همچنان ادامه خواهد یافت.

علی بابایی کارنامی، رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی، اعلام کرد از آغاز جنگ ۱۲روزه تا کنون، و طی حدود ۱۵ ماه، بیش از یک میلیون و ۷۰۰ هزار کارگر در ایران بیکار شده‌اند.

او با تأکید بر اینکه «این کارگران رها شده‌اند و باید برای فکری برای معیشت آنان کنیم»، گفت: «یک طرح دو فوریتی در مجلس آماده و نامه آن به معاون اول رئیس جمهور ارسال شده تا هرچه سریعتر یا به صورت طرح یا لایحه دو فوریتی در مجلس یا توسط سران قوا تصویب شود. به این صورت که برای این یک میلیون و هفتصد تا ۸۰۰ هزار کارگر بیکار شده با تهاتر برخی مسائل، حداقل بیمه آن‌ها

تمدید شود و درمان، سوابق، تخصص و معیشت‌شان از بین نرود.»

فعالان بازار کار شمار افراد اخراج و بیکار شده طی ماه‌های گذشته را حدود چهار میلیون نفر عنوان می‌کنند که شامل کارگران، کارمندان، فریلنسرها و متخصصان بخش‌های مختلف فنی، پژوهشی، صنعتی، کشاورزی و خدماتی می‌شود.

حمید حاج‌اسماعیلی، کارشناس بازار کار، اعلام کرده است، از زمستان گذشته تا اواخر فروردین امسال سه تا چهار و نیم میلیون نفر بیکار و از بازار کار ایران خارج شدند.

اتاق بازرگانی ایران نیز ابتدای تابستان امسال در گزارشی اعلام کرده بود که در پی بحران‌های یک سال گذشته [جنگ ۱۲ روزه، اعتراضات دی‌ماه و جنگ ۴۰ روزه با آمریکا]، در دی‌ماه ۱۴۰۴ نسبت به اسفند ۱۴۰۳ بیش از ۶۱۱ هزار بیمه‌شده تأمین اجتماعی از چرخه اشتغال خارج شده‌اند و همزمان بیش از سه میلیون و ۱۰۰ هزار نفر نیز از جستجوی کار دست کشیده‌اند. این گزارش قطع اینترنت را از دلایل مهم افزایش شمار بیکاران ارزیابی کرده بود.

افزایش تورم در کنار تشدید رکود در شرایط جنگ و قطع ماه‌ها اینترنت سبب تعطیل و نیمه‌تعطیل شدن شمار زیادی از کسب و کارها شد. بخشی از کسب و کارها نیز برای تداوم فعالیت در شرایط بحرانی ماه‌های گذشته ناچار به کاهش هزینه‌ها شدند که اخراج نیروی کار به عنوان یکی از اصلی‌ترین اقدامات برای کاهش هزینه‌ها است.

سازمان تأمین اجتماعی نیز موج اخراج نیروی کار را تأیید و اعلام کرده بیشترین کاهش تعداد واحدهای فعال به علت بحران اقتصادی ناشی از جنگ مربوط به کارگاه‌های کوچک بوده است؛ این روند به معنای تضعیف موتور اصلی اشتغال مولد و پایدار در اقتصاد ایران است؛ زیرا بخش عمده فرصت‌های شغلی کشور در همین بنگاه‌های کوچک و متوسط ایجاد می‌شود.

این آمارها تنها مختص افرادی است که با قرارداد رسمی و تحت پوشش بیمه به کار مشغول هستند. این در حالیست که آمارهای رسمی نشان از بازار بزرگ اشتغال غیررسمی در ایران دارد؛ افرادی که در مشاغل غیررسمی مانند رانندگان تاکسی، و حتی کاذب مانند دستفروشی، مشغول به کار هستند که بیمه پرداخت نمی‌کنند و در صورت بیکاری، به آمار افراد بیکار شده افزوده نمی‌شوند.

مرکز آمار ایران گزارش داده، نرخ بیکاری افراد ۱۵ ساله و بیشتر در بهار امسال ۹/۱ درصد بوده است. این نرخ نسبت به بهار پارسال ۱/۸ درصد افزایش یافته است. در این میان نرخ بیکاری زنان به رقم ۱۶/۷ درصد رسیده است که بیانگر حذف بی‌صدای زنان از بازار کار ایران است.

آمار ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران نشان می‌دهد نرخ بیکاری زنان در بهار امسال از ۱۳/۷ درصد به ۱۶/۷ درصد افزایش یافته است. این یعنی نزدیک به یک‌ششم زنانی که با گذر از نابرابری ساختاری فرصت حضور در بازار کار را داشته‌اند، حالا یا شغل خود را از دست داده‌اند، یا هرگز به آن دست نیافته‌اند. هم‌زمان، نرخ مشارکت زنان از ۱۴ درصد به ۱۳/۷ درصد تنزل یافته است. این آمار به این معناست که بخشی از زنانی که پیشتر فعالانه به دنبال کار می‌گشتند، اکنون از بازار کار ناامید شده‌اند.

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله در بهار ۱۴۰۵ به ۲۳.۴ درصد رسیده و در همین مدت، حدود ۴۵۰ هزار نفر از شمار شاغلان کشور کاسته شده‌اند.

در همین دوره، جمعیت غیرفعال اقتصادی به ۳۹ میلیون و ۵۳۵ هزار نفر رسید و حدود ۷۹۶ هزار نفر افزایش یافت. این ترکیب، تصویری نگران‌کننده از بازار کار ترسیم می‌کند: تعداد شاغلان کاهش یافته، نرخ بیکاری جوانان بالا رفته و شمار افرادی که در بازار کار حضور ندارند نیز بیشتر شده است.

در آنسو به علت مشکلات ساختاری اقتصاد، ناکارآمدی مدیریتی دولت، و تشدید فشارهای اقتصادی ایالات متحده بر جمهوری اسلامی، رکود تورمی در اقتصاد ایران عمیق‌تر شده است. کارشناسان اقتصادی هشدار می‌دهند در صورت تداوم این شرایط جمعیت بیکاران و فقرا در ایران افزایش پیدا می‌کند.

در همین رابطه سهراب دل‌انگیزان، اقتصاددان و استاد دانشگاه، در گفتگو با «اقتصاد نیوز» با اشاره به محاصره دریایی و کاهش سطح تجارت خارجی، و همچنین افزایش تورم و رکود اقتصادی گفته است: «تداوم این وضعیت می‌تواند به افزایش بیشتر تورم، تشدید رکود، گسترش بیکاری، از دست رفتن فرصت‌های اقتصادی منجر شود.»

بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول نیز رشد منفی اقتصادی برای ایران طی ماه‌های آینده را پیش‌بینی کرده‌اند. در گزارش بانک جهانی آمده که صادرات غیرنفتی نیز در پنج‌ماهه نخست سال جاری میلادی، نسبت به دوره مشابه سال قبل، ۲۸ درصد کاهش یافته است. این گزارش با اشاره به اینکه کاهش تجارت فقط مسئله درآمدهای ارزی نیست، تأکید کرده کاهش واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای، فعالیت واحدهای تولیدی را دشوار می‌کند که یکی از نتایج آن بیکاری، کاهش ساعت کار و در نهایت کاهش درآمد برای نیروی کار است.

بحرانی که با زیرفشار قرار دادن بنگاه‌های اقتصادی می‌تواند موج بیکاری در ایران را گسترده‌تر کند فقط به موضوع محاصره دریایی و تنش‌های خارجی جمهوری اسلامی ارتباط ندارد. در داخل کشور نیز بحران‌های انباشته، حتی پیش از جنگ، بخش‌های مختلف تولیدی، صنعتی، کشاورزی و خدماتی را زیر فشار قرار داده بود. برای نمونه بحران کمبود انرژی که سبب جیره‌بندی برق و گاز در فصل‌های مختلف می‌شود یکی از مشکلات جدی، به ویژه برای بخش صنعت، است که خسارت هنگفتی را در پی داشته است. همانطور که اشاره شد، با تشدید بحران در واحدهای اقتصادی، نیروی کار از اصلی‌ترین قربانیان است چون کارفرمایان با اخراج بخشی از نیروی انسانی تلاش می‌کنند هزینه‌ها را کاهش و حیات کسب‌وکار خود را حفظ کنند.

از سوی دیگر دولت نیز برنامه‌های حمایتی مشخصی از بنگاه‌های تولیدی ندارد. طرح‌های دولت یا با شکست روبرو می‌شوند و یا به علت خزانه خالی، روی کاغذ باقی مانده و اجرا نمی‌شوند. از دید بسیاری از فعالان اقتصادی دولت با تحمیل بار ناکارآمدی‌ها بر دوش صنعت، در عمل با جیره‌بندی برق و گاز، به عامل ایجاد خسارت برای این واحدها تبدیل شده است!

کیهان

# قیمت رسمی شیرخام افزایش یافت؛ کاهش سهم لبنیات در سبد خرید خانوارهای ایران

**احمد مقدسی، رئیس انجمن صنفی گاوداران ایران، با اشاره به توافق برای افزایش قیمت شیرخام گفت: «با توجه به افزایش نرخ ارز و به دنبال آن رشد قیمت نهاده های دامی، بهای شیرخام ۱۵ درصد افزایش یافته است.»**

**به گفته احمد مقدسی، دولت مدتی است حمایت مستقیم از فعالان صنعت دامپروری همچون عرضه سبوس را متوقف کرده است و این موضوع بر افزایش هزینه‌های دامپروران اثر مستقیم داشته است. او افزوده قیمت ارز از اواخر دی‌ماه پارسال که حدود ۱۲۵ هزار تومان بود، اکنون به بیش از ۱۸۵ هزار تومان افزایش یافته که یکی از عوامل اصلی افزایش قیمت‌ها است.**

**محمد فرید سخنگوی انجمن صنایع فرآورده‌های لبنی اعلام کرده که سرانه مصرف شیر و محصولات لبنی طی یک سال گذشته حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد کاهش یافته است. او کاهش قدرت خرید خانوارها را عامل کاهش مصرف لبنیات اعلام کرده است.**

رئیس انجمن صنفی گاوداران ایران از توافق با انجمن صنایع لبنی برای افزایش قیمت شیرخام خبر داده است. علت افزایش شیرخام افزایش هزینه تولید از جمله افزایش نرخ ارز و قیمت نهاده‌های دامی عنوان شده است و این افزایش بطور مستقیم بر افزایش قیمت انواع لبنیات و شیرخشک موثر خواهد بود.

چند روز پس از افزایش قیمت مرغ در بازار ایران، اکنون قیمت شیرخام نیز با دلایل مشابه افزایش یافته است؛ افزایش قیمت نهاده‌های دامی به علت افزایش نرخ ارز، علت افزایش ۱۵ درصدی قیمت شیرخام عنوان شده است.

احمد مقدسی، رئیس انجمن صنفی گاوداران ایران، با اشاره به توافق برای افزایش قیمت شیرخام گفت: «با توجه به افزایش نرخ ارز و به دنبال آن رشد قیمت نهاده های دامی، بهای شیرخام ۱۵ درصد افزایش یافته است.»

احمد مقدسی افزوده: «اکنون قیمت هر کیلوگرم شیرخام درب دامداری حدود ۶۰ هزار و ۵۰۰ تومان است که بر اساس مذاکرات انجام شده با انجمن صنایع لبنی ایران قیمت آن درب دامداری ۶۸ هزار تومان و درب کارخانه ۷۰ هزارتومان محاسبه می شود.»

به گفته این فعال صنفی، دولت مدتی است حمایت مستقیم از فعالان صنعت دامپروری همچون عرضه سبوس را متوقف کرده است و این موضوع بر افزایش هزینه‌های دامپروران اثر مستقیم داشته است.

رئیس انجمن صنفی گاوداران ایران همچنین افزوده، قیمت ارز از اواخر دی‌ماه پارسال که حدود ۱۲۵ هزار تومان بود، اکنون به بیش از ۱۸۵ هزار تومان افزایش یافته که یکی از عوامل اصلی افزایش قیمت‌ها است.

احمد مقدسی گفت که در پی افزایش نرخ ارز، قیمت نهاده‌هایی نظیر ذرت، سویا، کلزا و مکمل‌ها با افزایش چشمگیری روبرو شده، برای نمونه قیمت برخی نهاده‌ها ۹ هزار تومان بود که اکنون به ۴۰ هزار تومان رسیده که این موضوع باعث بالا رفتن قیمت تمام شده شیرخام شده است.

در حالی که قیمت لبنیات از خرداد سال گذشته تا خردادماه امسال تا ۱۰۰ درصد افزایش یافته است، افزایش کنونی قیمت شیرخام نیز بطور مستقیم قیمت لبنیات و شیرخشک را گران‌تر خواهد کرد. در سال‌های گذشته نیز افزایش قیمت لبنیات مصرف این ماده غذایی ضروری را کاهش داده است.

بررسی قیمت‌ها نشان می‌دهد، قیمت یک بطری شیر یک لیتری در سال ۱۴۰۰ حدود ۱۲ هزار تومان بود اما در سال ۱۴۰۵ به حدود ۹۸ هزار تومان رسیده است؛ افزایشی معادل ۷۱۷ درصد که یکی از اقلام پایه سبد غذایی خانوار را به کالایی پرهزینه تبدیل کرده است. شیر نایلونی نیز در همین دوره از ۱۰ هزار تومان به ۸۴ هزار تومان رسیده و نشان می‌دهد حتی گزینه ارزان‌تر این محصول نیز از موج گرانی در امان نمانده است.محمد فرید سخنگوی انجمن صنایع فرآورده‌های لبنی اعلام کرده که سرانه مصرف شیر و محصولات لبنی طی یک سال گذشته حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد کاهش یافته است. او کاهش قدرت خرید خانوارها را عامل کاهش مصرف لبنیات اعلام کرده است.

علی احسان ظفری، مدیرعامل اتحادیه تعاونی‌های لبنی، تیرماه امسال اعلام کرد با کاهش ۲۰ درصدی نسبت به سال قبل به ازای هر ایرانی به کمتر از ۴۰ کیلوگرم رسیده است. همچنین بر اساس آمارها سرانه مصرف سالانه لبنیات در ایران از حدود ۱۳۰ کیلوگرم در سال ۱۳۸۹ به کمتر از ۴۰ کیلوگرم در سال‌های اخیر رسیده است.

به گفته احمد اسماعیل‌زاده، مدیرکل دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت، مصرف لبنیات در ایران بطور متوسط یک واحد در روز است؛ در حالی که برای کودکان و نوجوانان سه واحد و برای سالمندان سه تا چهار واحد توصیه می‌شود. گرانی اخیر می‌تواند این فاصله را بیشتر کند و دسترسی خانوارها به مواد مغذی ضروری را کاهش دهد.

وبسایت «تجارت نیوز» با اشاره به افزایش قیمت شیر پاستوریزه تأکید کرده، برای خانواری که چند نفر عضو دارد و شیر را به شکل روزانه مصرف می‌کند، این افزایش قیمت به معنای رشد قابل توجه هزینه ماهانه لبنیات است. بنابراین حتی اگر خانواده‌ای همچنان خرید شیر را در برنامه خود حفظ کند، ممکن است مقدار خرید کاهش پیدا کند یا مصرف از روزانه به چند نوبت در هفته برسد.

رزیتا بهاردوست، متخصص تغذیه، در گفتگو با «تجارت‌نیوز» درباره اهمیت مصرف لبنیات در دوران رشد کودکان گفته است: «دریافت کافی کلسیم و ویتامین D در دوران رشد بسیار مهم است و کودکان برای رشد مناسب استخوان‌ها به دریافت کافی این مواد مغذی نیاز دارند.»

این متخصص تغذیه افزوده: «وقتی قیمت کالاهای ضروری با سرعت افزایش پیدا می‌کند، خانوارها معمولاً ابتدا مقدار خرید را کاهش می‌دهند، سپس به سراغ برند یا نوع ارزان‌تر می‌روند و در نهایت ممکن است برخی اقلام را از سبد غذایی خود حذف کنند. لبنیات نیز از این قاعده مستثنا نیست. اگر روند افزایش قیمت ادامه داشته باشد، کاهش مصرف این گروه غذایی می‌تواند به بخشی از تغییرات پایدار در الگوی غذایی خانوار تبدیل شود.»

باقر لاریجانی، رئیس پژوهشگاه علوم غدد و متابولیسم دانشگاه علوم پزشکی تهران، نیز هفته گذشته با اشاره به شیوع بالای پوکی استخوان در ایران گفته است، حدود ۳۰ درصد جمعیت بالای ۵۰ سال کشور به پوکی استخوان مبتلا هستند.

او افزوده: «حدود ۵۰ درصد از جمعیت کشور نیز کاهش تراکم استخوان دارند؛ به این معنا که تنها حدود ۲۰ درصد این جمعیت از وضعیت مناسب تراکم استخوان برخوردارند.»

استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران بر مصرف کافی کلسیم تأکید کرده و گفته: «شیر و ماست از منابع مهم تأمین کلسیم هستند و هر لیوان شیر حدود ۳۰۰ میلی‌گرم کلسیم دارد. افراد باید به دریافت کافی کلسیم توجه کنند.»

علیرضا رئیسی، معاون بهداشت وزارت بهداشت، هفته گذشته در همایش بزرگداشت روز جهانی «غذا و تغذیه سالم و روز جهانی مقابله با کاهش اتلاف وضایعات غذایی» با بیان اینکه نیمی از کودکان زیر پنج سال با کمبود ویتامین دی مواجه هستند، تاکید کرد که میزان مصرف لبنیات تقریباً نصف مقدار توصیه‌شده است و یکی از مشکلات تغذیه‌ای کشور به شمار می‌رود.

اینهمه در حالیست که افزایش دوباره قیمت شیرخام و لبنیات سبب خواهد شد خانوارها ناچار شوند سهم لبنیات در سبد مصرفی خود را کاهش یا این ماده غذایی را بطور کلی از سبد خرید خود حذف کنند.

# قطع همزمان برق و گاز در ایران طی زمستان امسال «حتمی» است

**مدیر روابط عمومی سندیکای صنعت برق از احتمال قطع گاز و برق در برخی استان‌ها طی زمستان امسال خبر داده است. او با اشاره به ۱۳ میلیارد مترمکعب گاز کمتر از پارسال گفته است که مخازن نیروگاه‌ها نیز سوخت کافی ندارند.**

**معاون استانداری گلستان هشدار داده که قطع گاز در گلستان، مازندران و خراسان شمالی بین ۶۰ تا ۹۰ روز قطعی است. مدیرکل پدافند غیرعامل استان گلستان نیز قطع گاز با آغاز موج سرمای زمستان را «حتمی» دانسته است.**

**رئیس سازمان برنامه و بودجه نیز کمبود گاز را جدی دانسته و تأکید کرده است: «امسال سال سردی را پیش رو خواهیم داشت از سوی دیگر با ناترازی [کمبود] گاز مواجهیم».**

قطع گاز و برق در زمستان امسال طی روزهای گذشته از سوی چند مقام دولتی مورد تأکید قرار گرفته است. استان‌های شمال ایران به علت قرار داشتن در انتهای مسیر انتقال گاز با وضعیتی بحرانی‌تر روبرو هستند و معاون استاندار گلستان قطع ۶۰ تا ۹۰ روزه گاز در این استان‌ها را حتمی دانسته است.

کمبود گاز و برق در ایران که حاصل انباشت ناکارآمدی مدیریتی و عدم سرمایه‌گذاری بهینه در صنعت نفت و برق کشور است، امسال به میزان بحرانی رسیده بطوری که چند مقام دولتی نیز به قطع گاز و حتی برق در برخی شهرها طی زمستان امسال اعتراف کرده‌اند.

سالار واعظی، مدیر روابط عمومی سندیکای صنعت برق، از احتمال قطع گاز و برق در برخی استان‌ها طی زمستان امسال خبر داده است. او با اشاره به ۱۳ میلیارد مترمکعب گاز کمتر از پارسال گفته مخازن نیروگاه‌ها نیز سوخت کافی ندارند.

مهدی محیایی، معاون استانداری گلستان، نیز هشدار داده که قطع گاز در گلستان، مازندران و خراسان شمالی بین ۶۰ تا ۹۰ روز قطعی است.

مهدی محیایی اعلام کرد: «یکی از برنامه‌های پیش‌بینی شده، تأمین کرسی‌های برقی ۲۰۰ واتی است. همچنین برای هر خانوار امکان تأمین برق مورد نیاز برای استفاده از دو بخاری برقی هزار واتی در نظر گرفته شده است.»

در استان گلستان رضا حسینی، مدیرکل پدافند غیرعامل استان گلستان، نیز قطع گاز با آغاز موج سرمای زمستان را «حتمی» دانسته است.

موضوع قطع گاز در استان‌های مختلف، به ویژه استان‌های شمال کشور، آنقدر جدی است که به تازگی ۱۰ استان مانور قطع گاز برگزار کرده‌اند و بخش‌های مختلف امدادی و پدافندی خود را برای بحرانی جدی آماده می‌کنند.

حمید پورمحمدی رئیس سازمان برنامه و بودجه نیز کمبود گاز را جدی دانسته است. او با تأکید بر اینکه «امسال سال سردی را پیش رو خواهیم داشت از سوی دیگر با ناترازی [کمبود] گاز مواجهیم» مردم را تهدید کرده: «اگر خانواری الگوی مصرف گاز را رعایت نکند مجبوریم جریمه‌اش کنیم. اگر فشار گاز افت کند ممکن است گاز یک شهر قطع شود نه یک یا دو واحد مسکونی.»

محمدرضا عارف، معاون اول مسعود پزشکیان، نیز دوشنبه چهارم آبان در شورای اقتصاد، از آسیب به ظرفیت تولید ۲۳۰ میلیون مترمکعب گاز سخن گفت و اعلام کرد که دولت برای مشترکان پرمصرف افزایش قیمت را دنبال می‌کند. او نیز تهدید کرد که در صورت بی‌توجهی به میزان مصرف، گاز این مشترکان قطع خواهد شد.

همزمان محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، با تأکید بر ضرورت تبدیل صرفه‌جویی گاز به اقدامی ملی از رسانه‌ها، نهادهای مردمی، شوراهای اسلامی و استانداران

خواسته است با فعال‌کردن ظرفیت محلات و خانوارها زمینه کاهش دست‌کم ۱۰ درصدی مصرف گاز را فراهم کنند.

مقامات جمهوری اسلامی امسال در حالی با توسل به شرایط جنگی و آسیب بخشی از زیرساخت‌های انرژی درباره بحران کمبود گاز سخن می‌گویند، که بحران کمبود گاز و برق حاصل عملکرد حکومت طی بیش از چهار دهه گذشته است. بر اساس آمارهای رسمی، آسیب‌دیدن تأسیسات گازی پارس جنوبی، حدود ۲۳۰ میلیون مترمکعب در روز از ظرفیت فرآورش گاز کشور کم کرده است.

سعید توکلی مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران در مهرماه سال جاری اعلام کرد که حمله ۲۷ اسفند ۱۴۰۴ به تأسیسات گازی عسلویه حدود ۲۳۰ میلیون مترمکعب در روز از ظرفیت فرآورش گاز کشور را از مدار خارج کرده است. به گفته او، برنامه‌ریزی شده بود که حدود ۱۰۰ میلیون مترمکعب از این ظرفیت تا پیش از آغاز زمستان جبران شود و در صورت تحقق این هدف همچنان حدود ۱۳۰ میلیون مترمکعب در روز از ظرفیت ازدست‌رفته باقی می‌ماند.

اینهمه در حالیست که مسبب جنگ و آسیب به زیرساخت‌های کشور در اثر حملات نظامی نیز خود جمهوری اسلامی است! همچنین مقامات دولت توضیح نمی‌دهند روند بازسازی تأسیسات به چه شکلی پیش رفته و علت اینکه جمهوری اسلامی نتوانسته با ترکمنستان برای واردات گاز به توافق برسد، چیست!

کارشناسان توضیح می‌دهند بحران در زمستان امسال مسئله فقط بازسازی چند مجتمع گازی آسیب‌دیده نیست؛ بلکه توان تأمین گاز در روزهای اوج مصرف نیز طی سال‌های گذشته همواره وجود داشته است.

در آنسو، کمبود گاز سبب کند شدن سوخت‌رسانی به نیروگاه‌های حرارتی تولید برق خواهد شد. با توجه به اینکه بار اصلی تولید برق در ایران بر دوش همین نیروگاه‌های فرسوده و کم‌بازده است، کمبود سوخت یا استفاده از سوخت جایگزین مانند مازوت، توان تولید برق را کاهش داده و در نتیجه قطع برق در برخی شهرها نیز به قطع گاز افزوده خواهد شد.

مقامات مسئول طی سال‌های گذشته که کشور همواره در شش ماه نخست سال- به دلیل گرمای هوا و افزایش مصرف انرژی- با کمبود و جیره‌بندی برق، و در نیمه دوم سال با کمبود و جیره‌بندی گاز در صنایع روبرو بود، «مصرف بالای سوخت و انرژی» را علت کمبود دانسته و مردم را متهم می‌کردند. آمارها نشان می‌دهد ادعای «مصرف بالای انرژی توسط مردم» ادعایی دروغ است؛ مصرف سرانه برق ایران حدود یک‌سوم عربستان سعودی و کمتر از یک‌چهارم کویت است!

هاشم اورعی، کارشناس ارشد حوزه انرژی، به روزنامه «اعتماد» گفته: «ارزان بودن انرژی را نمی‌توان تنها عامل مصرف بالای آب، برق، گاز و بنزین در کشور دانست. بخش مهمی از مصرف بالای انرژی به ناکارآمدی تجهیزات، فناوری پایین خودروهای داخلی، ضعف زیرساخت‌های حمل‌ونقل عمومی و سیاست‌گذاری‌های نادرست دولت بازمی‌گردد.»

هاشم اورعی افزوده است: «در کنار اصلاح مدیریت، باید درباره محل هزینه‌کرد منابع عمومی نیز شفافیت بیشتری وجود داشته باشد. اگر قرار است قیمت انرژی اصلاح شود، مردم باید بدانند درآمد حاصل از این سیاست دقیقا در چه بخش‌هایی هزینه خواهد شد؛ آیا این منابع صرف توسعه حمل و نقل عمومی، بهبود خدمات بهداشتی و درمانی، نوسازی شبکه برق و گاز، کاهش اتلاف آب یا حمایت از خانوارهای کم‌درآمد می‌شود؟»

سال‌هاست صنایع نفت و برق کشور با عدم توسعه و بی‌توجهی در سرمایه‌گذاری مولد روبرو بوده‌اند. این روند سبب کاهش توان تولید، هدر رفتن برق و گاز به علت فرسودگی شبکه توزیع، و تکیه بر سوخت فسیلی برای تولید برق شده است.

# ۹۹ درصد جمعیت ایران درگیر خشکسالی هستند

**به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، بیش از ۹۹ درصد جمعیت کشور در پاییز ۱۴۰۴ با درجاتی از خشکسالی روبرو بوده‌اند. بر این اساس، ۳ درصد جمعیت در مناطق دارای خشکسالی خفیف، ۹/۲ درصد در مناطق دارای خشکسالی متوسط، ۲۲/۸ درصد در مناطق دارای خشکسالی شدید و ۶۴/۲ درصد در مناطق دچار خشکسالی بسیار شدید قرار داشته‌اند.**

**مناطق شمالی ایران و دامنه‌های جنوبی البرز، بخش‌های وسیعی از خراسان شمالی، قم، مرکزی، نقاطی از غرب سیستان و بلوچستان، شمال لرستان و نواحی شرقی کرمانشاه و کردستان از جمله مناطق دارای خشکسالی شدید تا بسیار شدید بودند.**

**عیسی بزرگ‌زاده سخنگوی صنعت آب کشور: بیش از ۱۵۰ میلیارد مترمکعب از ذخایر آب زیرزمینی کشور با کسری و بدهی آبی مواجه است و بیش از ۷۰ درصد تالاب‌های کشور، نزدیک به ۸۰ درصد آنها، در معرض خشکی، تخریب یا شرایط نامناسب قرار دارند.**

**بر اساس آخرین آمارها میزان پرشدگی سدهای کشور ۴۴ درصد است و به بیان دیگر بیش از نیمی از ظرفیت سدهای کشور خالی است. تهران، مشهد، اراک و ساوه از مناطقی هستند منابع آبی آنها در وضعیت شکننده قرار دارد و وضعیت سفره‌های آب زیرزمینی در آنها نیز مطلوب نیست.**

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی گزارش داده است که بیش از ۹۹ درصد جمعیت کشور درگیر خشکسالی بوده و ۶۴ درصد از این شهروندان با خشکسالی شدید روبرو هستند.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی گزارشی با عنوان «بررسی و تحلیل شاخص‌های کلان بخش آب در سه‌ماهه سوم سال ۱۴۰۴» را منتشر کرده که بیانگر گسترش خشکسالی در ایران و درگیری ۹۹ درصد از جمعیت کشور با پیامدهای خشکسالی است.

در این گزارش آمده، با وجود افزایش ۸۰ درصدی میانگین بارش کشور در پاییز نسبت به مدت مشابه سال قبل، توزیع نامتوازن بارندگی و افزایش دما موجب تداوم خشکسالی در بخش گسترده‌ای از کشور شده است؛ به طوری که ۶۴.۲ درصد جمعیت ایران در مناطق دارای خشکسالی بسیار شدید قرار داشته‌اند.

بر اساس این گزارش، میانگین بارش پاییز ۱۴۰۴ به ۶۰/۱ میلی‌متر رسید؛ رقمی که در مقایسه با پاییز سال قبل ۸۰ درصد افزایش و نسبت به میانگین بلندمدت ۱/۷ درصد رشد داشته است. با این حال، بارش‌ها در ۲۴ استان کمتر از میانگین بلندمدت بود و بخش عمده افزایش بارندگی کشور نیز تحت تأثیر بارش‌های قابل توجه در برخی استان‌های جنوبی قرار داشت.

بر اساس این گزارش، بیش از ۹۹ درصد جمعیت کشور در پاییز ۱۴۰۴ با درجاتی از خشکسالی روبرو بوده‌اند. بر این اساس، ۳ درصد جمعیت در مناطق دارای خشکسالی خفیف، ۹/۲ درصد در مناطق دارای خشکسالی متوسط، ۲۲/۸ درصد در مناطق دارای خشکسالی شدید و ۶۴/۲ درصد در مناطق دچار خشکسالی بسیار شدید قرار داشته‌اند.

بر اساس تحلیل شاخص SPEI، مناطق شمالی کشور و دامنه‌های جنوبی البرز، بخش‌های وسیعی از خراسان شمالی، قم، مرکزی، نقاطی از غرب سیستان و بلوچستان، شمال لرستان و نواحی شرقی کرمانشاه و کردستان از جمله مناطق دارای خشکسالی شدید تا بسیار شدید بودند.

در مقابل، هرمزگان، بخش عمده مناطق فارس و کرمان، بخش‌هایی از خراسان «رضوی» و خراسان شمالی، شمال شرق اصفهان و برخی مناطق دیگر شرایط نرمال تا ترسالی ضعیف داشته‌اند. در ایلام، شمال کردستان و جنوب آذربایجان غربی نیز عمدتاً شرایط نرمال گزارش شده است.

خشکسالی خفیف تا متوسط در بخش‌هایی از خراسان «رضوی» و خراسان جنوبی، قسمت عمده سیستان و بلوچستان، یزد، چهارمحال و بختیاری، خوزستان، کرمانشاه و لرستان حاکم بود.

این گزارش افزوده، استان کرمان بیشترین اثرپذیری مستقیم از خشکسالی را داشته است: استان کرمان به دلیل سهم بالای اشتغال کشاورزی و شدت خشکسالی، بیشترین اثرپذیری مستقیم را از خشکسالی پاییز ۱۴۰۴ داشته است. خراسان شمالی، آذربایجان غربی، اردبیل، همدان، لرستان، گلستان، زنجان و هرمزگان نیز در گروه استان‌های دارای اثرپذیری بالا قرار گرفته‌اند.

در مقابل، استان‌های تهران، البرز، قم، اصفهان و یزد به دلیل سهم کمتر اشتغال کشاورزی، از منظر این شاخص شرایط نسبتاً مطلوب‌تری داشته‌اند. در این روش، بیشترین امتیاز اثرگذاری خشکسالی به کرمان با امتیاز ۱۰ و کمترین امتیاز به تهران با امتیاز یک اختصاص یافته است. این شاخص تنها بر دو عامل شدت خشکسالی هواشناسی و سهم اشتغال کشاورزی متکی است و سایر پیامدهای احتمالی خشکسالی بر زندگی مردم و فعالیت‌های اقتصادی را در بر نمی‌گیرد.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تأکید کرده، افزایش میانگین بارش در یک فصل، که اتفاقا در پاییز ۱۴۰۴ رخ داد، به تنهایی برای پایان خشکسالی کافی نیست. توزیع نامتوازن بارندگی، افزایش دما و تداوم کم‌بارشی در بخش گسترده‌ای از کشور موجب شده است که با وجود

بارش‌های مناسب در برخی مناطق، خشکسالی همچنان بخش عمده جمعیت ایران را تحت تأثیر قرار دهد.

همانطور که در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز تأکید شده، بارندگی‌های مقطعی در پاییز سال گذشته و حتی بارندگی‌های هفته‌های اخیر که متأثر از پدیده النینو در ایران رخ داده به معنای جبران کمبود آب و کاهش خشکسالی نیست.

در همین رابطه عیسی بزرگ‌زاده، سخنگوی صنعت آب کشور، در گفتگو با «باشگاه خبرنگاران جوان» گفته: «میان پربارشی یک سال یا وقوع یک یا دو سیلاب در یک منطقه با پایان خشکسالی فاصله زیادی وجود دارد بیش از ۱۵۰ میلیارد مترمکعب از ذخایر آب زیرزمینی کشور با کسری و بدهی آبی مواجه است و بیش از ۷۰ درصد تالاب‌های کشور، نزدیک به ۸۰ درصد آنها، در معرض خشکی، تخریب یا شرایط نامناسب قرار دارند. این مشکلات با یک یا دو سیلاب برطرف نمی‌شوند اگر بارش‌های شدید در بالادست سدها رخ دهد، می‌تواند به بهبود معنادار وضعیت مخازن و منابع آبی کمک کند؛ اما تحقق این موضوع به محل وقوع بارش‌ها و امکان ذخیره‌سازی آب بستگی دارد.»

عیسی بزرگ‌زاده افزوده: «حتی اگر میزان پرشدگی سدهای کشور و تهران بهبود پیدا کند، نمی‌توان تنها بر اساس این شاخص، پایان خشکسالی را اعلام کرد؛ زیرا خشکسالی ابعاد مختلفی دارد و وضعیت آب‌های زیرزمینی، تالاب‌ها و منابع آب در مناطق مختلف کشور نیز باید مورد توجه قرار گیرد.»

آمار وضعیت ذخایر صدهای ایران نیز نشان می‌دهد که خشکسالی همچنان تأمین آب بخش کشاورزی و آشامیدنی در استان‌های مختلف را تهدید می‌کند. بر اساس آخرین آمارها، میزان پرشدگی سدهای کشور ۴۴ درصد است و به بیان دیگر بیش از نیمی از ظرفیت سدهای کشور خالی است.

برخی استان‌ها از جمله تهران با وضعیت بحرانی‌تری در ارتباط با منابع آب روبرو هستند. میزان پرشدگی سد لار ۳ درصد، طالقان ۳۲ درصد، لتیان ۲۹ درصد و ماملو ۱۱ درصد است که نشان از وضعیت بحرانی آب استان دارد.

احد وظیفه، رئیس مرکز ملی اقلیم و سرپرست بحران خشکسالی سازمان هواشناسی، درباره وضعیت آب تهران گفته است: «تهران ۴۰ درصد کم‌بارشی دارد و حتی با نرمال شدن بارش‌های پاییزی، کم‌آبی و افت شدید سفره‌های زیرزمینی بطور کامل جبران نمی‌شود و بحران آب پابرجا خواهد ماند.»

آمارها همچنین نشان می‌دهند تهران، مشهد، اراک و ساوه از مناطقی هستند منابع آبی آنها در وضعیت شکننده قرار دارد و وضعیت سفره‌های آب زیرزمینی در آن‌ها نیز مطلوب نیست.

از سوی دیگر، گزارش شاخص «کاهش ذخیره آب در خشکی» که به تازگی از سوی سازمان جهانی هواشناسی منتشر شده نشان می‌دهد وضعیت خشکسالی در ایران بحرانی‌تر شده است. بر اساس این گزارش در سال ۲۰۲۵ میلادی بارش بهاری در ایران ۴۴ درصد کمتر از حد نرمال بود، ورودی آب به مخازن در بخش‌هایی از ایران کاهش یافت و سطح آب «دریاچه ارومیه» بسیار پایین‌تر از حد نرمال قرار گرفت. ایران در این گزارش، در کنار عراق، سوریه و اردن، از کانون‌های پایدار خشکسالی در خاورمیانه معرفی شده است؛ کشورهایی که همگی با سال‌های پی در پی خشکسالی و پایین‌ترین سطح ذخیره آب در خشکی روبرو بوده‌اند.

# افزایش بیش از ۳۰ درصدی قیمت مرغ در ایران؛ مرغداران می‌گویند همچنان زیان می‌کنند

- **قیمت مرغ طی روزهای گذشته با افزایش حدود ۷۰ هزار تومانی در هر کیلو به محدوده ۳۵۰ هزار تومان رسیده است. قیمت مرغ پیش از این ۲۸۰ هزار تومان بود.**
- **مدیرعامل اتحادیه مرغداران گوشتی می‌گوید مرغداران در فروش هر کیلوگرم مرغ بین ۸۰ تا ۱۰۰ هزار تومان زیان می‌کنند.**
- **وزیر جهاد کشاورزی افزایش قیمت جهانی نهاده را عامل افزایش بیش از ۳۰ درصدی قیمت مرغ اعلام کرده اما تولیدکنندگان معتقدند مجموعه عوامل داخلی از جمله افزایش بهای ارز و قیمت برق، بیش از عوامل خارجی بر افزایش هزینه تولید موثر بوده است.**
- **مشاور عالی اتحادیه مرغداران گوشتی کشور، اواخر بهار امسال گزارش داد سرانه مصرف گوشت مرغ در ایران به حدود ۲۶ تا ۲۷ کیلوگرم برای هر فرد در سال رسیده که نشان‌دهنده کاهشی بیش از ۱۱ کیلوگرمی نسبت به سال‌های گذشته (از حدود ۳۴ کیلوگرم) است.**

قیمت مرغ در ایران با افزایش روبرو شده است و هر عدد مرغ متوسط در بازار حدود یک میلیون تومان عرضه می‌شود. در شرایطی که افزایش قیمت مرغ سبب حذف این ماده غذایی از سبد خرید بخشی از شهروندان شده است، مدیرعامل اتحادیه مرغداران گوشتی نیز می‌گوید مرغداران در فروش هر کیلوگرم مرغ بین ۸۰ تا ۱۰۰ هزار تومان زیان می‌کنند.

قیمت مرغ طی روزهای گذشته با افزایش حدود ۷۰ هزار تومانی در هر کیلو به محدوده ۳۵۰ هزار تومان رسیده است. قیمت مرغ پیش از این ۲۸۰ هزار تومان بود.

گزارش‌های میدانی نشان می‌دهد افزایش قیمت‌ها در همه شهرها یکسان نبوده است. برای نمونه در برخی شهرها قیمت مرغ ۳۳۵ هزار تومان در هر کیلو و در برخی شهرهای دیگر قیمت مرغ ۳۸۰ هزار تومان است.

مهدی یوسف‌خانی، دبیر انجمن کشتارگاه‌ها و صنایع بسته‌بندی طیور، قیمت مصوب [دستوری] مرغ برای مصرف‌کننده را ۳۸۰ هزار تومان اعلام کرده و گفته قیمت‌های عرضه شده در محدوده ۳۴۰ هزار تومان کمتر از نرخ مصوب دولت است.

دبیر انجمن کشتارگاه‌ها و صنایع بسته‌بندی طیور افزوده سطح قیمت مرغ احتمالا تا نیمه آبان‌ماه در محدوده ۳۸۰ هزار تومان تثبیت خواهد شد.

همزمان با آغاز افزایش بیش از ۳۰ درصدی قیمت مرغ از آخر مهرماه، غلامرضا نوری قزلجه، وزیر جهاد کشاورزی، گفته بود «سال گذشته پس از آزادسازی قیمت نهاده قیمت مرغ کیلویی ۳۷۰ هزار تومان تعیین شد و اکنون بالا رفتن قیمت جهانی نهاده‌ها روی قیمت مرغ اثر می‌گذارد. وی به میزان افزایش جهانی قیمت اشاره‌ای نکرد».

اگر چه وزیر جهاد کشاورزی افزایش قیمت نهاده را «جهانی» اعلام کرده، اتحادیه‌های مرغداران افزایش هزینه تولید را بیشتر ناشی از افزایش پنج برابری قیمت نهاده پس از حذف ارز ترجیحی در سال گذشته می‌دانند. به بیان دیگر تولیدکنندگان افزایش هزینه‌های تولید را ناشی از یک سیاست داخلی، و نه یک عامل جهانی ارزیابی می‌کنند.

در همین رابطه حبیب اسداله‌نژاد، مدیرعامل اتحادیه مرغداران گوشتی، با اشاره به افزایش هزینه‌های تولید در صنعت مرغداری گفت: «مرغداران طی ماه‌های اخیر به ازای فروش هر کیلوگرم مرغ بین ۸۰ تا ۱۰۰ هزار تومان زیان کرده‌اند و زیان روزانه این بخش به ۶۰۰ تا ۷۰۰ میلیارد تومان می‌رسد.»

حبیب اسداله‌نژاد معتقد است با وجود افزایش ۴۰

تا ۵۰ هزار تومانی قیمت مرغ، نرخ این محصول هنوز به قیمت واقعی خود نرسیده و تأکید کرده است: «پیش از این، هر کیلوگرم ذرت با ارز ترجیحی حدود ۱۱ هزار و ۳۰۰ تومان قیمت داشت که اکنون به حدود ۶۰ هزار تومان رسیده است. همچنین قیمت هر کیلوگرم کنجاله سویا از ۲۰ هزار و ۹۰۰ تومان به ۸۵ هزار تومان افزایش یافته است.»

این فعال صنفی درباره علت افزایش هزینه‌ها گفته است: «افزایش چشمگیر هزینه خدمات دولتی از جمله برق، تغییرات نرخ ارز و افزایش هزینه نهاده‌های تولید، از عوامل مؤثر بر افزایش هزینه تمام‌شده مرغ هستند.»

جبرئیل برادری رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان تهران البته نظری نزدیک به نظر مدیرعامل اتحادیه مرغداران گوشتی دارد و افزایش هزینه‌های داخلی را از جمله عوامل موثر بر افزایش قیمت مرغ دانسته است. او گفته است «قیمت مرغ اکنون به حدود ۳۵۰ هزار تومان برای هر کیلوگرم رسیده است. او این قیمت را حاصل لحاظشدن هزینه‌هایی از جمله بسته‌بندی، کرایه حمل، نهاده‌های دامی و سایر خدمات دانست و گفت این «قیمت منطقی است.»

حمیدرضا کاشانی رئیس اتحادیه مرکزی مرغداران میهن از افزایش چندبرابری قیمت تمام‌شده مرغ و تخم‌مرغ در پی جهش نرخ ارز خبر داد و گفت تولید مرغ در کشور طی ۱۰ ماه گذشته کاهش یافته است. حمیدرضا کاشانی حذف ارز ترجیحی، نبود حمایت دولتی برای تأمین سرمایه در گردش و مشکلات خرید تضمینی را از عوامل فشار بر تولیدکنندگان عنوان کرد.

مجید موافق قدیری، رئیس انجمن صنایع خوراک دام، طیور و آبزیان، نیز پیش‌تر کمبود نقدینگی را مهم‌ترین چالش مرغداران پس از حذف ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی دانسته بود.

احسان نوری، عضو انجمن صنایع خوراک دام، طیور و آبزیان ایران نیز پیش‌تر گفته بود بود جهش قیمت مرغ و تخم‌مرغ باعث شده این اقلام به تدریج از سبد خانوارها حذف شود.

جدا از دلایل افزایش هزینه تولید، افزایش قیمت مرغ به معنای محرومیت خانواده‌های بیشتری از این ماده غذایی است.

آمارها نشان می‌دهند تولید گوشت مرغ از حدود ۲۳۰ هزار تن در خرداد ۱۴۰۴ به ۱۷۴ هزار تن در خرداد امسال رسیده؛ کاهشی حدود ۲۵ درصدی که می‌تواند نشانه‌ای از تغییر در میزان مصرف باشد.

با وجود کاهش تولید، کمبود محسوسی در بازار گزارش نشده است. کارشناسان این موضوع را به معنای کاهش تقاضا برای خرید مرغ ارزیابی می‌کنند و می‌گویند وقتی با وجود کاهش تولید و عرضه، همچنان کمبود مرغ در بازار گزارش نشده به این معناست که همزمان سهم مرغ در سبد خرید خانوارها کاهش پیدا کرده است.

محمدعلی کمالی، مشاور عالی اتحادیه مرغداران گوشتی کشور، اواخر بهار امسال گزارش داد سرانه مصرف گوشت مرغ در ایران به حدود ۲۶ تا ۲۷ کیلوگرم برای هر فرد در سال رسیده است که نشان‌دهنده کاهشی بیش از ۱۱ کیلوگرمی نسبت به سال‌های گذشته (از حدود ۳۴ کیلوگرم) است.

# کمبود انرژی بلای جان صنایع بی‌رمق ایران

**صنایع کشور از ابتدای سال جاری تا کنون با جیره‌بندی برق روبرو شده و ناچار به کاهش سطح تولید شده‌اند و همزمان بحران‌های ناشی از جنگ و تحریم و محاصره اقتصادی، فشار بر صنایع را، مانند دیگر بخش‌های اقتصاد، افزایش داده است.**

**نرخ گاز در ردیف مربوط به کارخانه‌های فولاد و تأسیسات عمومی از حدود ۱۰ هزار و ۷۷۳ تومان به ازای هر مترمکعب در سه‌ماه نخست سال، به ۱۷ هزار و ۸۴۹ تومان در شهریورماه رسیده که بیانگر افزایش حدود ۶۶ درصدی در بازه زمانی شش ماهه است!**

**رضا شهرستانی، عضو هیئت مدیره انجمن فولاد آلیاژی: رقابت‌پذیری فولاد تنها به قیمت انرژی وابسته نیست بلکه به مجموعه‌ای از عوامل شامل هزینه هر تن تولید، پایداری تامین انرژی، هزینه حمل، امکان انتقال پول و توان تحویل به‌موقع محصول بستگی دارد. هرچه عدم قطعیت در این بخش‌ها بیشتر شود فشار بر تولید و صادرات فولاد نیز افزایش خواهد یافت.**

صنایع در ایران در شرایطی با رکود تورمی عمیق ناشی از جنگ و محاصره اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کنند که دولت نیز با افزایش قیمت گاز، تهدیدی جدی برای صنایع به ویژه صنایع فولاد ایجاد کرده است. یک اقتصاددان با تأکید بر گرفتاری اقتصاد کشور در دام رکود تورمی، تأکید کرده کاهش تولید و افت تقاضا چرخه‌ای ساخته که خروج از آن دشوار است.

کمبود انرژی و سوخت در سال جاری تشدید شده و حالا دولت نه تنها صنایع را در اولویت جیره‌بندی گاز قرار داده بلکه هزینه گاز نیز افزایش یافته است.

نرخ گاز در ردیف مربوط به کارخانه‌های فولاد و تأسیسات عمومی از حدود ۱۰ هزار و ۷۷۳ تومان به ازای هر مترمکعب در سه‌ماه نخست سال، به ۱۷ هزار و ۸۴۹ تومان در شهریورماه رسیده که بیانگر افزایش حدود ۶۶ درصدی در بازه زمانی شش ماهه است!

این در حالیست که صنایع کشور از ابتدای سال جاری تا کنون با جیره‌بندی برق روبرو شده و ناچار به کاهش سطح تولید شده‌اند و همزمان بحران‌های ناشی از جنگ و تحریم و محاصره اقتصادی، فشار بر صنایع را، مانند دیگر بخش‌های اقتصاد، افزایش داده است.

روزنامه «جهان صنعت» در گزارشی به موضوع افزایش تعرفه گاز برای صنایع فولاد پرداخته و نوشته است که افزایش نرخ گاز در سال جاری به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های صنعت فولاد تبدیل شده؛ موضوعی‌که فقط به رشد مبلغ قبوض فعالان اقتصادی و معدنی محدود نمی‌شود بلکه می‌تواند بطور مستقیم بر تولید، بهای تمام شده، صادرات و حاشیه سود شرکت‌های فولادی اثر منفی بگذارد.

مسئله این است که درپی کمبود انرژی، کاهش تولید می‌تواند تحویل سفارش‌ها را به‌تاخیر بیندازد و در نتیجه اثر منفی بر صادرات داشته باشد. در پی این روند اعتماد مشتری خارجی کاهش یافته و باعث از دست رفتن

# ۷۷ ساعت؛ روایت سینمایی شب‌های خونین ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه

فیلم «۷۷ ساعت» به نویسندگی و کارگردانی وحید مهدوی، روایتی سینمایی از لحظات خونین دو روز ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه ۱۴۰۴ (۸ و ۹ ژانویه ۲۰۲۶) در ایران است؛ شب‌هایی که خشونت عریان و سرکوب بی‌رحمانه‌ی معترضان بی‌دفاع که برای آزادی و حقوق خود به خیابان آمده بودند، زندگی هزاران نفر را در سراسر ایران تحت تأثیر قرار داد. این فیلم در شهرهای مختلف اروپا از جمله در استکهلم به نمایش درآمده است.

کیهان لندن در گزارشی با کارگردان این فیلم، برگزارکنندگان شب نمایش و تماشاگران درباره روایت این فاجعه و نقش سینما در ثبت خاطرات جمعی و اهمیت بازتاب و بازگفتن آنچه در آن شب‌ها گذشت، گفتگو کرده است.

بخشی از بازار صادراتی می‌شود؛ موضوعی که بعدا با بازگشت انرژی هم قابل جبران نخواهد بود و هزینه‌های گزافی را به بخش تولیدی تحمیل می‌کند.

این گزارش افزوده، کارشناسان پنج ماه آینده سال را برای واحدهای معدنی پرریسک ارزیابی کرده و باور دارند که اگر محدودیت انرژی، فشار ارزی و مشکلات حمل و نقل ادامه پیدا کند فشار بیشتری بر بهای تمام‌شده و حاشیه سود تولیدکنندگان وارد خواهد شد.

این گزارش تأکید کرده، در صنعت فولاد، گاز طبیعی فقط یک سوخت نیست بلکه در تولید گاز احیاکننده و تبدیل سنگ‌آهن به آهن اسفنجی نقش فرآیندی دارد بنابراین هرگونه محدودیت در تامین آن می‌تواند مستقیما ظرفیت تولید را کاهش دهد. این وضعیت در ماه‌های سرد سال اهمیت بیشتری پیدا می‌کند زیرا همزمان با افزایش مصرف خانگی احتمال محدودیت گاز صنایع نیز بیشتر می‌شود. از سوی دیگر افزایش هزینه انرژی با محدودیت‌های ناشی از تحریم، رشد هزینه حمل، بیمه و انتقال پول، دشواری واردات مواد و تجهیزات و فشار بر صادرات همزمان شده است.

رضا شهرستانی، عضو هیئت مدیره انجمن فولاد آلیاژی، نیز توضیح داده است: «با ورود به فصل سرد، ریسک محدودیت تامین گاز باید در برنامه تولید صنایع فولادی لحاظ شود. با این حال اگر محدودیت انرژی، فشار ارزی و مشکلات حمل‌ونقل ادامه پیدا کند فشار بیشتری بر بهای تمام‌شده و حاشیه سود تولیدکنندگان وارد خواهد شد.»

وی همچنین با اشاره به تشدید فشار بر صنعت فولاد در شرایط تحریم و محاصره اقتصادی گفته: «تحریم‌ها فشار موجود بر صنعت فولاد را تشدید می‌کنند. بخش فولاد ایران مستقیما در چارچوب تحریم‌های آمریکا قرار دارد و همین موضوع همکاری بانک‌ها، خریداران و ارائه‌دهندگان خدمات را دشوارتر می‌کند.» او افزود: «اثر اقتصادی این محدودیت‌ها می‌تواند در قالب افزایش هزینه انتقال پول، محدودشدن انتخاب شرکت‌های حمل و بیمه و طولانی‌ترشدن فرآیند معاملات نمایان شود. در چنین شرایطی حتی اگر تولید انجام شود رساندن محصول به مشتری خارجی می‌تواند پرهزینه‌تر و زمان‌برتر باشد.»

بر اساس توضیحات رضا شهرستانی، مشکلات داخلی صنایع از جمله ناپایداری تأمین انرژی خسارت‌بارتر از تحریم و محاصره دریایی است: «در شرایط فعلی، اولویت صنعت فولاد فقط کاهش نرخ گاز یا برق نیست بلکه تامین پایدار انرژی، امکان برنامه‌ریزی تعرفه‌ها و برخورداری از مسیرهای تجاری قابل اتکا اهمیت بیشتری دارد.صنعت باید بتواند از پیش بداند چه میزان انرژی با چه هزینه‌ای و در چه بازه‌ای در اختیار خواهد داشت.»

او تأکید کرده: «رقابت‌پذیری فولاد تنها به قیمت انرژی وابسته نیست بلکه به مجموعه‌ای از عوامل شامل هزینه هر تن تولید، پایداری تامین انرژی، هزینه حمل، امکان انتقال پول و توان تحویل به‌موقع محصول بستگی دارد. هرچه عدم قطعیت در این بخش‌ها بیشتر شود فشار بر تولید و صادرات فولاد نیز افزایش خواهد یافت.»

صنعت فولاد تنها نمونه‌ای از صنایع و بخش‌های مختلف تولید در ایران است که در پی سال‌ها ناکارآمدی مدیریتی جمهوری اسلامی و انباشت مشکلات ساختاری، در وضعیت بحران قرار گرفته‌اند.

مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه در گفتگو با وبسایت «فرارو» با تأکید بر سابقه طولانی رکود در بنگاه‌های اقتصادی ایران گفته است، بسیاری از واحدهای تولیدی کشور حتی پیش از تشدید تحریم‌ها در سال ۱۳۹۷ نیز با بخشی از ظرفیت خود فعالیت می‌کردند. به گفته او، اکنون آسیب به صنایع فولاد و پتروشیمی، علاوه بر کاهش تولید در این صنایع، واحدهای دیگری را نیز که به مواد اولیه آنها وابسته‌اند، با مشکل مواجه کرده است.

مرتضی افقه معتقد است، رکود در بخش مهمی از اقتصاد ایران، پیش از جنگ اخیر و تشدید فشارهای خارجی نیز وجود داشته و اکنون آسیب به صنایع مادر و اختلال در زنجیره تأمین، خطر عمیق‌ترشدن آن را افزایش داده است.

او توضیح داده: «بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی، به ویژه واحدهای مستقر در شهرک‌های صنعتی، سال‌هاست پایین‌تر از ظرفیت اسمی خود فعالیت می‌کنند. پیش از سال ۱۳۹۷ و تشدید تحریم‌ها و همچنین پیش از جنگ اخیر، بسیاری از این واحدها تنها از حدود ۴۰ تا ۶۰ درصد ظرفیت تولید خود استفاده می‌کردند.»

او درباره علت بروز این مشکلات گفته است: «عوامل داخلی مؤثر بر این وضعیت شامل ناکارآمدی‌های مدیریتی، تغییرات مکرر مدیران، مداخلات دولت در فعالیت بنگاه‌ها و مشکلات ناشی از فساد، از جمله عواملی بوده‌اند که مانع استفاده کامل از ظرفیت تولیدی کشور شده‌اند.»

این اقتصاددان تأکید کرده است: «نمی‌توان همه مشکلات بنگاه‌های اقتصادی را صرفاً به تحریم‌ها یا تحولات خارجی نسبت داد؛ بخشی از ضعف تولید در اقتصاد ایران ریشه در مشکلاتی دارد که طی سال‌ها در ساختار اجرایی و محیط کسب‌وکار انباشته شده‌اند. فشارهای خارجی در سال‌های گذشته بر این مشکلات افزوده و جنگ اخیر نیز شرایط را دشوارتر کرده است. در واقع، اقتصاد ایران با وضعیتی روبرو شده که در آن ضعف‌های ساختاری پیشین با محدودیت‌های تازه در تولید و تأمین مواد اولیه تلاقی پیدا کرده‌اند.»

مرتضی افقه همچنین درباره چشم‌انداز شرایط بحرانی در صنایع گفته: «یکی از نگرانی‌های اصلی درباره تداوم رکود، همزمانی کاهش تولید با افزایش قیمت‌هاست؛ وضعیتی که می‌تواند فشار مضاعفی بر بنگاه‌ها و خانوارها وارد کند. کاهش تولید، عرضه کالاها را محدود می‌کند و افزایش هزینه‌های تأمین مواد اولیه نیز می‌تواند قیمت تمام‌شده محصولات را بالا ببرد. در نتیجه، اقتصاد با شرایطی روبرو می‌شود که رکود و تورم بطور هم‌زمان یکدیگر را تشدید می‌کنند. پیامدهای این وضعیت برای اشتغال و تقاضای داخلی و در نتیجه کاهش فعالیت بنگاه‌ها ممکن است به تعدیل نیروی کار یا افت درآمد شاغلان منجر شود.»

او هشدار داده است: «اقتصاد ایران نمی‌تواند برای مدتی نامحدود با چنین فشارهایی به فعالیت ادامه دهد. ساختار تولیدی کشور و مشکلاتی که از قبل در فعالیت بنگاه‌ها وجود داشته، موجب می‌شود تداوم رکود به‌سرعت توان اقتصادی را تحلیل ببرد. در صورت ادامه این وضعیت، تضعیف بیشتر بنگاه‌ها، کاهش فرصت‌های شغلی و افت درآمد خانوارها رخ می‌دهد و از سوی دیگر، هرچه فعالیت اقتصادی محدودتر شود، بازگشت به سطح قبلی تولید نیز دشوارتر خواهد شد؛ زیرا بنگاه‌ها برای احیای ظرفیت‌های خود به منابع مالی، مواد اولیه، تقاضای مؤثر و چشم‌اندازی نسبتاً باثبات نیاز دارند.»

# گفتگو با عباس فیض درباره خیام و به چالش کشیدن مفهومی به نام پروردگار و جهان آخرت

شخصیت پیچیده و استعدادهای چند وجهی خیام نیشابوری در کنار آثار او در طول قرن‌ها، برای پژوهشگران و نویسندگان بسیاری در سرتاسر جهان، قابل توجه بوده و افراد مختلفی از جمله صادق هدایت و ادوارد فیتزجرالد درباره خیام پژوهش کرده‌اند.

عباس فیض، استاد دانشگاه، مترجم نویسنده و کارشناس حقوق بشر، در گفتگو با «کیهان لندن» درباره روند تحول و استدلال و دیدگاه خیام در مسیر گرایش او به جهان‌بینی دهریون و به چالش کشیدن مفهومی به نام پروردگار و جهان آخرت توضیح می‌دهد.

عباس فیض سال‌ها به عنوان استاد حقوق بشر در دانشکده حقوق دانشگاه «اسکس» بریتانیا به تدریس فلسفه اخلاق و نقش آن در شکل گیری مفهوم آزادی در قرن بیستم مشغول به کار بوده است.

او بیش از سی سال به عنوان پژوهشگر ارشد در سازمان عفو بین‌الملل فعالیت کرده و بیش از ۲۰۰ گزارش و بیانیه علیه نقض حقوق بشر در کارنامه خود دارد.

عباس فیض در زمینه ادبیات، شعر، هنر و فلسفه، پژوهش‌های گسترده‌ای در رابطه با جهان‌بینی آلبر کامو، شعر نو و اشعار سهراب سپهری، همچنین اشعار مولوی، حافظ، و تحلیل رباعیات خیام انجام داده است.

# برگزاری مراسم زادروز شهبانو فرح پهلوی در لندن

مراسم جشن زادروز شهبانو فرح پهلوی ۲۲ مهرماه ۱۴۰۵ در یکی از تالارهای شمال غربی لندن به نام سنت پاول پَریش برگزار شد. این جشن هم‌تراز با یک جشن ملی با کوشش جمعی از ایرانیان ملی‌گرا و اکثرا پادشاهی‌خواه و با دعوت رسمی از مهمانان و با تدارکات خاص جامعه ایرانیان برگزار شد.

در این مراسم سخنرانان درباره شخصیت، و خدمات اجتماعی، فرهنگی، هنری شهبانو فرح پهلوی صحبت کردند و در کنار آن بسیاری از هنرمندان ایرانی به اجرای برنامه پرداختند. برگزارکنندگان این جشن، در کنار تصاویر شهبانو فرح پهلوی، همچنان یاد و نام بسیاری از جاویدنامان اعتراضات سالهای گذشته در ایران را زنده نگه داشتند. و در قسمتی از برنامه به احترام آنها دقایقی سکوت کردند.

هچنین شهبانو فرح پهلوی در ویدیویی که از سوی دفتر ایشان منتشر شد، از ایرانیان سراسر جهان برای برپایی جشن تولد ۸۸ سالگی خود سپاسگزاری کردند.

# بنی سبطی: برنده انتخابات اسراییل هر که باشد، مواضع اسراییل در قبال جمهوری اسلامی تغییر نخواهد کرد

مردم اسرائیل روز سه‌شنبه ۵ آبان (۲۷ اکتبر) در نخستین انتخابات پس از فاجعه تروریستی ۷ اکتبر ۲۰۲۳ به پای صندوق‌های رأی می‌روند. بنی سبطی Beni Sabty پژوهشگر مسائل ایران در موسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل می‌گوید، محور اصلی این انتخابات پاسخگویی مسئولان این کشور در ارتباط با رویداد ۷ اکتبر است و جمهوری اسلامی ایران با وجود حضور پررنگ در فضای سیاسی انتخابات، موضوع اصلی رأی مردم اسرائیل نیست. به گفته‌ی او، در قبال جمهوری اسلامی میان نتانیاهو و رقبایش تفاوتی وجود ندارد و دولت تازه، اتفاقا به مصداق زبانزدِ «جاروی نو بهتر جارو می‌کند»، شاید در رویارویی سوم کار را یکسره کند.

# گفتگو با شاپور باستان‌سیر؛ روایت یک آهنگساز از تبعید، سیاست و رؤیای آزادی ایران

شاپور باستان‌سیر، آهنگساز و هنرمند ایرانی، پس از سال‌ها فعالیت و همکاری با «شورای ملی مقاومت ایران» (مجاهدین خلق)، از این جریان سیاسی فاصله گرفته و امروز از شاهزاده رضا پهلوی و رویکرد او برای آینده ایران حمایت می‌کند.

وی در این گفتگو، از مسیر هنری و تجربه تبعید تا دلایل این تغییر موضع سیاسی و نگاه‌اش به آینده ایران و نقش هنر در مبارزه برای آزادی سخن می‌گوید.

# گفتگو با بهداد بهزادی درباره «مهندسی هنری» در جمهوری اسلامی

نخستین اجراهای مستقل و تکی بهداد بهزادی، موزیسین و نوازنده، از دهه شصت خورشیدی در موزه هنرهای معاصر و فرهنگسرای شفق آغاز شد. وی در ادامه به دلیل محدودیت اجرای موسیقی توسط بانوان در ایران و همچنین سانسور برخی اشعار، بخش قابل توجهی از فعالیت هنری خود را خارج از ایران دنبال کرد و با تشکیل گروه «هور» توانست کنسرت‌های متعددی در اروپا برگزار کند. از آثار بهزادی علاوه بر تکنوازی تار می‌توان به آلبوم «میراث کهن» اشاره کرد؛ اثری که بر اساس موسیقی دوره قاجار شکل گرفته است. سارا پورصبری با این هنرمند درباره فعالیت‌های هنری وی گفتگو کرده است.

کیهان

# نقش دولت در بحران گرانی و کمبود دارو؛ داروخانه‌ها دیگر توان خرید دارو ندارند!

**سازمان بیمه سلامت ایران بخشی از داروهای تزریقی و سرم‌ها را از پوشش بیمه خدمات سرپایی خارج کرده است؛ تصمیمی که در شرایط گرانی دارو و دشواری دسترسی بیماران به اقلام درمانی، فشار بیشتری بر هزینه‌های درمان وارد می‌کند.**

**سلمان اسحاقی سخنگوی کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی: کمبود تجهیزات مصرفی ممکن است تا پایان سال به تعطیلی برخی اتاق‌های عمل منجر شود و برخی بیماران برای تهیه اقلامی مانند دستکش، گان و وسایل پانسمان به خارج از بیمارستان ارجاع داده می‌شوند.**

**حسینعلی شهریاری رئیس کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی: هزینه‌های دارو و درمان کمرشکن شده و در بسیاری از مواقع، دارو به راحتی در دسترس نیست. مردم توان پرداخت هزینه‌های دارو و درمان را ندارند و باید هرچه سریع‌تر برای این وضعیت چاره‌اندیشی شود.**

بحران افزایش قیمت و کمبود دارو در شرایطی ادامه دارد که سازمان بیمه سلامت ایران نیز بخشی از داروهای تزریقی و سرم‌ها را از پوشش بیمه‌ای خدمات سرپایی خارج کرده است. سخنگوی انجمن داروسازان ایران معتقد است، حتی اگر دارو به اندازه کافی هم موجود باشد داروخانه‌ها دیگر توان خرید دارو ندارند. او با اشاره به مطالبات گسترده داروسازان از دولت گفته: «نامه‌نگاری با رئیس‌جمهور هم به پرداخت مطالبات منجر نشد.»

خبرگزاری «مهر» گزارش داده، سازمان بیمه سلامت ایران بخشی از داروهای تزریقی و سرم‌ها را از پوشش بیمه خدمات سرپایی خارج کرده است؛ تصمیمی که در شرایط گرانی دارو و دشواری دسترسی بیماران به اقلام درمانی، فشار بیشتری بر هزینه‌های درمان وارد می‌کند.

مهدی ناصحی، مدیرعامل سازمان بیمه سلامت ایران، اعلام کرد این تغییر با هدف اختصاص منابع به خدمات اورژانسی و بستری انجام شده است؛ وی اما نام داروهای مشمول و میزان افزایش هزینه پرداختی بیماران را مشخص نکرد.

آشفتگی در بازار داروی ایران مدت‌هاست با واکنش نمایندگان مجلس شورای اسلامی روبرو شده و گزارش‌ها بر تهدید جان بخشی از بیماران به علت دسترسی کافی و به موقع به دارو اشاره دارند.حسینعلی شهریاری، رئیس کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی، در همین ارتباط گفت: «هزینه‌های دارو و درمان کمرشکن شده و در بسیاری از مواقع، دارو به راحتی در دسترس نیست. مردم توان پرداخت هزینه‌های دارو و درمان را ندارند و باید هرچه سریع‌تر برای این وضعیت چاره‌اندیشی شود.»

سلمان اسحاقی، سخنگوی کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی، نیز روز یکشنبه سوم آبان‌ماه ۱۴۰۵ در تذکری در نشست مجلس شورای اسلامی گفت: «ضروری است مجلس بعد نظارتی خود را در مورد افزایش قیمت کالاهای اساسی و داروها به کار گیرد تا افزایش مبلغ کالابرگ بتواند بخشی از مشکلات مردم را حل کند.»

وی گفت که هزینه ماهانه برخی داروهای شیمی‌درمانی خارجی برای بیماران سرطانی از ۳۰۰ میلیون تومان فراتر رفته و این فشار مالی در مواردی بیماران را به انصراف از ادامه درمان وادار کرده است. او همچنین برآورد مجلس از کمبود دارو را نزدیک به ۸۰۰ قلم اعلام کرد.

وی هشدار داد: «کمبود تجهیزات مصرفی ممکن است تا پایان سال به تعطیلی برخی اتاق‌های عمل منجر شود و برخی بیماران برای تهیه اقلامی مانند دستکش، گان و وسایل پانسمان به خارج از بیمارستان ارجاع داده می‌شوند.»

افزایش و کمبود اقلام دارویی در حالیست که مقامات دولت مدعی تأمین ارز و منابع کافی برای تأمین دارو هستند.

عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی در گفتگو با پایگاه اطلاع‌رسانی دولت با اشاره به تأکید مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم بر تأمین ارز دارو، گفت: «در هفت ماه گذشته از سال ۱۴۰۵، نزدیک به ۳ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار ارز برای دارو تأمین کرده‌ایم که این میزان در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته ۲۸ درصد افزایش داشته است.»

رئیس کل بانک مرکزی با اشاره به اینکه شرایط امسال با سال گذشته تفاوت زیادی دارد گفته: «با وجود این تفاوت‌ها، میزان ارز تأمین‌شده برای دارو افزایش یافته است.»

عبدالناصر همتی گفته است: «علاوه بر تأمین ارز، منابع ریالی قابل‌توجهی نیز به‌ویژه برای تولید دارو در اختیار تولیدکنندگان عمده این حوزه قرار داده‌ایم.»

ادعای رئیس کل بانک مرکزی اما از سوی فعالان صنعت دارو رد می‌شود. یکی از مهمترین مشکلات داروسازان عدم تأمین منابع و تسویه حساب از سوی دولت عنوان می‌شود. به گفته فعالان داروسازی بحران نقدینگی در زنجیره دارو، از داروهای بیماران خاص گرفته تا اقلام پرمصرف مانند انسولین، اسپری‌های تنفسی و داروهای قلبی و اعصاب را تحت تأثیر قرار داده است.

عدم توجه دولت به پرداخت منابع و تعهدات مالی به داروسازان از سوی هادی احمدی، سخنگوی انجمن داروسازان ایران، تأیید شده است. او در گفتگو با وبسایت «اقتصاد ۲۴» با انتقاد از تأخیر در پرداخت مطالبات داروخانه‌ها گفت: «مطالبات داروخانه‌ها به مدت ۱۱ ماه پرداخت نشده و این مسئله توان مالی آنها برای خرید دارو را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. در چنین شرایطی، داروخانه‌ها با وجود موجود بودن دارو در انبار شرکت‌های پخش، نقدینگی لازم برای خرید و عرضه آن به بیماران را ندارند. همین موضوع باعث شده تا با شکلی از کمبود کاذب دارو در کشور مواجه شویم.»

سخنگوی انجمن داروسازان ایران گفت: «حدود سه ماه پیش، قرارداد داروخانه‌ها بر مبنای ماده ۳۸ الحاقی اصلاح شد، اما سازمان‌های بیمه‌گر حتی به تعهدات خود بر اساس قراردادهای اصلاح‌شده نیز عمل نمی‌کنند. به نظر می‌رسد برخی نهادها خود را ملزم به رعایت قوانین نمی‌دانند و خارج از چارچوب قانونی عمل می‌کنند.»او افزود: «اگر سازمان‌های بیمه‌گر با کمبود منابع یا ناترازی مواجه هستند، این مسئله نباید به بیماران و داروخانه‌ها منتقل شود. بیمار حق بیمه پرداخت کرده است و اکنون که بازنشسته شده یا به خدمات درمانی نیاز دارد، باید بتواند از حقوق قانونی خود استفاده کند. نمی‌توان به دلیل مشکلات مالی دستگاه‌های مختلف، مردم را از حقوق طبیعی‌شان محروم کرد.»

هادی احمدی با اشاره به مشکلات مالی داروخانه‌ها ادامه داد: «داروخانه‌ها تا چه زمانی می‌توانند با وجود انباشت مطالبات و کاهش توان خرید، به فعالیت خود ادامه دهند؟ داروخانه‌ها دیگر توان خرید دارو را ندارند و در شرایطی قرار گرفته‌اند که ادامه فعالیت برایشان دشوار شده است.»

به گفته سخنگوی انجمن داروسازان ایران حتی دستور رسیدگی مسعود پزشکیان به مشکلات داروسازان نیز به جایی نرسیده است: «ما مکاتبات متعددی انجام داده‌ایم و جلسات زیادی برگزار شده است. رئیس‌جمهور نیز دو بار دستور رسیدگی به این مسائل را صادر کرده، اما تا این لحظه اقدامات لازم انجام نشده و تعهدات قانونی همچنان بر زمین مانده است.»

# اینترنت بی‌کیفیت در ایران گران‌تر شد؛ افشای نامه نهادهای مسئول درباره قطع سراسری اینترنت در صورت بروز جنگ

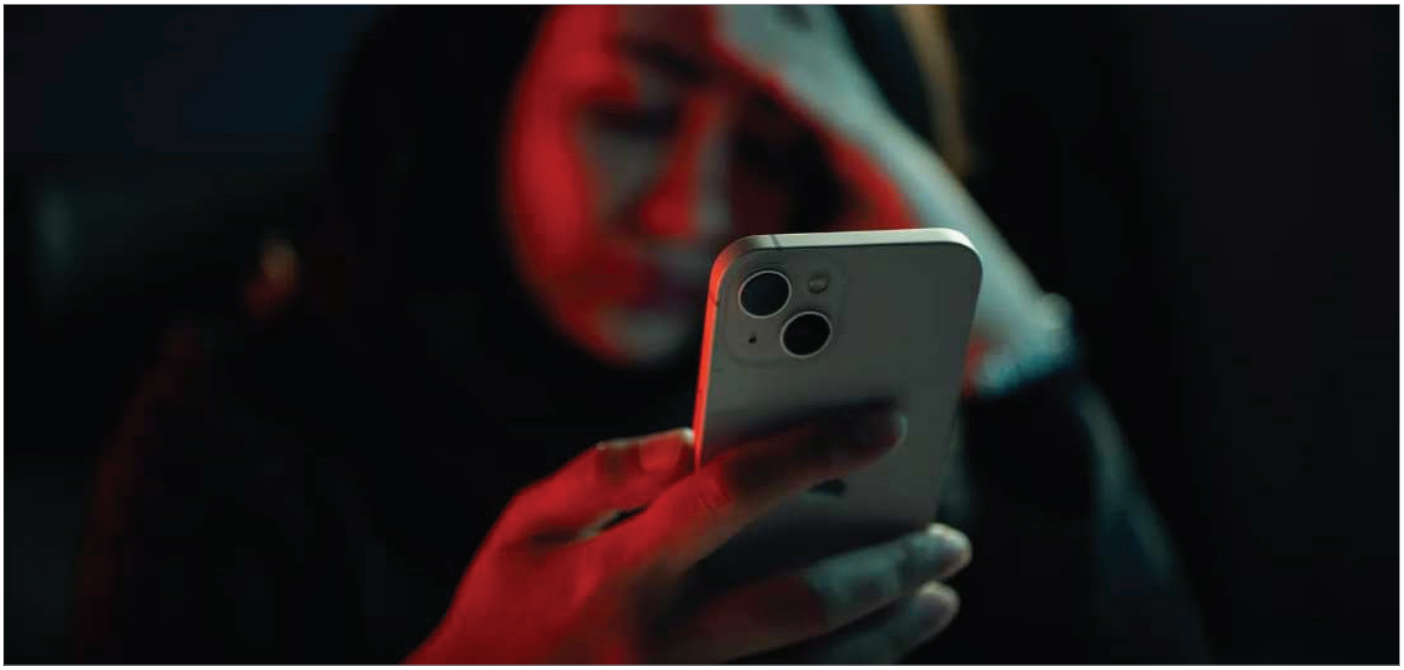

**اپراتورهای ارائه خدمات اینترنتی و مخابراتی در ایران اعلام کردند که تعرفه مکالمه، پیامک و بسته‌های اینترنت همراه از بامداد امروز جمعه اول آبان‌ماه تا سقف ۴۰ درصد افزایش یافته است.**

**قیمت اینترنت طی سال گذشته دو مرحله دیگر افزایش یافته بود. در آذرماه پارسال ۲۰ درصد و در اسفندماه سال گذشته ۱۸ درصد به تعرفه اینترنت افزوده شده بود.**

**در گزارش سالانه «آزادی اینترنت ۲۰۲۶» آمده، ایران از نظر آزادی اینترنت از ۱۳ به ۹ در مقیاس ۱۰۰ امتیاز کاهش یافته و اکنون، در کنار چین و میانمار، از سرکوب‌شده‌ترین محیط‌های اینترنتی جهان محسوب می‌شود.**

**این گزارش نوشته، ایجاد ساختار اینترنت طبقاتی به جمهوری اسلامی امکان می‌دهد در شرایط بحرانی کنترل شدیدی بر جریان اطلاعات اعمال کند، در حالی که گروه‌های نزدیک به ساختار قدرت همچنان از مزایای اینترنت جهانی برخوردار می‌مانند.**

با وجود اختلال و کاهش سرعت اینترنت بی‌کیفیت ایران، اپراتورهای ارائه خدمات اینترنتی و مخابراتی از افزایش تعرفه‌ها تا ۴۰ درصد خبر داده‌اند.

اپراتورهای ارائه خدمات اینترنتی و مخابراتی در ایران اعلام کردند، تعرفه مکالمه، پیامک و بسته‌های اینترنت همراه از بامداد امروز جمعه اول آبان‌ماه تا سقف ۴۰ درصد افزایش یافته و به تدریج در تمامی کانال‌های فروش اعمال می‌شود. اپراتور «ایرانسل» علاوه بر افزایش اینترنت همراه، مکالمه و پیامک از افزایش ۴۰ درصدی اینترنت ثابت خود خبر داد.

در اطلاعیه اپراتورهای اینترنتی و مخابراتی آمده است: «بسته‌های اینترنتی خریداری‌شده پیش از اجرای تعرفه‌های جدید، بدون تغییر تا پایان دوره اعتبار خود قابل استفاده خواهند بود. همچنین در تعرفه‌های جدید، مصرف اینترنت پیام‌رسان‌های داخلی با نرخ یک‌سوم و ترافیک وبسایت‌های داخلی مشمول، با نرخ نیم‌بها نسبت به ترافیک عادی محاسبه خواهد شد.»

پیشتر قیمت اینترنت طی سال گذشته در دو مرحله افزایش یافته بود. در آذرماه پارسال ۲۰ درصد و در اسفندماه سال گذشته ۱۸ درصد به تعرفه اینترنت افزوده شده بود.

افزایش قیمت اینترنت در حالیست که شبکه اینترنت در ایران یکی از بی‌کیفیت‌ترین و پراختلال‌ترین اینترنت‌ها در میان کشورهای جهان ارزیابی می‌شود.

در گزارش سالانه «آزادی اینترنت ۲۰۲۶» که روز گذشته، ۳۰ مهرماه ۱۴۰۵، از سوی سازمان «خانه آزادی» منتشر شد، آمده ایران از نظر آزادی اینترنت از ۱۳ به ۹ در مقیاس ۱۰۰ امتیاز کاهش یافته و اکنون، در کنار چین و میانمار، از سرکوب‌شده‌ترین محیط‌های اینترنتی جهان محسوب می‌شود.

وضعیت آزادی اینترنت در این سازمان، بر اساس ۲۱ شاخص، شامل موانع دسترسی، محدودیت محتوا و نقض حقوق کاربران، در مقیاس صفر تا ۱۰۰ ارزیابی می‌شود.

این گزارش به اقدامات جمهوری اسلامی در محدوسازی و قطع ارتباط شهروندان با اینترنت جهانی و ایجاد اینترنت طبقاتی به عنوان نظام دسترسی محدود و تبعیض‌آمیز اینترنت اشاره شده و آمده مقامات جمهوری اسلامی پس از آغاز حملات نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران در اسفند ۱۴۰۴، دسترسی عمومی شهروندان به اینترنت جهانی را برای حدود ۸۸ روز قطع کردند.

«خانه آزادی» قطع اینترنت در ایران پس از آغاز جنگ اخیر را طولانی‌ترین قطع سراسری اینترنت در ۱۶ سال اعلام گزارش سالانه این سازمان اعلام کرده است.

در ادامه این گزارش تأکید شده، اگرچه از خردادماه محدودیت قطع سراسری اینترنت برداشته شد که همچنان اینترنت ایران با اختلال و فیلترینگ روبروست و شهروندان به مجموعه محدودی از وبسایت‌ها دسترسی دارند.

بخش دیگری از گزارش «خانه آزادی» به قطع حدود سه هفته‌ای اینترنت در جریان سرکوب اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ اشاره کرده که هزاران کشته و حدود ۵۰ هزار بازداشتی بر جای گذاشت.

گزارش «خانه آزادی» به شیوه جدید سرکوب شهروندان با ایجاد اینترنت طبقاتی نیز اشاره کرده و نوشته تغییر ساختار اینترنت ایران بیش از پیش شهروندان را از ارتباط آزاد با اینترنت جهانی محروم کرده و تنها گروهی محدود که از «امتیازات ویژه» حکومتی برخوردار هستند امکان دسترسی به خدمات اینترنت جهانی را دارند.

این گزارش نوشته، ایجاد ساختار اینترنت طبقاتی به جمهوری اسلامی امکان می‌دهد در شرایط بحرانی کنترل شدیدی بر جریان اطلاعات اعمال کند، در حالی که گروه‌های نزدیک به ساختار قدرت همچنان از مزایای اینترنت جهانی برخوردار می‌مانند.

در بخش دیگری از گزارش افزایش سازمانیافته هزینه خدمات وی‌پی‌ان و فیلترشکن‌ها و ایجاد اختلال در سیگنال‌های اینترنت ماهواره‌ای استارلینک به عنوان راهکاری برای جلوگیری از دور زدن فیلترینگ و سانسور توسط شهروندان ارزیابی شده است.

همانطور که در این گزارش تأکید شده، محدود ساختن اینترنت به عنوان راهکاری برای سرکوب شهروندان در مقاطعی چون جنگ و اعتراضات سراسری ادامه دارد.

وبسایت «زومان» نیز دو روز پیش افشا کرد که نهادهای مسئول در نامه‌ای «رسمی و الزام‌آور» تأکید کرده‌اند که در صورت آغاز جنگ جدید، دسترسی کاربران در ایران به اینترنت بین‌الملل باید بلافاصله قطع شود. به گزارش «زومان»، این تصمیم به عنوان یک تکلیف اجرایی تعیین شده است تا در شرایط درگیری نظامی، دسترسی به شبکه جهانی قطع شود.

# اجرای تراژدی «مکبث» در پاریس؛ «بدترین شرارت‌ها از انسان سرچشمه می‌گیرد»

**نمایش مکبث از سال ۲۰۲۵ تا ماه اکتبر و نوامبر ۲۰۲۶ بارها در پاریس و شهرستان‌ها به روی صحنه خواهد رفت.**

**وانیا شکراللهی نویسنده، بازیگر، کارگردان و تدوین‌گر ساکن پاریس است. او تاکنون حدود بیست فیلم کوتاه و نیمه بلند ساخته است. نخستین فیلم بلند او با عنوان «پاریس، روزی در ماه مه» در سال ۲۰۲۴ ساخته و به نمایش در آمد.**

**وانیا شکراللهی: آنان که گمان می‌کنند در پی ساختن جهانی بهتر هستند، اما در نهایت وحشت و ترور می‌آفرینند، ابتدا برای به دست آوردن قدرت و سپس برای نجات جان خودشان؛ در پایان، تنها چیزی که باقی می‌ماند پوستی است آغشته به خون، خونی که لکه‌هایش هرگز پاک نخواهد شد.**

نمایش «مکبث»، عکس از وحید امانپور

**کتایون حلاجان** - وقتی بر فراز تپه نگهبانی می‌دادم، به سوی بیرنام نگاه کردم و ناگهان، چنین به نظرم رسید که جنگل در حرکت است.

مکبث: می روم و کار تمام است. صدای زنگ مرا به سوی خود می‌خواند. دانکن، مبادا آن را بشنوی، زیرا این ناقوس مرگ است که تو را به آسمان یا به دوزخ فرامی‌خواند.

مکبث: خون ریخته خواهد شد؛ می‌گویند خون، خون را فرامی‌خواند.

« مکبث: در کجای شب هستیم ؟

لیدی مکبث: در ساعت نامشخصِ نبردش با صبح...»

راوی به میان صحنه می‌آید، پرده سپید بالا می‌رود و نقاشی بزرگ هویدا می‌شود.

بشتابید و به داستان مکبث گوش بسپارید؛ سردار پیروزمند، غرق در شکوه وافتخار ...محبوبِ همسرش؛ همسری جاه‌طلب... محبوبِ پادشاه‌اش؛ دانکنِ نیک سرشت ...

داستان سه خواهر پیشگو، که سرنوشت را چون افسون و طلسمی بر زبان می‌رانند...

داستان سرزمین اسکاتلند، غرق در خونِ سیاهی که بیش از حد جاری شده است...

داستان جنایتی جبران‌ناپذیر که جنایت‌های دیگری را به دنبال می‌کشد!

داستان یک کودتا، پدران از دست رفته و پسرانی که در پی انتقام‌اند...

داستان مکبثِ پادشاه کُش!

وانیا شکراللهی نمایش مکبث را با این کلمات آغاز می‌کند.

وانیا شکراللهی نویسنده، بازیگر، کارگردان و تدوین‌گر ساکن پاریس است. او تاکنون حدود بیست فیلم کوتاه و نیمه بلند ساخته است. نخستین فیلم بلند او با عنوان «پاریس، روزی در ماه مه» در سال ۲۰۲۴ ساخته و به نمایش در آمد. نخستین تجربه او در مقام کارگردان تئاتر، نمایش مکبث است که از سال ۲۰۲۵ تا ماه اکتبر و نوامبر ۲۰۲۶ بارها در پاریس و شهرستان‌ها به روی صحنه خواهد رفت. وانیا شکراللهی روایت داستان مکبث را با سنت پرده‌خوانی در ایران آمیخته است. پرده نقاشی بزرگی که در پس زمینه صحنه نمایش مکبث قرار دارد، توسط ویتالیا ساموئیلووا Vi-talia Samuilova و ناتان هاربون Nathan Harbon برای این نمایش نقاشی شده است.

وانیا شکراللهی در پاسخ به این پرسش که «چطور تراژدی مکبث که در قرن ۱۷ میلادی نوشته شده هنوز به روی صحنه می‌رود و داستان آن همچنان ملموس و قابل درک در جهان معاصر است؟» می‌گوید: «طرح این پرسش، خود اعترافی است به روزگار ما، به بستر سیاسی و اجتماعی و این همه تاریکی که ما را فرا گرفته است. مکبث کاوشی است در ترسی که بر جامعه ما طنین‌انداز است و خشونت، خشونت مردم، چه آن گاه که آشکارا بیان می‌شود و چه آن گاه که در اعماق وجود انسان پنهان می‌ماند. و همچنین خشونت حکومت‌ها. جهان شمول بودن داستان مکبث پیچ وخم‌های روح انسانی است با نقاب‌های هراس‌انگیزی که به روی چهره دارد.»

وانیا شکر اللهی ادامه می‌دهد: «دو سرچشمه برای من در انتخاب این نمایشنامه وجود دارد. یکی از آن‌ها بی‌تردید در ایران و در روستای طغرود است. در زمینی بایر در اطراف شهر قم که ریشه‌های پدری من به آنجا برمی‌گردد. پدرم اندکی پس از وقوع انقلاب ایران را برای تحصیل به مقصد فرانسه ترک می‌کند. چند ماه بعد جنگ آغاز می‌شود. خمینی قدرت را در دست دارد و سرکوب داخلی در کنار جنگ به واقعیت زندگی تبدیل می‌شود. برادران همرزم به دشمنان یکدیگر بدل می‌شوند.»

«من با این داستان‌ها بزرگ شده‌ام. داستان انقلاب، دیکتاتوری، یورش‌های گسترده و دستگیری‌های دسته جمعی، زندان، ترور و سرکوب. در خانه‌ای که من در آن بزرگ شدم، دوستان ایرانی، افغان، لبنانی، سوری، فلسطینی و ارمنی‌ها رفت وآمد دارند... هرکدام با روایت‌هایی از تبعید، گذشته ای خیال پردازی شده و آراسته به قلم‌موی خاطره و حالی شکسته و ویران. جمله‌هایی که مدام تکرار می‌شوند: پیش از جنگ، پیش از انقلاب، پیش از اشغال...»

«مکبث تاریک‌ترین نمایشنامه شکسپیر است که مرا از درون می‌شکافد. تاریکی همه جا را فرا گرفته است. نویسنده به ما هشدار می‌دهد. مراقب باشید! این مسیر به سوی نقطه‌ای بی‌بازگشت پیش می‌رود. مراقب سقوط قهرمانان باشید! آنچه بیش از هر چیز مرا تحت تاثیر قرار می‌دهد، تردید مکبث، انسانیت او، ترسی که گاه به سراغش می‌آید و گاه از او دور می‌شود است. ترسی که سرانجام بر آن غلبه می‌کند.»

«مکبث حامل هیچ نوری نیست؛ اما ترس‌ها و تردیدهای انسان فانی را با خود دارد، انسانی از گوشت و خون که از مرگ، ارواح و خداوند می ترسد. مکبث به ما یادآوری می‌کند که بدترین شرارت‌ها از انسان سرچشمه می‌گیرد. چنان همه چیز را ویران می‌کنند که هیچ راه بازگشتی باقی نمی‌ماند. این شرارت‌ها از امید زاده می‌شوند؛ امیدی عظیم، امید یک ملت. امیدی که در پی جنایت‌ها، حذف‌ها، تعقیب‌ها و سرکوب‌ها، ذره ذره درهم می‌شکند؛ تا سرانجام به تب بدل شود. آنان که گمان می‌کنند در پی ساختن جهانی بهتر هستند، اما در نهایت وحشت و ترور می‌آفرینند، ابتدا برای به دست آوردن قدرت و سپس برای نجات جان خودشان؛ در پایان، تنها چیزی که باقی می‌ماند پوستی است آغشته به خون، خونی که لکه‌هایش هرگز پاک نخواهد شد.»

گروه تئاتر قایق سیاه (Le Bateau Noir) در پائیز سال ۲۰۲۳ بادبان‌های خود را برافراشت و سفرش را آغاز کرد.

وانیا شکراللهی این گروه را در پاریس تأسیس کرد و به سرعت هنرمندان دیگری به این گروه پیوسته و توانستند از حمایت گروه تئاتر Compagniemia و La Fonderie برخوردار شوند. اعضای گروه قایق سیاه در جست‌وجوی نوعی نمایش هستند تا با جریان‌های فکری و اجتماعی زمانه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم همسو و حساس باشد. کار کردن با نقاب‌ها نیز بخش دیگری از پروژه هنری این گروه است. نقاب‌هایی که ابزاری برای جست‌وجو، دگرگونی، آشکار کردن حقیقت درونی و فراتر رفتن از محدودیت‌ها است. چند تن از اعضای این گروه، علاوه بر بازیگری و فعالیت‌های نمایشی، در زمینه ساخت نقاب‌ها نیز فعالیت می‌کنند.

# هشدار معاون وزیر کار درباره بیکار شدن یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر تا پایان سال

**معاون توسعه کارآفرینی و اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی هشدار داد در صورت تداوم رشد اقتصادی منفی، تا پایان سال بین یک میلیون و ۲۰۰ هزار تا یک میلیون و چهارصد هزار شغل از بازار کار کشور حذف خواهد شد.**

**معاون وزیر کار افزود، در فاصله اسفند ۱۴۰۴ و آغاز جنگ، تا پایان امرداد ۱۴۰۵ رقمی معادل یک میلیون و ۱۵۰ هزار بیمه‌شده از بازار کار ایران خارج شدند و ۳۰۰ هزار نفر به فهرست بیمه بیکاری افزوده شد.**

**به گفته این مقام مسئول، بر اساس بررسی‌های ۲۰ ساله وزارت کار، به ازای هر یک درصد کاهش رشد اقتصادی، بطور متوسط ۱۷۰ هزار فرصت شغلی از بین می‌رود.**

**بسیاری از اقتصاددانان و حتی نمایندگان مجلس شورای اسلامی به دولت پزشکیان هشدار داده‌اند که عدم موفقیت تیم اقتصادی دولت در ارائه و اجرای طرح‌های حمایتی می‌تواند سبب بروز اعتراضات سراسری مردم شود.**

معاون توسعه کارآفرینی و اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی هشدار داد در صورت تداوم رشد اقتصادی منفی، تا پایان سال بین یک میلیون و ۲۰۰ هزار تا یک میلیون و چهارصد هزار شغل از بازار کار کشور حذف خواهد شد.

مالک حسینی، معاون توسعه کارآفرینی و اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، با اعلام این هشدار، افزود در فاصله اسفند ۱۴۰۴ و آغاز جنگ، تا پایان امرداد ۱۴۰۵ رقمی معادل یک میلیون و ۱۵۰ هزار بیمه‌شده از بازار کار ایران خارج شدند و ۳۰۰ هزار نفر به فهرست بیمه بیکاری افزوده شد.

او با اشاره به تفاوت میان آمار رسمی و برآورد فعالان بازار کار که رقمی تا چهار میلیون نفر از بازار کار ایران از آغاز جنگ تا کنون را اعلام کرده‌اند، گفت آمار رسمی بر اساس تعداد شاغلان با قرارداد رسمی و بیمه است اما از آنجا که سهم مشاغل غیررسمی در بازار کار ایران بیش از ۵۴ درصد است، بیکارشدگان در این بخش در آمارهای رسمی قرار نمی‌گیرند.

معاون وزیر کار افزود، تعداد شاغلان ایران از حدود ۲۴ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر به حدود ۲۳ میلیون و ۵۰۰ تا ۲۳ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر در پایان بهار سال جاری کاهش یافته است.

مالک حسینی گفت، بر اساس گزارش‌های رسمی، رشد اقتصادی ایران در بهار سال جاری بدون احتساب نفت، منفی ۱۰ درصد و با احتساب نفت منفی ۴/۶ درصد بوده است. او همچنین توضیح داد بر اساس بررسی‌های ۲۰ ساله وزارت کار، به ازای هر یک درصد کاهش رشد اقتصادی، بطور متوسط ۱۷۰ هزار فرصت شغلی از بین می‌رود.

این مقام وزارت کار درباره اینکه چرا تعداد افراد تحت پوشش بیمه بیکاری از بیمه‌شدگانی که شغل خود را از دست دادند کمتر است نیز گفت، برخی کارگران بیکار، به دلیل محدودیت مدت دریافت مقرری، ترجیح می‌دهند فعلاً از این حق بیمه بیکاری استفاده نکنند و آن را برای شرایط دشوارتر نگه دارند.

معاون وزیر کار معتقد است که اعتراضات دی‌ماه و قطع اینترنت، سبب تشدید موج بیکاری شد. وی گفت، پس از ریزش گسترده نیروی کار در سال ۱۴۰۴، اعتراضات دی‌ماه و سپس قطع اینترنت، بسیاری از کسب و کارهای خرد و غیررسمی را از فعالیت باز داشت و در کنار جنگ، شرایط بازار کار را وخیم‌تر کرد.

حاج‌اسماعیلی، کارشناس بازار کار، پیشتر اعلام کرده بود از زمستان گذشته تا اواخر فروردین امسال سه تا چهار و نیم میلیون نفر بیکار و از بازار کار ایران خارج شدند.

کارشناسان و فعالان اقتصادی قطع اینترنت و رکود ناشی از جنگ را از عوامل موج گسترده بیکاری در ماه‌های گذشته اعلام کرده‌اند. علی حکیم‌جوادی، رئیس سازمان نظام صنفی رایانه‌ای کشور، خسارت مستقیم ناشی از قطع اینترنت را روزانه بیش از ۲۰ میلیون دلار برآورد کرده و هشدار داده است که این رقم شامل خسارت‌های غیرمستقیم مانند خروج سرمایه، مهاجرت نیروی متخصص و کاهش اعتماد رمایه‌گذاران نمی‌شود.

همچنین با افزایش تورم و افزایش هزینه تولید، بخشی از کسب و کارها برای تداوم فعالیت ناچار به کاهش هزینه‌ها شدند که اخراج نیروی کار به عنوان یکی از اصلی‌ترین اقدامات برای کاهش هزینه‌ها سبب بیکاری شمار زیادی از کارگران و کارگران شد.

مرکز آمار ایران گزارش داده، نرخ بیکاری افراد ۱۵ ساله و بیشتر در بهار امسال ۹/۱ درصد بوده است. این نرخ نسبت به بهار پارسال ۱/۸ درصد افزایش یافته است. در این فصل نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله به ۲۳/۴ درصد رسیده و در همین مدت، حدود ۴۵۰ هزار نفر از شمار شاغلان کشور کاسته شده‌اند.

در همین دوره، جمعیت غیرفعال اقتصادی به ۳۹ میلیون و ۵۳۵ هزار نفر رسید و حدود ۷۹۶ هزار نفر افزایش یافت. این ترکیب، تصویری نگران‌کننده از بازار کار ترسیم می‌کند: تعداد شاغلان کاهش یافته، نرخ بیکاری جوانان بالا رفته و شمار افرادی که در بازار کار حضور ندارند نیز بیشتر شده است.

در آنسو، کارشناسان اقتصادی هشدار می‌دهند افزایش بیکاری در کنار افزایش تورم، سبب فشار مضاعف بر خانوارها و عمیق شدن نارضایتی‌ها و افزایش پتانسیل اعتراضی مردم خواهد شد. بسیاری از اقتصاددانان و حتی نمایندگان مجلس شورای اسلامی به دولت پزشکیان هشدار داده‌اند که عدم موفقیت تیم اقتصادی دولت در ارائه و اجرای طرح‌های حمایتی می‌تواند سبب بروز اعتراضات سراسری مردم شود.

# دیدگاه‌های رسانه‌ای جهان عرب درباره انتخابات اسرائیل

تبلیغ انتخاباتی با عکس نتانیاهو و آیزنکوت بر پلی در تل‌آویو/ ۲۱ اکتبر ۲۰۲۶

**بسیاری از اعراب معتقدند که کنار رفتن نتانیاهو از قدرت ممکن است زمینه را برای تغییر در شیوه مدیریت منازعه فراهم کند، اما لزوماً به معنای تغییر موضع اسرائیل درباره تشکیل یک دولت فلسطینی نیست.**

**نکته‌ای که توجه تحلیلگران عرب را به خود جلب کرده، این است که آیزنکوت لزوماً نماینده چرخش در مسئله فلسطین نیست. بسیاری از تحلیلگران عرب تأکید کرده‌اند که موضع آیزنکوت نیز بر مخالفت با راه حل دوکشوری استوار است و او ایده تشکیل دو کشور برای دو ملت را اشتباه می‌داند.**

**احزاب عرب ممکن است به عاملی تعیین‌کننده در تشکیل دولت آینده تبدیل شوند؛ اما نیروهای مخالف نتانیاهو در اسرائیل، از جمله بنت و آیزنکوت، درباره تشکیل دولتی که بر حمایت این احزاب متکی باشد، ملاحظاتی دارند. احزاب اسرائیلی مخالف نتانیاهو ممکن است برای کنار زدن او به آرای عرب‌ها نیاز داشته باشند، اما در همان حال تمایلی به اعطای یک نقش واقعی در حکومت به احزاب عربی نداشته باشند.**

**با همه این اختلاف نظرها برخی از نویسندگان عرب معتقدند که نتانیاهو از وزنه‌ای سنگین نسبت به مخالفان و رقبای خود برخوردار است. پیروزی‌های او در نبرد دو سال اخیر با دشمنان اسرائیل و از میان برداشتن رهبران و فرماندهان حزب‌الله لبنان، رهبر جمهوری اسلامی ایران و فرماندهان سپاه و رهبران و فرماندهان ارشد حماس که همه خواستار نابودی اسرائیل بودند، از مهمترین دستاوردهای اوست.**

**موسی شریفی** – اگر آنچه را در رسانه‌های عربی و مقالات سیاسی درباره انتخابات اسرائیل منتشر می‌شود بررسی کنیم، درمی‌یابیم که دیدگاه‌های عربی تنها به ارزیابی شانس پیروزی و شکست نامزدها محدود نمی‌شود، بلکه از آن فراتر رفته و به یک پرسش اساسی می‌رسد: آیا تغییر دولت‌ها در اسرائیل می‌تواند به تغییر سیاست‌های این کشور در قبال فلسطینیان منجر شود، یا اختلاف میان نامزدها صرفاً به شیوه مدیریت منازعه محدود است و نه به ماهیت و اساس آن؟ درواقع «مسئله فلسطین» در مرکز توجه رسانه‌های عربی در ارتباط با انتخابات و تغییر دولت در اسرائیل قرار دارد.

در حال حاضر، با توجه به اینکه هیچکدام از نامزدها اکثریت لازم ۶۱ کرسی را به دست نیاورده و موضوع تشکیل دولت جدید در اسرائیل همچنان باز است، تفکیک دیدگاه‌های مختلف رسانه‌های عربی در سه سطح اهمیت دارد:

نخست، موضع رسمی کشورهای عربی در قبال انتخابات اسرائیل؛

دوم، مواضع رسانه‌ها، مقالات و تحلیل‌های سیاسی عربی؛

سوم، مواضع فلسطینیان و نیروهای سیاسی عرب در داخل اسرائیل در قبال نامزدها.

### موضع عرب‌ها درباره بنیامین نتانیاهو

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که رسانه‌های عربی مانند روزنامه فرامنطقه‌ای «الشرق الاوسط» یا «ایندیپندنت عربی» بر آن تأکید می‌کنند، اینست که نتانیاهو طرح سیاسی روشنی برای پایان دادن به منازعه فلسطین و اسرائیل ارائه نمی‌دهد و ادامه حکومت او موجب تقویت نفوذ جریان‌های راستگرا و مذهبی تندرو می‌شود.

مسئله این است که انتخابات تنها به شخص نتانیاهو مربوط نمی‌شود، بلکه آینده ائتلاف راستگرا و سیاست‌های آن در قبال فلسطینیان را نیز در بر می‌گیرد.

بسیاری از اعراب معتقدند که کنار رفتن نتانیاهو از قدرت ممکن است زمینه را برای تغییر در شیوه مدیریت منازعه فراهم کند، اما لزوماً به معنای تغییر موضع اسرائیل درباره تشکیل یک دولت فلسطینی نیست.

گزارش‌های شبکه «العربیه» در گفتگو با تحلیلگران عرب از کشورهای مختلف عربی نیز نشان می‌دهد که نتانیاهو درگیر نبردی سیاسی برای حفظ قدرت است؛ آنهم در شرایطی که پس از حوادث ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و جنگ غزه، محبوبیت او کاهش یافته و شاید همین را بتوان دلیلی بر این دانست که ائتلاف وی در انتخابات ۲۷ اکتبر به اکثریت لازم دست نیافت.

از این رو، شخصیت‌هایی مانند نفتالی بنت و یائیر لاپید در عمل جایگزین‌هایی واقعی و بنیادین برای او به شمار نمی‌روند. بنت به جریان راست اسرائیل تعلق دارد و مواضع سختگیرانه‌ای درباره تشکیل دولت فلسطینی اتخاذ کرده است. او همچنین از نظر سیاسی با حمایت از شهرک‌سازی شناخته می‌شود.

لاپید نیز نماینده جریان میانه‌رو اسرائیل است، اما لزوماً طرحی روشن برای خروج از مناطق اشغالی یا تشکیل یک دولت فلسطینی ارائه نمی‌کند.

بیشتر تحلیل‌های عربی درباره ائتلاف بنت و لاپید نشان می‌دهند که صرفا برکناری نتانیاهو ممکن است هدف اصلی سیاسی آنان باشد، اما این امر به معنای آن نیست که این ائتلاف در قبال فلسطینیان، برنامه‌ای کاملاً متفاوت و بنیادین دارد. به این ترتیب، در یک جمع‌بندی کلی ←

می‌توان گفت که میان تغییر نخست‌وزیر اسرائیل و تغییر سیاست‌های اسرائیل در قبال فلسطینیان تفاوت اساسی وجود دارد.

**گادی آیزنکوت؛ جایگزین امنیتی نتانیاهو**

نکته‌ای که توجه تحلیلگران عرب را به خود جلب کرده، این است که آیزنکوت لزوماً نماینده چرخش در مسئله فلسطین نیست.

بسیاری از تحلیلگران عرب تأکید کرده‌اند که موضع آیزنکوت نیز بر مخالفت با راه حل دوکشوری استوار است و او ایده تشکیل دو کشور برای دو ملت را اشتباه می‌داند.

در اینجا یک تناقض مهم آشکار می‌شود: آیزنکوت ممکن است رقیب نتانیاهو در زمینه اداره کشور و مسائل امنیتی باشد، اما لزوماً در مخالفت با تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی، رقیبی متفاوت از او نیست.

به همین دلیل، برخی تحلیل‌های عربی انتخابات اسرائیل را رقابتی درون اردوگاه سیاسی اسرائیل بر سر رهبری کشور می‌دانند، نه رقابتی میان دو طرح متضاد درباره آینده فلسطینیان.

احزاب عرب در اسرائیل؛ نیرویی که ممکن است نتیجه انتخابات را تعیین کند

احزاب عرب در اسرائیل یکی از مهم‌ترین محورهای تحلیل‌های عربی را تشکیل می‌دهند؛ زیرا آرای شهروندان فلسطینی داخل اسرائیل ممکن است بر شکل‌گیری دولت آینده تأثیر بگذارد.

در این زمینه، سه گرایش اصلی مطرح می‌شود و یک مسئله اختلاف‌برانگیز در جامعه عرب فلسطینی داخل اسرائیل شکل می‌گیرد و این پرسش را مطرح می کند که آیا در صورت فراهم شدن امکان مشارکت در ائتلاف دولتی تل‌آویو باید به آن وارد شد؟ یا چنین مشارکتی ممکن است به سیاست‌هایی مشروعیت ببخشد که در قبال فلسطینیان تغییری نکرده‌اند؟

گزارش‌های شبکه‌های شناخته‌شده رسانه‌های عرب مانند «العربیه» سعودی و «الجزیره» قطر و «اسکای‌نیوز عربی» در امارات نشان می‌دهند که احزاب عرب ممکن است به عاملی تعیین‌کننده در تشکیل دولت آینده تبدیل شوند؛ اما نیروهای مخالف نتانیاهو در اسرائیل، از جمله بنت و آیزنکوت، درباره تشکیل دولتی که بر حمایت این احزاب متکی باشد، ملاحظاتی دارند.

**تناقض سیاسی نامزدها نسبت به مشارکت عرب‌ها در ساختار دولت**

احزاب اسرائیلی مخالف نتانیاهو ممکن است برای کنار زدن او به آرای عرب‌ها نیاز داشته باشند، اما در همان حال تمایلی به اعطای یک نقش واقعی در حکومت به احزاب عربی نداشته باشند.

همین مسئله باعث شده است که برخی گزارش‌های رسانه‌های عربی وضعیت موجود را تناقضی میان نیاز به آرای عرب‌ها و مخالفت با مشارکت سیاسی واقعی آنان توصیف کنند.

از نگاه کلی رسانه‌های عربی به انتخابات اسرائیل که از طریق مقالات و تحلیل‌های آنها منتشر می‌شود، می‌توان سه جهت‌گیری استخراج کرد:

نخست اینکه، انتخابات لزوماً به معنای تغییر ماهیت منازعه با عرب‌ها چه فلسطینی چه بقیه نیست. در برخی تحلیل‌ها تردیدهایی وجود دارد که پیروزی مخالفان نتانیاهو بتواند تغییر اساسی در موضع اسرائیل درباره مناطق اشغالی، شهرک‌سازی یا تشکیل دولت فلسطینی ایجاد کند.

دوم، مسئله امنیت اسرائیل همواره دغدغه سیاسیون این کشور بوده و همیشه بر راهکار سیاسی اولویت دارد. پیشینه نظامی برخی نامزدها و گفتمان امنیتی آنان باعث شده است که برخی تحلیلگران عرب معتقد باشند رقابت انتخاباتی بیشتر بر چگونگی حفاظت از اسرائیل و مدیریت منازعه متمرکز است تا پایان دادن به آن.

مسئله سوم اینکه، آرای عرب‌های اسرائیلی از نظر انتخاباتی مهم است، اما نفوذ سیاسی آنان محدود می‌ماند. احزاب عرب ممکن است بر توازن قدرت در کنست تأثیر بگذارند، اما مخالفت برخی نیروهای یهودی با ائتلاف با این احزاب، توانایی آنان را برای تبدیل شدن از یک قدرت انتخاباتی به نفوذ در دولت محدود می‌کند.

به همین دلیل اختلاف‌نظر درباره نتانیاهو، دستگاه قضایی، سربازگیری و نحوه اداره کشور به این معنا نیست که اختلاف مشابهی درباره فلسطینیان یا تشکیل دولت فلسطینی نیز وجود دارد و بیشتر گزارش‌های رسانه‌های عربی درباره این انتخابات نیز از این دیدگاه حمایت می‌کنند؛ زیرا همه داده‌های سیاسی داخل اسرائیل نشان می‌دهند که نامزدهای اصلی، با وجود اختلاف نظر درباره مسائل داخلی اسرائیل، تغییر روشنی در سیاست‌های مربوط به غزه یا تشکیل دولت فلسطینی پیشنهاد نمی‌کنند.

به این ترتیب، از دیدگاه عربی، نباید به انتخابات اسرائیل صرفاً به عنوان رقابتی میان نتانیاهو و آیزنکوت یا میان نتانیاهو، بنت و لاپید نگاه کرد بلکه پرسش مهم‌تر این است که آیا هیچ نامزد اسرائیلی می‌تواند طرحی سیاسی ارائه دهد که حقوق ملی فلسطینیان را به رسمیت بشناسد، یا اینکه این انتخابات صرفاً منازعه را با ابزارهای سیاسی متفاوت بازتولید خواهد کرد؟

تا اینجا، تصویری که مقالات عربی ترسیم می‌کنند، حاکی از آن است که نتانیاهو نماینده ادامه حاکمیت راستگرای تندرو است و بنت و لاپید جایگزینی سیاسی محسوب می‌شوند، اما لزوماً تغییر بنیادینی در مسئله فلسطین ارائه نمی‌کنند. همچنین آیزنکوت جایگزینی امنیتی و نظامی است، نه لزوماً نماینده طرحی سیاسی با رویکردی بازتر در قبال فلسطینیان.

از سوی دیگر، احزاب عربی در از وزن انتخاباتی مهمی برخوردارند، اما با مخالفت گسترده برخی نیروهای اسرائیلی برای مشارکت در حکومت روبرو هستند.بنابراین، تغییر رهبری اسرائیل ممکن است شیوه مدیریت منازعه با عرب‌ها و فلسطینیان را تغییر دهد، اما تضمینی برای تغییر ماهیت منازعه و حل نهایی آن نیست.

**برتری نتانیاهو بر رقبای خود**

با همه این اختلاف نظرها برخی از نویسندگان عرب معتقدند که نتانیاهو از وزنه‌ای سنگین نسبت به مخالفان و رقبای خود برخوردار است. پیروزی‌های او در نبرد دو سال اخیر با دشمنان اسرائیل و از میان برداشتن رهبران و فرماندهان حزب‌الله لبنان، رهبر جمهوری اسلامی ایران و فرماندهان سپاه و رهبران و فرماندهان ارشد حماس که همه خواستار نابودی اسرائیل بودند، از مهمترین دستاوردهای اوست.

غسان شربل سردبیر «الشرق الاوسط» درباره انتخابات اسرائیل نوشت: «برایم دشوار است باور کنم که رأی‌دهندگان اسرائیلی گادی آیزنکوت را ترجیح دهند. این مرد نه اسحاق رابین است که در هفتم ژوئن ۱۹۶۷ وارد بیت‌المقدس شرقی شد، و نه آریل شارون، طراح عملیات دشوار، که ارتش اسرائیل را به قلب منطقه‌ای پر از خطر، یعنی بیروت، برد».

او به نتانیاهو اشاره می‌کند و می‌گوید: «نتانیاهو از رای‌دهندگان خواست تا حافظه خود را بیدار کنند؛ به ویژه وقتی که صبح ناگهان بر رویدادهای هولناک هفتم اکتبر ۲۰۲۳ چشم باز کردند و توفان یحی السنوار را دیدند. وی گفت: از رأی‌دهنده می‌پرسم: یحیی سنوار و برادرش محمد السنوار کجا هستند؟ محمد ضیف و مروان عیسی کجا هستند؟ اسماعیل هنیه رئیس حماس هیچ تصور نمی‌کرد اقامتش در دژ سپاه پاسداران در قلب تهران نمی‌تواند در برابر اسرائیل از او محافظت کند... مسیر توفانی را که آنها به راه انداختند من به خود آنها برگرداندم و همه آنها را بین بردم... متعهد شدم هر کسی را که با توفان الاقصی ارتباط داشته باشد، به قتل برسانم و به وعده‌ام عمل کردم. سران توفان را کشتم و فرزندان و نوه‌هایشان را نیز از میان بردم. از رأی‌دهنده می‌پرسم: حسن نصرالله، هاشم صفی‌الدین، فؤاد شکر، ابراهیم عقیل و علی کرکی کجا هستند؟»

سردبیر «الشرق الاوسط» در ادامه از قول نتانیاهوو می‌نویسد: «تجربه غزه را به منطقه امنیتی در جنوب لبنان منتقل کردم؛ جایی که نیروهای ما در آن مستقر هستند و تا زمانی که سلاح حزب‌الله خلع نشود، آنجا را ترک نخواهند کرد.

امنیت اسرائیل بر هر ملاحظه دیگری اولویت دارد. در برابر اسد کوتاه نیامدیم و در برابر الشرع نیز کوتاه نخواهیم آمد.

آیا رأی‌دهنده فراموش می‌کند که آرشیو هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران چگونه و در زمان چه کسی به اسرائیل منتقل شد و چگونه ترامپ پس از توافق اوباما از آن خارج شد؟ و چگونه رئیس کاخ سفید به ابعاد خطر رژیم ایران پی برد و دستور ترور قاسم سلیمانی، کسی که حامی بازوهای منطقه‌ای تهران بود و رؤیای وارد کردن ضربه بزرگ به اسرائیل را در سر می‌پروراندند، صادر کرد؟

آیا رأی‌دهنده فراموش می‌کند که من دستور از میان برداشتن علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، و فرماندهان ارشد و دانشمندان هسته‌ای او را صادر کردم و هواپیماهای اسرائیلی آسمان تهران را به تسخیر خود درآوردند؟

آیا مردی با ویژگی‌های آیزنکوت می‌توانست ترامپ را برای ورود به جنگ علیه حکومت ایران متقاعد کند؟ آیا او قادر بود جنگ را در چندین جبهه پیش ببرد و تجربه «مناطق امنیتی» را به سرزمین‌های دیگران گسترش دهد؟

آیا رأی‌دهنده حق دارد مرا از دفترم بیرون کند، در حالی که گردباد جنگ جدیدی در حال نزدیک شدن است؟ من از او می‌خواهم فرصتی دیگر به من بدهد تا مأموریتم را در ایران و همچنین جنگ وجودی‌ام در کرانه باختری را به پایان برسانم. خنجرهای دشمنانم برق می‌زنند. آنان می‌خواهند مرا پشت میله‌های زندان ببینند و فراموش می‌کنند که من ایهود اولمرت نیستم. به چند هدیه و تخلف متوسل می‌شوند و آنها را بهانه قرار می‌دهند. حکم صندوق‌های رأی، رد پای خود را بر روند رسیدگی‌های دادگاه تاریخ باقی نمی‌گذارد.»

این خلاصه‌ای از جهت‌گیری‌های تا حدودی متفاوت بود که در گزارش‌ها و مقالات منتشرشده در رسانه‌های عربی مطرح شده است. البته نمی‌توان آن را نوعی نظرسنجی جامع از افکار عمومی جهان عرب یا موضعی یکپارچه از سوی همه مردم در کشورهای عربی دانست چون برخی از کشورهای عربی مانند مراکش و امارات با اسرائیل روابط عادی دارند و از نظر جغرافیایی نیز با اسرائیل مشکلی ندارند جز اینکه در راستای پیمان‌های دفاع مشترک از قضیه فلسطین در اردوی عرب‌ها قرار داشتند اما آن شرایط نیز الان تغییر کرده و مصر و اردن نیز با اسرائیل روابط عادی دارند و سوریه جدید هم در حال گفتگو با اورشلیم است.

# تصورِ سقطِ جنینِ زایشِ پادشاهی‌خواهی در دلِ جمهوری اسلامی

**○ آیا دورخیزِ اصلاح‌طلبان را پهلوی‌خواهان به بطلانِ تاریخ خواهند کشاند؟**

**○ از اصلاحِ دیروز تا ضرورتِ انقلابِ امروز؛ بازخوانیِ یک تناقضِ تاریخی در سرنوشتِ سیاسی و تمدنیِ ایران**

**○ آیا دولت باید خدمتگزارِ استمرارِ ملت و آبادانی سرزمین باشد، یا ملت وسیله‌ای برای استمرارِ قدرتِ حاکمان؟**

**○ زنانِ ایران در سال ۱۹۶۳ میلادی، در چارچوبِ انقلابِ سفید، به حقِ رأی دست یافتند؛ درحالی‌که زنانِ سوئیس در سال ۱۹۷۱، یعنی هشت سال بعد، حقِ رأی در انتخاباتِ فدرال را به دست آوردند.این تنها نمونه‌ای از خدماتِ پهلوی به ایران و بویژه زنان بود.**

**○ شورشِ ۵۷ از نگاه من، نمونه‌ای عبرت‌آموز از تقدّمِ نابودیِ نظمِ موجود بر شناختِ نظمِ جایگزین بود؛ چنان‌که بسیاری از همان مشارکت‌کنندگان، بعدها خود قربانیِ حکومتِ تازه شدند.**

**○ اعتراضاتِ دی‌ماه ۱۳۹۶، آبانِ ۱۳۹۸، خیزشِ «زن، زندگی، آزادی» در سال ۱۴۰۱ و سرکوبِ خونینِ دی‌ماه ۱۴۰۴، که من از آن با عنوانِ نسل‌کشی و با ادعای نزدیک به صد هزار جان‌باخته یاد می‌کنم، از دیدگاهِ من نشان می‌دهند که شکافِ میانِ جامعه و ساختارِ قدرت را نمی‌توان با جابه‌جاییِ جناح‌هایِ حکومتی برطرف کرد.**

**○ حکومتی که مشروعیتِ خویش را بر نفیِ سلطنت بنا کرد، اکنون با نسلی روبرو شده که همان سلطنت را به موضوعِ انتخابِ آینده تبدیل کرده است.**

**○ علاقه‌ی نسلِ جدید به کوروش، داریوش، فردوسی، مشروطه و پهلوی را می‌توان بخش‌هایی از جستجویی بزرگ‌تر دانست: بازسازیِ پیوندِ گسسته میانِ گذشته‌ی تمدنی و آینده‌ی سیاسیِ ایران.**

**○ دورخیزِ تازه‌ی اصلاح‌طلبانِ درونِ نظام، حتی اگر با هدفِ خریدِ زمان برای جمهوری اسلامی صورت گیرد، این‌بار با مانعی روبرو خواهد شد که در گذشته به این اندازه وجود نداشت: تجربه‌ی انباشته‌ی ملت.**

**○ ایرانِ امروز بیش از هر زمانِ دیگری نیازمندِ بازشناسیِ خویش است؛ بازشناسیِ تاریخی که از کوروش و داریوش آغاز می‌شود، در شاهنامه‌ی فردوسی استمرار می‌یابد، از مشروطه می‌گذرد، در دولت‌سازیِ پهلوی جلوه‌ای معاصر پیدا می‌کند و اکنون در برابرِ تجربه‌ی جمهوری اسلامی، بار دیگر به پرسش و الزامی درباره‌ی آینده بدل شده است.**

**«آن زمان که این کشور به اصلاح نیاز داشت، انقلاب کردند؛ و اکنون که سخن از ضرورتِ انقلابی دیگر است، در پیِ اصلاح‌اند.» احمد رضایی / *Tom J. Anderson***

**هنگامی که تاریخ، وجدانِ یک ملت را به محاکمه می‌کشد**

**سیروس کنگرلو** *- تاریخِ ملت‌ها تنها مجموعه‌ای از وقایعِ سپری‌شده نیست؛ حافظه‌ی انباشته‌ی تمدنی است که در بزنگاه‌های سرنوشت‌ساز، از ژرفای تجربه‌های خویش سر برمی‌آورد و نسل‌های پسین را به داوری فرامی‌خواند.

اما چه باید گفت درباره‌ی ملتی که در آستانه‌ی شکوفایی، اصلاح را به شورش فروخت و اکنون که ضرورتِ دگرگونیِ بنیادین بر دروازه‌های تاریخش می‌کوبد، همان فروشندگانِ دیروز، با جامه‌ای دیگر و واژگانی آراسته‌تر، بار دیگر کالای فرسوده‌ی اصلاح را بر سرِ بازار سیاست عرضه می‌کنند؟

به باور من، شورشِ ۵۷ صرفا سقوطِ یک نظام و استقرارِ نظامی دیگر نبود؛ گسستی سهمگین در استمرارِ تاریخیِ دولتِ ایرانی بود. کشوری که در مسیرِ نوسازیِ اقتصادی، صنعتی، علمی و فرهنگی گام برمی‌داشت، جای خود را به حکومتی سپرد که مشروعیتِ خویش را بر انحصارِ ایدئولوژیک، اقتدارِ مذهبی و آرمان‌های فراملی استوار ساخت.

در آن سال، ارتجاعِ سرخ و سیاه، به‌رغم تضادهای ظاهری، در یک هدف به وحدت رسیدند: برچیدنِ سلطنتِ پهلوی.

اکنون، نزدیک به نیم‌قرن پس از آن فاجعه، همان اندیشه‌هایی که دیروز اصلاح را ناکافی می‌دانستند، در برابرِ ساختاری که اصلاح‌ناپذیریِ آن بارها آزموده شده است، از صبر، مدارا و اصلاحِ تدریجی سخن می‌گویند.

این تناقض، تنها خطایی سیاسی نیست؛ نشانه‌ی بحرانی عمیق‌تر در اخلاقِ مسئولیت، فهمِ تاریخی و صداقتِ جریان‌هایی است که هنوز حاضر نشده‌اند هزینه‌ی تصمیم‌های گذشته‌ی خویش را در برابر ملت ایران به رسمیت بشناسند.

**نخست: از ایرانِ باستان تا مشروطه؛ استمرارِ اندیشه‌ی دولتِ ایرانی**

برای شناختِ بزرگیِ آنچه در شورشِ ۵۷ بر ایران رفت، باید تاریخ را نه از سالِ ۱۳۵۷، بلکه از هزاران سال پیش آغاز کرد؛ از روزگاری که ایران، پیش از شکل‌گیری بسیاری از قدرت‌های امروز، تجربه‌ی دولت‌سازی و سازمان‌دهی سرزمین‌های گسترده را پشت سر گذاشته بود.

کوروش بزرگ با بنیادگذاری شاهنشاهی هخامنشی، الگویی از فرمانروایی را به نمایش گذاشت که اداره‌ی سرزمین‌های گوناگون و حفظِ بخشی از سنت‌ها و نهادهای محلی را با پایداری ساختار سیاسی پیوند می‌داد. استوانه‌ی کوروش نیز، در بستر تاریخی خود، از بازگرداندن گروه‌های تبعیدشده و بازسازی نیایشگاه‌ها سخن می‌گوید.

داریوش بزرگ با سازمان‌دهی ساتراپی‌ها، راه شاهی، دستگاه اداری و نظام مالیاتی، استمرارِ قدرت را به سازوکارهای کشورداری پیوند زد.

در اینجا پرسشی فلسفی رخ می‌نماید: آیا دولت باید خدمتگزارِ استمرارِ ملت و آبادانی سرزمین باشد، یا ملت وسیله‌ای برای استمرارِ قدرتِ حاکمان؟

ارسطو در کتابِ سیاست، حکومت‌ها را از منظرِ خیر عمومی و منفعتِ فرمانروایان بررسی می‌کند. در سنتِ ایرانشهری نیز شهریاری با داد، خرد، آبادانی و نگاهبانی از سرزمین پیوند دارد؛ همان مفاهیمی که فردوسی در شاهنامه، با قرار دادنِ خرد در بنیادِ روایتِ تمدنی خویش، به آنها معنایی ماندگار می‌بخشد:

**«به نامِ خداوندِ جان و خرد**
**کزین برتر اندیشه برنگذرد»**

از پاسارگاد و تختِ جمشید تا نقشِ رستم و شاهنامه، تاریخِ ایران حاملِ حافظه‌ای است که هیچ حکومتی نمی‌تواند آن را به مالکیتِ انحصاریِ خود درآورد.

قرن‌ها بعد، جنبشِ مشروطه کوشید این میراثِ تاریخیِ پادشاهی را با قانونِ نوین پیوند دهد. مشروطه‌خواهان دریافتند که مسئله‌ی ایران تنها نامِ حکومت نیست؛ بلکه محدودکردنِ قدرت، تأسیسِ مجلس، استقرارِ قانون و پاسخ‌گوییِ حکومت است.

این کوشش با اندیشه‌های جان لاک درباره‌ی حقوقِ حکومت‌شوندگان و مونتسکیو درباره‌ی تفکیکِ قوا، هم‌سویی فلسفی داشت.

مشروطه، با همه‌ی ضعف‌ها و ناکامی‌هایش، تلاشی برای اصلاحِ ساختارِ دولت بود، نه نابودیِ مفهومِ دولتِ ایرانی.

**دوم: پهلوی؛ نوسازیِ ایران و اصلاحی که به شورش فروخته شد**

ایرانِ پس از قاجار، وارثِ دولتی فرسوده، ضعفِ حکومتِ مرکزی، مداخلاتِ خارجی و زیرساخت‌هایی ناکافی بود.

رضاشاه با ایجاد و گسترشِ نهادهای نوینِ اداری، دادگستری، ثبتِ احوال، ارتشِ متمرکز، راه‌آهنِ سراسری و دانشگاه تهران، بنیان‌های مهمی از دولتِ مدرنِ ایران را استوار ساخت.

محمدرضا شاه نیز گسترشِ صنعت، آموزشِ عالی، خدماتِ بهداشتی، شبکه‌های ارتباطی، توسعه‌ی اقتصادی و حضورِ زنان در عرصه‌ی عمومی را دنبال کرد.

یکی از نمونه‌های برجسته‌ی این تحول، حقِ رأی زنان بود.

زنانِ ایران در سال ۱۹۶۳ میلادی، در چارچوبِ انقلابِ سفید، به حقِ رأی دست یافتند؛ درحالی‌که زنانِ سوئیس در سال ۱۹۷۱، یعنی هشت سال بعد، حقِ رأی در انتخاباتِ فدرال را به دست آوردند.

این تنها نمونه‌ای از خدماتِ پهلوی به ایران و بویژه زنان بود؛ تحولاتی که برای مذهبیون، روحانیون، چپ‌گرایان و به‌اصطلاح روشنفکرانِ آن دوران قابلِ هضم نبود.

روشنفکرانِ جهان‌وطنی که برخی از آنان مدرنیته را در سیگار، کافه، کتاب‌های مارکس و آرمان‌های کمونیستی جستجو می‌کردند، اما بعدها خود به کشورهای سرمایه‌داری پناه بردند؛ تناقضی که از نگاه من، در کنارِ ریاکاریِ مشترکِ بخشی از این جریان‌ها با روحانیتِ سیاسیِ وابسته به منافعِ بیگانه، نیازمندِ بازخوانیِ تاریخی است.

منتقدانِ سلطنت می‌گفتند ایرانِ پیش از شورشِ ۵۷ نیازمندِ گسترشِ آزادی‌های سیاسی بود؛ اما در این روایت، حضورِ جریان‌های مذهبی، سازمان‌های چپ، گروه‌های اسلامیِ نوچپ و شمار فراوانی از احزاب و تشکل‌های سیاسیِ آن دوران، از جمله وجودِ ۱۵۰ حزب و سازمان و گروه تا قبل از آن شورش، که هرگز در هیچ رسانه‌ای کوچک‌ترین اشاره‌ای به آن نشده است.

در کنارِ اینها، عملکردِ سازمان‌های حقوقِ بشری نیز باید بررسی شود که به باور من، حتی برنامه‌های فرهنگ‌سازِ نظامِ شاهنشاهی را با برچسب‌های ضدمذهبی مورد حمله قرار می‌دادند.

بی‌گمان هر نظامی می‌تواند کاستی‌هایی داشته باشد؛ اما ولو فرض بر اینکه پذیرشِ کاستی‌های به‌حق هم دلیلی بر ضرورتِ اصلاحِ ساختارِ سیاسی بود، نمی‌توانست توجیهی باشد برای نابودیِ دستاوردهایِ ایران‌سازی و دولت‌سازی.

و اینجاست که پرسشِ اصلی بازمی‌گردد:

چرا هنگامی که امکانِ اصلاحِ نظامی در حالِ نوسازی وجود داشت، براندازیِ آن برگزیده شد؛ و چرا امروز که قدرتِ نهایی در جمهوری اسلامی در نهادهایی غیرانتخابی متمرکز است، همان واژه‌ی اصلاح بار دیگر بعنوان راهِ نجات عرضه می‌شود؟

**سوم: شورشِ ۵۷؛ هم‌آغوشیِ ارتجاعِ سرخ و سیاه و منافعِ خارجی**

برای فهمِ شورشِ ۵۷ نمی‌توان نقشِ قدرت‌های خارجی، رقابت‌های جنگِ سرد، منافعِ نفتی، شبکه‌های چپ و نیروهای مذهبی را نادیده گرفت.

در همین زمینه، اظهاراتِ تام باراک درباره‌ی نقشِ آمریکا و دموکرات‌ها در کنارزدنِ شاه و به قدرت رسیدنِ خمینی، بخشی از بحثِ گسترده‌تری درباره‌ی مسئولیتِ قدرت‌های خارجی است که باید با اسنادِ تاریخی بررسی شود.

ایرانِ دهه‌ی ۱۹۷۰، بویژه پس از بحرانِ نفتیِ ۱۹۷۳، در مناسباتِ اقتصادی جهان نقشی تعیین‌کننده یافته بود.

محمدرضا شاه بر افزایشِ بهای نفت و سهمِ کشورهای تولیدکننده از ثروتِ انرژی تأکید داشت؛ سیاستی که با منافعِ برخی اقتصادهای صنعتی در تعارض قرار می‌گرفت.

هم‌زمان، گسترشِ توانِ نظامی، صنایعِ پیشرفته و برنامه‌های هسته‌ای، جایگاهِ ایران را در منطقه دگرگون می‌ساخت.

به باور من، این استقلال‌طلبیِ اقتصادی و بلندپروازیِ به‌حقِ ملی را باید در بررسیِ رفتارِ قدرت‌های غربی و نگرانیِ آنان از استمرار یا بازگشتِ نظامِ پادشاهیِ پهلوی در نظر گرفت.

کنفرانسِ گوادلوپ در ژانویه‌ی ۱۹۷۹، سیاست‌های دولتِ کارتر، مأموریتِ ژنرال هایزر، حضورِ خمینی در نوفل‌لوشاتو و رفتارِ دولت‌های اروپایی، بخش‌هایی از پرونده‌ای تاریخی‌اند که هنوز پرسش‌های فراوانی برمی‌انگیزند.

این‌طور می‌نگرم، آنچه رخ داد تنها حاصلِ نارضایتی‌های داخلی نبود؛ تحریکاتِ سیاسی و مذهبی، منافعِ قدرت‌های خارجی و اشتراکِ موقتِ هدفِ نیروهای ارتجاعِ سرخ و سیاه، و کوته‌قدیِ دانشِ سیاسیِ داخلی-بین‌المللیِ ما، در شکل‌گیریِ آن سرنوشتِ ویرانگر نقشی تعیین‌کننده داشتند.

اما نیروهای مخالفِ پادشاهی نه درباره‌ی آزادی توافقی بنیادین داشتند، نه درباره‌ی حقوقِ شهروندی، جداییِ دین از دولت یا ساختارِ نهاییِ حکومتِ آینده.

آنچه آنان را گردِ یکدیگر آورد، دشمنی با پادشاهی و، به باور من، خصومت با تاریخ و تمدنِ ایران و حسادت به دستاوردهای آن بود؛ نه توافق بر سرِ نظامی آزاد، قانونمند و پاسخ‌گو.

آنان در نفی به وحدت رسیدند، اما در اثبات، جهانی از تضاد را با خود حمل می‌کردند؛ پدیده‌ای که نمونه‌هایی از آن را امروز نیز در ائتلاف‌های اعتراضیِ ناهمگون، از جریان‌های «فری فلسطین» و «فری غزه» تا برخی گروه‌های رنگین‌کمانی و دموکرات‌ها و لیبرال‌ها، مشاهده می‌کنیم؛ جریان‌هایی که به‌رغمِ اختلافاتِ درونی، گاه بر سرِ مخالفت با یک هدفِ مشترک گرد می‌آیند.

هانا آرنتْ در بررسیِ نظام‌های تمامیت‌خواه، خطرِ تبدیلِ ایدئولوژی به دستگاهی بسته از حقیقتِ سیاسی را نشان می‌دهد؛ جایی که تکثرِ انسانی و امکانِ مخالفت، قربانیِ ادعای حقیقتِ مطلق می‌شود.

شورشِ ۵۷ از نگاه من، نمونه‌ای عبرت‌آموز از تقدّمِ نابودیِ نظمِ موجود بر شناختِ نظمِ جایگزین بود؛ چنان‌که بسیاری از همان مشارکت‌کنندگان، بعدها خود قربانیِ حکومتِ تازه شدند.

این تراژدیِ شورشی بود که بسیاری از همراهانش نمی‌دانستند فردایِ پیروزی، چه کسی مالکِ قدرت خواهد شد.

**چهارم: اصلاح‌طلبیِ جمهوری اسلامی؛ توبه‌ی سیاسی یا خریدِ زمان؟**

اصلاح‌طلبی در جمهوری اسلامی از آغاز با تناقضی بنیادین روبرو بوده است.

چگونه می‌توان ساختاری را از درون اصلاح کرد که قدرتِ نهاییِ آن در نهادهایی متمرکز است که از نظارتِ مستقیم و مؤثرِ انتخاباتیِ شهروندان مستقل‌اند؟

چگونه می‌توان از آزادیِ انتخابات سخن گفت، هنگامی که نظارتِ استصوابی، امکانِ نامزدی و رقابتِ سیاسی را محدود می‌کند؟

و چگونه می‌توان از اصلاحِ بنیادین دفاع کرد، درحالی‌که تغییرِ قواعدِ اصلیِ قدرت به موافقتِ همان ساختار وابسته است؟

اعتراضاتِ دی‌ماه ۱۳۹۶، آبانِ ۱۳۹۸، خیزشِ «زن، زندگی، آزادی» در سال ۱۴۰۱ و سرکوبِ خونینِ دی‌ماه ۱۴۰۴، که من از آن با عنوانِ نسل‌کشی و با ادعای نزدیک به صد هزار جان‌باخته یاد می‌کنم، از دیدگاهِ من نشان می‌دهند که شکافِ میانِ جامعه و ساختارِ قدرت را نمی‌توان با جابه‌جاییِ جناح‌هایِ حکومتی برطرف کرد.

کارل پوپر در جامعه‌ی باز و دشمنان آن بر ضرورتِ نهادهایی تأکید می‌کند که نقدِ قدرت، اصلاحِ خطاها و برکناریِ مسالمت‌آمیزِ حاکمان را ممکن سازند.

بر این مبنا، اصلاح‌پذیریِ واقعیِ یک نظام را باید با توانایی مردم در تغییرِ صاحبانِ قدرت و قواعدِ محدودکننده‌ی آزادی سنجید، نه با شمارِ سخنرانی‌ها و وعده‌های اصلاح‌طلبانه.

اصلاح‌طلبانی که همچنان به بقایِ ساختارِ ولایتِ فقیه وفادارند، نمی‌توانند هم‌زمان مدعیِ دگرگونیِ بنیادینِ همان ساختار باشند.

از این منظر، آنچه عرضه می‌کنند نه اصلاحِ ساختار، بلکه تجدیدِ آرایشِ سیاسیِ قدرت و خریدِ زمان برای استمرارِ آن است.

**پنجم: زایشِ پادشاهی‌خواهی در زهدانِ جمهوری اسلامی؛ شکستِ مهندسیِ حافظه**

یکی از شگفت‌انگیزترین پدیده‌های تاریخِ معاصرِ ایران، ظهورِ نسلی از پادشاهی‌خواهان است که نه دورانِ رضاشاه را دیده‌اند و نه در دورانِ محمدرضا شاه زیسته‌اند.

این نسل در مدارسِ جمهوری اسلامی تحصیل کرده و با روایتِ رسمیِ حکومت از شورشِ ۵۷ پرورش یافته است؛ روایتی که برای دهه‌ها کوشیده نامِ پهلوی را از افقِ سیاسی و حافظه‌ی تاریخیِ ایران حذف کند.

پس چگونه ممکن است جوانی که هرگز دورانِ پهلوی را تجربه نکرده، به اندیشه‌ی بازگشتِ پادشاهی گرایش پیدا کند؟

به باور من، پاسخ در شکستِ مهندسیِ حافظه‌ی تاریخی نهفته است.

حکومت می‌تواند کتاب‌های درسی را تغییر دهد، نامِ خیابان‌ها را عوض کند، بناها را تخریب کند و روایتِ رسمیِ خویش را تکرار نماید؛ اما نمی‌تواند برای همیشه تجربه‌ی زیسته‌ی شهروندان را با تبلیغاتِ خود یکسان سازد.

ادموند هوسرل در پدیدارشناسی، به تجربه‌ی زیسته و جهانِ زندگیِ انسان توجهی بنیادین دارد.

نسلی که تمامِ عمرِ خود را در جمهوری اسلامی گذرانده، گذشته را از خلالِ تجربه‌ی مستقیمِ خویش از اکنون می‌سنجد. هنگامی که روایتِ رسمی با واقعیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسیِ زندگیِ روزمره در تعارض قرار می‌گیرد، بازاندیشیِ تاریخی آغاز می‌شود.

هانس گئورگ گادامر نیز در هرمنوتیکِ فلسفی نشان می‌دهد که فهمِ گذشته همواره در افقِ پرسش‌های زمانِ حال شکل می‌گیرد.

از این منظر، پادشاهی‌خواهیِ نسلِ جدید لزوما دلتنگی برای گذشته نیست؛ زیرا این نسل گذشته‌ای را که به آن علاقه‌مند شده، شخصا تجربه نکرده است.

این گرایش می‌تواند حاصلِ مقایسه میان دو الگویِ حکومت‌داری و جستجویِ پاسخی برای پرسش‌هایی درباره‌ی دولتِ ملی، توسعه، آزادی‌های اجتماعی، امنیتِ اقتصادی و هویتِ ایرانی باشد.

و درست در همین نقطه است که آنچه قرار بود در زهدانِ جمهوری اسلامی سقط شود، بارِ دیگر در قالبِ اندیشه‌ای سیاسی سر برمی‌آورد.

حکومتی که مشروعیتِ خویش را بر نفیِ سلطنت بنا کرد، اکنون با نسلی روبرو شده که همان سلطنت را به موضوعِ انتخابِ آینده تبدیل کرده است.

این، از نگاه من، یکی از عمیق‌ترین شکست‌های فکری و تاریخیِ جمهوری اسلامی است.

**ششم: از شاهنامه تا پهلوی؛ مشروعیتِ تاریخی و حاکمیتِ ملت**

شاهنامه‌ی فردوسی تنها مجموعه‌ای از داستان‌های پهلوانی و روایت‌های پادشاهان نیست؛ در یکی از ژرف‌ترین لایه‌های معنایی خود، روایتِ استمرارِ ایران در برابرِ فروپاشی، بیداد، بی‌خردی و فراموشی است.

در روایتِ سقوطِ ساسانیان، اندوهِ از دست رفتنِ دولتِ ایرانی، تنها سوگواری برای یک خاندان نیست؛ سوگواری برای فروپاشیِ نظمی تاریخی و ورودِ سرزمین به دورانی نامعلوم است.

به باور من، همین نگرانیِ تمدنی را می‌توان در بازخوانیِ کنار گذاردنِ سلطنتِ پهلوی نیز به کار گرفت؛ نه از آن جهت که دو واقعه یکسان‌اند، بلکه از آن رو که هر دو، پرسشِ استمرارِ دولت و سرنوشتِ هویتِ ملی را پیش می‌کشند.

علاقه‌ی نسلِ جدید به کوروش، داریوش، فردوسی، مشروطه و پهلوی را می‌توان بخش‌هایی از جستجویی بزرگ‌تر دانست: بازسازیِ پیوندِ گسسته میانِ گذشته‌ی تمدنی و آینده‌ی سیاسیِ ایران.

پهلوی‌خواهی هنگامی به عمیق‌ترین معنایِ تاریخیِ خود می‌رسد که از وابستگیِ صرف به یک نام فراتر رود و به دفاع از دولتِ ملی، قانون‌گرایی، جدایی دین از حکومت و بازسازیِ ظرفیت‌های تمدنیِ ایران تبدیل شود.

در جهانِ معاصر، نمونه‌هایی چون بریتانیا، سوئد، دانمارک، نروژ و ژاپن نشان می‌دهند که نهادِ پادشاهی می‌تواند با نظامِ پارلمانی، انتخابات و حاکمیتِ قانون هم‌زیستی داشته باشد.

ایران نیز می‌تواند با بهره‌گیری از میراثِ تاریخیِ خویش، الگویی متناسب با شرایطِ ملیِ خود پدید آورد.

خاندانِ پهلوی، به دلیلِ نقشِ تاریخیِ خود در دولت‌سازیِ معاصر، نوسازیِ ایران و وطن‌دوستی، جایگاهی ویژه در حافظه‌ی سیاسیِ هواداران پادشاهی دارد.

اما استواریِ آینده‌ی این اندیشه به تدوینِ قانونِ اساسیِ روشن، تضمینِ حقوقِ مخالفان، استقلالِ دستگاهِ قضایی، آزادیِ انتخابات و تعیینِ حدودِ اختیاراتِ نهادهایِ حکومتی وابسته است.

این ضرورت، عقب‌نشینی از اندیشه‌ی پادشاهی نیست؛ تبدیلِ یک خواستِ تاریخی به طرحی حقوقی برای آینده است.

زیرا پادشاهیِ مشروطه هنگامی از استحکامِ بیشتری برخوردار خواهد بود که استمرارِ نمادینِ ملی را با حاکمیتِ قانون و رضایتِ آزادِ ملت همراه سازد.

**هفتم: دورخیزِ اصلاح‌طلبان و آزمونِ وجدانِ تاریخی**

اصلاح‌طلبانِ جمهوری اسلامی، پس از دهه‌ها حضور در عرصه‌ی قدرت، اکنون با نسلی مواجه‌اند که وعده‌های آنان را نه بر پایه‌ی واژگانِ آراسته، بلکه با نتایجِ عملیِ گذشته می‌سنجد.

این نسل می‌پرسد: چه تغییرِ بنیادینی در تمرکزِ قدرت، استقلالِ قضایی، آزادیِ رسانه‌ها و حقوقِ شهروندی رخ داده است؟

کارل یاسپرس در مسئله‌ی گناه آلمانی، میان مسئولیت‌های کیفری، سیاسی و اخلاقی تمایز می‌گذارد.

این چارچوب به ما امکان می‌دهد مسئولیتِ تاریخی را تنها به عاملانِ مستقیم محدود نکنیم، بلکه نقشِ تصمیم‌گیرندگان، توجیه‌گران و مشارکت‌کنندگانِ سیاسی را نیز بررسی کنیم.

البته میان شهروندی که با امیدِ کاهشِ خشونت یا بهبودِ زندگی به اصلاحات رأی داده و صاحب‌منصبی که در تصمیم‌گیری‌های حکومتی مشارکت داشته، تفاوتی اساسی وجود دارد.

اما صاحبانِ قدرت نمی‌توانند بدونِ پاسخ‌گویی به کارنامه‌ی خویش، بار دیگر خود را تنها راهِ نجاتِ کشور معرفی کنند.

به باور من، دورخیزِ تازه‌ی اصلاح‌طلبانِ درونِ نظام، حتی اگر با هدفِ خریدِ زمان برای جمهوری اسلامی صورت گیرد، این‌بار با مانعی روبرو خواهد شد که در گذشته به این اندازه وجود نداشت: تجربه‌ی انباشته‌ی ملت.

نسلی که وعده‌های تکراری را در پرتوِ نتایجِ آنها می‌سنجد، دیگر به‌آسانی فریبِ تغییرِ چهره‌ها و آرایشِ دوباره‌ی قدرت را نخواهد خورد.

در فلسفه‌ی تاریخِ هگل، تحولِ آگاهیِ انسان از آزادی جایگاهی اساسی دارد؛ اما گذشتِ زمان به‌تنهایی تضمین‌کننده‌ی خردمندیِ ملت‌ها نیست.

تاریخ زمانی آموزگار می‌شود که تجربه به شناخت و شناخت به تصمیمِ آگاهانه تبدیل گردد.

نسلِ شورشِ ۵۷، با همه‌ی تفاوت‌های درونیِ خود، بدونِ توافقی روشن درباره‌ی نظامِ جایگزین و تضمین‌های آزادی، به سوی براندازی رفت، ولی همچنان اسبِ تِرُوا را نادانسته درون خود حمل می‌کرد.

نسلِ امروز فرصت دارد در دکترینِ دگرگونیِ بنیادینش، درباره‌ی قانونِ اساسی، ساختارِ دولت، حقوقِ شهروندان، جایگاهِ نیروهایِ مسلح، استقلالِ اقتصادی و مناسباتِ خارجیِ ایران بیندیشد.

این همان تفاوتِ میانِ نفیِ خشم‌آلود و انتخابِ خردمندانه است.

**هشتم: بطلانِ تاریخیِ اصلاح‌طلبی و امکانِ زایشِ نظمی نوین**

تاریخ را نمی‌توان با فرمانِ حکومت‌ها متوقف کرد و هیچ دستگاهِ تبلیغاتی نمی‌تواند برای همیشه مانعِ بازگشتِ پرسش‌هایی شود که تجربه‌ی زیسته‌ی مردم آنها را زنده نگاه می‌دارد.

اصلاح‌طلبیِ درون‌ساختاریِ جمهوری اسلامی، مادامی که نتواند پاسخی روشن برای تغییرِ بنیان‌هایِ قدرت ارائه دهد، در برابرِ آزمونِ مشروعیتِ تاریخی قرار خواهد گرفت.

در مقابل، پهلوی‌خواهی نیز باید از نقدِ کابوسِ گذشته فراتر رود و تصویری روشن و خردورزانه از آینده عرضه کند.

آینده‌ای که در آن قانونِ اساسی بر قدرت تقدم داشته باشد؛ استقلالِ دادگستری تضمین شود؛ زنان و مردان از حقوقِ برابر برخوردار باشند؛ شهروندان با هر باورِ دینی یا غیردینی حقوقِ یکسان داشته باشند؛ و دولت، پیش از هر تعهدِ ایدئولوژیک، مسئولِ امنیت و حراستِ مرزهایِ ایرانِ بزرگ، آزادی و رفاهِ ملتِ ایران باشد.

مهم‌ترین سرمایه‌ی چنین آینده‌ای، نه صرفا نفت و گاز، نه تنها موقعیتِ جغرافیایی و نه حتی عظمتِ آثارِ باستانی، بلکه دفعِ اژدها و بازسازیِ اعتمادِ ملت به نهادِ دولت خواهد بود.

دولتی که خود را مالکِ مردم ندانند؛ سرزمین را وسیله‌ی صدورِ ایدئولوژی نکند؛ دانشگاه را میدانِ تولیدِ دانش بداند، نه ابزارِ تحمیلِ عقیده؛ و مشروعیتِ خویش را در خدمت به ایران و پاسخ‌گویی به شهروندان جستجو کند.

این همان افقی است که اندیشه‌ی پادشاهیِ مشروطه، در پیوند با خردِ تاریخی و اراده‌ی آزادِ ملت، می‌تواند برای آینده‌ی ایران ترسیم کند.

**فرجام: سقطی که به زایشِ آگاهی انجامید**

عنوانِ این نوشتار، «تصورِ سقطِ جنینِ زایشِ پادشاهی‌خواهی در دلِ جمهوری اسلامی»، استعاره‌ای از تلاشی است که اندیشه پادشاهی، علیرغم چهار دهه در بطن جمهوری اسلامی در حال رُشد است؛ اما اندیشه‌ها، برخلافِ نهادهای حکومتی، با فرمانِ سیاسی نابود نمی‌شوند.

حافظه‌ی تاریخی در ژرفای تجربه‌ی نسل‌ها استمرار می‌یابد؛ گاه در یک عکس، گاه در یک سند، گاه در نامِ یک پادشاه، گاه در بیتی از فردوسی و گاه در پرسشِ جوانی که هرگز ایرانِ پیش از شورشِ ۵۷ را ندیده است.

جمهوری اسلامی با همه‌ی امکاناتِ تبلیغاتیِ خویش نتوانسته مانعِ بازگشتِ این پرسش شود که ایران پیش از سال ۱۳۵۷ در چه مسیری حرکت می‌کرد و چه امکان‌هایی با قصدِ سقوطِ آن نظام از دست رفت.

این، تناقضِ تاریخیِ حکومتی است که برای نفیِ سلطنت برخاست، اما در دلِ خویش شاهدِ زایشِ نسلِ تازه‌ای از پادشاهی‌خواهان شد.

شاید تاریخ در معنای ظاهریِ خود بازنگردد؛ اما حافظه‌ی تاریخی می‌تواند داوری‌های پیشین را دگرگون سازد.

و شاید بزرگ‌ترین درسِ این تجربه آن باشد که هیچ ملتی نباید سرنوشتِ خویش را به وعده‌هایی بسپارد که پیش از پیروزی، از ارائه‌ی تصویری روشن از فردای کشور ناتوان‌اند.

از این رو، جمله‌ی آغازینِ مقاله بار دیگر در گوشِ تاریخ طنین می‌اندازد:

«آن زمان که این کشور به اصلاح نیاز داشت، انقلاب کردند؛ و اکنون که سخن از ضرورتِ انقلابی دیگر است، در پیِ اصلاح‌اند.»

به باور من، ایرانِ امروز بیش از هر زمانِ دیگری نیازمندِ بازشناسیِ خویش است؛ بازشناسیِ تاریخی که از کوروش و داریوش آغاز می‌شود، در شاهنامه‌ی فردوسی استمرار می‌یابد، از مشروطه می‌گذرد، در دولت‌سازیِ پهلوی جلوه‌ای معاصر پیدا می‌کند و اکنون در برابرِ تجربه‌ی جمهوری اسلامی، بار دیگر به پرسش و الزامی درباره‌ی آینده بدل شده است.

پرسشِ نهایی این نیست که آیا گذشته را می‌توان عینا بازگرداند؛ بلکه این است که آیا می‌توان از تجربه‌ی گذشته‌ی منحوسِ ایدئولوژی‌محور، بنیانی برای آینده‌ای آزادتر، آبادتر و استوارتر ساخت؟

پاسخ، در پیوندِ خردِ تاریخی با اراده‌ی آگاهانه‌ی ملت نهفته است.

زیرا ایران را باید با ایران شناخت؛ نه با ایدئولوژی‌هایی که می‌کوشند ایران را به اندازه‌ی خویش کوچک کنند.

ملتی که دریابد چه نظامی را، به چه دلیل، نمی‌خواهد و مهم‌تر از آن، چه نظامی را بر بنیادِ تجربه، شناخت و خردِ تاریخیِ خویش می‌خواهد، دیگر به‌آسانی بازیچه‌ی وعده‌های تکراری و مهندسیِ سیاسیِ دیگران نخواهد شد.

تاریخ گاه یک ملت را به سخت‌ترین شیوه می‌آزماید؛ اما این ملت است که باید تصمیم بگیرد از دلِ آن آزمون، تکرارِ فاجعه زاده شود یا آگاهیِ رهایی‌بخش.

و این‌بار، ایران باید آینده‌ی خویش را نه در فراموشیِ گذشته، بلکه در شناختِ آن بنا کند.

*سیروس کنگرلو، پژوهشگر فلسفه و جامعه‌شناسی

# حمایت اعضای مجلس اعیان بریتانیا از اصلاح قوانین نهادهای خیریه برای مقابله با نفوذ جمهوری اسلامی

**● شماری از اعضای مجلس اعیان بریتانیا در یک نشست پارلمانی که روز ۲۱ اکتبر برگزار شد، از درخواست‌ها برای افزایش اختیارات نهادهای مسئول به منظور مداخله در امور مؤسسات خیریه‌ای که تحت کنترل سازمان‌های خارجی مشمول مقررات امنیتی قرار دارند، حمایت کردند.**

**● در این نشست، فعالان مدنی و مدافعان تشدید نظارت بر مؤسسات خیریه از دولت بریتانیا خواستند تا در پی قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست نهادهای مشمول قانون امنیت ملی، تدابیر قانونی و نظارتی مؤثرتری برای جلوگیری از نفوذ و فعالیت سازمان‌های وابسته به آن در بخش خیریه به اجرا بگذارد.**

**● لرد والنی نیز در این نشست از دولت بریتانیا خواست تا اطمینان حاصل کند که اصلاح قوانین ناظر بر مؤسسات خیریه، به افزایش واقعی و مؤثر تدابیر حفاظتی در برابر تهدیدهای امنیتی منجر خواهد شد.**

**● این کارزار در پی انتشار گزارشی با عنوان «نفوذ ناموجه» شکل گرفته که لرد والنی در ماه مارس منتشر کرد و در آن مدعی شد که شماری از سازمان‌های مرتبط با جمهوری اسلامی از امکانات و ساختار مؤسسات خیریه‌ی بریتانیا برای گسترش نفوذ خود بهره‌برداری کرده‌اند.**

نشست فعالان مدنی با برخی از اعضای مجلس اعیان بریتانیا / لندن/ ۲۱ اکتبر ۲۰۲۶

شماری از اعضای مجلس اعیان بریتانیا در نشست پارلمان که روز چهارشنبه ۲۱ اکتبر برگزار شد، از درخواست‌ها برای افزایش اختیارات نهادهای مسئول به منظور مداخله در امور مؤسسات خیریه‌ای که تحت کنترل سازمان‌های خارجی مشمول مقررات امنیتی قرار دارند، حمایت کردند.

در این نشست، فعالان مدنی و مدافعان تشدید نظارت بر مؤسسات خیریه از دولت بریتانیا خواستند تا در پی قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست نهادهای مشمول قانون امنیت ملی، تدابیر قانونی و نظارتی مؤثرتری برای جلوگیری از نفوذ و فعالیت سازمان‌های وابسته به آن در بخش خیریه به اجرا بگذارد.

پیشنهادهای مطرح‌شده در این نشست، تشدید مقررات مربوط به سلب صلاحیت اعضای هیئت امنای مؤسسات خیریه و تعیین مبانی قانونی صریح برای برخورد با مؤسساتی را در بر می‌گیرد که به نمایندگی از سازمان‌های مشمول محدودیت‌های امنیتی فعالیت می‌کنند. به گفته‌ی حامیان این پیشنهادها، اجرای چنین تدابیری می‌تواند به شناسایی و برچیدن شبکه‌های سازمان‌یافته‌ای کمک کند که گفته می‌شود جمهوری اسلامی از طریق آنها در صدد گسترش نفوذ خود و تهدید و ارعاب مخالفانش در بریتانیاست.

این نشست به میزبانی لرد والنی و به ابتکار مؤسسه‌ی غیرانتفاعی بریتانیایی «پشتیبانی لوتوس»، فعال در زمینه‌ی دموکراسی و حقوق بشر، برگزار شده و شماری از اعضای مجلس اعیان، نمایندگان جامعه‌ی ایرانیان خارج کشور و کارشناسان مسائل سیاسی و سیاست‌گذاری در آن حضور داشتند.

جیو اسفندیاری، فعال مدنی، فیلمساز و عضو هیئت مدیره‌ی مؤسسه «پشتیبانی لوتوس»، در آغاز این نشست با تأکید بر حق برخورداری پناهجویان و افرادی که از آزار و سرکوب گریخته‌اند تا از امنیت در بریتانیا برخوردار شوند، گفت: «کسی که برای رهایی از آزار و سرکوب به بریتانیا پناه می‌آورد، نباید ناچار باشد تا پایان عمر با نگرانی از تهدیدهای احتمالی زندگی کند و همواره مراقب آنچه در پشت سرش می‌گذرد باشد.»

وی افزود: «این افراد باید بتوانند آزادانه سخن بگویند، دیدگاه‌های خود را بیان کنند و بدون هراس از تهدید و ارعاب همان حکومتی که از چنگ آن گریخته‌اند، زندگی کنند.»

اسفندیاری تأکید کرد: «اینها امتیازاتی ویژه نیستند، بلکه از آزادی‌های بنیادین در بریتانیا به شمار می‌روند.»

وی در ادامه با اشاره به وضعیت شماری از ایرانیان ساکن بریتانیا اظهار داشت که برای برخی از آنان، هراس از تهدید و سرکوب جمهوری اسلامی حتی پس از ترک ایران و آغاز زندگی در تبعید نیز پایان نیافته است.

اسفندیاری همچنین با تأکید بر اینکه پیامدهای این تهدیدها فراتر از جامعه‌ی ایرانیان خارج از کشور است، افزود: «این موضوع دیگر صرفا مسئله‌ای مربوط به جامعه‌ی ایرانیان نیست، بلکه به امنیت ملی بریتانیا، نهادهای این کشور و آزادی‌هایی مربوط می‌شود که مسئولیت پاسداری از آنها بر عهده‌ی ماست.»

اسفندیاری در ادامه گفت که افزایش نگرانی‌ها از فعالیت‌های جمهوری اسلامی در بریتانیا، مؤسسه‌ی «پشتیبانی لوتوس» را به راه‌اندازی کارزار «ممنوعیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» ترغیب کرده است. این کارزار با انتشار ویدئوهای آگاهی‌رسانی، تشویق شهروندان به تماس با نمایندگان خود در مجلس عوام و حمایت از دادخواستی که بیش از ۳۸ هزار امضا جمع‌آوری کرده، خواستار ممنوعیت فعالیت سپاه پاسداران در بریتانیا شده است.

وی همچنین با اشاره به هشدارهای سازمان اطلاعات و امنیت داخلی بریتانیا درباره‌ی تهدیدهای منتسب به جمهوری اسلامی و بازداشت افراد مظنون به فعالیت در ارتباط با این رژیم، نسبت به ادامه‌ی تهدید و ارعاب روزنامه‌نگاران، فعالان مدنی و دیگر گروه‌های اجتماعی ابراز نگرانی کرد.

اسفندیاری ضمن استقبال از قوانین تازه‌ی دولت بریتانیا برای مقابله با تهدیدهای ناشی از فعالیت دولت‌های خارجی و قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست نهادهای مشمول این مقررات، یادآور شد که هدف اصلی این کارزار از آغاز، ممنوعیت کامل فعالیت سپاه پاسداران بر اساس قوانین مبارزه با تروریسم بوده است.

وی تأکید کرد: «اکنون باید بررسی شود که آیا تدابیر اتخاذشده برای تأمین امنیت و حفاظت از افراد کافی است یا اقدامات بیشتری ضرورت دارد.»

اسفندیاری افزود: «در عین حال، باید اطمینان حاصل کرد که هرگونه نگرانی درباره‌ی سازمان‌هایی که احتمال ارتباط آنها با رژیم جمهوری اسلامی وجود دارد، بر اساس شواهد و مدارک، با رعایت روند قانونی و در چارچوب حاکمیت قانون بررسی شود.»

لرد والنی نیز در این نشست از دولت بریتانیا خواست تا اطمینان حاصل کند که اصلاح قوانین ناظر بر مؤسسات خیریه، به افزایش واقعی و مؤثر تدابیر حفاظتی در برابر تهدیدهای امنیتی منجر خواهد شد.

لرد والنی در ادامه تأکید کرد: «باید بکوشیم تا اطمینان حاصل شود که این اصلاحات به درستی و بطور مؤثر اجرا می‌شوند و مانع از آن خواهند شد که رژیم جمهوری اسلامی از حسن نیت و فعالیت‌های حیاتی مؤسسات خیریه‌ی بریتانیا سوء استفاده کند.»

سخنگوی مؤسسه‌ی «پشتیبانی لوتوس» نیز از وزرای دولت بریتانیا خواست از روند اصلاحات قانونی که هم‌اکنون در دستور کار دولت قرار دارد، برای مقابله با این تهدیدها بهره بگیرند. وی تأکید کرد: «پارلمان پیش

از این سپاه پاسداران را تهدیدی علیه امنیت کشور تشخیص داده است. قوانین ناظر بر مؤسسات خیریه نیز باید بازتاب‌دهنده‌ی همین ارزیابی باشند.»

راجر مک‌میلان، مدیر پیشین بخش امنیت شبکه‌ی تلویزیونی فارسی‌زبان «ایران اینترنشنال»، نیز در این نشست مدعی شد که جمهوری اسلامی با سوء استفاده از مؤسسات خیریه، نهادهای اجتماعی و مسیرهای مهاجرت به بریتانیا، در پی حفظ و گسترش نفوذ خود و اعمال فشار بر مخالفان حکومت است.

وی در این زمینه یادآور شد: «تهران نیازی ندارد افراد بیشتری را به بریتانیا اعزام کند، زیرا می‌تواند شبکه‌های رسانه‌ای و نفوذ خود را به این کشور وارد کند و همزمان از نظام مؤسسات خیریه‌ی ما سوء استفاده نماید.»

او افزود: «جوانان هدف قرار می‌گیرند، جامعه‌ی یهودیان هدف قرار می‌گیرد و خانواده‌های ایرانی که از چنگ رژیم گریخته‌اند، در همین کشور تحت مراقبت، تهدید و فشار هستند. این یک مسئله‌ی امنیت ملی است و باید با آن به عنوان تهدیدی علیه امنیت کشور برخورد کرد.»

مت گادوین، تحلیلگر سیاسی بریتانیایی، نیز با اشاره به فعالیت دولت‌های متخاصم، از جمله جمهوری اسلامی، هشدار داد که این حکومت‌ها با بهره‌برداری از شکاف‌های موجود در جامعه‌ی بریتانیا، به تشدید دوقطبی‌های اجتماعی و تضعیف همبستگی ملی دامن می‌زنند.

وی خواستار اتخاذ تدابیر قاطع‌تر برای مقابله با افراط‌گرایی شد و از رویکرد استرالیا در این زمینه بعنوان الگویی برای بریتانیا یاد کرد.

گادوین همچنین خواستار اعمال تحریم علیه شبکه‌ی «پرس‌تی‌وی» و خبرگزاری‌های «تسنیم» و «فارس» شد که از آنها به عنوان رسانه‌های تبلیغاتی جمهوری اسلامی نام برد. وی در عین حال بر ضرورت تدوین چارچوبی گسترده‌تر برای تحریم رژیم ایران، مشابه تحریم‌هایی که علیه روسیه اعمال شده، تأکید کرد.

این تحلیلگر سیاسی بریتانیایی گفت: «همانگونه که در پی حمله‌ی روسیه در خاک کشورمان اقدام کردیم، باید دیپلمات‌های جمهوری اسلامی، از جمله سفیر این رژیم را نیز از بریتانیا اخراج کنیم.»

پیشنهادهای گادوین فراتر از اصلاح قوانین ناظر بر مؤسسات خیریه بود و دامنه‌ی بحث را به روابط دیپلماتیک، تحریم رسانه‌های وابسته به جمهوری اسلامی و ضرورت بازنگری در سیاست‌های دولت بریتانیا برای مقابله با مداخلات ادعایی دولت‌های خارجی گسترش داد.

هاله بلیک، فعال ایرانی‌تبار بریتانیایی و از بنیانگذاران سازمان «متحد برای مهسا»، نیز در این نشست به تهدید و ارعاب فعالان سیاسی در خارج از کشور و فشار بر خانواده‌های آنان در ایران اشاره کرد. وی از انتشار اطلاعات شخصی فعالان در فضای مجازی، زندانی کردن افراد و اعمال فشار بر بستگان آنان بعنوان نمونه‌هایی از این اقدامات نام برد.

او تأکید کرد: «باید راه‌های سوء استفاده از خلأهای مالی را مسدود کنیم و اختیارات قانونی را برای جلوگیری از بهره‌برداری رژیم جمهوری اسلامی از مؤسسات خیریه‌ی بریتانیا افزایش دهیم.»

بلیک همچنین افزود که جوامع ایرانیان خارج از کشور خواهان همکاری با پلیس مبارزه با تروریسم بریتانیا برای مقابله با تهدیدهای امنیتی هستند.

در ژوئیه‌ی ۲۰۲۶، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بر اساس قانون امنیت ملی مصوب سال ۲۰۲۳ بریتانیا، در فهرست سازمان‌های مشمول مقررات ویژه‌ی امنیتی قرار گرفت. با اینهمه، این اقدام از نظر حقوقی با قرار دادن یک سازمان در فهرست گروه‌های تروریستی ممنوعه تفاوت دارد و همچنان خلأهای قانونی قابل توجهی میان مقررات امنیت ملی و قوانین ناظر بر مؤسسات خیریه وجود دارد.

بر اساس قوانین کنونی بریتانیا، محکومیت قطعی افراد به برخی جرائم تروریستی، بطور خودکار موجب سلب صلاحیت آنان از عضویت در هیئت امنای مؤسسات خیریه یا تصدی سمت‌های ارشد مدیریتی در این مؤسسات می‌شود. اما جرائم مرتبط با سازمان‌های مشمول مقررات ویژه‌ی قانون امنیت ملی، در حال حاضر در شمار مواردی قرار ندارند که به سلب صلاحیت خودکار افراد منجر شوند.

از سوی دیگر، قرار گرفتن یک سازمان در فهرست نهادهای مشمول قانون امنیت ملی، به خودی خود اختیارات قانونی ویژه و بیشتری در اختیار «کمیسیون نظارت بر مؤسسات خیریه» بریتانیا قرار نمی‌دهد تا بتواند صرفا به استناد این موضوع، در امور مؤسساتی که تحت کنترل چنین سازمان‌هایی قرار دارند یا به نمایندگی از آنها فعالیت می‌کنند، مداخله کند.

با اینهمه، این مقررات حمایت، همکاری و ارائه‌ی کمک‌ها و منافع مادی به سازمان‌های مشمول محدودیت‌های امنیتی را، در موارد مقرر در قانون، جرم‌انگاری کرده و به نهادهای مسئول امکان می‌دهد برای شناسایی، مقابله و مختل ساختن فعالیت افراد و شبکه‌های مرتبط با این سازمان‌ها اقدام کنند.

نخستین پیشنهاد مؤسسه‌ی «پشتیبانی لوتوس» بر گسترش موارد سلب صلاحیت خودکار اعضای هیئت امنای مؤسسات خیریه متمرکز است. بر اساس این پیشنهاد، محکومیت قطعی افراد به جرائم مندرج در مواد ۱۷ الف تا ۱۷ث قانون امنیت ملی بریتانیا، شامل حمایت از سازمان‌های مشمول مقررات امنیتی، ارائه‌ی کمک به آنها و دریافت منافع مادی از این سازمان‌ها، باید به سلب صلاحیت خودکار آنان از تصدی مسئولیت در مؤسسات خیریه منجر شود. اعضای هیئت امنا مسئولیت نظارت بر اداره‌ی مؤسسات خیریه، امور مالی و اطمینان از فعالیت آنها در چارچوب اهداف خیریه را بر عهده دارند.

این اصلاحیه پیش از این نیز در پیش‌نویس مقرراتی گنجانده شده که دولت بریتانیا همزمان با آغاز رایزنی عمومی روز ۱۴ اکتبر درباره‌ی تقویت نظارت بر مؤسسات خیریه منتشر کرده است. با اینهمه، باید میان قوانین لازم‌الاجرای کنونی و اصلاحات پیشنهادی تفاوت قائل شد. هرچند در پیش‌نویس دولت به صراحت به سه ماده‌ی یادشده از قانون امنیت ملی اشاره شده، این تغییرات هنوز به تصویب نهایی نرسیده و جنبه‌ی قانونی و اجرایی پیدا نکرده‌اند.

از این رو، مسئله‌ی اصلی در مرحله‌ی کنونی آن است که آیا دولت بریتانیا پس از پایان روند رایزنی عمومی، این مقررات را در متن نهایی حفظ و برای اجرای آنها اقدام خواهد کرد یا نه؟

دولت می‌تواند این اصلاحات را در چارچوب اختیارات پیش‌بینی‌شده در قوانین موجود و از طریق تصویب مقررات اجرایی، مشروط به تأیید پارلمان، به اجرا بگذارد؛ بی‌آنکه نیازی به تدوین و تصویب قانونی تازه در پارلمان باشد.

مهلت شرکت در این رایزنی عمومی تا ۲۳ دسامبر ۲۰۲۶ تعیین شده و موضوع آن به اختیارات «کمیسیون نظارت بر مؤسسات خیریه‌ی انگلستان و ولز» مربوط می‌شود. اسکاتلند و ایرلند شمالی نهادهای نظارتی جداگانه و مستقلی برای امور خیریه دارند.

با اینهمه، حمایت شماری از اعضای مجلس اعیان از پیشنهادهای مطرح‌شده در این نشست، به معنای تصویب آنها در پارلمان یا تعهد دولت بریتانیا به اجرای تمامی خواسته‌های برگزارکنندگان نیست.

دومین پیشنهاد مؤسسه‌ی «پشتیبانی لوتوس» بر افزایش اختیارات قانونی کمیسیون نظارت بر مؤسسات خیریه متمرکز است تا در مواردی که شواهد و مدارک نشان دهد یک مؤسسه‌ی خیریه تحت کنترل سازمانی مشمول محدودیت‌های امنیتی قرار دارد یا به نمایندگی از آن فعالیت می‌کند، امکان مداخله‌ی مستقیم نهاد ناظر فراهم شود.

بر اساس طرح پیشنهادی این نهاد، کمیسیون باید بتواند در چنین مواردی تحقیقات رسمی قانونی آغاز کند، اعضای هیئت امنا را تعلیق یا برکنار سازد، اداره‌ی موقت مؤسسه را به مدیران منصوب‌شده واگذار کند و برای حفاظت از اموال و دارایی‌های خیریه، اقدامات لازم را به اجرا بگذارد. همچنین در مواردی که مبنای قانونی وجود داشته باشد، امکان حذف نام سازمان از فهرست رسمی مؤسسات خیریه نیز پیش‌بینی شده است.

هرچند شماری از این اختیارات هم‌اکنون نیز در قوانین مربوط به مؤسسات خیریه وجود دارد، هدف از اصلاحات پیشنهادی، ایجاد مبنای قانونی روشن‌تر و مستقیم‌تری برای استفاده از آنها در پرونده‌های مرتبط با سازمان‌های مشمول مقررات امنیت ملی است.

برگزارکنندگان این نشست در عین حال تأکید کردند که اجرای چنین مقرراتی باید بر پایه‌ی معیارهای روشن برای احراز شواهد و مدارک، رعایت اصل تناسب در اقدامات نظارتی و تضمین حق اعتراض و تجدیدنظرخواهی صورت گیرد تا فعالیت مؤسسات خیریه و نهادهای مذهبی قانونی، و همچنین آزادی تشکیل و عضویت در انجمن‌ها، از تعرض و محدودیت‌های غیرموجه مصون بماند.

هدف از پیشنهادهای مطرح‌شده، ایجاد پیوندی مؤثر میان پیگردهای کیفری و نظارت بر ساختار و عملکرد مؤسسات خیریه است. این اصلاحات در پی آن است که سازمان‌های مشمول محدودیت‌های امنیتی نتوانند صرفا با جایگزین کردن اعضای هیئت امنا، همچنان از امکانات و دارایی‌های خیریه و اعتبار عمومی این مؤسسات بهره‌مند شوند. با اینهمه، موفقیت چنین رویکردی به وجود شواهد و مدارک کافی برای اثبات کنترل سازمان‌های یادشده بر مؤسسات خیریه، تبادل مؤثر اطلاعات میان نهادهای مسئول و توانایی دستگاه‌های نظارتی و اجرایی در اعمال مقررات بستگی خواهد داشت.

ثبت رسمی یک مؤسسه خیریه در بریتانیا می‌تواند مزایای مالیاتی و اعتبار بیشتری نزد کمک‌کنندگان، نهادهای عمومی و جوامع محلی برای آن به همراه داشته باشد. اما به اعتقاد حامیان این اصلاحات، همین امتیازات ممکن است در مواردی که مؤسسات خیریه استقلال خود را از دست می‌دهند و تحت نفوذ یا کنترل دولت‌های خارجی قرار می‌گیرند، به ابزاری برای گسترش نفوذ آن دولت‌ها تبدیل شود.

این کارزار در پی انتشار گزارشی با عنوان «نفوذ ناموجه» شکل گرفته که لرد والنی در ماه مارس منتشر کرد و در آن مدعی شد شماری از سازمان‌های مرتبط با جمهوری اسلامی از امکانات و ساختار مؤسسات خیریه‌ی بریتانیا برای گسترش نفوذ خود بهره‌برداری کرده‌اند.

لرد والنی، عضو مجلس اعیان و مشاور پیشین دولت بریتانیا در امور خشونت سیاسی، در این گزارش از رویکرد نهادهای نظارتی انتقاد کرده و گفته بود که این نهادها بیش از آنکه به وابستگی مؤسسات خیریه به دولت‌های متخاصم توجه کنند، بر تخلفات اداری و مدیریتی آنها متمرکز شده‌اند.

وی این وضعیت را نوعی «دامی برای رعایت مقررات» توصیف کرده است. به این معنا که یک مؤسسه‌ی خیریه می‌تواند با اصلاح رویه‌های اداری یا تغییر اعضای هیئت امنا، ظاهرا تخلفات خود را برطرف کند، بی‌آنکه تغییری اساسی در ساختار تشکیلاتی یا وابستگی‌های آن ایجاد شده باشد.

البته ادعاهای مطرح‌شده در گزارش والنی مورد اعتراض سازمان‌های نامبرده قرار گرفته است. «مرکز اسلامی انگلیس» هرگونه وابستگی تشکیلاتی، هدایت سیاسی یا کنترل فعالیت‌های خود از سوی جمهوری اسلامی را رد کرده و اعلام داشته است که نه مروج افراط‌گرایی و خشونت است و نه به نفرت‌پراکنی دامن می‌زند!

دیگر سازمان‌هایی که فعالیت آنها در این گزارش مورد بررسی قرار گرفته نیز اتهامات مربوط به وابستگی به جمهوری اسلامی یا ارتکاب تخلف را رد کرده‌اند.

اسناد و مدارک رسمی نشان می‌دهند که «کمیسیون نظارت بر مؤسسات خیریه» بریتانیا پیش از این نیز برای رسیدگی به فعالیت‌های «مرکز اسلامی انگلیس» اقدام کرده است.

این نهاد نظارتی در نوامبر ۲۰۲۲ تحقیقات رسمی درباره‌ی فعالیت‌های مرکز اسلامی انگلیس را آغاز کرد و در سال ۲۰۲۳ یک مدیر موقت برای نظارت بر اداره‌ی این مؤسسه منصوب کرد. کمیسیون همچنین در ماه مه ۲۰۲۵ دستور اصلاح ساختار مدیریتی و مقررات داخلی این مرکز را صادر نمود.

با اعلام کمیسیون، در پی این اقدامات، بندی از اساسنامه‌ی مرکز اسلامی انگلیس که مقرر می‌داشت یکی از اعضای هیئت امنا باید نماینده‌ی رسمی مذهبی رهبر جمهوری اسلامی در بریتانیا باشد، حذف شد.

کمیسیون نظارت بر مؤسسات خیریه اعلام کرد که حذف این شرط با هدف رفع نگرانی‌ها درباره‌ی تعارض منافع و تضمین استقلال این مؤسسه صورت گرفته است.

این نهاد همچنین در جریان تحقیقات خود مواردی از تخلف یا سوء مدیریت را شناسایی و گزارش کرد. هرچند اعضای هیئت امنای مرکز اسلامی انگلیس شماری از این یافته‌ها را مورد اعتراض قرار داده و رد کرده‌اند.

دولت بریتانیا همزمان با اعلام آغاز رایزنی عمومی درباره‌ی اصلاح مقررات ناظر بر مؤسسات خیریه اعلام کرد که واحد تخصصی کمیسیون نظارت بر تشکیلات خیریه در زمینه‌ی مقابله با تروریسم، افراط‌گرایی و تهدیدهای دولتی، طی سال‌های ۲۰۲۵ تا ۲۰۲۶، ۶۵۶ مورد اطلاعاتی را در اختیار پلیس و دیگر نهادهای مسئول قرار داده، هفت حکم سلب صلاحیت صادر کرده و ۲۹ اخطار رسمی ابلاغ کرده است.

با این حال، این آمار مربوط به مجموعه فعالیت‌های نظارتی و امنیتی کمیسیون است و صرفا به پرونده‌های مرتبط با رژیم جمهوری اسلامی یا سازمان‌های مظنون به ارتباط با آن محدود نمی‌شود.

از این رو، محور اصلی اختلاف نظرها بر سر اصلاحات و سیاست‌های پیشنهادی دولت بیش از هر چیز به این پرسش بازمی‌گردد که آیا اختیارات و اقدامات قانونی موجود برای مداخله‌ی به‌موقع و مؤثر در فعالیت مؤسسات خیریه کافی است یا باید اختیارات بیشتری برای برخورد با خود مؤسسات و ساختارهای تشکیلاتی آنها، افزون بر افراد مسئول، در اختیار نهادهای نظارتی قرار گیرد.

در همین راستا، نهاد «پشتیبانی لوتوس» در تلاش است تا با جلب حمایت نمایندگان هر دو مجلس عوام و اعیان بریتانیا، زمینه‌ی تدوین و ارسال نامه‌ای مشترک به وزرای دولت، طرح پرسش‌های رسمی پارلمانی و ارائه‌ی اصلاحیه‌های قوانین مربوطه را فراهم آورد.

# صدور حکم اعدام علیه ۱۸ شهروند بازداشت‌شده در اعتراضات دی۴۰۴ در «کردآباد» اصفهان

- **«کانون حقوق بشر ایران» اسامی ۱۸ شهروند محکوم به اعدام را منتشر و تأکید کرده است که هنوز شعبه دادگاه، نام قضات، وضعیت قطعیت احکام، محل نگهداری متهمان و چگونگی محاکمه آنان مشخص نیست.**
- **به گزارش «کانون حقوق بشر ایران»، یکی از متهمان به اعدام در این پرونده به نام محمد سلیمانی هنگام بازداشت زیر ۱۸ سال سن داشته است. با اینهمه سن و تاریخ تولد این شهروند هنوز اعلام نشده است.**
- **مصطفی نصوحی دهنوی، مجتبی نصوحی دهنوی، محمدرضا یحیایی، ابوالفضل زارعی، علی‌اکبر کردآبادی، مجتبی کردآبادی، سیروس قربانی، جلیل شکرالهی، خلیل شکرالهی، پویا خلیلی مال‌خلیفه، مجتبی قرقانی، وحید امینی، هادی دهقانی، علی آقابابایی، جواد حاجی علیزاده، مجتبی حاجیان، محسن شهبازی دیگر شهروندانی هستند که در این پرنده به اعدام محکوم شدند.**
- **«کانون حقوق بشر ایران» نوشته، حدود ۷۰ نفر در این پرونده با احکام سنگین روبرو شده‌اند. جدا از آنکه برای ۱۸ نفر حکم اعدام صادر شده، برای حدود ۴۰ نفر دیگر احکام پنج تا ۲۵ سال زندان صادر شده است.**
- **در این گزارش به علت بازداشت ده‌ها نفر در جریان اعتراضات دی۴۰۴ در کردآباد اصفهان اشاره نشده است.**

«کانون حقوق بشر ایران» از صدور حکم اعدام علیه ۱۸ شهروند بازداشت‌شده در اعتراضات دی۴۰۴ در محله «کردآباد» در حاشیه شهر اصفهان و صدور احکام زندان طولانی برای ده‌ها متهم دیگر این پرونده خبر داده و نوشته اسامی این شهروندان پس از مدت‌ها پنهانکاری منتشر شده است.

«کانون حقوق بشر ایران» اسامی ۱۸ شهروند محکوم به اعدام را منتشر و تأکید کرده است که هنوز شعبه دادگاه، نام قضات، وضعیت قطعیت احکام، محل نگهداری متهمان و چگونگی محاکمه آنان مشخص نیست.

به گزارش «کانون حقوق بشر ایران»، یکی از متهمان به اعدام در این پرونده به نام محمد سلیمانی هنگام بازداشت زیر ۱۸ سال سن داشته است. با اینهمه سن و تاریخ تولد این شهروند هنوز اعلام نشده است.

مصطفی نصوحی دهنوی، مجتبی نصوحی دهنوی، محمدرضا یحیایی، ابوالفضل زارعی، علی‌اکبر کردآبادی، مجتبی کردآبادی، سیروس قربانی، جلیل شکرالهی، خلیل شکرالهی، پویا خلیلی مال‌خلیفه، مجتبی قرقانی، وحید امینی، هادی دهقانی، علی آقابابایی، جواد حاجی علیزاده، مجتبی حاجیان، محسن شهبازی دیگر شهروندانی هستند که در این پرنده به اعدام محکوم شدند.

«کانون حقوق بشر ایران» نوشته، حدود ۷۰ نفر در این پرونده با احکام سنگین روبرو شده‌اند. جدا از آنکه برای ۱۸ نفر حکم اعدام صادر شده، برای حدود ۴۰ نفر دیگر احکام پنج تا ۲۵ سال زندان صادر شده است.

در گزارش «کانون حقوق بشر ایران» آمده، مشخص نیست هر نفر در چه تاریخی بازداشت شده و چه نهادی عملیات بازداشت را انجام داده است. محل کنونی نگهداری آنان نیز اعلام نشده است. همچنین بر اساس این گزارش، متن دادنامه‌ها نیز در دسترس عموم قرار نگرفته است. در نتیجه، امکان بررسی مدارک، دفاعیات متهمان و استدلال قضات برای صدور مجازات اعدام وجود ندارد.

این گزارش افزوده مشخص نیست احکام اعدام در کدام شعبه دادگاه انقلاب اصفهان صادر شده‌اند. نام قاضی یا قضات صادرکننده این احکام نیز منتشر نشده است.

همچنین روشن نیست احکام صادرشده بدوی هستند یا در دیوان عالی کشور تأیید شده‌اند. این موضوع برای ارزیابی میزان خطر اجرای احکام اهمیت فوری دارد.

اطلاعاتی درباره تعداد جلسات دادگاه و مدت زمان هر جلسه وجود ندارد. مشخص نیست آیا پرونده هر متهم جداگانه بررسی شده یا رسیدگی به‌صورت گروهی انجام گرفته است.

از سوی دیگر دسترسی متهمان به وکیل انتخابی نیز در ابهام قرار دارد. معلوم نیست وکلا توانسته‌اند تمام محتویات پرونده، گزارش ضابطان و مدارک مورد استناد دادگاه را بررسی کنند یا نه. «کانون حقوق بشر ایران» افزوده، صدور حکم اعدام بدون انتشار این اطلاعات، امکان نظارت مستقل بر روند دادرسی را از میان می‌برد. خانواده‌ها نیز نمی‌توانند وضعیت دقیق پرونده و مرحله اجرای حکم را پیگیری کنند.

در این گزارش به علت بازداشت ده‌ها نفر در جریان اعتراضات دی۴۰۴ در کردآباد اصفهان اشاره نشده است. محله کردآباد یکی از محله‌های تاریخی در حاشیه‌ی شرق شهر اصفهان است.

«کانون حقوق بشر ایران» نوشته، اعتراضات در روزهای ۱۸ و ۱۹ دی در نقاط مختلف اصفهان گسترش یافت. همزمان گزارش‌هایی از حضور نیروهای امنیتی، تیراندازی، بازداشت معترضان و انتقال مجروحان منتشر شد. درباره خود کردآباد، اطلاعات تفصیلی در دسترس نیست. مشخص نشده اعتراضات دقیقاً چه زمانی آغاز شد و نیروهای امنیتی در کدام خیابان‌ها مستقر بودند. شمار مجروحان، جانباختگان و بازداشت‌شدگان این محله نیز اعلام نشده است. نحوه شناسایی و بازداشت متهمان پرونده جمعی کردآباد همچنان نامعلوم مانده است.

تا زمان تنظیم این گزارش، دیگر منابع معتبر حقوق بشری گزارشی درباره این پرونده منتشر نکرده‌اند. در همین حال چند کاربر در شبکه‌های اجتماعی با ادعای داشتن نسبت فامیلی با چند تن از متهمان به اعدام در این پرونده که نامشان از سوی «کانون حقوق بشر ایران» منتشر شده، نوشته‌اند که دادگاه این پرونده سه‌شنبه گذشته برگزار شده و هنوز حکمی علیه متهمان صادر نشده است.

جمهوری اسلامی سرکوب شدید شهروندان در جریان اعتراضات دی۴۰۴ و پس از آن را در دستور کار قرار داده است. اگرچه از تعداد دقیق بازداشت‌شدگان اطلاعی در دست نیست اما گزارش‌های حقوق بشری از بازداشت هزاران تن در شهرهای مختلف حکایت دارد.

منابع حقوق بشری پیشتر گزارش دادند که صدها تن از بازداشت‌شدگان در استان‌های مختلف با صدور حکم اعدام روبرو شده‌اند. این تعداد در استان اصفهان بیش از ۱۰۰ نفر برآورد شده است.

تا کنون حکم اعدام دست‌کم ۲۹ بازداشت‌شده اعتراضات دی‌ماه در شهرهای مختلف کشور اجرا شده است.

# تورم ۸۸/۷ درصدی در مهرماه؛ حداقل هزینه ماهانه یک خانوار سه نفره ۱۰۰ میلیون تومان شد!

**در مهرماه تورم سالانه ۷۶/۸ درصد بوده است. به بیان دیگر میانگین سطح قیمت‌ها در یک سال منتهی به آخر مهرماه با افزایش ۷۶/۸ درصدی روبرو شده است.**

**در مهرماه در طول چهار هفته تورم ۴/۴ درصد افزایش یافته است. طی ماه مهر تورم آموزش ۲۳/۵ درصد بوده و پس از آن گروه حمل و نقل با ۱۰/۷ درصد و تفریح و فرهنگ با ۹/۸ درصد قرار دارند.**

**در این ماه تورم نقطه به نقطه به ۸۸/۷ درصد رسیده است؛ این رقم بیانگر اینست که هزینه سبد مصرفی خانوارها بطور متوسط نسبت به ماه مشابه سال گذشته ۸۸/۷ درصد افزایش یافته است.**

**- مرکز آمار ایران تورم نقطه به نقطه روغن در مهرماه را ۲۵۵ درصد و شیر، پنیر و تخم‌مرغ را ۱۵۴ درصد اعلام کرد. تورم نقطه به نقطه گروه دخانیات نیز به ۱۶۳/۲ درصد، مبلمان و لوازم خانگی به ۱۲۸/۹ درصد و حمل و نقل به ۱۲۸ درصد رسیده است.**

**- فرامرز توفیقی، فعال کارگری: هزینه سبد معیشت خانوارهای کارگری پیش از مهرماه ۹۱ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان بود، اما این رقم تا پایان مهر۱۴۰۵، در خوش‌بینانه‌ترین حالت به ۱۰۰ میلیون تومان رسید.**

مرکز آمار ایران گزارش تورم مهرماه ۱۴۰۵ را منتشر کرد که نشان می‌دهد افزایش قیمت‌ها و فشار گرانی بر زندگی شهروندان با سرعت ادامه دارد. هر سه بخش تورم سالانه، ماهانه و نقطه به نقطه در مهرماه افزایش یافته است.

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران در مهرماه ۱۴۰۵ شاخص قیمت مصرف‌کننده به ۷۶۱/۸ رسید. بر اساس این گزارش در مهرماه تورم سالانه ۷۶/۸ درصد بوده است. به بیان دیگر میانگین سطح قیمت‌ها در یک سال منتهی به آخر مهرماه با افزایش ۷۶/۸ درصدی روبرو شده است.

از سوی دیگر در مهرماه در طول چهار هفته تورم ۴/۴ درصد افزایش یافته است. در میان گروه‌های اصلی هزینه خانوار، تورم ماهانه گروه کالاهای غیرخوراکی و خدمات به ۵/۸ درصد رسید؛ در حالی که این نرخ برای گروه خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات ۲/۴ درصد بود.

از ابتدا تا انتهای مهرماه و در طول ۳۰ روز، تورم آموزش ۲۳/۵ درصد بوده که رقمی تکاندهنده به شمار می‌رود؛ به ویژه آنکه آغاز سال تحصیلی هزینه‌های خانوار را به طور طبیعی افزایش می‌دهد و تورم ۲۳/۵ درصدی آموزش افزایش هزینه خانوارها را تساعدی کرده است. پس از آموزش، گروه حمل‌ونقل با ۱۰/۷ درصد و تفریح و فرهنگ با ۹/۸ درصد قرار دارند.

در این ماه تورم نقطه به نقطه به ۸۸/۷ درصد رسیده است؛ این رقم بیانگر اینست که هزینه سبد مصرفی خانوارها بطور متوسط نسبت به ماه مشابه سال گذشته ۸۸/۷ درصد افزایش یافته است.

در مقایسه قیمت‌ها با مهرماه سال گذشته، برخی گروه‌ها افزایش بسیار بیشتری از میانگین تورم نقطه به نقطه داشته‌اند. مرکز آمار ایران تورم نقطه به نقطه روغن در مهر را ۲۵۵ درصد و شیر، پنیر و تخم‌مرغ را ۱۵۴ درصد اعلام کرد. تورم نقطه به نقطه گروه دخانیات نیز به ۱۶۳/۲ درصد، مبلمان و لوازم خانگی به ۱۲۸/۹ درصد و حمل و نقل به ۱۲۸ درصد رسیده است.

همچنین تورم نقطه به نقطه در مناطق روستایی به ۱۰۷ درصد رسید و در مناطق شهری ۸۵/۵ درصد بود، یعنی ۲۱/۵ واحد درصد اختلاف. بر اساس اعلام مرکز آمار ایران، تورم ماهانه خانوارهای شهری در مهرماه ۴/۳ درصد و در مناطق روستایی ۴/۶ درصد بوده و نرخ تورم سالانه خانوارهای شهری به ۷۴/۱ درصد و در مناطق روستایی به ۹۲/۳ درصد رسیده است. این اختلاف تصویری از افزایش فاصله طبقاتی در کشور است.

تداوم گرانی کالاها و خدمات در حالیست که درآمد خانوارها به علت سقوط ارزش پول ملی با کاهش ارزش روبرو شده است. اقشار کم‌درآمد مانند کارگران و بازنشستگان خواستار افزایش دستمزدها هستند اما دولت در برابر افزایش دستمزدها متناسب با نرخ تورم مقاومت می‌کند.

فرامرز توفیقی، فعال کارگری، در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» اعلام کرده که رقم سبد معیشت خانواده‌ها، که به معنای هزینه ماهانه اقلام ضروری زندگی است، به ۱۰۰ میلیون تومان رسیده و با حداقل دستمزد روزانه یک کارگر، تنها می‌توان یک مرغ کوچک خرید.

درآمد کارگران در صورت دریافت همه مزایای شغلی به حدود ۲۱ تا در نهایت ۳۵ میلیون تومان برای کارگران دارای بیش از دو فرزند می‌رسد. همچنین رقم مستمری بازنشستگی اکثر بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی و دیگر صندوق‌های بازنشستگی کشور نیز بین ۲۰ تا ۳۰ میلیون تومان است. مقایسه این ارقام با رقم سبد معیشت کاملا گویای شکاف عمیق میان درآمد و هزینه‌های خانوارهای حقوق‌بگیر است.

در همین رابطه فرامرز توفیقی با اشاره به افزایش شدید قیمت مواد غذایی در «هفته‌های گذشته»، گفته است، هزینه سبد معیشت خانوارهای کارگری پیش از مهرماه ۹۱ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان بود، اما این رقم تا پایان مهر۱۴۰۵، در خوش‌بینانه‌ترین حالت به ۱۰۰ میلیون تومان رسید.

این فعال کارگری تأکید کرده فقط طی یک ماه گذشته قیمت سبد خوراکی‌های خانوارهای کارگری دست‌کم ۱۲ درصد افزایش یافته است. او گفته، محاسبه ماهانه هزینه‌های زندگی دیگر معنایی ندارد؛ زیرا قیمت کالاهای اساسی روزانه تغییر می‌کند.

این فعال کارگری با اشاره به افزایش ۷۰ هزار تومانی قیمت هر کیلو مرغ در طول هفته گذشته گفت که «مدت‌هاست مرغ و تخم‌مرغ تنها کالای پروتئینی در دسترس در سبد غذایی طبقه کارگر است، حالا مرغ حذف شده. همینطور قیمت هر کیلو سیب‌زمینی به ۱۱۰ هزار تومان، پیاز به ۱۲۰ هزار تومان و هویج به بیش از ۱۸۰ هزار تومان رسیده است.»

# دو مظنون توطئه پایگاه « فیرفورد» به «ارتکاب جرائم علیه امنیت ملی» متهم شدند

**● دو نفر از افرادی که در ارتباط با توطئه امنیتی پایگاه هوایی «فیرفورد» در بریتانیا به عنوان مظنون بازداشت شده بودند، روز سه‌شنبه پنجم آبان‌ماه بر اساس قانون امنیت ملی در این کشور تفهیم اتهام شدند.**

**● به گزارش منابع انگلیسی، محمد احمد عبدالکریم و نعمان الصغیر هر دو ۲۴ ساله و شهروند بریتانیا تفهیم اتهام شدند.**

**● هفته گذشته، پلیس ضد تروریسم بریتانیا اعلام کرده بود، دو نفر از افرادی که در ارتباط با حادثه پایگاه هوایی «فیرفورد» برای مدت کوتاهی بازداشت و سپس آزاد شده بودند مجدداً بازداشت شده‌اند.**

نیروهای امنیتی بریتانیا نزدیک پایگاه فرفرود

دو نفر از افرادی که در ارتباط با حادثه امنیتی پایگاه هوایی «فیرفورد» در بریتانیا به عنوان مظنون بازداشت شده بودند روز سه‌شنبه پنجم آبان‌ماه بر اساس قانون امنیت ملی در این کشور تفهیم اتهام شدند.

به گزارش منابع انگلیسی، محمد احمد عبدالکریم و نعمان الصغیر هر دو ۲۴ ساله و شهروند بریتانیا تفهیم اتهام شدند.

هفته گذشته، پلیس ضد تروریسم بریتانیا اعلام کرده بود که دو نفر از افرادی که در ارتباط با حادثه پایگاه هوایی «فیرفورد» برای مدت کوتاهی بازداشت و سپس آزاد شده بودند مجدداً بازداشت شده‌اند.

محمد عبدالکریم یکی از این افراد است و دیگری یک شهروند ۲۵ ساله دوتابعیتی ایرانی- بریتانیایی که اکنون بدون اتهام، اما با وثیقه آزاد شده است.

پلیس ضد تروریسم بریتانیا تأیید کرده، کشوری که تحقیقات درباره ارتباطش با توطئه «فیرفورد» ادامه دارد، ایران است.

در همین زمینه، عبدالکریم به «کمک به یک سرویس اطلاعاتی خارجی» متهم شده و الصغیر به «ورود به منطقه ممنوعه با هدف زیانبار برای بریتانیا».

پلیس بریتانیا روز پنجم مهرماه پنج مرد را در نزدیکی پایگاه هوایی «فیرفورد» در جنوب غربی این کشور به ظن ارتکاب جرائم مرتبط با مواد منفجره و تروریسم بازداشت کرده بود.

پایگاه هوایی «فیرفورد» تنها فرودگاه در اروپا است که به دلیل داشتن باند پرواز به طول بیش از سه کیلومتر، توانایی میزبانی بمب‌افکن‌های سنگین آمریکایی، از جمله بی۱-، بی۲- و بی۵۲- را دارد.

در زمان حملات آمریکا به جمهوری اسلامی ایران، برخی بمب‌افکن‌های آمریکایی از این پایگاه استفاده کرده بودند.

سپاه پاسداران پیش از این در بیانیه‌ای اعلام کرده بود که آمریکا از پایگاه «فیرفورد» برای انجام مأموریت‌های بمباران علیه جمهوری اسلامی استفاده کرده و هر پایگاهی که برای چنین حملاتی به کار گرفته شود، «هدفی مشروع» خواهد بود.پیش از این اندی برنهام نخست وزیر بریتانیا اعلام کرده بود که طرح مشکوک هدف قرار دادن پایگاه هوایی «فیرفورد» در خاک کشورش «به‌احتمال بسیار زیاد» از داخل ایران هماهنگ شده و تقریباً با قطعیت توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هدایت شده است.

# «صورتی»ها برای فلسطین؛ به کام سپاه!

**فرید خلیفی** - ۱۲ مه ۲۰۲۶، شاهزاده رضا پهلوی در نشست امنیتی پولیتیکو در واشنگتن، در حالی که میان مهمانان سناتورهای آمریکایی، مقامات پنتاگون و مسئولان اطلاعاتی حضور دارند، جمهوری اسلامی را به جانوری زخمی تشبیه و پایان دادن به آن را فرصتی تاریخی توصیف می‌کند. بیتا یولیانو، مهاجر ایرانی‌تبار، با ادعای دفاع از مردم ایران، شاهزاده را سرزنش می‌کند! گروهی به نام «کدپینک» بلافاصله در وبسایت خود اعلام می‌کنند که فعالان این گروه سخنرانی رضا پهلوی و برنامه لاکهید مارتین را در اجلاس امنیتی پولیتیکو مختل کردند.

# صدور حکم اعدام علیه سه متهم به جاسوسی برای جمهوری اسلامی در کویت

**دادگاه محکومان را به همکاری با گروه تروریست حزب‌الله لبنان متهم و هشت متهم دیگر را به پنج سال حبس محکوم کرد.**

**حکم اعدام شیخ حسین عبدالله المعتوق، حسن عبدالهادی حاجیه و عبدالرضا حیدر دهقانی، تبعه ایران، را صادر کرد. این افراد در پرونده‌ای محکوم شدند که شامل اتهاماتی همچون آسیب رساندن به منافع ملی کویت، جاسوسی برای طرفین خارجی و عضویت در حزب‌الله لبنان بود.**

**اسناد پرونده نشان می‌دهد که متهمان ردیف چهارم تا دهم جلساتی برای برنامه‌ریزی عملیات ترور برگزار کرده، وظایف خود را میان یکدیگر تقسیم کرده بودند و قرار بود متهم ردیف یازدهم تجهیزات لازم برای اجرای این طرح را فراهم کند.**

دو تن از متهمان از راست، حسین عبدالله المعتوق و حسن عبدالهادی حاجیه

دادگاه کیفری کویت، در شعبه امنیت کشور، روز دوشنبه سه متهم را به اعدام و هشت متهم دیگر را به پنج سال حبس محکوم کرد. این پرونده به اتهام جاسوسی برای رژیم ایران و حزب‌الله لبنان و برنامه‌ریزی برای ترور شیخ فهد الیوسف، معاون اول نخست‌وزیر و وزیر کشور کویت، و همچنین شماری از شخصیت‌ها و مقام‌های ارشد این کشور مربوط می‌شود.

دادگاه به ریاست قاضی ناصر البدر، حکم اعدام شیخ حسین عبدالله المعتوق، حسن عبدالهادی حاجیه و عبدالرضا حیدر دهقانی، تبعه ایران، را صادر کرد. این افراد در پرونده‌ای محکوم شدند که شامل اتهاماتی همچون آسیب رساندن به منافع ملی کویت، جاسوسی برای طرفین خارجی و عضویت در حزب‌الله لبنان بود.

بر اساس جزئیات پرونده، دادستانی کل متهمان را به ارتکاب اقداماتی متهم کرد که می‌توانست استقلال کشور، وحدت ملی و تمامیت ارضی کویت را به خطر اندازد. همچنین آنها متهم شدند که با رژیم ایران و حزب‌الله لبنان برای اجرای اقدامات خصمانه علیه کویت همکاری کرده و برای ترور وزیر کشور و دیگر شخصیت‌های ارشد این کشور برنامه‌ریزی کرده‌اند.

اسناد پرونده نشان می‌دهد که متهمان ردیف چهارم تا دهم جلساتی برای برنامه‌ریزی عملیات ترور برگزار کرده، وظایف خود را میان یکدیگر تقسیم کرده بودند و قرار بود متهم ردیف یازدهم تجهیزات لازم برای اجرای این طرح را فراهم کند. گفته شده است که این اقدامات با هدایت سه متهم نخست، که به اعدام محکوم شدند، انجام می‌گرفت.

دادستانی همچنین متهمان ردیف چهارم تا دهم را به تلاش برای استفاده از مواد انفجاری با هدف اجرای عملیات و ایجاد رعب و وحشت در کشور متهم کرد. متهم ردیف یازدهم نیز به تلاش برای وارد کردن مواد منفجره با هدف فراهم کردن امکان اجرای طرح برای سایر متهمان متهم شد.

دادگاه در شرح دلایل حکم خود بر خطرناک بودن اقدامات منتسب به متهمان تأکید کرد و آنها را اقداماتی با هدف ضربه زدن به امنیت کشور، ایجاد آشفتگی در جامعه، تضعیف اعتماد عمومی به توانایی نهادهای دولتی در حفاظت از جان و اموال مردم و برهم زدن امنیت دانست.

دادگاه تأکید کرد: «امنیت میهن، منفعت یک فرد یا یک گروه نیست، بلکه حقی متعلق به تمام جامعه است.» این دادگاه همچنین افزود که حاکمیت کشور نمی‌تواند با اراده یک قدرت خارجی به چالش کشیده شود یا اجازه دهد دستورهایی از خارج از مرزهای آن بر کشور تحمیل شوند.

دادگاه در ادامه اعلام کرد که نهادهای دولتی و نمادهای حاکمیت کشور نباید به اهداف طرح‌هایی تبدیل شوند که دستورهای خود را از طرف‌های خارجی دریافت می‌کنند.

### ارتباط متهمان و پرونده «هسته العبدلی»

احکام اعدام روز دوشنبه علیه حسین عبدالله المعتوق، حسن عبدالهادی حاجیه و عبدالرضا حیدر دهقانی بار دیگر پرونده «هسته العبدلی» را به کانون توجه بازگردانده است؛ پرونده‌ای که از زمان کشف آن در سال ۲۰۱۵، محافل امنیتی و قضایی کویت را به خود مشغول کرده بود.

نام هر سه محکوم پیشتر نیز در پرونده‌هایی مرتبط با جاسوسی برای جمهوری اسلامی ایران و حزب‌الله لبنان مطرح شده بود.

پرونده «هسته العبدلی» به اوت ۲۰۱۵ بازمی‌گردد؛ زمانی که مقامات کویت از کشف مقادیر زیادی سلاح، مهمات و مواد منفجره در مزارعی در منطقه العبدلی، در نزدیکی مرز عراق، خبر دادند. این محموله شامل حدود ۱۹ تن مهمات و ۱۴۴ کیلوگرم مواد منفجره، علاوه بر گلوله‌های راکتی و سلاح‌های گرم بود.

دادستانی کل در آن زمان متهمان را به جاسوسی برای رژیم ایران و حزب‌الله و ارتکاب اقداماتی که امنیت کویت و تمامیت ارضی آن را تهدید می‌کرد، متهم کرد.

### پرونده حسن عبدالهادی حاجیه

حسن عبدالهادی حاجیه از مهم‌ترین متهمان این پرونده بود. دادگاه کیفری در ژانویه ۲۰۱۶ او را به اعدام محکوم کرد و دادگاه تجدید نظر نیز در ژوئیه همان سال این حکم را تأیید کرد. با این حال، دادگاه عالی کویت در ژوئن ۲۰۱۷ حکم اعدام را لغو و آن را به حبس ابد تبدیل کرد.

### پرونده عبدالرضا حیدر دهقانی

عبدالرضا حیدر دهقانی، تبعه ایران، نیز از متهمان همین پرونده بود. او در ژانویه ۲۰۱۶ به صورت غیابی به اعدام محکوم شد؛ حکمی که بر اساس اتهامات جاسوسی و مشارکت در فعالیت‌های این هسته صادر شده بود.

### پرونده حسین عبدالله المعتوق

در پرونده‌ای جداگانه که به پنهان کردن محکومان پرونده «هسته العبدلی» مربوط می‌شد، نام روحانی کویتی، حسین عبدالله المعتوق، دبیرکل «ائتلاف اسلامی ملی» نیز مطرح شد.

دادستانی کل او را به جاسوسی برای رژیم ایران، کمک به پنهان کردن افراد تحت تعقیب قضایی و فراهم کردن امکان فرار آنها از کشور متهم کرد. در دسامبر ۲۰۱۹، دادگاه عالی حکم پنج سال حبس همراه با کار اجباری و اجرای فوری مجازات او را تأیید کرد.

به این ترتیب، پرونده جدید بار دیگر نام سه فردی را که پیشتر در پرونده‌های قضایی مرتبط با «هسته العبدلی» مطرح شده بودند، در مرکز رسیدگی‌های قضایی مربوط به امنیت کشور قرار داد؛ اما اینبار اتهامات شامل برنامه‌ریزی برای ترور شیخ فهد الیوسف، معاون اول نخست‌وزیر و وزیر کشور کویت، جاسوسی برای جمهوری اسلامی ایران و عضویت در حزب‌الله لبنان نیز می‌شود.

# گاردین: میلیارد ایرانی‌تبار حامی حزب «اصلاح بریتانیا» با «آستان قدس» همکاری تجاری داشته است

**روزنامه «گاردین» گزارش داده است که یکی از تازه‌ترین حامیان مالی نایجل فاراژ رهبر حزب راستگرای «اصلاح بریتانیا» و از حامیان جدی خروج این کشور از اتحادیه اروپا، پیشتر با «آستان قدس رضوی»، از نهادهای قدرتمند اقتصادی و مذهبی زیر نظر رهبر جمهوری اسلامی ایران، همکاری تجاری داشته است.**

**استناد این گزارش به اسنادی است که در فرانسه به دست آمده است. طبق همین اسناد حسین قندهاری تاجر بریتانیایی ایرانی‌تبار بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۶ در پروژه‌ای مخابراتی در ایران با «آستان قدس رضوی» همکاری تجاری داشته است.**

**او در سال ۲۰۱۵ از طریق شرکت‌های زیرمجموعه صندوق سرمایه‌گذاری خود وارد شراکت تجاری با «آستان قدس رضوی» شد. در این شراکت ۴۹ درصد سهام شرکت «عمران رضوی» در اختیار مجموعه متعلق به قندهاری قرار گرفت و ۵۱ درصد دیگر متعلق به «آستان قدس» بود.**

روزنامه «گاردین» گزارش داد که یکی از تازه‌ترین حامیان مالی نایجل فاراژ رهبر حزب راستگرای «اصلاح بریتانیا» و از حامیان جدی خروج این کشور از اتحادیه اروپا، پیشتر با «آستان قدس رضوی» از نهادهای قدرتمند اقتصادی و مذهبی زیر نظر رهبر جمهوری اسلامی ایران همکاری تجاری داشته است.

استناد این گزارش به اسنادی است که در فرانسه به دست آمده است. طبق همین اسناد حسین قندهاری تاجر بریتانیایی ایرانی‌تبار بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۶ در پروژه‌ای مخابراتی در ایران با «آستان قدس رضوی» همکاری تجاری داشته است.

او در سال ۲۰۱۵ از طریق شرکت‌های زیرمجموعه صندوق سرمایه‌گذاری خود وارد شراکت تجاری با «آستان قدس رضوی» شد. در این شراکت ۴۹ درصد سهام شرکت «عمران رضوی بین‌الملل» (Omran Razavi International Co) در اختیار مجموعه متعلق به قندهاری قرار گرفت و ۵۱ درصد دیگر متعلق به «آستان قدس رضوی» بود.

قندهاری از سرمایه‌گذاران اصلی پروژه احداث شبکه فیبر نوری در ایران بود؛ پروژه‌ای که بخشی از تجهیزات مخابراتی آن از شرکت فرانسوی «آلکاتل- لوسنت» تامین و از طریق دبی به ایران منتقل می‌شد.

قندهاری از طریق فعالیت‌های تجاری خود در ایران با جان ریچارد سیمپسون، یکی دیگر از حامیان مالی حزب «اصلاح بریتانیا»، ارتباط داشته است. شرکت سیمپسون سال گذشته ۲۰۰ هزار پوند به این حزب کمک کرده بود.

نایجل فاراژ رهبر حزب «اصلاح بریتانیا» طی یک سال گذشته بارها از جمهوری اسلامی انتقاد کرده است. او در ماه مارس گفته بود حکومت ایران برای بریتانیا حتی از ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه، تهدید بزرگتری است.

فاراژ همچنین از جنگ دونالد ترامپ علیه جمهوری اسلامی حمایت کرده و در بهار امسال در تجمع ایرانیان در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران شرکت کرده بود.

او هفته گذشته نیز درباره احتمال ورود عوامل جمهوری اسلامی به بریتانیا از طریق قایق‌های کوچک عبوری از کانال مانش هشدار داد.

حسین قندهاری

حسین قندهاری، معروف به ساسان قندهاری، تا همین اواخر چهره چندان شناخته‌شده‌ای در بریتانیا نبود. اما پس از آنکه تابستان امسال وعده داد میلیون‌ها پوند به حزب «اصلاح بریتانیا» کمک کند نامش بر سر زبان‌ها افتاد.

این تاجر ۶۱ ساله همچنین ۵۰ هزار پوند به نایجل فاراژ کمک کرد تا هزینه دو مجوز حضور وی در مجمع جهانی اقتصاد در داووس تامین شود.

قندهاری می‌گوید، مدیریت صندوقی به نام «اچپی تراست» را بر عهده دارد که ارزش سرمایه‌گذاری‌های آن به بیش از ۱۰ میلیارد دلار معادل حدود هفت میلیارد پوند می‌رسد. با این حال او تا کنون جزئیات روشنی درباره چگونگی شکل‌گیری ثروت خانوادگی‌اش ارائه نکرده و تنها گفته است که این صندوق در اروپا و آمریکای شمالی دارایی‌هایی دارد.برآوردها نشان می‌دهد، ثروت این خانواده در سال ۲۰۰۸ زمانی که مادر قندهاری مِلکی در منطقه معروف به «خیابان میلیاردرها» در لندن خرید، حدود دو میلیارد دلار بوده است. نام این منطقه پیشتر نیز در ارتباط با دارایی‌ها و سرمایه‌گذاری‌های منتسب به چهره‌های نزدیک به جمهوری اسلامی مطرح شده بود.

به گزارش گاردین، همکاری تجاری قندهاری با «آستان قدس رضوی» در سال ۲۰۱۶ پس از مرگ عباس واعظ طبسی که تولیت این نهاد را بر عهده داشت، پایان یافت.با انتصاب یک روحانی تندرو به جانشینی او، شرکت‌های وابسته به قندهاری از پروژه مخابراتی کنار گذاشته شدند و «آستان قدس رضوی» مالکیت کامل شرکت مشترک را در اختیار گرفت.

وکلای قندهاری می‌گویند، پس از پایان این همکاری، شورای عالی «امنیت ملی» جمهوری اسلامی او را به همکاری با قدرت‌های غربی متخاصم متهم کرد.

به گفته وکلای قندهاری، هدف او از سرمایه‌گذاری در این پروژه، گسترش دسترسی مردم ایران به اطلاعات و کمک به ایجاد تغییرات سیاسی در کشور بوده است. آنها می‌گویند قندهاری معتقد بود مقام‌های آمریکا و فرانسه نیز به همین دلیل با اجرای پروژه موافقت کرده بودند.

وکلای او همچنین گفته‌اند، قندهاری در ۳۰ سال گذشته به ایران سفر نکرده و ثروتش ارتباطی با فعالیت‌های اقتصادی در این کشور ندارد. به گفته آنها، املاک و دارایی‌های خانوادگی قندهاری در ایران نیز در سال ۲۰۱۶ مصادره شده است. «آستان قدس رضوی» پنج سال پس از پایان این همکاری، در سال ۲۰۲۱، از سوی آمریکا تحریم شد. وزارت خزانه‌داری آمریکا اعلام کرد که این نهاد بخش‌های گسترده‌ای از اقتصاد ایران را در اختیار دارد؛ از جمله دارایی‌هایی که به گفته واشنگتن از مخالفان سیاسی و اقلیت‌های مذهبی مصادره شده و منافع آن به علی خامنه‌ای و مقام‌های ارشد جمهوری اسلامی می‌رسد.

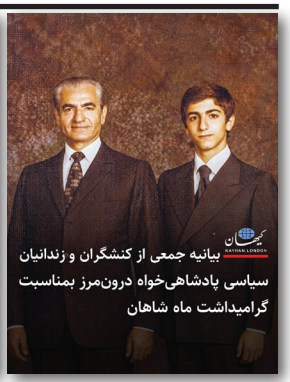
بیانیه جمعی از کنشگران و زندانیان سیاسی پادشاهی‌خواه درون‌مرز بمناسبت گرامیداشت ماه شاهان

بازگشت ماچادو به ونزوئلا؛ روبیو: نتیجه حمایت‌های آمریکا بود

نیروگاه برق کیش از مدار خارج شد

شاهزاده رضا پهلوی: روز کوروش بزرگ خجسته باد!

شاه‌بانو شاهزاده رضا پهلوی به ماریا کورینا ماچادو: مردم ایران در کنار مردم ونزوئلا ایستاده‌اند

وال‌استریت ژورنال: میزان صادرات نفت از «تنگه هرمز» از پیش از جنگ هم فراتر رفته است

اینترنت بی‌کیفیت در ایران گران‌تر شد؛ افشای نامه نهادهای مسئول درباره قطع سراسری اینترنت در صورت بروز جنگ

افزایش قیمت هر بشکه نفت برنت به بیش از ۱۱۴ دلار

فاجعه در بازار کار ایران؛ بیش از یک میلیون و ۷۰۰ هزار کارگر بیکار شدند

تشدید انزوای زمینی جمهوری اسلامی در کنار محاصره دریایی و تحریم هوایی

جمهوری اسلامی پادگان‌ها و مراکز نظامی آلمان در منطقه را تهدید کرد

در آستانه تصمیم ترامپ؛ تجهیز تسلیحاتی و عملیاتی ناو«جرج واشنگتن»

کمبود انرژی بلای جان صنایع بی‌رمق ایران

فراخوان گزارشگر ویژه سازمان ملل برای مستندسازی سرکوب‌های فرامرزی و فشار بر خانواده معترضان توسط جمهوری اسلامی

هشدار رئیس سازمان نظام روانشناسی درباره رسیدن به «نقطه اضطرار اجتماعی»

سقوط شاخص بورس ایران برای دومین روز پیاپی

آغاز عرضه بنزین سوپر تولید ایران با نرخ ۱۱۰ هزار تومان

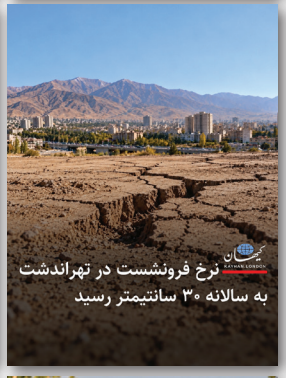
نرخ فرونشست در تهراندشت به سالانه ۳۰ سانتیمتر رسید

۱۷۰ مدرسه چادری و ۱۶۰ مدرسه کانکسی در استان خوزستان

اخراج بیش از ۳۵۰ کارگر شهرداری تهران

برگزاری نمایشگاه «منارت فِر» در پاریس با حضور هنرمندان ایرانی

گفتگو با عباس فیض درباره خیام و به چالش کشیدن مفهومی به نام پروردگار و جهان آخرت

دادستان درفول دستور برخورد قضایی علیه زنان موتورسوار را صادر کرد

نیویورک‌تایمز: جمهوری اسلامی در مراحل پیشرفته برنامه‌ریزی برای حمله به آمریکایی‌ها قرار دارد

بیش از ۶۷۲۰ موسسه خیریه در ایران بدون شفافیت مالی و صورت مالیاتی!

ترامپ:
جمهوری اسلامی از هرجا شلیک می‌کند سه دقیقه بعد هدف قرار می‌گیرد

افزایش شش برابری قیمت روغن موتور اتومبیل

بنیامین نتانیاهو اختلاف با ایال زمیر را رد کرد؛ «مزخرف می‌گویند»

ائتلاف نتانیاهو پیشتاز انتخابات اسرائیل؛
تلاش رئیس جمهور برای جلوگیری از انتخابات مجدد

قیمت رسمی شیرخام افزایش یافت؛
کاهش سهم لبنیات در سبد خرید خانوارهای ایران

پایان ناوگان سایه؛ محاصره اقتصادی آمریکا ذخیره نفت جمهوری اسلامی به مقصد چین را خشکاند

جزئیات جدید از «جنگ ۱۲» روزه از زبان رئیس پیشین موساد:
تعداد زیادی از عوامل ما هنوز در ایران زندگی می‌کنند

تکلیف مجلس برای نهادهای امنیتی:
فهرست «رسانه‌های معاند» منتشر شود!

گسترش تحریم‌ها؛
دامنه اینترنتی ایران‌ایر مسدود شد

وقوع یک انفجار مشکوک در محله نارمک تهران

گفتگو با دکتر مهدی میرسعیدی؛
از اتاق کودکی تا عقل کلّ

اجرای تراژدی «مکبث» در پاریس؛
«بدترین شرارت‌ها از انسان سرچشمه می‌گیرد»

جمهوری اسلامی به حمله جدید آمریکا و اسرائیل نزدیک می‌شود
نگاه دیگران

بخشنامه آموزش و پرورش:
دانش‌آموزان باید چهارشنبه‌ها در تجمعات شبانه شرکت کنند

بحران کمبود انرژی در ایران؛
کارکنان غیرعملیاتی عسلویه دورکار شدند

گاردین:
میلیارد ایرانی‌تبار حامی حزب «اصلاح بریتانیا» با «آستان قدس» همکاری تجاری داشته است

محسن رضایی:
حمله کنند، زیرساخت‌های منطقه را هدف قرار می‌دهیم!

آنچه رژیم ایران در رسیدن به آن ناکام ماند، درباره حوثی‌ها تکرار می‌شود!
نگاه دیگران

تورم ۸۸/۷ درصدی در مهرماه؛
حداقل هزینه ماهانه یک خانوار سه نفره ۱۰۰ میلیون تومان شد!

ابتلا به کرونا و آنفولانزا در ایران از مرز هشدار عبور کرد

معاون وزیر ارتباطات:
حملات سایبری در دو تا سه روز گذشته افزایش یافته است

حکم ۹ ماه حبس بابک اسلامی فارسانی، وکیل دادگستری، تأیید شد

«توهین به حسن نصرالله»؛
اتهام یک آموزگار و فعال صنفی در اهواز!

انتقال اطلاعات ماهواره‌ای روسیه از طریق جمهوری اسلامی به نیروهای نیابتی

بازی جمهوری اسلامی با جان شهروندان؛
افزایش ۵۴۰ درصدی قیمت انسولین طی پنج سال!

KAYHANLIFE
KAYHAN LONDON
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

## عکس هفته | در گرامیداشت هفته شاهان

چهارم تا دهم آبان در سالهای گذشته توسط بخش زیادی از ایرانیان با نام «هفته شاهان» گرامی داشته می‌شود. چهارم آبان سالروز تولد محمدرضاشاه فقید و شاهدخت اشرف، دوقلوهای پهلوی؛ هفتم آبان روز بزرگداشت کوروش بزرگ؛ و نهم آبان‌ماه زادروز شاهزاده رضا پهلوی، و دهم آبان جشن باستانی و ملی «آبانگان»، در ستایش ایزدبانو آناهیتا است. با گذشت حدود نیم قرن ازتباهکاری‌های جمهوری اسلامی، ایرانیان -به ویژه نسل جوان- با تکیه بر تاریخ ۲۵۰۰ ساله پادشاهی ایران و دستاوردهای پادشاهان فقید پهلوی، انقلاب۵۷ و حکومت برآمده از آن را پرانتزی ویرانگر در تاریخ ایران ارزیابی کرده و با پذیرش رهبری شاهزاده رضا پهلوی در جریان مبارزات ملی و سر دادن شعار «پهلوی برمیگردد» به دنبال بازگرداندن آزادی و آبادی به میهن هستند.